

فهرست مطالب

۵	پیش فکار
۱۳	بعض اول
۱۵	روشن بینی
۲۵	فصل (۱) روشن ضمیری چیست؟
۴۵	فصل (۲) اقسام روشن بینی
۶۱	فصل (۳) فنون یادگیری روشن بینی
۷۱	فصل (۴) تجربیات بصری
۷۷	فصل (۵) سخن با فرزانگان
۷۹	بعض دوم
۸۹	تله پاتی
۱۰۱	فصل (۶) تله پاتی چیست؟
۱۱۱	فصل (۷) شرایط بدنه لازم برای موقعیت
۱۲۳	فصل (۸) شرایط مطلوب از دیدگاه روانی و روانشناسی
۱۳۳	فصل (۹) آموزش تله پاتی
۱۳۹	فصل (۱۰) تله پاتی با مسمرنیم و هیوتونیم
	فصل (۱۱) تله پاتی و مشکل فرا جسمی
	فصل (۱۲) قالب های فکری تله پاتیک

**Butler, Walter Ernest** ۱۹۷۴A - ۱۹۸۴A  
پالر، والتر اورست، ۱۹۷۴-۱۹۸۴  
آموزش عالیمندان، به انتظام روش‌های، طبیعت و روانگردی / اثر دیلور، آی.  
پالر، برگزیدن مهار جلالیانی ... - همراهان اعزام ایران، ۱۹۷۴A  
۲۹۶ ص. - (استشارات فرهنگ ایران، ۱۵). فرهنگ ایرانشناسی، (۲)

فهرست محتویات کتاب  
عنوان اصلی:  
How to read the aura,  
practice psychometry, telepathy & clairvoyance.  
۱. همه راهنمای آورا، ۲. دوچشمانی، الق، جلادانی، همراه مترجم.

۱۳۹۷/۸/۲۲  
۱۳۹۷/۸/۲۲  
کتابخانه ملی ایران

آموزش حالتیینی  
روشنیش، تله پاتن، روان نگری

نوشته دیلور آن پاتر  
برگردان میروار جلالیان  
چاپ نویل ۱۳۷۶  
۳۰۰ نسخه  
چاپ رامین

شایک ۲-۲۳-۹۱۲۵-۹۷

انتشارات فراروان: تهران  
۰۲۶۳۷۷۵۳-۱۴۱۵۰-۵۷۹۹

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

پیش گفتار

مختصریم که چهار اثر فراوانشناس پر جسته‌ی بریتانیایی، دبلیو.ای. بالتر را در یک مجلد تقدیم حضور خوئندگان نماییم. این آموزش‌نامه‌های علمی که به منظور پژوهش چهار رکن اصلی فراوانی تهیه شده‌اند، در کشور انگلستان به شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند و بسیاری از روانشناسان بزرگ آموخته‌های خود را در مباحث مطروحی فوچ مرهون تکنیک‌های بالتر هستند.

امروزه تحقیقات روانشناسی یا فراوانشناسی به مطهور روز افزون مورد توجه  
تعداد بیشتری از مردم قرار می‌گیرد. کتاب فوق العاده‌ی یوری گلار که مورد  
استقبال فراوانی واقع گشت، اثر بر جسته و بسیار مفید ادکان کیس در اوایل قرن  
حاضر، و نوآوری انتقامی اخیر در روش عکس برداری از هاله که توسط سیمیون و  
والنتینا کرلین صورت گرفت، توده‌ی مردم را از وجود قابلیت‌های فراوانی آگاه  
ساخته است.

لروزه بهجز شکاکین متحجر کسی در باره‌ی واقعیت این توانایی‌ها تردید ندارد. این قابلیتها نه تنها وجود دارند، بلکه به عقیده‌ی کارشناسانی چون پاتل در وجود همه‌ی انسانها نهفته‌اند و در انحصار محدودی «از ماهتران» یا محصول

		<b>بخش سوم</b>
۱۴۵		روان‌نگری
۱۴۷	(۱۳)	معنای یک انسانه
۱۵۷	(۱۴)	فصل لازمی استعدادهای فرازوانی
۱۶۷	(۱۵)	فصل تعلیمات مقدماتی
۱۹۱	(۱۶)	فصل نخستین گامها
۲۱۷	(۱۷)	فصل یک توصیه‌ی دوستانه
		<b>بخش چهارم</b>
۲۲۱		هاله‌هایی
۲۲۳	(۱۸)	فصل هاله چیست؟
۲۳۳	(۱۹)	فصل ساختمان هاله
۲۴۷	(۲۰)	فصل مدار نیزد
۲۶۹	(۲۱)	فصل هاله‌ی عاطفی-ذهنی

قليل اعتماد بودن آن است. مسئله اينجاست که اشراف همواره در موقع ضرورت در دسترس نيست و گاه که حاضر است احتمالاً انقدر خفيف ياناماؤس است که اعتماد کردن بدان محل تردید خواهد بود.

به تجربه ثابت شده که انسان در شرایط بدوي در مقیاسی به مراتب وسیع‌تر از آنچه تمن مخدونه می‌شود از اشراف استفاده کرده، بدان اعتماد می‌کند. ظرفیت اشراف در انسان تحت تأثیر پرورش قدر استدلال و گسترش تجربه گرایی، تقلیل یافته است.

ساکنین این سیاره خاکی، از قدیم باروش‌های پرورش قابلیت‌های ذهنی آشنا بوده‌اند؛ اما این دانش همواره نوعی راز تلفی می‌شده و باوسانی زیادمورد حراست قرار می‌گرفته است و تنها بر مریدان و طالبینی افشاء می‌شده (غالباً طی مراسم وصل)، که از ارزش، رشد، مسئولیت پذیری، و آمادگی اخلاقی لازم برخودار شده بودند. این رازداری و انحصار طلبی بی دلیل نبوده است اشراف که امروزه یکی از قابلیت‌های فراوانی محسوب می‌شود، به آدمی قدرتی شگرف می‌بخشد که چنانچه در اختیار نایه کاران قرار گیرد، می‌تواند موجب ویرانی و تباہی شود. بهترین مثال برای اثبات این مدعای، هیتلر و حزب نازی است. نازی‌ها قصد داشتند نیروهای فراوانی جادویی را به نژاد آريایي بازگردانند؛ چه به اعتقاد آنان قبائل ژمن پيش از تغیير مذهب و پذيرش آئين مسيحيت اين قدرتها را در اختیار داشته‌اند. آنان اميد داشتند که با تمسك به شیوه‌های پالایش رُتیکی در مدارس نخبگان اس، اس، نسلی از ابرانسان‌ها را پرورش دهند که تشکیل دهنده نژاد برتر بوده، بر جهان تسلط یابند آنان در صدد بودند تا از طریق برنامه ریزی، اشراف و جادویی «را به جای استدلال، قساوت را به جای شقاوت، و فرنده خوبی را به جای مسئولیت پذیری اخلاقی رواج دهند.

نوعی «جهش رُتیکی» نیستند. روشن ضمیری، تله‌باتی، روان‌نگری، و هاله بینی از جمله مهارت‌هایی هستند که به واسطه تمرین و ممارست قابل پرورش می‌باشند. تکنیکهای ساده و عملی با تأثیر با بهره‌گیری از حداقل ابزار قادرند هر کسی را به حسن برتر مججهز نمایند.

محور اصلی تمام قابلیت‌های فراوانی حسن اشراف است. براساس جدیدترین تحقیقات به عمل آمده پیرامون مغز انسان، آدمی معمولاً تنها چیزی در حدود ده درصد از ظرفیت ذهنی خود را به کار می‌گیرد. چه باس اپیسرفت‌های آتی در خصوص دانش فراوانشناصی و ادامه‌ی مشاهدات تجربی فرآیندهای روانی مغز توسط متخصصین مغز و اعصاب، غیر حسی بودن عملکرد سایر بخش‌های مغز را در داد و ستد اطلاعات محیطی به اثبات برساند.

حوالی مجرای معمول دریافت‌های ما هستند. ما در مواجهه با جسمی مثل یاقوت کبود، رنگ آن را آبی تشخیص می‌دهیم؛ زیرا اطلاعات مربوطه را به واسطه ابزار حسی بینایی یعنی چشم دریافت می‌کنیم. اما هنگامی که روشن ضمیری تشخیص می‌دهد که جسم واقع در اتاق مجاور یا کیلومترها دورتر جواهری آبی رنگ یا یاقوت کبود است، این اطلاعات را توسط یکی از قابلیت‌های فراوانی دریافت می‌کند. ادراک فراحسی یا حسن برتر ریشه در اشراف دارد.

همه‌ی ماصاحب حسن اشراف بوده و تا حدودی از آن استفاده می‌کنیم؛ اگر چه باید گفت که شیوه‌ی عمل این حسن از فردی به فرد دیگر کاملاً متفاوت است. اما هر آنکس که لذت فوق العاده‌ی بی‌گیری حسی نیرومند و سپس تایید این حسن را تجربه نموده باشد، به ارزش بهره‌برداری بیشتر و آگاهانه‌تر از اشراف واقف خواهد شد. مشکل اشراف، آن گونه که در انسان امروزی مشهود است غیر

هیچ تردیدی نتیجه‌ی اعمال خود را خواهد دید. از سوی دیگر، اقداماتی که عاری از نفسانیات و به حال دیگران مفید باشند، موجبات رشد آدمی را فراهم کرده و توان او را در جهت خدمت به دیگران افزون می‌سازند.

به راستی فواید حاصل از توسعه‌ی آگاهی و عبور از مرز حواس معمول بی شمار است. به عنوان مثال، افزایش قابلیت هاله بینی را در نظر بگیرید. تصور کنید که چنانچه قادر شویم به واسطه‌ی مشاهده‌ی تغییر رنگ هاله، عملأ خلقيات و حالات ذهنی افراد را تشخيص دهيم، درک دیگران و تعقیق روابط متقابل تا چه حد تقویت خواهد شد اگر بتوانیم مکانیزم رویدادهای انسانی را با صحت و دقت کامل درک کنیم، پرهیز از درگیر شدن در ذهنیت‌های منفی سایرین چه آسان خواهد بود. پیروان مکاتب اسرار که صاحب قدرت هاله بینی هستند، از قدیم معتقد بوده‌اند که بیماری‌ها معمولاً قبل از ظهور در جسم به واسطه‌ی حوزه‌ی انرژی هاله قابل رویت هستند. با در اختیار داشتن این قابلیت می‌توانیم نسبت به بروز خطرات قریب الوقوع جسمی از قبل آگاه شده و کمک‌های شایانی به خود و سایرین بنماییم.

پهنه‌گیری از حس مکائشفه در تشخیص یا «قرائت» تاریخچه یا پیوگرافی اشیاء مادی را روان‌نگری<sup>۱</sup> نامیده‌اند. براساس عقیده‌ی باطنیون، ذخیره‌ی تأثیرات نیرومند ذهنی، عاطفی و معنوی مربوط بهر جسم که در ساختار آن قرار می‌گیرد این امر را ممکن پنداشیده‌اند. جسمی مثل تاج پادشاهی انگلستان که از لحاظ تاریخی اهمیت زیادی دارد، ارتعاشات حاصل از قرن‌ها کشمکش و جایگاهی را در خود حمل می‌کند. فردی که روان‌نگری آشنا باشد، به واسطه‌ی تنظیم ارتعاشات خود با تشتمعت چنین جسمی می‌تواند به جنبه‌هایی از

۱-Psychometry

بازیابی و پرورش اشراف فراوانی بهصورت مدون و با روشی صحیح، بدون تردید می‌تواند منشاء فواید بسیاری برای انسان باشد. ولی مثال بالاخطر آفرین بودن این فرآیند را به اثبات می‌رساند. انسان خود قسمتی از روند تکاملی خلقت محسوب می‌گردد؛ بنابراین هر تلاشی در جهت رجوع به هریک از مراحل پیشین، غیر طبیعی بوده و با قانون تکامل منافق دارد. مسیر طبیعی تکامل، بازیافت حس اشراف و تلفیق آن با منطق و مستویت پذیری را بیجان می‌کند. این مسیر قرن‌ها بستر تکامل بوده است.

ظاهرآهمه‌ی مکاتب اسرار در این مورد اتفاق نظر دارند که مهمترین ویژگی عصر دلو<sup>۱</sup>، که اینک در آستانه‌ی آن هستیم، کثار رفتن پرده‌هی ایهام از برابر دلنش اسرار و به مطريق اولی رمز مربوط بدان است. عصر دلو دوران مستویت پذیری فردی و تلاش شخصی فرد فرد انسان‌ها در جهت تکامل معنوی و اكتساب روش ضمیری خواهد بود. بنابراین همه‌ی کسانی که کتاب حاضر را مطالعه کرده و این راه هیجان‌لتکیز را در پیش می‌گیرند، وظیفه دارند انتگری‌ی باطنی خود را در جستجوی خلوص یا خود پستندی بگذارند؛ چه هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت، هر آن کس که با سؤال‌ستفاده از قابلیت‌های معمول یا مألوف طبیعه‌ی ذهنی مرتکب خود پستندی گردد یا به سایرین آسیب رساند، بی

۱- Age of Aquarius: بازدهیمن برج از بروج دوازده گانه که بین ژدی و حوت قرار دارد. این عصر را ممکن بازدهم نیز می‌نامند و ویژگی آن در فراهم آمدن تمام عناصر ناچار در اعصاری‌شین و تراکم آنها در جهت ایجاد جهشی بزرگ در شیوه‌ی زندگی پسر در همه‌ی ابعاد نهفته است. در شعری که از زبان لاین به زبان‌های اروپایی ترجمه شده است و در دهی هفتاد شمار همین‌ها در طرق‌داری از صلح بود، چنین آمده: «آنگاه که ماء در هفتین مژل جای سرگرد و مشری با مربع همه‌ستان می‌گردد، صلح بین میاره حکمران‌گشته، عشق چشم ستارگان را غیره می‌کند». البته گفته می‌شود که این تحول صرفاً در ابعاد انسانی رخ نمی‌دهد و مقارن با آن، پرسه‌ی زمین مستحکم دگرگونی‌های سیار خواهد شد و طبیعت پدین و میله آنجه را که انسان از آن گرفته، باز پس خواهد گرفت.

بهره‌گیری از تکنیک‌های بالاتر شما نیز می‌توانید هم اکنون به‌واسطه‌ی تجربه مستقیم، واقعیت آنها را به خود ثابت کنید. پروردن وجه فراروایی می‌تواند با گشايش دریچه‌های نوین و اعجاب‌انگیز، فرصتی برای یک عمر ماجراجویی و تحقیق فراهم نموده، زندگی شما و دیگران را ثمریخش سازد.

تاریخ دست یابد که به ندرت در کتب تاریخی ذکر شده‌اند. بدین ترتیب ارزش و قایده‌ی روان‌نگری برای مورخان، دوست داران اشیاء عتیقه، اهل موزه، انسان شناسان، باستان‌شناسان و سایرین به سهولت قابل تشخیص خواهد بود. علی‌رغم موارد بیشمار پدیده‌های معتبر فراروایی، دانشمندان هنوز از به رسمیت شناختن این پدیده‌ها سر باز می‌زنند. جهان‌بینی جاافتاده‌ی عملی در پی‌پر این پدیده‌ها کاملاً استگر گرفته و شواعد وجود نیروهای ذهنی مافق طبیعه در مادیگرایی علمی رایج به شدت خلل ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر، سازمان‌های ضد جاسوسی روسیه و آمریکا به تحریم علوم در این زمینه وقوعی نمی‌گذارند. هرگاه پیشی گرفتن در موافن‌هی قدرت ایجاد کند، چه کاری. ب. و چه سیاست‌های اهداف جاسوسی و کسب اطلاعات باکمال میل از این نیروها بهره برداری می‌کنند. در ماه اوت سال ۱۹۷۷ دریا سالار استنسفیلد ترنر<sup>۱</sup> که در آن زمان ریاست سازمان سیا بر عهده داشت، از مهارت‌های فردی روش‌بین در چهت جاسوسی از راه دور بر علیه دشمنان ما استفاده کرد. این بهره برداری تا هنگام مرگ فرد مورد نظر ادامه یافت. در ماه ژوئیه‌ی سال ۱۹۷۷ داستان زندگی گزارشگری آمریکایی نقل مطبوعات شده بود. این شخص به اتهام تلاش برای خارج ساختن استاد مربوط به تحقیقات فوق سری روسیه در زمینه‌ی فراروانتسانسی از شوروی در آن کشور بازداشت شده بود. استنباطی که از چنین تحقیقات دنباله‌داری حاصل می‌شود و کتاب<sup>۲</sup> را به ذهن متبدار می‌کند، قاعده‌ای هر اندیشمندی را تگران می‌نماید.

امروزه دیگر وجود نیروهای مأموره الطبیعه محل تأمل و تردید نیست. با

۱- Admiral Stansfield Turner

۲- اثر جرج اورول.

## بخش اول روشن بینی

### روشن ضمیری چیست؟

به نظرم آنکه گفت: «آقایان منظور تان را تشریح کنید تا از بحث اضافه پرهیز شود، متفکر و فیلسوف بزرگ دکتر جانسون<sup>۱</sup> بود، یعنی کسی که به همت دوستش باسول<sup>۲</sup> جاودانه شد. این اندرز در گفت و گو پیرامون موضوعی مثل روشن ضمیری بسیار مفید خواهد بود. نام روشن بینی آنچنان با مفاهیم مختلف آمیخته شده که بهتر است قبل از ورود به مبحث پرورش قابلیت روشن ضمیری مطالبی را در باره‌ی طبیعت آن پذانیم. در غیر این صورتی ممکن است در ورطه‌ی مغالطه در افتخیر، بنابراین باید ابتدا در مورد این قدرت شگفت‌انگیز

۱- ساموئل جانسون (۱۷۰۹ - ۱۷۵۲ م) منتقد، شاعر و فرهنگ‌نویس انگلیسی که در شهر لیچفیلد متولد شد. وی در شهر لندن اقامه‌گزید و از راه نویسنده‌گی مقابله و سروdon شعر برای نشریات به امرار معاش پرداخت. زندگی نامه‌ی او توسط جیمز باسول، نویسنده اسکاتلندی که از «وستان وی بود، به رشته‌ی تحریر درآمده است.

2- James Boswell (1740 - 95)

مسمریست‌های نسل اول در آزمایش‌های خود بر روی بیماران متوجه شدند که برخی از آنان هنگام قرارگرفتن در جذبه‌ی عمیق هیپنوتیزم علائمی از خود بروز می‌دهند که با آنجه امروزه حس برتر خوانده می‌شود شباهت زیادی داشت. البته آنان با این اصطلاح ساده و پوست کنده آشنا نبودند، بنابراین در اشاره به این ویژگی از واژه‌هایی مانند آنجه که تاکنون ذکر شد استفاده می‌کردند. از سوی دیگر در عصر حاضر این پدیده با اسامی دیگری شناخته می‌شود که بسیاری از آنها از واژه‌های یونانی و لاتین مشتق شده‌اند. علت این تغییر نام این است که اسامی قبلی همواره بهانه‌ای برای خرافات، ساده لوحی و شیادی بوده و هستند. بدین ترتیب شکستن قالب‌های قدیمی ضرورت داشت. پس می‌بینیم که شاعر آنجاکه می‌پرسد، «نام‌ها حاوی چه چیز هستند؟» پر بپره نگفته است. اما واقعیت عنصر اصلی بینایی فراحسی کماکان محفوظ است؛ حتی اگر ماوراء الطبيعه، حس برتر یا آنکونه که امروزه مشهور است، روش بینی خوانده شود.

سه واژه‌ی روش بینی، روش شنوی و روش بساوایی به وضوح در حواس بینایی، شنوایی و لامسه اشاره دارند و البته منظور مانه حواس معمول فیزیکی، بلکه حس برتر یا حواس فرافیزیکی است. اما از آنجاکه در این مورد حواس فیزیکی ابراز تشخیص نیستند، این سوال پیش می‌آید که سرمنشاء این حواس در کجا قرار دارد؟ بهطور خلاصه باید گفت تا آنجاکه مامی‌دانیم وجه ناخودآگاه نهن سرمنشاء این حواس است. روانشناسی نوین ثابت کرده که ماوراء و مادون سطح معمول ذهنی، یعنی وضعیت خودآگاهی در هنگام بیداری، مراتب یا لایه‌های دیگر ذهنی نیز وجود دارند و روشن ضمیری از این مراتب ناشی می‌شود. تا جایی که به موضوع این کتاب مربوط می‌شود، بهطور خلاصه می‌توان

مطلوبی بیاموزیم.  
واژه‌ی روش بینی<sup>۱</sup> که با واژه‌های روش شنوی<sup>۲</sup> و روش بساوایی<sup>۳</sup> قرین گشته است در زبان فرانسوی ریشه دارد. این واژه‌ها توسط پیروان دکتر فرانس آنتون مسمر<sup>۴</sup> ابداع شده‌اند. دکتر مسمر شیوه‌ای را به جهاتیان عرضه کرد که در آن روزگار «مغناطیس حیوانی» و بعدها «مسمریزم» خوانده شد. بخش بخصوصی از مسمریزم بعدها بهوسیله‌ی دکتر جیمز برد<sup>۵</sup> اجیا شد. وی این سیستم را هیپنوتیزم نامید و آن بخش معین از مسمریزم به نام او رسماً نیت یافت؛ تا جایی که امروزه مؤسسه‌ای به نام «انجمن پژشکی هیپنوتیزم» در حال فعالیت است. دکتر اسدیل<sup>۶</sup> و دکتر الیوتسن<sup>۷</sup> بسیاری از همکارانشان که به تلخی مورد تمسخر و آزار پزشکان بنیادگرای دوران خود واقع می‌شدند، شاید در عالم پس از آورده باشند.

علاوه بر این باید مذکور شد که پندرار عمومی از مسمریزم تا حدود زیادی از واقعیت به دور افتاده است. اگرچه به نظر نمی‌رسد که این شیوه مدت زیادی دوام آورد. این برداشت تا حدود زیادی تحت تأثیر شخصیت شوم هیپنوتیزوری به نام پیونگالی به وجود آمده است. این شخصیت خیالی، قهرمان کتاب «کلاه نمدی» اثر دوموریه است که در زمان خود پر فروش ترین کتاب بوده است.

1- Clairvoyance

2- Clairaudience

3- Clairsentience

4- Dr. Franz Anton Mesmer

5- Dr. James Braid

6- Dr. Esdaile

7- Dr. Elliotsons

شده است. مصلح اجتماعی و روزنامه نگار متبحر، دبلیو. تی. ستید، این پدیده را «اثر شیشه‌ی مشجر» نامید و بدین ترتیب، تصویر بسیار گویایی را از طرز عمل ناخودآگاه را آزاد داد. دقیقاً به همان نحو که شیشه‌ی مشجر الگو و رنگ خود را بر نور سفیدی که از آن عبور می‌کند باقی می‌گذارد، ناخودآگاه نیز هرآنچه را که از آن عبور کرده و به حوزه‌ی خودآگاهی وارد می‌شود، مختل کرده و تغییر شکل می‌دهد.

در واقع حتی هنگامی که حواس معمولی خود را به کار می‌بریم نیز، اختلال مشابهی البته به شکلی خفیف رخ می‌دهد. ما چیزی را مشاهده می‌کنیم که ناخودآگاه برایمان رمزگشایی می‌کند و غالباً از آنچه که سایر ناظرین در همان صحنه می‌بینند، غافل می‌شویم. پلیس‌ها و کلاکه معمولاً با اظهارات شهود حوادث و جرائم گوناگون سرو کار دارند، با این پدیده به خوبی آشنا هستند. پیروان فرقه‌های باطنی اذعان دارند که تأثیرات مربوط به روش ضمیری یا سایر پدیده‌های روانی به واسطهٔ دو سیستم عصبی مجرزا در بدن انسان دریافت می‌شوند که عبارتند از «دستگاه عصبی غیر ارادی» و «دستگاه مغزی-نخاعی». چنانچه مجرای عبور تأثیرات فوق دستگاه عصبی غیر ارادی یا به قول قدما «دروازه‌های عاج» باشد، دریافت‌ها مبهم و تفسیر آنها دشوار خواهد بود. ممکن است تصاویر مذکور به خودی خود واضح و مشهود باشند، ولی مفهومی که به ذهن آگاه القاء می‌کنند، به خوبی تشخیص داده نشود. به علاوه در بسیاری از موارد این نوع تصاویر یا تأثیرات تحت کنترل اراده‌ی فرد قرار ندارند و غالباً انسان در هنگام نیاز از به کار انداختن این سیستم عاجز است. گاهی نیز سیستم فوق بدون اراده‌ی سوزه به کار می‌افتد. پر واضح است که این امر تحت شرایط معینی

چندین گفت که همه‌ی ما صاحب کالبدی لطیف‌تر از جنس عنصر فراقیزیکی با فرامادی هستیم و «حوالی» مربوط به این کالبد می‌توانند به طریقی به خودآگاهی ما را بینند. به این ترتیب خواهیم توانست آنچه را در آن مراتب یا کالبد حس می‌کنیم، در وجه خودآگاه ذهن نیز تشخیص دهیم؛ زیرا همانطور که می‌دانید اگرچه شاید نسبت به دریافت پیام‌های حواس پرتر کاملاً آگاه نباشیم، اما این پیام‌ها مدام در خواب و بیداری به ذهن ما ارسال می‌گردند.

در طرح مفصلی که توسط شرقیان از وجه روانی انسان ارائه شده است، به نکات اتصال پیچیده‌ای موسوم به «چاکره اشاره شده که با تربیت آنها می‌توان تأثیرات مأواه حسی را از مجرای ناخودآگاه به ذهن خودآگاه انتقال داد. همانطور که دیدید، برابن واقعیت که مجرای ظهور تأثیرات فوق وجه ناخودآگاه ذهن است تأکید داریم. در مورد نیروهای مافوق طبیعه‌ی انسان نیز همین امر صادق است. البته موارد بسیاری از تصاویر، اصوات و سایر دریافت‌های درونی وجود دارند که از ناخودآگاه ناشی می‌شوند و روانشناسان نیز این حقیقت را به سهولت اثبات می‌کنند که سرمنشان این دریافت‌ها، فشارها و تنش‌های بخصوصی در سیستم ناخودآگاه است. بین دریافت‌های مربوط به حس پرtro و ناخودآگاه تفاوت عمیقی وجود دارد ولی در هر دو مورد تصاویر، اصوات و غیره براساس قوانین حاکم بر مرتبه‌ای در ناخودآگاه تولید می‌شوند که از آن عبور می‌کنند. توجه به این حقیقت فوق العاده اهمیت دارد که اگرچه ممکن است گاهی دریافت‌های ما کاملاً فراخسی باشند، ولی به احتمال زیاد هنگام رسیدن به وجه خودآگاه ذهن به طریقی مختل شده و تغییر شکل داده‌اند. این فرآیند برای همه‌ی کسانی که در این حیطه تجربیاتی عملی داشته‌اند، کاملاً شناخته

می تواند خطر آفرین باشد. مزیت حالت دوم، یعنی دستگاه عصبی ارادی تحت کنترل بودن آن است. این سیستم در مقایسه با سیستم قبلی نسبت به آنچه که در روانشناسی تجربی آنرا اشاره کرده، می نامند، به مراتب مستقل تر عمل می کند. اما با وجود تمام آنچه که گفته شد، باید اضافه کنیم که علیرغم ادعای برخی از مقامات معنوی، معمولاً انسان هیچیک از این قابلیت‌های روانی را بمحض منفرد مورد استفاده قرار نمی دهد. بیش از پنجاه سال تجربه‌ی عملی در این زمینه به ما چنین آموخته که به اصطلاح دو اسطله‌های روحی در هیچ مقطعی سیستم عصبی ارادی خود را به طور کامل به کار نمی گیرند. البته امکان دارد که در شرایط مطلوب نو دارصد از قابلیت‌های این سیستم به طور همزمان وارد عمل شوند. در واقع هر دو گروه دو اسطله‌های روحی «مشتبه» و «منفی»<sup>۱</sup> با معیارهای متغیر سروکار دارند و به تناوب از هردو سیستم استفاده می کنند. اگر چه قاعده‌تا سیستم ارادی باید نسبت به دیگری غالب باشد، اما تمام مراحلی که حواس (چه فیزیکی و چه فرافیزیکی) در راه یابی به وجه خود آگاه طی می کنند، در واقع فرآیندهایی هستند که توسط دستگاه عصبی غیر ارادی و به واسطه‌ی مکانیزم خفن ناخود آگاه به اجرا در می آیند.

این مطلب را بدين علت ذکر کردیم تا تایزی را که توسط بسیاری از بیرون نظریه پردازان علوم اسراری بین دو شکل مختلف فعالیت‌های فرازونی اعمال شده است، درهم بشکنیم. در عین حال باید تأکید کنیم که خود شما از لحظه‌ی شروع تعلیم فراحی، معیاری را برای خود تعیین نمایید. البته در نخستین مراحل تعلیم باید برای رسیدن به حد مطلوبی از قابلیت‌ها مهلتی را تعیین کرده و

۱- شاید منظور ترینسته از مشتبه و منفی همان تبروهایی است که به جادوی سیاه و جادوی سفید موسوم هستند.

### شکیبایی به خرج دهید، ولی به تدریج و طی روندی دائمی باید کنترل ارادی تجربیات خود را بیاموزید.

چنانچه این پدیده‌ها را به دیده‌ی کنونی بنگردید، به احتمال زیاد در باب ماهیت واقعی روش‌بینی دچار سوءتفاهم خواهید شد. از آنجاکه این نام را بر بسیاری قابلیت‌ها نهاده‌اند، غالباً به سوءتعبیر منجر می‌گردد. بنابراین سعی می‌کنیم مفهوم روش‌بینی را بازبانی ساده توضیح دهیم. اما قبل از ورود به این مبحث، بانوی از روش‌بینی آشنا می‌شویم که در واقع چیزی جز تقویت حس باصره‌ی معمولی نیست. اگر شعاعی از نور سفید را به منشوری بتایند، در آن سوی منشور گروهی از رنگ‌های مشاهده خواهید کرد که از یک سو به قرمز و از سوی دیگر به پنقش محدود می‌شوند. علاوه بر این همانطور که می‌دانیم، فروتر از طیف قرمز، اشعه‌ی مادون قرمز و فراتر از طیف ارتعاشی بنشش، اشعه‌ی مادره بنشش، اشعه‌ی ایکس و بسیاری ارتعاشات دیگر وجود دارند. در واقع چزه کوچکی از این مجموعه‌ی ارتعاشی برای انسان قابل رویت می‌باشد.

اینک طیف‌های حاصل از تجزیه‌ی نور توسط منشور را بر زمینه‌ای سفید بتایند و لز چند تن از دوستان خود خواهش کنید که هر یک مرزهای این مجموعه را تعیین کنند. همانطور که خواهید دید، نتایج به دست آمده در برخی موارد به طرز جالب توجهی متفاوت هستند. خواهید دید که برخی از افراد مرز پایی را در دل رنگ قرمز و مرز فوقانی را بالاتر از بنشش تعیین می‌کنند. برخی نیز آشکارا عکس این حالت را تشخیص می‌دهند ولی در اکثر موارد، آنها این طیف‌ها را همان طوری مشاهده می‌کنند که در انسان معمول است. این اختلافات به ساختار شبکیه‌ی افراد بستگی دارند؛ یعنی پرده‌ای در داخل کره چشم که تصویر اشیاء به وسیله‌ی عدسی چشم برروی آن منتگس می‌شود. البته

کارکرد اعضاء مختلف بدن را به وضوح مشاهده کند، به فایده‌ی این نوع از روش‌بیشی بی می‌بریم.

می‌گویند ابزار پخصوصی وجود دارند که در پرورش و تقویت این نوع از باصره سودمند هستند. به عنوان مثال رنگ‌های معینی مثل دیسیانین را که از تقطیر ذغال سنگ به دست می‌آید، در الکل حل می‌کنند و مایع به دست آمده را بین دو صفحه‌ی شیشه‌ای که با هم فاصله‌ی کمی دارند می‌ریزند. تجربه‌گر برای مدتی با این شیشه‌ی رنگی به متبع نوری خبره می‌شود و پس از مدتی تمرین می‌تواند تشخوصاتی را مشاهده کند که اشیاء همواره از خود ساطع می‌کنند. در توضیح این پدیده نظریه‌ای وجود دارد که می‌گوید با استفاده از این روش تغییراتی در شبکیه به وجود می‌آید. (در واقع منظور سلول‌های میلیاری و مخروطی هستند که هریک انتهای بسیار ریز یکی از اعصاب بینانی محسوب می‌گردد و در مجموع پرده‌ی شبکیه را به وجود می‌آورند). پدین ترتیب چشم قادر می‌گردد آن دسته از طیف‌های نوری را که فراسوی دامنه‌ی ارتعاشی قابل رویت قرار دارند، دریافت کرده و نسبت بدان پاسخ دهد. علاوه بر این عینک هایی موسم به «عینک هاله بینی» نیز وجود دارند که دارای شیشه‌های رنگی هستند و گفته می‌شود که تأثیری مشابه پرده‌ی دیسیانین دارند.

دبلیو. جی. کیلنر<sup>۱</sup>، که سالها قبل در بیمارستان سن توماس واقع در لندن متخصص دستگاههای پزشکی بوده، یکی از پیشتران این گروه از تحقیقات محسوب می‌گردد. او گزارشی از تحقیقات خود را در کتابی تحت عنوان «هاله‌ی انسان» منتشر کرد. در آخرين بخش اين کتاب به باصره‌ی اتری، پدیده‌ی هاله و سایر فرآيندهای مربوط به این پدیده خواهیم پرداخت.

1- W. J. Kilner

در این رابطه عوامل دیگری نیز دخیل هستند که طلب سنتی آنها را به رسیدت نمی‌شناسد. این عوامل در قلمرو فرافیزیکی قرار دارند.

این تجربه ثابت می‌کند که بrix از افراد قادر به تشخیص ارتعاشاتی از نور هستند که سایرین از مشاهده‌ی آن عاجزند و ما به همین دلیل این مثال را ذکر کردیم. در طول سالیان متمادی، در تایید تعالیم پروران مسمر و سایرین شواهد تجربی زیادی به دست آمده است که از برسی آنها چنین نتیجه می‌گیریم: جسم انسان دارای همتایی از جنس عنصری بسیار لطیفتر است و این کالبد لطیف قالبی است که جسم مادی ما برآسان آن بنامی گردد. کالبد یاد شده که کالبد اتری خواند می‌شود نیز به نوبه‌ی خود دارای حواسی است که برای تشخیص حرکت‌های جهان این عنصر لطیف تخصیص یافته‌اند.

از آنجاکه فیزیکدانان و اتره‌ای «اتر» را مایملک خود می‌پندارند، استفاده از این واژه در این کتاب موجب خشنودی آنان می‌شود.

می‌دانیم که اتری حیات از طریق کالبد اتری به جسم راه می‌یابد و نیز ذهن و عواطف می‌توانند در یکای سلول‌ها، غده‌ها و اعصاب بدن تجلی یابند. ضمناً این را نیز می‌دانیم که حواس کالبد لطیف یاد شده قابلیت اتصال به ذهن خودآگاه را دارا هستند و برای این کار روش‌های پخصوصی وجود دارد. در مورد این مطلب، یعنی پرورش بینانی و شناوری اتری در مبحث مربوط به پرورش قوای فراروانی بحث خواهیم کرد.

از آنجاکه انسان با یهود گیری از باصره‌ی اتری می‌تواند آن سوی اشیاء مادی را نیز مشاهده کند، گاهی این قابلیت را دیده‌اشعه‌ی ایکس «نیز می‌نمایند. در آغاز پیدایش مسمریزم، از این قابلیت در تشخیص بالینی بیماری‌ها استفاده می‌شد و از آنجاکه روش‌بیشی اتری در بعضی موارد قادر است داخل بدن افراد و نحوه‌ی

حال که تا حدودی با مفهوم پاصره‌ی اتری آشنا شدیم، با تقسیم بندی موضوع به چهار گروه معین، سایر روش‌های موجود را مورد بحث قرار می‌دهیم.

- ۱-روشن‌بینی از دیدگاه روانشناسی
  - ۲-روشن‌بینی مکانی
  - ۳-روشن‌بینی اثیری
  - ۴-روشن‌بینی معنوی راستین
- در فصل بعد به بررسی این چهار موضوع می‌پردازیم و سپس با در نظر داشتن این اطلاعات پایه، پرورش عملی این قابلیت را مطلع نظر قرار خواهیم داد.

## اقسام روش‌بینی

در فصل قبل، چهار نوع مختلف روش‌بینی را نام بردهیم. اینکه هر یک را بهطور جداگانه بررسی می‌کنیم، اگرچه باید گفت که این کار در عمل بسیار دشوار است؛ زیرا قابلیتی که در هر یک از مراتب درونی به کار می‌گیریم، هر چند تحت کنترل مانیز باشد، به احتمال زیاد در نیمه‌ی راه به مراتب ادراکی دیگری انتقال می‌باید که مورد نظر مانبوده است. اما برای راحتی کار، بین این اشکال مختلف بینایی تمایز قابل شده و هر یک را بهطور مجزا مورد بحث قرار می‌دهیم.

### روشن‌بینی از دیدگاه روان‌شناسی

این عنوان را برای نوع معینی از روش‌بینی، خود ابداع کردہ‌ایم و فکر می‌کنیم شما نیز پس از مطالعه‌ی مطالب این مبحث، دلیل این گزینش را

نمی آوریم، آشنای تازه‌زنگی را در اعماق خاطره‌ی ما به صدا در می‌آورد. در این وضعیت با این که خاطره‌ی ذهنی دوست یادشمن قدمی زنده نمی‌شود، تأثیر عاطفی مربوطه یا همان احساس قدمی بیدار می‌شود و این با عاطفی به جانب غریبه‌ای که به تازگی ملاقات کرده‌ایم، اعکاس می‌باشد. بدین ترتیب حس می‌کنیم فلاتی که شاید در واقع خوب و دوست داشتنی نیز باشد، کسی است که نمی‌توان بدعاعتماد کرد و باید از او برهنگر بود. این بازتاب روانی عمومیت زیادی دارد و بسیاری از جاذبه‌ها و دافعه‌ها را توضیح می‌دهد.

اما بسیاری از موارد، آنچه که بعد از می‌دهد صحت کامل پرداشت اولیه‌ی ما را تأیید می‌کند. در اینجا با نکته‌ای مواجه می‌شویم که غالباً در بررسی روش بینی تازدیده گرفته می‌شود. ما مختاریم که روش بینی را صرفاً نوعی مشاهده‌ی معمولی قلمداد کنیم ولی حقیقت چیز دیگری است. هنگامی که این قدرت روانی در ضمیر ناخودآگاه بیدار می‌شود، موجب انگیزش چیزی بیش از تصویری صرف می‌گردد. در اینجا با فضای ذهنی و عاطفی یا حال و هوای یخصوصی سر و کار داریم که تصویر فوق را در بر می‌گیرد. هنگامی که به تمرین روش بینی می‌پردازیم، مجموعه‌ای متشكل از تصویر بصری، احساس عاطفی و افکار ذهنی برانگیخته شده، به حوزه‌ی آگاهی وارد می‌شود. هنگام بررسی نقش تمادها در روش بینی مجدداً به این مطلب خواهیم پرداخت.

در ابتدای کار این خواطفری-ذهنی معمولاً از هر تصویر بصری ساده‌ای به مراتب پرجسته تر است ولی با ادامه‌ی روش بینی تصویر فوق متمايزتر و حال و هوای مربوط بدان می‌همه‌تر خواهد شد. در مرحله‌ی سوم چنین به نظر می‌رسد که تصاویر بصری تا حدودی جای خود را به درک شهودی بی‌شکل و عجیبی می‌دهند که به واسطه‌ی روشی و تعین خود، تمام جزئیات مربوط به تصاویر

خواهید فهمید. بسیاری از شما با کشش یا دافعه‌ی عجیبی که نسبت به سایرین حس می‌کنیم، آشنا هستید. در شعری قدیمی چنین مده: «فلاتی، از تو خوش نمی‌آید»، و چنین ادامه می‌دهد: «دلیلش رانمی دانم، هر یک از مابلاғ‌الله پس از ملاقات با شخصی نوعی احساس جاذبه یا دافعه‌ی غریزی را نسبت به او در خود حس می‌کنیم و بسیاری از اوقات دلیل آن رانمی دانیم، زیرا این احساس از اعمق ضمیر ناخودآگاهمان ناشی می‌شود. اما نمی‌توان این احساس را لزوماً با روش بینی مرتبه دانست.

در علم روان‌شناسی، در پاب این جاذبه و دافعه توضیحی ساده وجود دارد. شاید بهتر باشد که پیش از ادامه‌ی بحث، این دلیل کامل‌آ روان‌شناسانه را بشکافیم.

همه‌ی ما در بخش اعظم عمر خود با افرادی روبرو شده‌ایم که برخی بدطريقی موجب رنج و عذاب و ترس و برخی دیگر باعث شادی و خوشبختی و امنیت ما شده‌اند. ما این افراد و وقایع مربوط را به فراموشی می‌سپاریم و شاید سال‌های سال حتی بدان نیاندیشیم. اما خاطرات مربوط به این افراد و حوادث از بین نمی‌روند، بلکه صرفاً به اعمق ضمیر ناخودآگاه ما رانده می‌شوند. داشتن این مطالب اهمیت زیادی دارد که بهتر بود تعادل روانی و خوبیشتن داری خود را حفظ می‌کردیم و این خاطرات را در اعمق وجودمان مدفعون نمی‌کردیم، زیرا چه بسا آنها در چنین وضعیتی به نوعی سرطان ذهنی و عاطفی مبدل شوند و با جلوگیری از جریان آزادانه‌ی ارزی، کار طبیعی ذهن را مختل نمایند.

در هر حال در اغلب موارد این قبیل خاطرات به دست فراموشی سپرده می‌شوند. آن‌گاه روزی با شخصی روبرو می‌شویم که چهره یا رفتار او به دوست یا دشمن فراموش شده شباهت زیادی دارد و اگر چه آن شخص را آگاهانه بهیاد

روشن بین دوم، به اندازه‌ی اولی تحت تأثیر موج افسردگی و اندوه موجود در فضای قرار نگرفت بلکه توائست با دقت و خونسردی بیشتری شیخ پیرمرد را ببیند. او به احتمال زیاد می‌دانست که آن شیخ تصویری حقیقی نبود بلکه تأثیر یا سایه‌ی کسی بود که روزگاری در این خانه و اتاق می‌زیسته است. بین سایه و تأثیر به جامانده در فضایی روانی و حضور واقعی موجودی زنده تفاوتی هر چند ظریف ولی حقیقی وجود دارد. تشریح این تفاوت کمی دشوار است. اجمالاً می‌توان چندین گفت که انسان به تدریج نسبت به ماهیت زندگی یا اثری موجود در قالبی که تشخیص می‌دهد، حساسیت لازم را می‌باشد. در این صورت روش بین ما بایست کیفیتی غیر واقعی و عجیب را در این موجود حس می‌کرد؛ در حالی که اگر با موجودی زنده سروکاری داشت، قاعده‌ای نیروی شخصی و فردیت او را شناسایی می‌نمود. در تشریح مستله‌ی تمادها و موارد استفاده‌ی آنها در روش بینی، بار دیگر بین موضع خواهیم پرداخت.

همان طور که انتظار می‌رفت، روش بین کلارآموده در مرحله‌ی سوم به مراتب بالاتری دست یافت. او به مخصوص تنظیم قابلیت روش بینی، چو روانی بسیار سنگین حاکم بر اتاق را تشخیص داد و با افزایش قدرت خود، شبحی را که دوستانش نیز دیده بودند، باوضوح کامل مشاهده کرد. او نیز مثل روش بین دوم از ماهیت شیخ آگاه بود و آن را تصویری حاصل از نور اثیری وصف کرد. سپس با افزایش مجدد قدرت روش بینی، برای چند لحظه‌ی زودگذر شکل و چو موجود محو شد، می‌توان گفت نوعی سد در ذهنش ایجاد شد. بی‌تر دید او چو اندوه، افسردگی و خودکشی موجود در اتاق را تشخیص داده و می‌دانست که این حال و هوای چه علت و چگونه با حفظ قدرت اولیه هنوز در اتاق پا بر جامانده بود و نیز از اقدامات ضروری جهت پراکندن این جو و پاک سازی آن از محیط،

بسیار و حال و هوا یا فضای ذهنی- عاطفی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این کیفیت بدون اتکا به هرگونه تصویر یا جوی، ادراکی کامل، مشخص و قابل فهم را در باب آن چه که تجربه می‌شود به فرد القاء می‌نماید.

ادعائی کنیم که ترتیب محتوم تجربیات به همین صورت خواهد بود، بلکه هر مرحله‌ای که با آن سازگاری بیشتری داشته باشد، اول رخ خواهد داد. شاید برخی از افراد ابتدا مرحله‌ی دوم را تجربه کنند؛ یعنی مرحله‌ای که تصویر و شبهود با هم وارد عمل می‌شوند. بعضی نیز مرحله‌ی سوم را در اول کار طی می‌کنند. اینک با ذکر مثالی از نهاده عملکرد سه مرحله‌ی فوق، موضوع را روشن می‌کنیم. تصور کنید که به خانه‌ای فرا خوانده شده‌ایم که اصطلاحاً تغییر شده نامیده می‌شود و سه روش بین را نیز به همراه برداشیم که هر یک در سطح دریافتی بخصوصی تبحر دارند. بیایید بیننیم روش بین متبحر در مرحله‌ی نخست چه چیز را تجربه می‌کند. با قرار گرفتن در اتاق تغییر شده، او احتمالاً در نقاط مختلف لکه‌های کمرنگ فسفری را مشاهده می‌کند و ابرهایی با نور ضعیف را می‌بینید که به دور او می‌چرخدند و علاوه بر این اثری عاطفی نیرومند و بخصوصی را حس خواهد کرد. این کیفیات موجب برانگیختن عواطف مشابهی در ذهن او می‌شوند؛ عواطفی چون افسردگی و اندوه.

با افزایش قدرت روش بینی، وی شیخ کم سوی پیرمردی را می‌بیند که در برابر اوروی یک صندلی نشسته و با چکی خلقی به بخاری دیواری خیره شده است. (این صحنه براساس ماجراهی حقیقی وصف شده که چند سال قبل برای مارخ داد. در آن هنگام ما برای بیرون راندن اشیاح این خانه تغییر شده بدان جا دعوت شده بودیم.) برای روش بین اول چو اتاق از تصویر پیرمرد ملموس‌تر بود و انتظار می‌رفت که واکنش‌های او براین اساس بروز نمایند.

مؤمن و نیکوکاران در این مکان‌ها دنیا و آخرت به هم می‌رسند.  
روشن بینان این فضا را به خوبی تشخیص می‌دهند. شما نیز با تجربه‌ی  
مستقیم در می‌باید که مسئولیتی عظیم بر دوش دارید؛ زیرا با استعداد به  
همنوغان یا ایجاد موافقی بر سر راه آنان، دائمًا شرایطی را در اطراف خود خلق  
می‌نمایید. گفته‌ی کتاب مقدس نیز این امر را تأیید می‌کند: «زنگانی هیچ کس  
منحصر به خود او نیست».

بدون شک هنگامی که با استفاده از روش‌بینی صحت مطالب بالا را  
دریابید، آنچه را که در صفحات اخیر متذکر شدیم، درک خواهید کرد.  
روشن بینی، آن طور که پرخی مدعی‌اند کار ساده‌ای نیست و سه مرحله‌ای که  
ذکر شد، جنبه‌ای بسیار عمومی از آن را در بر می‌گیرند. این شکل از روش‌بینی  
در حرقه‌ای که آن را مشاوره‌ی روانی می‌خوانند بسیار مقید خواهد بود و  
روشن بینان متوجه در هر یک از سه مرحله‌ی یاد شده می‌توانند در این زمینه  
سودمند واقع شوند.

اگر مطالب فوق به ذهن خواننده چنین القاء می‌کنند که نوع سوم از دونوع  
دیگر برتر است، بدین معنی نیست که دونوع دیگر در مرتبه‌ی پستراتی قرار  
دارند. دو مرحله‌ای اول از این نظر در رتبه‌ی پایین تر قرار دارند که مراحل  
مقدماتی دست یابی به مرحله‌ی سوم محسوب می‌شوند و باید اضافه کنیم که ما  
این مرحله را در این سطح از حواس روانی، بالاترین مرتبه می‌دانیم. البته مراتب  
برتری نیز وجود دارند که آنها را در بررسی روش‌بینی معنوی مورد مطالعه قرار  
خواهیم داد.

به گونه‌ای که مجدداً قابل سکوت گردد آگاه بود.

در این مورد بخصوص نیروی روش‌بینی و به ثمر نشستن راه چاره‌ای که در  
مرحله‌ی بعد تجویز کردیم، مؤثر واقع شد و با پرس و جویی که به عمل آمد،  
صحت یافته‌های حاصل از روش‌بینی به اثبات رسید. معلوم شد که ده سال قبل  
کشاورزی افسرده و مستاصر این منزل بوده است. در طی سال‌های پر  
طبق عادت هر شب از مزرعه به منزل باز می‌گشت، در این اتاق می‌نشست و با  
اندوه به اشتباهات واقعی و خیالی خود می‌اندیشد. او سوانجام خود کشی کرد.  
همان طور که می‌تشخیص داده بودیم، فضایی که او در اتاق به جای گذاشت  
سرشار از اندوه و افسرده و ارتعاشات مربوط به خود کشی بود و هر کسی که  
مدتی در آن اتاق مقیم می‌شد با همین احساس مواجه می‌گشت.

این ماجرا حقیقی بود، ولی چنانچه مایلید داستان تخیلی یکی از استادان  
داستان نویسی را در همین زمینه مطالعه کنید، داستان کوتاهی به نام جراح  
خانگی، نوشته‌ی روڈیارد کیپلینگ<sup>۱</sup> را توصیه می‌کنیم. در این کتاب شعری  
چالب توجه به نام ترانه‌ی رسی<sup>۲</sup> وجود دارد بدین مضمون:

چواندیشمات به آسمان‌ها اوج گیرد، بگذار در بهشت بی‌لاید،

که نیروی ترس آن را به دوزخ در می‌افکند.

بر حذر باش از تباہی و تاریکی اندیشه،

که پس از تو در سرایت باقی می‌ماند.

قدر مسلم در امکانی که قرن‌ها عبادتگاهی راستین بوده‌اند، از هر خشت و  
سنگ نیروهای قدرتمند و مفیدی ساطع می‌شود. به واسطه‌ی اعمال روحانیون

1- Rudyard Kipling

2- Rabbi's Song

کرد و قابلیت تشخیص تاریخچه اشیاء از طریق تمرکز بر آنها را وان نگری<sup>۱</sup> نام نهاد.

روان نگری به زبان ساده عبارت است از روش بینی در پیش زمان، با مبداء و مرجع قرار دادن اشیاء. در اصل این کار بدون استفاده از اشیاء نیز امکان پذیر است، ولی تمرکز بر اجسام موجب می گردد تا قابلیت روش بینی در محدوده معینی به کار آید. اما همان طور که گفته شد، می توان اشیاء را حذف کرد و در واقع نیز بسیاری از افراد بدون آن که از ماهیت عمل خود آگاه باشند به روش بینی در پیش زمان می پردازند. برخی از افراد بدون این که توانایی روانی خاصی را در خود سراغ داشته باشند، بالمس کردن مبلمان یا اشیاء قدیمی، تصاویر و غواطف مبهمی را مشاهده یا احساس می کنند. این قابلیت مبهم در روش بینی آن چنان عادی و معمولی به نظر می رسد که غالباً مورد غفلت قرار می گیرد.

تصویر یک گالری تصاویر عالمگیر، یعنی نوعی بایگانی فیلم های مستند از هرچه که در جهان روی داده است، کار زیاد دشواری نیست. این بایگانی را Mundi Animia یا روح جهان می خوانند و در شرق نام بایگانی آکاشیک را پیر آن نهاده اند. مصریان باستان معتقد بودند پرونده ای که پس از مرگ برای قضاوت در مورد اعمال متوفی مورد استفاده قرار می گیرد در همین بایگانی فناپذیر قرار دارد و در کتاب مقدس مسیحیان، در بخش مکاشفات یوحنان چنین آمده که کتاب ها گشوده شدند و هر روسی به واسطه ای پروتنه ای اقسام خود مورد قضاوت قرار گرفت. شاید تصویر چنین کتابی توسط ذهن کویستنده آفریده شده باشد، اما از سوی دیگر ممکن است هر دو مذهب یاد شده

1. Psychometry

## روشن بینی در زمان و مکان

اینک به مبحث روش بینی در ابعاد زمان و مکان می پردازم. در این جا بادو روش مختلف که توسط روش بینی به کار می روند سر و کار داریم. برای تشریح این مطلب باید به دوران جنگ داخلی آمریکا باز گردیم. در آن زمان یکی از افسران به نام ژنرال پولک<sup>۱</sup> متوجه شد که هر گاه، حتی در تاریکی مطلق جسمی برنجی (از جنس فلز برنج) را لمس می کند، طعم عجیب فلزی رادر دهان حس می کند. این امر توجه دکتر رودس باکاتن<sup>۲</sup> را به خود جلب نمود. نام برده به آزمایش هایی در این زمینه دست زده بود که طی آن شیشه های محتوى انواع داروهای قوی را به دست دانشجویانش می داد. طبق مشاهدات او برخی از دانشجویان با در دست گرفتن شیشه های دارو بلاعسله دچار عوارضی می شدند که مصرف آن دارو در عمل ایجاد می کرد. تحقیقات او نیز بهنوبه خود مورد توجه پروفسور دنتون<sup>۳</sup> قرار گرفت. وی یکی از زمین شناسان مطرح دوران خود بود و با یکمک خواهش، آن دنتون کریچ<sup>۴</sup> آزمایش هایی را تجربه کرده بود.

پروفسور دنتون مشاهده کرده بود که هر گاه خواهش یکی از نمونه های زمین شناسی را به پیشانی خود می چسباند، عملاً تصاویری از تاریخچه آن را می بینند. او با توصل به یک رشتہ آزمایش های طولانی و خسته کننده سعی کرد تا احتمال برقراری هر نوع تلعیباتی بین خود و خواهش را به صفر برساند. پروفسور دنتون نتایج تحقیقات خود را در کتابی تحت عنوان روح اشیاء منتشر

- 1- General Polk
- 2- Dr. Rhodes Buchanan
- 3- Professor Denton
- 4- Ann Denton Gridge

آن طرف تر نقاشی بالای تردیان ایستاده و مشغول کار است. حال تصور کنید درست پیش از رسیدن زن به پای نزدیک، قوطی رنگ مرد نقاش و از گون می شود و به سمت پیاده رو سقوط می کند. با محاسبه می سرعت سقوط قوطی و سرعت حرکت زن شاید فریاد زدن ناظر و هشدار دادن او به زن در مورد حادثه قریب الوقوع توجه پذیر باشد. چنانچه زن بدون توقف در برابر ویترین دیگری با همان سرعت به راهش ادامه دهد و قوطی بدون برخورد با یکی از برآمده کی های ساختمان به سقوط خود خود ادامه دهد، به احتمال زیاد پیش گویی ناظر به وقوع می پیوندد. اما چنانچه سایر عوامل که ذکر شد در روند حوادث دخالت کنند، آن گاه پیش گویی بی اعتبار خواهد بود یا اگر قوطی در برخورد با زمین، رنگ را تاشمع زیادی پیاشد، و در نتیجه لباس زن با چند لکه کوچک رنگی شود، در این صورت می گوییم اتفاق کوچکی رخ داده است.

آنچه که ذکر شد پرخی از انواع پیش گویی را تحدودی توضیح می دهد، ولی نه تمام آنها را. روش بین در وضعیت پیش گویی وجود نیروهای معینی را در رابطه با سوژه تشخیص می دهد و تازمانی که این نیروها به همان منوال دست‌اندر کارند، پیش گویی تواند پیامدهای احتمالی را در اعماق ضمیر خود مجاسبه کند. اما در سایر موارد این نتیجه گیری امکان پذیر نیست و ما با تضادی سرو کار داریم که چنین می گوییم: معمولی که متعلق به آینده است می تواند بر عملت خود مقدم باشد. قدر مسلم این امر تمام قوانین ذهنی را برهم می زند و لی وجود چند مورد استثناء در قلمرو علم فیزیک، ظاهرًا چنین امکانی را تایید می کند. مثلاً این واقعیت تأیید شده را در نظر بگیرید که کترون ها تحت شرایطی معین می توانند در آن واحد در دو مکان ظاهر شوند. کل مسئله به نظریه فلسفی جبر و اختیار و تقدیم و تاخر باز می گردد و برای

از وجود این بایگانی کیهانی آگاه بوده اند. اینک به یکی از جنبه های متفاوت و در عین حال مسئله ساز این موضوع می پردازم. اگر بدیریم که تمام وقایع رخ داده در گذشته در این بایگانی ثبت شده اند، پس تکلیف آن چه که هنوز رخ نداده و گاهی روش بینان از آن خبر می دهند چه خواهد بود؟ البته در این که چنین پیش گویی هایی حقیقت دارند، جای تردید نیست. در واقع آن چه که موجب جذبیت روش بینی می شود، همین قابلیت سیر در زمان آینده است و با مطالعه ای اوراق تاریخ در می باشیم که در تمام تمدنه ها همواره کسانی بدماند که بهر وسیله ممکن در جستجوی کسب این تبعیر بوده اند. این توانایی گاهی در راه های مشتبه و سازنده و گاهی در جهت تخریب و امیال منفی به کار رفته است. قدرت پیش گویی برای نوآموزان دارای جاذبه ای زیاد و در عین حال خطرات بیشماری است. دارا بودن توانایی پیش گویی آینده چشم اندازی بسیار اغوا کننده است و فرد از تصور این که سایرین برای پیش گویی به او توسل می جویند، کاملاً احساس اهمیت می کند. درست در همین جا خطری دو جانبی کمین کرده است. از سویی احساس اهمیت می تواند تا جایی ادامه یابد که فرد را دچار جنون خودپرستی کند و از سوی دیگر ممکن است او از قابلیت خود بیش از حد استفاده کند و به جایی برسد که این قدرت دیگر قابل اعتماد نباشد.

ما هنوز در مورد مکانیزم این قدرت چیزی نمی دانیم، اما نظریه های مختلفی در این باب مطرح شده اند. البته یکی از انواع پیش گویی را می توان با استدلال توضیح داد. به مثالی در این مورد توجه کنید. فرض کنید مردی در ساختمانی بلند کنار پنجه ره ایستاده و به خیابان نگاه می کند. او خانمی را در آن سوی خیابان مشاهده می کند که به تماشای ویترین مغازه ها مشغول است. کسی

باقی‌مانده‌ی قهوه‌ی ته فنجان، ورقهای تاروت، رمالی به‌وسیله‌ی خاک<sup>۱</sup> و روش ای‌چینگ<sup>۲</sup> که هریک در بر انگیختن قدرت روش‌بینی و هدایت آن در جهت پیش‌گویی مؤثرند. البته باید داشت که قدرت هر یک از این روش‌هادر خود فرد نهفته است، نه در تفاله‌ی چای، قهوه‌ی ته فنجان، تصاویر تاروت، علاوه‌به وجود آمده بر خاک، یا ترتیب قرار گرفتن چوب‌های بومادران.

شما باید با آزمونی جدی روپرتو شوید. در پیش‌گویی آینده، شما با زندگی شخصی افراد، امیدها، ترس‌ها و تردیدهای آنان در رابطه‌ای تنگاتنگ قرار می‌گیرید. آنان جزئی ترین کلمات شمارا به متزله‌ی ندای حقیقت می‌پندرانند و پیروی از دستورات شما را در زندگی سرلوحه‌ی خود قرار خواهند داد. آیا از لحظه‌ای خالقی حق دارید خود را در جایگاه هاتفلن قرار دهید؟ گفته‌های شمادر ذهن شنوندگان به وحی منزل بدل می‌شوند. آیا قادرید چنین مسئولیتی را بنهذیرید؟ چنانچه یکی از مخاطبین در مورد گفته‌های شما دچار سوء‌تعبير گردد و بهذیرد که بلایی بر سر راهش کمین کرده است، آیا می‌توانید عمل خود را از نظر وجودانی توجیه کنید؟ آنچه که گفته شد، به اضمام بسیاری مسائل دیگر در پیش‌گویی آینده دخیل هستند و لازم است پیش از اخذ هر گونه تصمیمی در این مورد مسائل مطروحه را به دقت مورد توجه قرار دهید.

اصولاً در تمام جنبه‌های مختلف روش‌بینی به تدریج می‌آموزید که در مورد آنچه به زبان می‌آورید، جانب احتیاط را رعایت کنید و بخصوص مراقب عواقبی باشید که در اثر مداخله در امور دیگران به وجود خواهند آمد.

1- Geomancy  
2- I'Ching

انواع نظریه‌پردازان، وسواسیون و شبه‌فلسفه میدانی برای تاخت و تاز محسوب می‌گردد. اما باید واقع بین باشیم و به همین پسندیده کنیم که «پیشگویی حقیقت دارد ولی مکانیزم آن هنوز مجهول است» در هر حال هنگامی که به پرورش قابلیت روش‌بینی می‌پردازیم، آنچه اهمیت دارد عمل پیش‌گویی آینده است، نه نظریات موجود در باره‌ی مکانیزم عمل. باید توجه داشت که جاز زدن در مورد این توانایی کار عاقلانه‌ای نیست، زیرا اگر افرادی یافت شوند که شما را بیمار روانی نپندرانند، ممکن است با استفاده ساده‌لوحانه‌ی خود به صحت پیش‌گویی‌های شما، درد سر بیافروینند. روش‌بینی به زعم مردم به دو معنی است: توانایی مشاهده‌ی اشباح نامرئی یا پیشگویی آینده، یا هر دو. لما مشاهده‌ی موجودات نامرئی آن طور که ساده‌اندیشان گمان می‌کنند کار ساده‌ای نیست. پیش‌گویی نیز از جهاتی اغفال کننده است. کمتر روش‌بینی قادر است به طور یکنواخت و مستمر به پیشگویی بهزیاری، زیرا روش‌بینی صرف متضمن پیش‌گویی نیست، بلکه در این مورد نوع قابلیت روش‌بینی که فرد مورد استفاده قرار می‌دهد، عاملی تعیین کننده محسوب می‌گردد.

به هر حال، کسانی که مایلند از آینده‌ی خود مطلع شوند، شما را محاصره خواهند کرد و در صورتی که شما به‌واسطه‌ی روش‌بینی قدرت پیش‌گویی را بدست آورده باشید، باید در مورد به کارگیری این قدرت در این راه تصمیم بگیرید. این کار ساده‌ای نیست و تا حدود زیادی به شرایط زندگی شما مربوط می‌شود. اما طبق قاعده‌های کلی بهتر است این قابلیت کمتر مورد استفاده قرار گیرد.

برای پیشگویی وسائل متعددی وجود دارند، متجمله: تفاله چای،

اما در مراتب اثیری، مسئله کاملاً متفاوت است، زیرا عنصر سازنده آن این چنین متراکم و ساکن نیست؛ بلکه حالتی سیال دارد و به واسطه‌ی قدرت آندیشه و بهمختص تمایل فرد ذوب شده، تغییر شکل می‌دهد. پنابراین با پرورش قدرت روش بینی خواهید دید که جهان اثیری از افکار و عواطف ساکنین آن شکل گرفته است.

بعضی از موجودات صرفاً در ابعاد اتری و اثیری زندگی می‌کنند و هر یک چشم‌انداز و شرایط مطلوب خود را می‌افزینند. تا زمانی که ذهن انسان برای افراد شرایط و مناظر فوق تربیت نشده باشد، آن را بی معنی و غیر قابل فهم خواهد یافت.

به علت وجود عنصر سیال در طبقه‌ی اثیری، یافتن راه برای روش بینی که در ابتدای پژوهش باصره‌ی درونی خویش است، دشوار خواهد بود و پیچیدگی آن جهان اوراسرگردان خواهد کرد. با توجه به این‌چه که ذکر شد و به دلیل شرطی بودن ذهن روش بین مبتدی با شرایط زمینی، وی بدون تردید پیش از درک صحیح تجربیات خود مرتکب اشتباوهای فراوانی خواهد شد.

شكل هوشمند حیات در مرتبه‌ی اثیری، بهمیچ وجه شبیه انسان نیست. آنها قالبی مخصوص به خود دارند. اگر روش بینی با این موجودات ارتباط برقرار رساند، در ضمیر تاخود آگاه خویش برای آنها جایگاهی در نظر گرفته، نامی بدن‌ها می‌دهد. این جایگاه و نام معمولاً به شکل اعتقادات سنتی باقی می‌ماند. درست به همین ترتیب بود که در قرون وسطی عناصر چهارگانه تحت عنوان جن، ساحر، موج<sup>۱</sup> و سمندر نام‌گذاری شدند. این موجودات در سایر ملل و زمان‌های

<sup>۱</sup> Undine-۱ به گفته‌ی پاراسلوس من ارواح مؤنث آب‌زی را گویند که می‌توانند به واسطه‌ی ازدواج با موجودات فانی روحی را ناصحاب کرده و صاحب فرزند گردند.

## روشن بینی اثیری

روشن بینی اثیری نامی است که ما برای نوع سوم روش بینی برگزیده‌ام در آینجا قابلیت تشخیص و مشاهده موجوداتی مورد نظر است که صاحب کالبد مادی نیستند.

دیوها و پریان، الهگان متون بیلت، حوریان دریابی، پریان جنگلی و کوهی در اساطیر جزیره‌ی کرت، همه و همه در اقلیم اتری و اثیری وجود دارند و زندگی می‌کنند. با شکوفا شدن نیروی روش بینی، شما نیز خواهید توانست برخی از این موجودات را مشاهده کنید. فعلیت‌های مربوط به این موجودات، برای روش بینان محقق مبحثی جذاب است.

در این نوع روش بینی، رعایت بیشترین احتیاط ضرورت زیادی دارد، زیرا بدین طریق با انواع موجودات که بعضی از آنان رفتاری خصوصت‌آمیز دارند، بهطور آگاهانه ارتباط برقرار می‌کنند. علاوه براین برای مقابله با طالعی که برخی از این موجودات بر شما اعمال می‌کنند بهتر است به تقویت قدرت خود پردازید.

عناصر تشکیل دهنده‌ی موتیه‌ی اثیری، در مقایسه با جهان فیزیکی بسیار متفاوت هستند و این امر ممکن است در نخستین دیدارهای شما از این عالم مسئله ساز گردد. در زمین ماده پایدار است و برای مثال اگر بخواهیم خانه‌ای بسازیم باید قطعات مختلفی از ماده مثل آجر، سفال، تیرآهن، سیمان و غیره را از جایی به جای دیگر منتقل کنیم. فرقی ندارد که از ایزار مکانیکی استفاده می‌کنیم یا از انرژی شخصی خود؛ در هر حال با وزن و اینرسی ماده سر و کار داریم.

## روشن بینی معنوی

اینک به آخرین نوع روش بینی می‌پردازیم که آن را روش بینی معنوی نامیده‌ایم. قبل از پرداختن به این مقوله لازم است مفهوم واژه‌ی معنوی را تشریح کنیم، زیرا این واژه دست‌خوش سوه تعبیرات بسیاری شده است و بسیاری از مکاتب فکری تعالیم خود را براساس این سوه تعبیرات ساده‌انگارانه بنانهاده‌اند. باز هم تأکید می‌کنیم که ما از موضع باور خود سخن می‌گوییم. باید توجه داشت که در این قبیل مسائل، صرفاً می‌توان از منشاء باورهای موردن قبول خویش سخن گفت یا نتیجه‌گیری کرد و از آنجا که دیدگاه‌های افراد در باب حقیقت دارای تنوع بسیاری است، هر کس می‌تواند صرفاً از قول خود یا مشرب فکری خاص خود سخن گوید.

از شمامی خواهیم که با ذهنی باز و بی طرفانه به نظریات مطروحه در این بحث توجه نماییم. مفهوم کلی روح، مشروطه به این که واقعیت آن مورد تأیید قرار گرفته باشد، معمولاً به وضعیتی از وجود اتلاق می‌گردد که نقطه‌ی مقابل ماده و کامل‌امنگاز آن است. این تضاد علی الخصوص در برابر ماده‌ی سازنده‌ی چهان مادی و کالبد یا جسم انسان موجه‌انگاشته می‌شود. نظریه‌ی تضاد آشکار روح و ماده در بدرو مسیحیت به این مذهب رخنه کرد و هنوز هم مورد قبول است. این باور روزگاری تحت عنوان پدعت مانوی در کلیسای صدر مسیحیت مطرح بود. پیروان این اصل معتقد بودند که اگر ماده این چنین پلید و شیطانی بوده و دانلماً با روح در تقابل باشد، پس وظیفه‌ی مذهبیون پشت کردن به مادیات و بذل توجه کامل به صفات روحانی است. بر افراد فرض است که علی الخصوص غایز طبیعی جسم را انکار کرده، مطروع شمارند، زیرا این بدن از عنصری پست

دیگر به اشکالی مختلف در آمدند. شکسپیر با نوشتن نمایش‌نامه‌ی رویای نیمه شب تاپستان، تعداد بیشماری از این موجودات را به‌واسطه‌ی اذهان تمثیل‌گران نمایش شکل داد<sup>۱</sup>. موجودات عنصری به سرعت این قالب‌ها را تسخیر کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند و روش بینان نیز غالباً آنها را در همین لباس مبدل مشاهده می‌گنند.

جهان توهمند، نامی مناسب برای دنیای پهناور اثیری است. این عالم در عین حال که ظاهرآ بطور مصنوعی افزاییده شده است و با الوهم قرین است، اما مانند هر جهان دیگری واقعیت دارد. این توضیح مختصر درباره‌ی وضعیت اقلیم اثیری می‌تواند ایهامات این موضوع جالب توجه را تحدیدی رفع کند. اما تا جایی که به مباحث مطرح شده در این کتاب مربوط می‌شود، پرداختن به جزئیات بیشتری در باب مراتب اثیری ضرورت ندارد. جزئیات فوق تنها در صورتی مورد لزوم خواهند بود که خواننده در صدد اقدام به تحقیقات روانی به خصوصی در این مورد برآید. البته واضح است که کسب دانش بیشتر، به منزله‌ی قدرت پهروزی بیشتر از قابلیت‌های روش بینی است، اما باید داشته باشید همان‌طور که در جهان مادی نیروهای خود را به تدریج پرورش دادید و به کار انداختید، در عالم روانی نیز تجربه بیشترین آموزگار است.

۱-کلید دری این مطالب آگاهی از حقیقت ازی است. براساس این حقیقت در عالم مادی یا روانی - مادی ذهن عنصر آفرینشده محسوب می‌گردد و هر آنچه در ذهن شکل گردد، بالا بردار در سایر مراتب هست واقعیت می‌باشد. گفته می‌شود که با قدرت تصور می‌توان قالب‌های را به وجود آورد. عنصر سازنده‌ی هر یک از طبقات هستی که عموماً سیال است، بلاقابله به این قالب‌ها می‌رسد و بدین ترتیب آنچه تصور شده است به واقعیت در می‌آید.

بسیاری از ما به واسطه‌ی مطالعه‌ی وافر در این مبحث معتقد‌یم که نکوهش‌گری سرسختانه و رقت‌انگیز برخی از افراد نسبت به قوانین اخلاقی موجود بدن جهت است که آنان بی آن که خود بدانند طبیعتاً صاحب قدرت‌های روانی هستند و نسبت به فشارها و وسوسه‌هایی که از طریق تلهپاتی منتقل می‌شوند و سایرین آن راحس نمی‌کنند، حساس می‌باشند. بنابراین بدون اعتقاد به مذهب یا قواعد اخلاقی بخصوصی نیز می‌توان بدین قدرت‌ها دست یافت؛ زیرا آنها همچون حواس پنج‌گانه جزء طبیعی وجود ماستند.

همه‌ی افراد صاحب این استعدادها هستند، ولی عمق آنها در ضمیر ناخودآگاه و درجه‌ی سریع الوصول بودن این قابلیت‌ها در افراد مختلف مستلزم‌ای دیگر است. این استعدادها در برخی از افراد در سطح ناخودآگاه قرار دارند، اما در برخی دیگر آنچنان عمیق هستند که انتقال آن به خودآگاهی محتاج زمانی بسیار طولانی و تلاشی ساخت است. شاید ذکر مثالی برای روشن کردن مطلب بی‌فایده نباشد. دو نفر را در نظر بگیرید که یکی از آنها به طور مادرزاد صاحب استعدادی شگرف در زمینه‌ی موسیقی است و دیگری آشکارا بی‌استعداد. اولی با گذراندن دوره‌ی آموزشی نسبتاً کوتاهی به توانایی بی‌مانند خود بی می‌برد، ولی دومی حتی شاید پس از بیست سال آموزش نیز همچون روز اول از این قابلیت بی‌پره باشد و دریابد که این زمان تلف شده می‌توانست در زمینه‌ی دیگر بکار آید. همین امر در مورد استعداد روشن‌بینی نیز صدق می‌کند. روشن‌بینی استعدادی طبیعی است. اگر می‌بینید که بیش از حد براین حقیقت تأکید می‌کنیم، به دلیل برداشت غلطی است که در این مورد رایج است. براساس این برداشت، این قبیل استعدادها در برخی از افراد خود داد هستند.

قدرت مسلم اینکه سر منشاء هستی، آگاهی و تمام قدرت‌ها خداوند است ولی

ساخته شده است. از سوی دیگر همواره در میان اصحاب کلیسا یا افراد خارج ازین دایره کسانی بوده‌اند که این جهان‌بینی تنگ نظرانه را در کردند. در عصر حاضر نیز مشاهده چنین انکاری را از سوی خالصیون (پیورین‌ها) مشاهده می‌کنیم؛ اما برخی در مخالفت خود چنان راه افراط می‌پویند که ممکن است خود شرایطی را بیافرینند که از آنچه انکار می‌کردد محدود کنده‌تر باشند از نظر ماقیفیاتی چون پرهیزکاری، اعتدال و معنویت حقیقی در تعطیلی بین دو بی‌نهایت قرار دارند و تمام مادیات به اندازه‌ی معنویات، خوب و مقدس هستند. بین روح و ماده هیچ‌گونه خصوصی وجود ندارد، بلکه هر یک از آنها یکی از دو قطب هستی هستند و آموختن بهره‌گیری متعادل از معنویات و مادیات را ز تعالی است. بدین ترتیب، معنویت حقیقی به معنی انکار جهان مادی و امور مربوط بدن، در بند کشیدن جسم و تمام غرایز و کاربردهای شگفت‌انگیز آن، یا تمکز صرف بر نوعی تعاملی معنوی خیالی همراه با تأدیده گرفتن تمام وظایف مسلم خود در برایر همنوعان خوبیش نیست. مسلم‌آمیختگی کس نمی‌تواند کاملاً از جامعه کناره گیری کند، اما ممکن است فرد پادر پیش گرفتن چنین رویدای خود را چنان محدود کند که میزان جذب انرژی‌های حیات بخش از کیهان را به طور قابل ملاحظه‌ای تقلیل دهد؛ انرژی‌هایی که برای تندرنستی و بهروزی انسان اهمیتی حیاتی دارند.

شاید پرسید که تمام اینها چه ارتباطی با پرورش توانایی روشن‌بینی دارند. مسلم‌آمیختگی که با خرافه گرایی در مذهب مخالفند و در امور دینی دست یافت؛ زیرا قدرت‌های روانی با قواعد اخلاقی رابطه‌ای ندارند. اصولاً

۱- گروهی از برستان‌های انگلستان که با خرافه گرایی در مذهب مخالفند و در امور دینی تعلیم بیش از حد به خرج می‌دهند.

در قانون بلا تغییر طبیعت همه چیز امکان پذیر و حاضر است. تنها وجه هستی که مأفوّق الطبیعه محسوب می‌شود به قولی قدیمی، خداوند است و اوست که زاده‌ی طبیعت نیست، بلکه طبیعت مخلوق و مقصود اوست. بنابراین استعدادهای روانی ما قادرت‌های طبیعی هستند. اگر این مطلب را کاملاً هضم کنیم -که تکرار آن به همین علت بوده است- و اگر واژه‌هارا به گونه‌ای برگزینیم که از قالب‌های قدیمی جدا شویم، آنگاه احتمال سوء برداشت ما تقلیل خواهد یافت. قدرت الهی ما را برای ظهور استعدادی منحصر به فرد بر نگزیده است، بلکه صرفاً مارادر معرض آشنازی با یکی دیگر از مظاهر حواس قرار داده است. این لمر هیچ ربطی به شخصیت فردی ماندارد و نیز جایگزین هیچیک از مذاهب نیست. بنابراین نباید از به کار افتدن این قابلیت به خود غرّه شویم و این باور غلط را در خود پرورش دهیم که داشتن این قدرت نشانگر رفعت معنوی ما است. اما باید توجه داشت که میزان قدرت‌های روانی مسلماً با میزان تزکیه‌ی اخلاقی در افراد رابطه‌ای مستقیم دارد و هر کسی صرفاً چیزی را دریافت می‌کند که آمادگی آن را داشته باشد.

## ۲۳

## فنون یادگیری روش‌بینی

در یادگیری مهارت روش‌بینی نیز، همچون سایر علوم، هنرها و مهارت‌ها پیروی از شیوه‌های معین ضرورت دارد. یکی از مشکلات بزرگی که همیشه در رابطه با یادگیری علوم روانی مطرح بوده، ارتباط این مقوله با منذهب و فرهنگ‌های مختلف است. البته مادعی بی فایده بودن هیچیک از عناصر فوق نیستیم، بلکه معتقدیم پس از از آنها کاملاً سودمند هستند. در هر حال مقتضیات زیادی وجود دارند که در این فصل بدان‌هامی پردازیم. اگر این مطالب موجب تقویت شمار در چهارچوب مذهب یا فلسفه‌ی پخصوصی گردد، جای بسی خوبشخی خواهد بود. اما سعی کنید تا در دامی گرفتار نشوید که بر سر راه اکثر افراد گسترده است و افرادی را که بدون تمکن به مذهب یا فلسفه‌ی پخصوصی بدین امر مبادرت می‌ورزند، به دیده‌ی تحقیر ننگرید.

استعداد روش‌بینی قدرتی کاملاً طبیعی و ذاتی است و با تعالیم اخلاقی یا

مارسیده است. البته در این مورد نیز هر یک از نظریات فوق با سلیقه‌ی شخصی تجربه‌گر شرح و تفسیر گشته است. در این رهگذر تلاش ما براین اساس استوار بوده که چنین‌های اصلی نظریات مذکور را مورد نظر قرار دهیم.

شاید برخی از خوانندگان گمان کنند که در این میان چند سخنی اطلاعات، یعنی سوآمی‌ها، گوروها و ریشه‌های شرقی مورد غفلت واقع شده‌اند. این غفلت عمده بوده، زیرا اطلاعات نسی و تجربی ما در مورد برخی از تجربیات مربوط به مکاتب شرقی، روش‌های آنها و نتایج به دست آمده از این تجربیات، آشکارا نشان می‌دهد که تمرین‌ها و تعالیم موجود در بسیاری از کتب این مکاتب می‌تواند گمراه کننده و حتی زیان‌آور باشد. امنیت و تأثیر این شیوه‌ها مستلزم نظارت شخصی گورو یا معلمی است که در کار خود متبحر بوده، قادر است نتایج حاصل از تمرین‌هارا مستقیماً در چالا<sup>۱</sup> یا مرید خود مشاهده نماید. در صورتی که چنین شرایطی فراهم باشد، می‌توان با طیب خاطر روش‌های شرقی را به کار بست. اگر چه حتی تحت چنین شرایطی نیز ممکن است تفاوت فاحش موجود بین جهان‌بینی شرقی و غربی سبب می‌شود، مشکلات یا ناهنجاری‌ها گردد.

حال که تا حدودی باکلیت امر آشنا شدیم، مجدداً آنچه را که قبل از پاره‌ی مبنای پرورش روش‌بینی گفتیم، تکرار می‌کنیم. به عقیده‌ی ما آگاهی انسان به سه بخش تقسیم می‌شود. وجه خودآگاه، ضمیرناخودآگاه و قرآنگاهی. وجه ناخودآگاه را نیز می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود: وجه فردى ناخودآگاه و مرتبه‌ای بسیار عمیق تر و گسترده‌تر از خودآگاهی که به واسطه‌ی آن با تمامیت هستی ملموس در عالم شریک هستیم.

این مرتبه همان ناخودآگاه همگانی یا (آگاهی جمعی) است که توسط

دانشجوی معنی I-Chela

مذهبی همانقدر ارتباط دارد که توانایی مادر مشاهده‌ی اشیاء مادی به کاتولیک یا هندو بودن مان مربوط است. بنابراین مسلمًا زمزمه‌ی سرودهای مذهبی یا پهره‌گیری از اشکال مختلف نیایش به خودی خود ضرورتی ندارند. اما از سوی دیگر چنانچه حقیقتاً به چنین آدابی معتقد و معنایی برای آنها قائل باشیم، استفاده از آنها بسیار مفید خواهد بود. اصولاً با پیشرفت در امر روش‌بینی، قدرت نیایش بمطور بی‌سابقه‌ای رنگ حقیقت به خود می‌گیرد و ما آنگاه به ارزش زیاد آن بی‌می‌بریم.

در ابتدا، ما به انواع ابزار کمکی متنکی هستیم ولی پس از مدتی در می‌یابیم که بدون پهره‌گیری از آنها نیز قادر به روش‌بینی خواهیم بود. با مطالعه‌ی مختصر و دقیقی پیرامون میراث علمی مربوط به پژوهش قابلیت‌های روانی که از گذشتگان به مارسیده است، در می‌یابیم که قسمت اعظم این علوم در باورهای مذهبی - ساحری قرون وسطی ریشه دارند. بخش عظیمی از این باورهای آداب باستانی ریشه دارند و بخش معنی‌ی نیز به تجربیات علمی افرادی مربوط می‌شود که اصطلاحاً آینه‌بین خوانده می‌شوند. البته می‌توان با طیب خاطر از باورهای مذهبی - ساحری چشم پوشی کرد، زیرا در یادگیری روش‌بینی کاربرد زیادی ندارند.

ضمناً می‌توانیم قسمت اعظم اعتقادات سنتی و بومی را نیز نادیده بگیریم. برخی از این اعتقادات براساس افسانه‌های خیالی شاه پریان بنا شده‌اند و حقیقت ندارند. البته دستورالعمل‌های بسیار مهمی نیز به واسطه‌ی افسانه‌های کهنه به ما منتقل شده که می‌توانیم به کار بندیم. اما متأسفانه به همین ترتیب مقدار زیادی ساده‌تگاری و خرافات نیز به افکار نسل حاضر راه یافته که هنوز هم باقی است. اینکه به ذکر نظریاتی می‌پردازم که به واسطه‌ی روش‌بینان به دست

اول فکر می‌کنم، بعد دور فکرم خط می‌کشم، روزالیند هیوود<sup>۱</sup>، در کتاب منبع بی‌پایان چنین نوشتند که پرسش در انجام دادن تکالیف مدرسه از همین قدرت استفاده می‌کند. قابلیت آفرینش تصویر ذهنی بی‌نقص، بهصورتی که گویی حقیقتاً و در عالم فیزیکی وجود دارد، از جمله قدرت‌هایی است که بسیاری از هنرمندان صاحب آنند. متاسفانه این عمل در مبتلایان به نوع بخصوصی از معلولیت ذهنی نیز بهطور ناخودآگاه انجام می‌شود. از آنجاکه بکی از علام معمول این قبیل معلولیت، آفرینش تصاویر و اصوات غیر ارادی است، همه‌ی مکاتب بزرگ فکری که در این زمینه صاحب نظر هستند، به مریدان خود تأکید می‌کنند که هرگز اجازه ندهند چنین تصاویری در ذهنشان شکل‌گیرند. از قضا برآسان تحقیقات مکرری که در این مورد به عمل آمده است، در تصاویر ذهنی برخی از مبتلایان به این ناهنجاری که بیماری آنان تأثیر داشته باشد، عنصری روانی و حقیقی مشاهده شده است و تعدادی از مشاهدات بعضی از این افراد حقیقتاً با روش بینی ارتباط داشته است.

روان‌شناس معروف، دکتر فروید در نامه‌ای که به دکتر ارنست جونز نوشت اظهار داشت که اگر مجدداً متولد می‌شد، در زمینه‌ی قدرت‌های روانی به تحقیق می‌پرداخت و دکتر کارل یونگ نیز به این مقوله علاقه‌ای وافر داشت. اگر شیوه‌ی معمول تفکر در شما با تصویرسازی همراه نیست، بهتر است تصویرسازی آگاهانه را تعریف کنید. در اینجا برای جلوگیری از مشکلات بی‌مورد کلیدی وجود دارد. بسیاری از کتب مربوط به آموزش تصویرسازی به مبتلیان چنین توصیه می‌کنند که یکی از اشکال هندسی مثل دائرة، مربع یا مثلث را در نظر گرفته، سعی کنند تا آن را در چشم باطن بازسازی کنند. این کار اشکالی

1-Rosalind Heywood

روان‌شناس بزرگ، دکتر کارل گوستاو یونگ و پیروانش تشریح شده است. چنانچه این دو وجه ذهنی را در نظر بگیریم، می‌توان گفت که پیش‌رفت در قابلیت‌های روانی عبارت است از برقراری پیوندهای معین بین خودآگاهی روزمره و ناخودآگاهی فردی. به دلایلی که از دیدگاه تکاملی بشر قابل تشریح هستند، بین دو وجه ذهنی یاد شده مزز یا مانع وجود دارد و برقراری پیوندهای فوق به ناجار مستلزم عمور از این مانع است تا بدین وسیله ظهور نتایج حاصل از روش بینی باطنی در مرتبه‌ی خودآگاهی امکان پذیر گردد.

این نتایج به طرق مختلفی حاصل می‌شوند. اما در مجموع باید گفت که در ابعاد روانی تنها یک حسن تشخیص وجود دارد. البته از قدمی نیز مبنای بر همین اصل بوده است. به عبارت دیگر، دقیقاً همانطور که هر یک از حواس پنجه‌گانه‌ی ما جلوه‌ای تخصیص یافته از حسن لامسه هستند، حسن روانی روش بینی، روش‌شناوری و روش بساوی ای نیز هر یک جلوه‌ای تخصیص یافته از یک حسن اصلی روانی محسوب می‌شوند.

تبديل حواس روانی به قالبی ملموس و قابل رویت، در تربیت توانایی روش بینی عاملی تعیین کننده است. به عنوان مثال، چنانچه مایل به پرورش حسن روش‌شناوری باشید، اصوات و کلمات را واسطه‌ی این کار قرار خواهید داد. اگر شما از اصحاب قدرت تصویرسازی باشید با خود را چنان تربیت کرده باشید که بتوانید در ذهن خود تصاویر واضحی بیافزید، قسمت اعظم دشواری پرورش روش بینی را بر خود هموار خواهید کرد. برخی از افراد به گونه‌ای باور نکردنی صاحب قدرت تصویرسازی ذهنی هستند. سال‌ها پیش دختر بچه‌ای پنج یا شش ساله را ملاقات کردیم که به گونه‌ای مرموز صاحب قدرت ترسیم خطوط اطراف تصاویر بود. وقتی که در مورد نحوه‌ی انجام کار از او سوال کردیم، گفت:

روی پرده‌هی سیاهی ترسیم کنید که با چشم انداختن به همان پسته در پرایر خود می‌بینید. حتی می‌توانید آنرا به واسطه‌ی انعکاس به خارج، مستقیماً بر سطح گوی کریستال، آینه یا سایر اجسام اینچنینی بهوضوح مشاهده کنید. پرخی از استادان در مورد استفاده از گوی کریستال یا سایر سنگ‌های شفاف شدیداً تأکید دارند. این جسم باید از جنس بلوری طبیعی باشد؛ هر چند نوع شیشه‌ای آن هم مجاز است. (اصولاً کریستال‌های موجود در بازار از پلاستیک‌های شفاف ساخته شده‌اند) کریستال باید با استفاده از آداب و پیش‌مای با حوزه‌ی مغناطیسی استفاده کننده هماهنگ شود. نحوه‌ی کار بدین شکل است که گوی را در پارچه‌ای ابریشمین می‌بیچند و از قرار دادن آن در معرض تابش نور شدید اجتناب می‌کنند. پرخی نیز تعییده دارند که بهتر است آن را در قابی از جنس آبتوس نصب کرده که بر روی آن نشان‌های دوازده‌گانه‌ی منطبق‌البروج با طلا منقوش شده باشد. گروهی دیگر معتقدند که باید گوی را به روح معینی تقدیم کرد. هر یک از این توصیه‌ها، آن‌گونه که معمولاً ایراز می‌شوند می‌توانند گمراه کنند. هم‌باشند. اما دستورالعمل‌های یاد شده هر یک فلسهدی بخصوصی دارند. اینک ما دستورات یاد شده را به طریق دیگر مطرح می‌کنیم. با بررسی دقیق کریستال، آن را بطور ذهنی با وجود و هدف خویش مرتبط می‌سازیم. چنانچه نیت ما از خرید کریستال، بهره‌گیری از آن در جنبه‌ی معینی از روش‌بینی باشد، می‌توان گفت به طور خودکار آن را به روح یاتیت بخصوصی تقدیم یا وقف کرد. هم‌باشند (زیرا از قدیم اعتقاد براین بوده که در هر یک از اقسام و بخش‌های روش‌بینی با ارواح مختلفی سروکار داریم؛ به عنوان مثال روح مرین بر وقایع مادی و روح عظاولد بر امور عقلانی حاکم است). و سرانجام برای جلوگیری از تداخل امواج روانی و عواطف سایرین، کریستال را از چشم دیگران مخفی کرده،

ندارد ولی کار ساده‌تر و به همان درجه مؤثرتر عبارت است از در نظر گرفتن تصویری با جزئیات بسیار، مانند ماندالا<sup>۱</sup>. بدین ترتیب ذهن می‌تواند بی‌آنکه خسته گردد از تعطیله‌ای به نقطه‌ی دیگر حرکت کند و قدرت تصویرسازی را بیاموزد. کاهش تدریجی تعداد حدس‌های صحیح شاگردان دکتر راین<sup>۲</sup> در مورد ورق‌های زیر<sup>۳</sup> نیز احتمالاً با همین خستگی ذهنی ارتباط دارد. به تجربه ثابت شده که توائی این افراد در حدس صحیح ورق‌ها به تدریج کاهش می‌باید و احتمالاً دلیل این امر خستگی یاد شده است.

از سوی دیگر گاهی ممکن است به واسطه‌ی تفسیر آنی ذهنی، و براساس مشاهدات درونی خود صحنه‌ی یا جسمی را به خاطر آورید. به عنوان مثال به جای اینکه در چشم باطن خود ابری رنگی را مشاهده کنید، صراف‌کلمه‌ای رامی‌بینید یا می‌شوند که رنگ موجود در منظر را به ذهن متبلار می‌کند. اگر چنین اتفاقی افتاد، نگران نباشید بلکه سعی کنید تمرين‌های مربوط به تربیت قدرت تصویرسازی را ادامه دهید. یکی از جذابیت‌های تمرين‌های یاد شده این است که می‌توانید در هر یک از اوقات فراغت خود آنها را انجام دهید و به تدریج در می‌باید که بدین وسیله هوشیاری شما نسبت به محیط به شدت افزایش می‌باید تا جایی که در زندگی روزمره‌تان جایگاه والا و ارزشمندی خواهد یافت. حال چنین فرض می‌کنیم که شما ذاتاً یا به واسطه‌ی ممارست، در رویت مرایایی درون مشکلی ندارید و می‌توانید در ذهن خود تصاویر روشی بیافرینید. ممکن است این تصاویر را درون کلاسه‌ی سرتان پسازید یا خطوط خارجی آن را بر

-۱- تصویری مشتمل از انواع اشکال هندسی اما سیار پیچیده و با رنگ‌های متعدد که در بروش قوای تیرکز و مدی‌تیشن کاربرد فراوانی دارند. <sup>۲-Rhine</sup>

<sup>۳-Zener Cards</sup>

آن را دور از دسترس آنان قرار می‌دهیم.

البته ما مدعی نیستیم که در دستورات فوق، سایر عوامل روانی دخیل نیستند. این دستورات در برگیرنده بسیاری از قوانین مربوط به کریستال، ستگ شفاف و آینه بوده، هر یک در جای خود نقشی تعیین کننده دارد؛ اما برای منظور فعلی ما به همین مقدار بسته می‌کنیم. آنان که مثل ما در میان پیروان مذهب معینی متولد شده‌اند و آینه‌های مختلف را در افزایش تمرکز ذهنی سودمند می‌دانند، می‌توانند تمام توصیه‌های مربوطه را به کار گیرند. اما آن دسته از افرادی که چنین شیوه‌هایی با مذاقشان سازگار نیست می‌توانند روش ذهنی محض را که خود بدان اشاره کردیم، مبنای عمل قرار دهند. تا اینجا فقط در مورد کریستال صحبت کردیم، اما فرض کنیم که شما استطاعت خرید آن را ندارید. در این صورت تکلیف چیست؟ نگران نباشد زیرا جایگزین‌هایی وجود دارند که اگر بهتر از کریستال نباشند به اندازه‌ی آن مؤثر هستند. در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱- صفحه‌ی شنی

۲- ورق سفید با دایره‌ی سیاه

۳- آینه‌ی سیاه

۴- کاسه‌ی جوهر

برای ساختن صفحه‌ی شنی یک ورق مقوای کلفت و محکم در ابعاد  $17/5 \times 17/5$  سانتی‌متر تهیه کنید و در مرکز آن به موسیله‌ی پرگار دایره‌ای به قطر  $12/5$  سانتی‌متر رسم کنید. داخل دایره را به موسیله‌ی صمع طبیعی یا سریش (از جسب مایع صنعتی استفاده نکنید) پا دقت بپوشانید. قبل از اینکه چسب خشک شود روی آن را باشن بپوشانید. البته می‌توان به جای شن از هر

نوع پودر کریستال دار (سیلیس دار) دیگری نیز استفاده کنید. وقتی که چسب کاملاً خشک شد، شن‌هایی را که به صفحه نصبیده‌اند با برس کنار بزنید. این کار ظاهراً سپیار ساده است، ولی قلق خاصی دارد. برای به دست آمدن نتیجه‌ی مطلوب شاید لازم باشد چند بار تمرین کنید. یکی از خواص نسبتاً مفید صفحه‌ی شنی از این قرار است که در این وسیله از انعکاس انوار مزاحم موجود در کریستال و آینه خبری نیست. اگرچه این انعکاس‌ها که بازتاب اشیاء محیطی هستند، برای برخی از افراد در حکم نقاط تمرکزی می‌باشند که تصاویر حول آنها تشکیل می‌شوند، اما اغلب موجب برهم خوردن تمرکز می‌گردند. وسیله‌ی دوم رامی‌توان به آسانی باکشیدن دایره‌ای بر روی یک ورق کاغذ بزرگ و سفید ساخت. ابعاد کاغذ و دایره دقیقاً مانند مورده اول است. سپس دایره را به وسیله‌ی روان‌نویس یا مژیک معمولی سیاه کنید. ساختن آینه‌ی سیاه هم نسبتاً آسان است یکی از انواع این وسیله بسیار مفید است و طرز ساختن آن بدین صورت می‌باشد:

از ساعت سازی یک شیشه‌ی محدب ساعت خریداری کنید. این همان شیشه‌ی محدبی است که بر روی ساعت‌ها قرار می‌گیرد. قطر آن باید در حدود  $8/75$  سانتی‌متر باشد. البته می‌توانید هر قطری را به میل خود انتخاب کنید سپس سطح برآمده شیشه را به وسیله‌ی رنگ سیاه معمولی یا الایه رنگ برشید. بهتر است کمی صبر کنید تا الایه‌ی رنگ کاملاً خشک شود و سپس یک بار دیگر آن را رنگ بزنید. اینکه قابی پیدا کنید که شیشه در درون آن قرار گیرد. اگر خودتان یا یکی از دوستانتان با کنده کاری بر روی چوب آشناشی دارید، می‌توانید کاسه‌ای کم عمق درست کنید که آینه در درونش قرار گیرد و در اطراف آن لبه‌ای به عرض  $2/5$  سانتی‌متر باقی بماند. این قاب رامی‌توانید به سلیمه‌ی

در آغاز کار ضرورت دارد. در اینجا اعتقاد به افسانه‌ها و اسطوره‌های رایج لزومی ندارد. به عبارت دیگر کاملاً مجازید که نسبت به تمام آنها شک کنید. اما اگر مانند کسی باشد که وقت مردن می‌گفت: خدا، اگر وجود داری، روح مرا رستگار کن؛ البته اگر روحی وجود داشته باشد! و با ذهنی این‌چنین بلا تکلیف کار را شروع کنید، طرقی نخواهید بست. در قوانین اسکاتلند، حکم دادگاه می‌تواند یکی از این سه حالت باشد: گناه کار، بی‌گناه و به اثبات نرسیده. اگر تمرين‌ها را با آمادگی ذهنی پذیرش هر آنچه پیش آید آغاز کنید و با همین دیدگاه ادامه دهد، چه بسا بخش اعظمی از آنچه که ابتدا آن را به اثبات نرسیده می‌پنداشتید، در زمرةٰ درست یاناد رست قرار گیرد. بنابراین توصیه می‌کنیم که طریق فراوانی فردی را با ذهنی باز در پیش گرفته، به تعصّب معینی پایبند نباشید. بلکه صرفاً در جستجوی اخذ نتیجه بهره‌چه که باشد - باشید. این تکرش اهمیت زیادی دارد زیرا تحت چنین شرایطی ضمیر ناخودآگاه مجوز عبور تأثیرات روانی به سطح خود آگاهی را صادر می‌کند.

آنچه در مورد تکرش ذهنی اولیه گفته شد، کفايت می‌کند. نکته‌ی مهم بعدی، یادداشت برداری است. چنانچه تمام مایلید در زمینهٰ روش‌بینی جدا فعالیت کنید، حتماً از نخستین جلسه تمام جزئیات تجربیات خود را در جایی به ثبت برسانید. به احتمال زیاد در بسیاری از جلسات مطلب زیادی برای ثبت کردن نخواهید یافت، ولی این نباید موجب دلسردی شما گردد. تصاویر مربوط به روش‌ضمیری، چه ظاهر شوند و چه ظاهر نشوند، جزئیات دیگری وجود دارد که قابل ثبت هستند. به واسطهٰ همین جزئیات در من باید که چرا در اوقات بخصوصی تجربیات نیز ممند و بارزی دارید و گاهی بالعکس، روش‌بینانی که برای مدتی طولانی بدين کار لشتنال داشته‌اند، به خوبی

خود رنگ‌آمیزی کنید، ولی ما به جای رنگ قرمز یا زرد براق، رنگ‌های مات و تیره را توصیه می‌کنیم. در صورت تمایل می‌توانید از آب‌طلاء استفاده کنید یا حتی آن را درون قابی قدیمی بگذارید. آینه‌ای که ماز آن استفاده می‌کنیم، در قابی با قطر داخلی ۸/۷۵ سانتی‌متر قرار دارد. البته در زیرشیشه لایه‌ای گچ ریخته‌ایم و از قضا چند سال قبل برای خرید آینه سیاه مقنار زیادی پول پرداختیم. این آینه به خوبی در قابی فلزی نصب شده بود. روی قاب نشان‌های دوازده گانه‌ی منطقه‌البروج باطلانش شده بود. اما روزی آینه از قاب خود جدا شد و ما با کمال تعجب متوجه شدیم که داخل قاب هم دارای تقویشی است؛ البته تقویش معمولی مربوط به قاب عکس‌ها این مثال را بدین جهت ذکر کردیم تا مجدد آنکه کنیم که گرسنگ، آینه، صفحه‌ی شنی وغیره، حداقل تا جایی که مامی‌دانیم صاحب قدرت بخصوصی نیستند. این ابزار نقش خویش‌نما را دارند و در جهت ظهور حواس روانی در سطح خود آگاهی ذهنی به کار می‌روند، با تشریع طرز ساختن آخرين وسیله، یعنی کاسه‌ی مایع سیاه‌رنگ و قستان را نمی‌گیریم. کاسه یا جوهر روشی است که در خاورمیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش کاملاً مؤثر است؛ اگر چه در این مورد نیز ممکن است بازتاب اشیاء محیط موجب اختلال گردد. از سوی دیگر جوهر هرچه باشد باز هم جوهر است و خطرات خاص خود را دارد؛ متوجهه پاشیدن به اطرافاً در مقام سخن معتبره باید گفت که یکی از متحیرترین روش‌بینان قدرت خود را مدیون نعلبکی سیاهی است که از ریسمانی آویخته شده بود. با توجه به نتایج کار، این روش نیز بسیار مفید است.

هنگامی که تصمیم به پرورش قدرت روش‌بینی می‌گیرید، باید از شرایط بخصوصی تبعیت کنید. قبل از هر چیز باید به شرایط ذهنی خاصی اشاره کرد که

جواس فیزیکی به قدری نیرومندند که در ابتدای کار می‌توانند تجربیات ضعیف دریافت شده از مجرای ناخودآگاه را محو کنند. علاوه بر این، سلامت جسم نیز بر ذهن و عواطف تأثیر بسیاری دارد.

اولین و مهم‌ترین نکته، راحتی کامل جسم است. اگر مایلید که به آرامش عضلاتی<sup>۱</sup> کامل دست یابید، باید از لباس و کفش تنگ و صندلی سفت احتراز کنید و وقت کنید که محل قرار دادن گوی کریستال یا سایر ابزار روش‌بینی به گونه‌ای نباشد که تمرکز بر آنها موجب کشیدگی عضلات گردد. دمای آنات باید مطبوع و گرم باشد، نه خیلی داغ. البته دمای محیط در مورد هرکسی فرق می‌کند ولی معمولاً بهتر است کمتر از ۲۸ درجه‌ی سانتیگراد باشد. با وجود این بازهم اصل بر تعامل فردی است.

چنانچه مایلید قبل از تمرین غذا بخورید، بهتر است خیلی مختصر و سبک باشد، زیرا اگر با شکم پر به گوی کریستال خیره شوید، تجربه‌ای جز خواب به سرافتان نخواهد آمد! اما پس از تمرین، خوردن غذایی سبک بسیار مفید است،

چون فعالیت‌های روانی را متوقف کرده و آگاهی معمول را باز می‌گرداند. محل تمرین به اتفاقی بستگی دارد که در اختیار دارید. اگر امکان پذیر بود، اتفاقی اختصاصی را برای این منظور در نظر بگیرید. اما ادامه‌ی این کار تا مدتی طولانی ضرورت ندارد، زیرا به تدریج خواهید توانست در هر شرایطی فارغ از مراجعت دیگران به سکوت دست یابید. برخی از افراد پناهگاه یا معبدی شخصی برای خود فراهم می‌کنند و تمام وسایل کمکی لازم را در آن قرار می‌دهند. از جمله می‌توان به تصاویری اشاره کرد که دارای نوعی ویژگی نمادین هستند، یا بخوبی آن نیز فایده‌ی خاص خود را داراست. البته بخوب از دو جهت

می‌دانند که بین وضعیت‌های مختلف ماه و میزان فعالیت نیروهای روانی رابطه‌ای شگفت‌انگیز وجود دارد. نیروهای مذکور در نیمه‌ی اول ماه سهل‌تر تحت تسلط اراده‌ی فرد قرار می‌گیرند، حال آنکه به نظر می‌رسد تجربیات در نیمه‌ی دوم ماه غالباً به نوعی مغلوش و ناتمام بوده، به طور کامل از اراده تبعیت نمی‌کنند. به همین علت، روش‌بینی با تجربه معمولاً تجربیات روانی مربوط به این دوره را به دیده‌ی تردید می‌نگرند. البته برای تعیین صحت و سقمه تجربیات راههای وجود دارد، ولی این شیوه‌ها در مورد هرکسی منحصر بفرد بوده و نتیجه‌ی مدت‌ها آزمون و خطای محسوب می‌گردد. شما نیز به تدریج شیوه‌ی ارزیابی تجربیات را خواهید آموخت، اما همانطور که بعداً شرح خواهیم داد، بین تجربیاتی که به قول متقدمین از دروازه‌های شاخ عبور می‌کنند و آنها که از دروازه‌های عاج دریافت می‌شوند، تفاوتی اگرچه بسیار ظرفی و لی تعیین کننده وجود دارد.

شاید ذکر این نکته ضرورتی نداشته باشد که اگر درست پیش از جلسه‌ی تمرین باکسی مشاجره داشته‌اید، نباید منتظر نتیجه‌ی مطلوب باشید. از سوی دیگر باید دانست که حالات پخصوصی وجود دارند که در صورت بروز در هنگام تمرین می‌توانند مفید یا مضر باشند. بنابراین عاقلانه خواهد بود که در یادداشت‌های خود به روحیات مربوط به قبل، در خلال و بعد از تمرین نیز اشاراتی داشته باشید. مسلماً پس از چند ماه با مراجعة به یادداشت‌های خود ارتباط این روحیات را با حالات مختلف ماه در می‌باید علاوه بر این، ثبت وضعیت‌ها نیز در هنگام تمرین بی‌فایده نیست، زیرا این هم عاملی مهم محسوب می‌شود. تمام نکات ذکر شده بر ذهن و عواطف شما از می‌گذرند، ولی اینکه به تأثیرات جسمی می‌پردازیم، این تأثیرات بسیار مهم هستند، زیرا

نمادین و روانی ارزشمند است، زیرا بخور براساس اصل ذهنی تغارن افکار در مقایسه بازندگی روزمره حال و هوای متفاوتی را ایجاد می‌کند. چنانچه صرفاً در هنگام تمرین از بخور استفاده کنید، ذهن شما آن را با این نوع فعالیت مرتبط خواهد داشت و اگر همیشه با ورود به خلوت‌گاه خود بخور را روش بینی کنید، ذهنتان بدطور خودکار آماده تمرکز خواهد شد. اما اگر خلوت‌گاهی جداگانه در دسترس نباشد، استفاده از بخور را توصیه نمی‌کنیم، زیرا ضرورت چندانی ندارد. در تمام موارد مربوط به تمرینات که ذکر شد، بهای سپردهن یک نکته ضروری است و آن اینکه، تمام ابزار و واسطه‌های کمکی باید شده را روزی باید کنار گذاشت و پس از آموزش کامل مهارت روش بینی فرد باید بتواند این قابلیت را در شرایط کاملاً معمولی نیز به کار گیرد. کسی که برای روش بینی به شرایط ویژه و معینی وابسته باشد، خود را به اشیاء خارجی محدود نموده است.

نور محیط باید ضعیف باشد. برخی از نور قرمز و برخی دیگر از نور آبی استفاده می‌کنند، اما گروهی نیز نور سفید معمولی را کاهش می‌دهند یا به طرقی سایه ایجاد می‌کنند. در اینجا نیز مسئله پرسنلیقه‌ی شخصی است، بنابراین نوری را انتخاب کنید که از نظر شما مناسب‌ترین است، اما فراموش نکنید که در هر حال باید ضعیف و کم‌سو باشد به گونه‌ای که اشیاء محیطی به سختی قابل تشخیص باشند. پس از مدتی تمرین می‌توانید نور را زیاد کنید ولی بهتر این است که در ابتدای امر حتی المقدور شرایطی فراهم نکنید که انکسار اشیاء و انوار زائد محیطی در آینه یا کریستال حواستان را پرت کند.

گوی کریستال یا سایر ابزار روش بینی را به گونه‌ای قرار دهید که بدون کمترین کشیدگی و خستگی عضلات بتوانید به آنها خیره شوید. تمام شرایط یاد شده در مقایسه با وضعیت شخصی شما، خارجی محسوب

می‌گردد. اما در مورد شرایط درونی تکلیف چیست؟ هنگام تمرین روش بینی، تمرکز خاموش وضعیتی است که باید بر ذهن غالب باشد. باید حتی الامکان از تداخل عواطف پرهیز کرد و عضلات باید کامل‌تر باشند. مورد آخر در اکثر موارد به غفلت گذارده می‌شود. اما این وضعیت یکی از مهم‌ترین پیش نیازهای تمرین روش بینی محسوب می‌گردد.

برای دست‌یابی به آرامش کامل عضلاتی روش‌های متعددی وجود دارد، اما تمرینی که در اینجا ذکر می‌شود براساس تجربه بهترین آنهاست. در حالی که ستون فقراتتان کاملاً صاف است پوششید و از مجرای بینی نفسی عمیق بکشید. برای دم عمیق از پرده‌ی دیافراگم شروع کنید و سپس قفسه‌ی سینه را متبسط کنید. بدین ترتیب به تنفس عمیق حقیقی دست می‌یابید. چنانچه میزان انبساط در میان یا بالای سینه کم باشد، تنفس وظیفه‌ی خود را انجام خواهد داد. هنگام دم توجه خود را به وسط فرق سرتان معطوف کنید. سپس به آرامی بازدم را شروع کنید و در عین حال بدطور ذهنی ابتداء عضلات سر خود را شل کنید، سپس عضلات صورت و بعد به ترتیب دست‌ها، تنه و پاهای تانوک انگشتان پالها. این کار چندبار تکرار کنید. تعدادی که ما پیشنهاد می‌کنیم شش بار است. همانطور که خواهید دید در ابتدای کار به محض اینکه توجهتان از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر معطوف شد، بدطور خودکار نقطه‌ی قبلی را مجدداً منقبص می‌کنید. ولی با گذشت زمانی کوتاه به تدریج خمیر ناخودآگاه از خواست شما پیروی کرده و آرامش عضلاتی مورد نظر را بوجود خواهد آورد.

اکنون آماده‌ی برداشتن گام بعدی در پرورش روش بینی هستید.

۲۶

## تجربیات بصری

اینک که تا حد امکان نظریه‌ی عمومی پرورش روش‌بینی و شرایط آن را تشریح کردیم، به مبحث تمرین عملی با آینه یا کریستال می‌پردازیم. با این فرض که دستورالعمل‌های قبلي را به کار بسته‌بود و اکنون با ذهن و جسم آرام و بدون کمترین تنفس در سکوت نشسته و به ابزار روش‌بینی خود خیره شده‌بادید، کار را آغاز می‌کنیم. ضمناً به دلایل خاصی فرض می‌کنیم که از آینه‌ی سیاه استفاده می‌کنید.

در ابتداء تنها اتفاقی که رخ می‌دهد محو شدن سطح آینه است؛ به گونه‌ای که نمی‌توانید آن را به خوبی مشاهده کنید. سهس ناگهان تصویر آینه با تمام جزئیاتش وضوح می‌یابد. در اوایل کار ممکن است این واقعه در تمام مدت تمرین یا پخشی از آن تکرار شود. علاوه بر این شاید در جسم خود تغییرات معینی را حس کنید. معمولاً این احساس در قالب گرفتگی عضلات پیشانی و

خارشی غریب بین دو چشم و ابتدای استخوان بینی ظاهر می شود. این احساس در برخی از کتب شرقی غلغله که مورچه خوانده می شود که ظاهراً نامی مناسب است. در واقع چنین به نظر می رسد که حشرهای بسیار کوچک در زیر پوست حرکت می کند. این دو واقعه، یعنی محوشدن تصویر و گرفتنگی پیشانی همراه با غلغله مورچه ظاهر، حداقل در ابتدای کار، توجهی فیزیکی دارند. تا حدیدشدن و وضع مجدد آینه به خستگی عضلاتی مربوط می شود که وظیفه تنظیم عدمی چشم را بر عهده دارند. باشل شدن این عضلات، تصویر از تنظیم خارج و تار می شود. گرفتنگی پیشانی و غلغله مورچه با تغییرات طریق جریان گردش خون در ناحیه پیشانی ارتباط دارند، اما مورد دوم در عین حال بدین معنی است که غدهای صنوبری فعال شده است. اگر در نخستین جلسات جز آنچه ذکر شد تجربه‌ی دیگری نداشتید، نالیید نشوید زیرا تأثیرات فراروانی باید از ضمیر ناخودآگاه به خودآگاه مجرایی تازه بگشاياند.

اگر شکنیابی به خرج دهد، نشانهای بیشتری نیز ظاهر خواهد شد. معمول ترین آنها مه آلود شدن تدریجی سطح آینه است: گوبی پردهای ازمه غلیظ تمام سطح تصویر را پوشانده باشد. پس امکان دارد که این پرده‌ی غلیظ گستته شود و به شکل ابرهای چرخان کوچکتری در اطراف قرار گیرد یا در قالب جرقه‌های درخشان کوچک تمام سطح آینه را پوشاند. در این مرحله شاید دچار هیجان شوید و پیشرفت خود را به تأخیر اندازید. این هیجان می تواند به طرزی مؤثر موادهای خاموش ذهنی شما را برهمنزد و بدین ترتیب در خطوط ارتباطی طریقی که در اعماق ضمیر ناخودآگاه شکل می گیرند، اختلال ایجاد کند. اما چنانچه بتوانید خاموشی و سکون ذهنی خود را کماکان حفظ کنید، جلوهای فوق افزایش یافته و شکل دیگری به خود می گیرند: جلوهایی چون

منظاری زودگذر با رنگهای درخشان، چهره‌های عروس یا پاشاش و ابرهای الوان و تابناک از این دسته‌اند. البته همانطور که خواهید دید، در ابتدای حضور یک از این تصاویر برای مدتی بیش از یکی دو لحظه بسیار دشوار است. ظهور این منظار، چهره‌ها و رنگهای منزله‌ای آغاز تحولات روانی معینی در ذهن شماست و به واسطه‌ی همین تحولات است که تصاویر درونی می توانند به سطح آگاهی منتقال یابند. این جلوه‌ها، خویشاوندان نزدیک همان تصاویر اجمالی و عجیبی هستند که برخی از افراد در آستانه‌ی خواب یا پیداری مشاهده می کنند. روان‌شناسان آنها را تصاویر مینتویک می نامند و ضمیر ناخودآگاه را مسئول تولید و نمایش آنها می دانند. این نظریه تا حدودی صحت دارد ولی از دیدگاه ما آنها می توانند چیزی بیش از تصورات و پندرهای مخصوص باشند و شاید حامل پیام یا اطلاعاتی باشند که توسط حواس باطنی دریافت شده است. تصاویر فوق به قول معروف رویاهای بسیاری هستند و هر یک مفهوم پنهان‌وصوی دارند.

با رسیدن به این مرحله، پرورش روشن ضمیری عملاً آغاز شده است. شما اینکه قلق متعادل و آرام نگاه داشتن ذهن را خود آموخته‌اید؛ چیزی که در ابتدای امر غیر ممکن می نمود. بسیاری از اوقات در اثر مشاهدات خود ناگهان هیجان‌زده می شوید و در نتیجه تمام تصویر بلاfacله محو می گردد. ضمناً به تعجبه در می‌یابید که تصاویر باطنی شما به دو گروه کاملاً متمایز تقسیم می شوند که یکی بسیار وسیع تر از دیگری است. وسعت هر یک از این دو گروه می تواند نشانگر نوع روشن بینی شما باشد. یک گروه مربوط به امور معمولی و روزمره هستند و گروه دیگر قالبی نمادین دارند. بعلاوه همان طور که خواهید دید، تصاویر نمادین در ذهن شما نوعی کنجکاوی اشکار را بر می انگیزند؛ اما

البته باید گفت که گروهی از این تصاویر به شخص شمار تباطط دارند. ضمیر ناخودآگاه گروهی از تصاویر را در قالب گدی رمز به کار می‌گیرد تا بدان وسیله اطلاعات معینی را به ذهن آگاه شما منتقل کند. این اطلاعات یا با زندگی و وضعیت درونی شما مرتبه اند، یا اطلاعاتی بخصوص در مورد سایرین می‌باشند (که توسط حواس درونی شما دریافت شده است)، و یا در برخی از موارد با فعالیت ذهنی دیگران ارتباط دارند. در مورد اخیر خویش درونی شما وسیله‌ای برای ارسال پیام دیگران به ذهن شما است.

با تمرين بیشتر تصاویر نمادین بیشتری را تشخیص داده و با گذر یک آشنا می‌شوید. شما ناچار برای یافتن معنی هر یک از نمادها از خود تصاویر کمک پیگیرید. تأکید مبار برخی از از اگان به خاطر اهمیت آنها است. معنای یک نماد برای خویش باطنی یک فرد لزوماً با معنای آن برای دیگری یکسان نیست. بد عنوان مثال، نماد گربه برای ما تداعی کننده سرزمین مصر است، اما یکی از دوستان ما که روش‌بینی ماهر است این نماد را به بیماری قریب الوقوع خود تفسیر می‌کند. شغل او تدریس در نقاط مختلف کشور است و این تجربه‌ی مکرر او را قادر ساخته که هر بار قبل از بروز بیماری طی نامه‌ای از مستولین ذیریط درخواست کند که در فرصت باقی‌مانده تا جلسه‌ی بعدی جانشینی برای او بیابند.

اینک به مطلب می‌می‌پردازم. نمادهای مربوط به تصاویر درونی به دو گروه متفاوت تعلق دارند. گروه اول در تجربیاتی مشاهده می‌شوند که قادر هرگونه فضای عاطفی بوده، بهمیج وجه مفهومی را القاء نمی‌کنند. تجربه‌ی نمادهای گروه دوم صرفاً با مشاهده همراه نیست، بلکه اطلاعات معنایی معینی نیز به همراه دارد. براساس تجربیات ما، این اطلاعات همواره با خود تصویر ملازم

تصاویر عینی بدون کوچکترین تلاش ذهنی شکل می‌گیرند، زیرا حالتی منفعل دارند.

برخی از افراد معتقدند که باید از تصاویر منفعل پرهیز کرد، لاما این توصیه لزوماً اعتبار ندارد. استعداد شما چه فعالاته به کار افتد و چه به صورت غیر ارادی، می‌تواند مددکار شما و سایرین باشد.

بارویت تصاویر در آینه، برای دانستن مفهوم هر آنچه می‌بینید، زیاد تعجب ننمایید. رابرт هیو بنسون<sup>۱</sup>، در اشاره بدين تصاویر چنین می‌گوید، تصور کنید از پنجره اتاق به خیابان شلوغ نگاه می‌کنید. ابتدا پرده‌ی اتاق مانع رویت است و سپس به طور ناگهانی پرده برای چند لحظه به کنار می‌رود و شما در خیابان شلوغ دختری سرخ پوش را با سبد گل در درست مشاهده می‌کنید. آنگاه مجدداً پرده بین شما و منظره‌ی بیرون حایل می‌شود. حال اگر دختر سرخ پوش را به هر شکلی به خود مربوط بدانید، مسلماً فردی ساده‌روح هستید، زیرا شما او را تصادفاً هستگام حبور از مقابل پنجره دیدید. در مورد بیشتر تصاویر باطنی نیز مسئله به همین شکل است. مساعات متمادی در شب‌های بی‌خوابی این تصاویر بی‌معنی را در نور جهان ایری تماشا کرده‌ایم لاما هرگز دلیلی وجود نداشته که آنها با شخص ما در ارتباط باشند. آنها صرفاً جریان‌های روانی و قراروانی معینی هستند که به مطرور معمول در این سیاره جاری هستند. هندوان این مرایا را تاتوا<sup>۲</sup> می‌نامند. در هر یک از انواع پنجمگانه‌ی تاتواها، ظاهرآ یک نوع از تصاویر ارجحیت دارد که البته آن هم در ابتدای کار مستقیماً با شما رابطه‌ای ندارد.

1-Robert Hugh Benson

2-Tattva

ارادی تصاویر درونی است. بسیاری از روش‌بینان با مهارتی نیمه‌کاره سرگردانند؛ آینان در گشودن چشم باطن توقیق یافته‌اند ولی به دلایل مختلف هرگز بر آن تسلط نیافتدند. چنین افرادی به پیشگویانی تاخواسته مبدل شده‌اند که در معرض جریان‌های روانی محیط قرار دارند و بهطور منفی و خودکار نسبت به جریان‌های فکری اطرافیان خود واکنش نشان می‌دهند. این قابلیت روش‌بینی که می‌توانست برای آنان لامتیاز بزرگی محسوب گردد؛ اینکه به پاری بر دوش آنها تبدیل شده است. چنین وضعیتی می‌تواند کاملاً خطرآفرین باشد. مسلماً هنگامی که از خیابان شلوغ عبور می‌کنید، مایل نیستید ناگهان تصویر املاک کاخ‌الیزه را مشاهده کنید. زیرا در این صورت چه بسا پیش از موعد راهی جهان ماوراءالبیعة شویدا

بنابراین توصیه می‌کنیم که خود را چنان عادت دهید که بعد از اتمام تمرین روش‌بینی، دو سطح آگاهی فراوانی و معمولی را از یکدیگر مستمازنی کنید. همیشه سعی کنید روش‌بینی را با به کارگیری اراده و تلاشی خفیف به پایان ببرید. منظور این نیست که آرواره‌هایتان را به هم بفشارید، دندان‌ها را به هم بسایید و در اثر تلاش شدید جسمی خون به چهره اورید. این عمل به متزله‌ی تلف کردن انژری بوده، مانند این است که کلید چراغ اتاق را با ضربت چکش خاموش کنید. شاید بدین ترتیب چراغ خاموش شود ولی مسلماً کلید هم صدمه می‌بیند. کافی است با ملاجمت به خود تلقین کنید که در صدد اتمام تمرین هستید و جریان فراوانی را قطع کنید. سپس پلاقالصه به فعالیت عادی جسمی، مثل ثبت رویدادهای مربوط به تمرین بپردازید. پس از این مرحله هر گاه حواس روش‌بینی برخلاف میل شما به فعالیت پرداختند، بدون درنگ توجه خود را از آن سلب کنید. این عمل باید بدون مکث و سریع انجام گردد؛ در

وهم‌مان است. بدین ترتیب هرگاه با نمادی مواجه شدید که یافتن معنای آن را محتاج تأمل و تفکر می‌باید، مراقب باشید زیرا چه بسا تعبیر شما با معهوم حقیقی آن فاصله‌ی زیادی داشته باشد. اتفاقاً هرگاه به طور پی در پی نمادهایی را دریافت می‌کنید که ناچارید خود آن را تعبیر کنید، بدانید که قدرت روش‌بینی شما بهتر دلیلی به نحو مناسب عمل نمی‌کند و باید مدتی بدین کار نهاده باشد. در رابطه با مسئله‌ی نمادهای نکته‌ی دیگری نیز وجود دارد. این نکته بیشتر به نمادهایی مربوط می‌شود که در قالب پیشگویی آینده تفسیر و تعبیر می‌شوند. بارها از زبان روش‌بینان شنیده‌ایم که می‌گویند، یک دسته گل نرگس زیبا بالای سرت می‌بینم، بنابراین هنگام شکوفه کردن گل‌ها یعنی بهار خیر خوبی دریافت می‌کنم، والی آخر. گذشته از این واقعیت که گل‌ها مدتی قبل از فرا رسیدن بهار شکوفه می‌زنند، و به علاوه بهار فصلی است که از چندین هفتنه تشکیل می‌شود، پیام‌های اینچنینی بقدرتی کلی و مبهم هستند که با فرض این که به آینده مربوط پاشند کاملاًی معنی و پوچ می‌نمایند. اگر زمان پیشگویی را نتوان به دوره‌ای سمهایه محدود کرد، از جنبه‌ی پیشگویی اعتبار چندانی نخواهد داشت. در هر حال چنین قرائات‌های مبهمی به شدت بر ضعف روش‌بینن تأکید دارند.

بنابراین توصیه می‌کنیم که نمادهای ارائه شده توسط حواس درونی خود را بشناسید و به جای کلی‌گویی و ابهام توضیحات واضح و مشخص ارائه دهید. این کار ممکن است، ولی به بهای تلاش زیاد. اما نتایج حاصله ارزش زحمات شما را خواهد داشت.

با کسب قدرت مشاهده‌ی تصاویر، نیمی از کار به انجام رسیده است. قدم بعدی که اهمیت بسیاری نیز دارد، بدست آوردن قدرت لازم برای قطع کردن

فرد پستگی دارد که به عوامل بیرونی، تا وقتی که قدرت روش‌بینی ثابت نشده باشد، فرد در مقام مشاور روانی حرفه‌ای کارآمد نخواهد بود، زیرا هنوز از تشخیص زمان دسترسی به قدرت خود عاجز است. البته شاید او بعدها بتواند این نقش حساس و مسئولیت‌ساز را ایفا کند و با سر سپردگی اخلاقی لازم پسیاری از مردم را کمک نماید.

سخن آخر این که ماطی زمانی در حدود پنجاه سال بدون دریافت پول به روش‌بینی پرداخته‌ایم و در امر کمک به همتوان خود، رضایتی حقیقی و پایدار را یافته‌یم. البته در حدود سه هفته از این مدت، قاعده‌ی فوق را زیر پا گذاشتیم و در ازای کار خود پول دریافت کردیم؛ ولی در همین مدت کوتاه با وسوسه‌ها و مشکلاتی مواجه شدیم که هر واسطه‌ی روانی صادق و حقیقی در چنین شرایطی با آن دست به گزیبان خواهد بود.

غیر این صورت چنانچه تصویری ظاهر شود قطع کردن آن مدام دشوارتر خواهد شد. شاید تصور کنید که در صورت قریب‌الوقوع بودن حادثه‌ای زیان‌آور، بهتر است بوسیله‌ی استعداد خود از آن آگاه شوید. البته حق با شما است، ولی می‌توان ترتیبی اتخاذ کرد که هنگام نزدیکی چنین واقعه‌ای قدرت روش‌بینی شما از طریق قراردادهای معین ذهنی که خود ابداع کرده‌اید به کار آفتد. این فعالیت غیرارادی نباید از سوی شما تحریک شود، مگر این که همان‌طور که گفتیم با استفاده از قرارداد ذهنی بخصوصی مجرایی را وجود آورده باشید تا دریافت‌ها از طریق آن به سطح خود آگاهی راه بابند.

قبل‌آنیز توصیه کرده‌ایم که بهتر است قبل از شکوفایی کامل قدرت روش‌بینی و یادگیری شیوه‌ی کنترل آن در مورد میزان پیشرفت خود سکوت اختیار کنید. حتی در صورت نیل به هدف نیز همان‌گونه که خواهید دید، اگر ساده‌لوحان از توانایی شما آگاه شوند، برای مشاهده‌ی تجربه‌ای تازه یا لمید به بهره‌برداری شخصی شما را تحت فشار خواهند گذاشت. بسیاری از اینان که به خوبی نیز از عهده‌ی پرداخت حق‌الزحمه‌ی روش‌بین حرفه‌ای بر می‌آیند، بدین ترتیب به فرصتی درخشنان دست می‌یابند که به قول معروف از آب کره بگیرند.

در اینجا به بحث مسئله‌ساز روش‌بینی حرفه‌ای کشیده می‌شویم. آیا استفاده از این قابلیت در جهت کسب درآمد مجاز است؟ از آنجا که نیروی روش‌بینی قدرتی کاملاً طبیعی است و به خودی خود قدادستی ندارد، منع به کارگیری آن در این راه نیز توجیه عقلاتی ندارد. اما ملاحظات دیگری نیز وجود دارند که باید مدنظر قرار داد. شاید بتوان گفت که روش‌بینی قبل از اینکه یک فن باشد، هنر است. دسترسی به هنر روش‌بینی همان‌قدر به شرایط درونی

مشتاق جذب هواداران تازه هستند و این اشتیاق زمانی بیشتر خواهد بود که قدر تازه وارد با فعالیت‌های فراروانی آشنایی قبلی نیز داشته باشد.

در مورد کار گروهی دو نکته مهم دیگر نیز وجود دارد که رعایت آنها برای کسی که به پژوهش روش‌بینی مشغول است فوق العاده اهمیت دارد. اول اینکه عضویت در گروه‌ها، اگر چه ممکن است در ابتدا تا حدودی کمک کننده باشد، ولی بعداً می‌تواند موانع زیادی ایجاد کند. با تشبیت کم و بیش قدرت روش‌بینی، فرد در می‌باید که در بند ذهن گروهی گرفتار شده است. این ذهن جمعی مسلمان معیارهای روش‌ضمیری را محدود خواهد کرد. در گروه‌هایی که رهبرانشان از این امر آگاهند و برای مقابله با آن اقداماتی انجام می‌دهند، مسئله حل می‌شود. ولی رهبران بسیاری از گروه‌ها آشکاراکوری عصا کش کور دگر هستند. حتی در صورتی که خواهان پشتیبانی و تشویق گروهی هستند نیز بهتر است به تنها یافعیت فعالیت کنید و هر قدر هم که گروهی مدعی برتری باشد خود را در زندان ذهن جمعی اسیر ننمایید.

دوم اینکه براساس اصلی کلی، قدرت روش‌بینی تربیت شده در گروه تا حدودی مثل گیاهان گلخانه‌ای است. این نیرو اگر چه ممکن است در شرایط گروهی به خوبی عمل کند اما مستعد است که جدا از جمع ضعیف و غیر قابل اعتماد باشد. ما موارد اینچیزی را به کرات مشاهده کرده‌ایم، البته این انتقاد به گروه‌هایی که دارای مدیریت مناسب و منظیط هستند وارد نیست، ولی تعداد چنین گروه‌هایی بسیار کم و یافتنشان دشوار است. بنابراین همان طور که قبل اگفتیم، برای مدتی طولانی بمطور فردی تمرین کنید و این روند را تازمانی ادامه دهید که حس کنید قادرید از استعداد خود به گونه‌ای بپره گیرید که جریان‌های ذهنی گروهی کمترین تأثیری بر آن نگذارند.

دوسنی با کسانی که مثل شما در این وادی گام بر می‌دارند، می‌تواند از یک نظر مفید باشد؛ علی‌الخصوص اگر شما از افرادی باشید که به مجالست با همتوغان خود اهمیت می‌دهید. مسئله بیشتر به خلق و خوی شما مربوط می‌شود. در هر حال این گونه همنشینی‌ها دارای مزايا و مضراتی است و باید کاملاً دقت کنید که آیا چنین کاری واقعاً ضروری و سودمند است یا خیر.

شاید تصور کنید هدف ما منزوی کردن شما و القای این باور است که باید صرفاً به فکر پیشرفت فردی خود پاشید. البته چنین نیست، ولی در مبحث پژوهش نیروهای روانی و بخصوص در مراحل نخستین، بسیاری از افراد نه تنها کمکی نمی‌کنند بلکه می‌توانند تلاش‌های شما را مخدوش کرده و با اقدامات غلط خود سرعت پیشرفت شما را کند نمایند.

در تمرین قدرت‌های روانی خواهید دید که تله‌پاتی نقشی اساسی دارد. فعالیت‌های ناخودآگاه تله‌پاتی که از جانب دیگران بر شما تأثیر می‌گذارد، عاملی کاملاً واقعی بوده، می‌تواند پیشرفت شما را با مشکلی جدی روپو کند. همین دلیل کفایت می‌کند که معتقد باشیم عاقلانه نیست افراد زیادی از فعالیت‌های فراروانی شما آگاه باشند. ممکن است برخی از این افراد در ضمیر ناخودآگاه خود فعالیت‌های شما را تمسخر و تحقیر نمایند. با افزایش حساسیت روانی شما این تحقیر و انتقاد درونی بلاقصله بر ضمیر ناخودآگاه شما اثر می‌گذارد و باری غیر ضروری را بر دوش شما خواهد نهاد.

علاوه بر این ممکن است به پیوستن به گروهی دعوت شوید که با فعالیت‌های روانی سروکار دارند یا بدان علاقمندند. در اینجا باید خیلی مراقب باشید. برخی از این گروه‌ها و حلقه‌ها با آداب و مراسم بخصوصی سروکار دارند و برخی دیگر به استفاده یا سوء استفاده از مواد توهمند می‌بردازند. بیشتر این گروه‌ها اغلب

اطلاعات خود اخلاق ایجاد کرده و دریافت‌های خود را به غلط تعبیر و تفسیر نمایید، استعداد روش‌بینی دچار رکود و غیر قابل اعتماد خواهد شد. علاوه بر این به خاطر داشته باشید که هرگاه در برخورد با همنوعان‌تان از این قدر استفاده می‌کنید، مسئولیتی بی‌نهایت عظیم را بر عهده خواهید گرفت. اما اگر همان طور که قبل‌گفتیم، بانیت یافتن راه‌های خدمت به دیگران این حرفة را دنبال کنید، روز به روز بیش از پیش به راه خدمت به همنوعان هدایت شده، شادی روزافزون از آن شما خواهد بود و این چیزی است که ماسال‌ها پیش تجربه کردیدم.

کلام آخر اینکه برخی از ما روش‌بینان در طریق خدمتگذاری به وجودی که آن را آزادی و آرامش حقیقی می‌دانیم، نیم نگاهی به مشیت عظیم و مهیب آن داشته و آن را حدودی تجربه کرده‌ایم. بر شما نوآموزان روش ضمیری نیز چنین باشد.

## بخش دوم

### تله پاتی



## تله پاتی چیست؟

تله پاتی عنوان کلی است و معمولاً در اشاره به وقایعی غیر معمول در حوزه‌ی ذهنی به کار می‌رود که ذهن را از عادات و رفتارهای معمول باز می‌دارد. با وجود این، در اکثر موارد این اصطلاح به طور نادرست مورد استفاده قرار می‌گیرد، پس اجازه دهدید قبل از هر چیز واژه‌ی تله پاتی را تعریف کنیم.

این اصطلاح در ابتدای تأسیس انجمن تحقیقات روان‌شناسی در عصر ویکتوریا ابداع شد. هدف از تأسیس این انجمن، تحقیق پیرامون وقایع غیر معمول و عجیبی بود که امروزه پدیده‌های ماوراء‌الطبیعه خوانده می‌شوند. این انجمن نخستین مرجمی بود که مطالب مختصری در باب تله‌پاتی منتشر کرد. پروفسور سیچ ویک<sup>۱</sup>، فرانک پادمور<sup>۲</sup> و اف. اچ. دبلیومایرز<sup>۳</sup>، مؤسسان این

1- Professor Sidgewick

2- Frank Podmore

3- F.H.W. Myers

## شهرت جهانی

آنچه که در مورد تاریخچه انجمن تحقیقات روان‌شناسی گفته شد برای منظور ما کفايت می‌کند و نیازی به اطباب کلام در این مقوله نیست؛ صرفاً باید اضافه کنیم که این مؤسسه در مجتمع بین‌المللی و در افواه عموم در رابطه با انواع موضوعات فوق طبیعی از اعتبار و شهرت علمی بسزاپی برخوردار است.

علاوه بر این باید مذکور شد که این مؤسسه به معنای عام کلمه، نقطه نظر رسمی بخصوصی در باب وقایع مأموراء الطبیعه ندارد. در واقع هر یک از اعضاء این ارگان در مشاهدات و نتیجه‌گیری‌های فردی خود کاملاً مختارند، ولی هیچ یک حق ندارند به نام انجمن اظهار نظر کرده، عقاید خود را به عنوان نقطه نظرات رسمی آن اعلام کنند. به داشتن این نکته از آن جهت مفید است که برخی از اعضاء مؤسسه با ساختن صریح و قاطع خود در مجتمع عمومی موجب می‌شوند تا بعضی خبرنگاران بی‌ملاحظه مطبوعات اعلام کنند که: انجمن مطالعات و تحقیقات روان‌شناسی چنین و چنان می‌گوید.

جدا از تحقیقات انجام گرفته در این مؤسسه، آزمایش‌های فراوان دیگری نیز در حوزه‌ی این علوم صورت می‌گیرد. حتی شواهدی به دست آمده که نشان می‌دهد برخی از کشورهای کمونیست به طور رسمی در این زمینه تحقیقاتی را آغاز کرده‌اند. یکی از مشکلات اصلی کمونیست‌ها، یعنی پیروان نظریه‌ی ماتریالیسم دیالکتیک لئین و مارکس، این است که ناچارند پدیده‌های اینچنینی را در چهارچوب ماتریالیسم (مادیگرایی) محض بگنجانند. به عنوان مثال باید پرسید که آیا تله‌پاتی نیز مانند هر انزوی شناخته شده‌ی دیگری از قانون عکس مجلدور تبعیت می‌کند؟ مسلمًا خیر. بنابراین آزمایش‌های پشت

انجمن بودند. در این میان مایرز که از علمای متقدم و شاعری عالی رتبه بود نام تله‌پاتی را با ترکیب دو واژه‌ی یونانی ابداع کرد که با یکدیگر به معنی حس کردن از راه دور هستند. این ترکیب همه‌ی انواع فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که با امور مأموراء الطبیعه ارتباط دارند و به نوعی با تأثیر از راه دور مربوط هستند خود مایرز آن را چنین تشریح کرده است: رابطه‌ی موجود بین تمام انواع تأثیرات ذهنی بر سایر ذهن‌ها که مستقل از مجرای‌های خود آگاه حواس عمل می‌کنند.

البته این تعریف به قدری وسیع و کلی است که اکثر پدیده‌های مأموراء الطبیعه را در بر می‌گیرد، ولی مایرز و همکارانش برای تأثیر و تاثر تله‌پاتیک نام دیگری نیز ابداع کرده‌اند که در موارد خود آگاهانه بودن بدان اطلاق می‌شد. این اصطلاح، انتقال افکار بود؛ ولی ما برای تسهیل کار تله‌پاتی را به عنوان جزئی معین و بخصوص از کلیتی بزرگ‌تر و وسیع‌تر به نام انتقال افکار در نظر می‌گیریم. همان طور که بعد آخواهید دید، جنبه‌های تخصیص یافته‌تری نیز وجود دارند ولی ما در حال حاضر واژه‌ی تله‌پاتی را هم برای انتقال آگاهانه و هم انتقال ناخود آگاه افکار، احساسات، تمایلات و سایر کیفیات اینچنینی به کار می‌بریم. در ابتدای تأسیس انجمن تحقیقات روان‌شناسی، محققین آن در دو زمینه‌ی متفاوت به مطالعه‌ی پدیده‌های تله‌پاتی و انتقال افکار پرداختند. آنان موارد مختلف بروز همزمان تله‌پاتی را گرد آوری کرده، آنها را به دقت بررسی نمودند و در عین حال در رابطه با این پدیده آزمایش‌های دقیقی انجام دادند.

مبناهی نظریه‌ی فوق آزمایش‌های معینی را از زوایای مختلف تکرار می‌کند و سرانجام نتایج به دست آمده را در قالب فرضیه‌ی میریزد. این نظریه‌ی جدید (جز این نمی‌توان نامی بر آن نهاد) توسط همکاران وی به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد و آنها با انجام دادن آزمایش‌هایی براساس دیدگاه خاص خود، آن را به طور قابل ملاحظه‌ای تبیین و تشریح می‌نمایند. ضمناً بسیاری از دانشمندان، همچون بیشتر حکماء علوم الیه نمی‌توانند نظریه‌های تازه را بهذیرنند، زیرا این نظریه‌ها با شیوه‌ی تفکر آنها سازگار نیست. بنابراین آنان با تمام قوا تلاش می‌کنند تا نظریه و نظریه‌پرداز را تخطیه کنند.

نوع بشر در طرز تفکر خود غالباً دنباله‌رو اکثریت است و به طور غریزی در برابر هرآنچه که علی‌الظاهر با باورهای قبلی وی در تضاد باشد مقاومت می‌کند. وی نه تنها در برابر اندیشه‌های نوین مقاومت می‌کند، بلکه اغلب به شدت از آن تصرف می‌جوید. تاریخ اندیشه‌ی پسری به وضوح نشان می‌دهد که حتی افراد مقبول نیز تا چه حد می‌توانند در این مقاومت و تصرف اغراق کنند. این به خاطر قدرت مهیب غریزه‌ی جمعی در درون هر یک از ما است. این قدرت ما را قادر می‌سازد تا با هر اندیشه‌ی نوینی به گونه‌ای متعصبانه پرخورد کنیم، زیرا آن را برهم زننده‌ی نظام تثبیت شده‌ی جهان می‌پنداریم. بدین ترتیب در می‌یابیم که انسان به اندیشیدن در مجرای شیارهای کهنه‌ی ذهن خود تمایل دارد و این تمایل که در طول هزاران سال شکل گرفته است، به سهولت قابل تغییر نیست. در یکی از کتابهای اولیور وندل هولمز<sup>۱</sup> به نام پروفسور برسر میز صبحانه، شخصیت اصلی داستان یعنی پروفسور چنین می‌گوید: شیار ذهنی درست مانند قبر است، اما قبر آن قدر عمیق نیست.

1-Oliver Wendell Holmes

پرده‌ی آهنین<sup>۱</sup> باید در نهایت راهی بیانند تا پدیده‌های تله‌پاتیک را با ایدئولوژی عمومی ماتریالیسم دیالکتیک آشتبی دهند. افراد دیگری نیز هستند که بدون تقدیم به ایدئولوژی بخصوصی تلاش می‌کنند تا دریابند که اصل تله‌پاتی، نظریه‌ی امکان بقای پس از مرگ را تا چه میزان تعویت یابی اساس خواهد کرد. باید توجه داشت که دیگر همچون گذشته واقعیت تله‌پاتی مورد تردید نیست؛ مگر در میان گروه کوچکی از دانشمندان سرسخت.

## حرمت دانشمندان

البته باید گفت که به اعتقاد بخش عمده‌ای از افکار عمومی، تمام موضوعات اینچنینی چرندی بیش نیستند (صفت یاد شده، پاسلیقه‌ی گویندگان مختلف قابل تغییر است) اما همین ناباوران آشتی ناپذیر نیز در محاذل خصوصی می‌پذیرند که: شاید این مسائل زیاد هم مهم نباشند، ولی دانشمندان به وقت مناسب حقیقت ماجرا را کشف خواهند کرد. این حرمت شگفت‌انگیز به دانشمندان در این روزگار جایگزین حرمتی شده است که روزگاری مردم برای کشیشان و عاظظ دینی قائل بودند. اما دانشمند کسی است که در تحقیقات خود از انتظام ذهنی معینی پیروی می‌کند و هر کسی که از همین شیوه استفاده می‌کند ادعای دانشمند بودن دارد. به طور خلاصه، دانشمند ابتدا پدیده را مشاهده می‌کند، و سپس برای توضیح آن نظریه‌ای را ارائه می‌کند، آنگاه بر

۱-اشارة به کشورهای پلوک شرق و بخصروس شوروی سابق است.

امیدواریم بتوانیم اطلاعات دقیق و معینی را در اختیار آنان قرار دهیم تا با توصل به آن از دیدگاه نظری و علمی و بایینش دانشمندان حقیقی به بررسی این جنبه از علوم ماوراءالطبیعه بپردازند.

پسیاری از مردم، چنین می‌بندارند که وسائل آزمایشگاهی از قبیل لوله‌ی آزمایش، چراغ الکلی و ابزار الکتریکی برای تحقیقات علمی ضرورت دارند. اگر چه این امر تا حدودی درست است ولی در واقع همه چیز به نوع تحقیقی بستگی دارد که دانشمند بدان مبادرت می‌ورزد. هر تحقیقی به ابزار خاص خود نیازمند است که پرخی پسیار پیچیده هستند. پرخی دیگر از ابزار پسیار ساده‌ای استفاده می‌کنند. اگر چه در این کار انواع وسائل ثبت و ضبط مفید خواهد بود، ولی خود فرد آزمایش کننده از همه مهم‌تر است.

تا اینجا وضعیت موجود را از دیدگاه علمی تشریح کرده‌ایم و چنانچه مایلیم نتایج حاصل از تحقیقات پاسخگوی معتبرضیئی پاشد که در پرایر ما صفر آرایی خواهند کرد، این بخش از کار اهمیت زیادی دارد. اما پسیاری از افراد آنچنان در بند دیدگاه‌های رسمی علمی نیستند. آنان صرفاً به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های خود هستند؛ پرسش‌هایی چون: آیا قابلیت تله‌پاتی حقیقتاً وجود دارد؟ در صورت ثابت بودن پاسخ، چگونه عمل می‌کند؟ افراد معمولی چگونه می‌توانند بدان دست یابند؟ و اصولاً این استعداد به چه کار می‌آید؟

به نظر می‌رسد که آنچه به صورت مقدمه گفته شد، برای تبیین شرایط عمومی به کارگیری تله‌پاتی و اشکال گوناگون آن کافی باشد. در ادامه مطلب، به ذکر تمرینات اصلی مؤثر در قعال کردن این استعداد و تکنیک‌های مفید آن

اما این شیار می‌تواند گور اندیشه‌ی آزادگردد. به شهادت تاریخ تشکیلات گوناگون بشری مشمول این قانون هستند و باز به گواه صفحات تاریخ همیشه زمانی فرا می‌رسد که برخی از انسان‌ها خود را از بند چنین تعصباتی رها می‌سازند؛ خواه دانشمند یا پژوهشک، خواه پیرو مذهب یا ایدئولوژی بخصوصی باشند تفاوتی ندارد.

### پدیده‌های خارق العاده

در حال حاضر شاهد جنبشی عظیم به سوی شیوه‌های نوین تفکر، دیدگاه‌های تازه در مورد هستی و روش‌های جدیدی در تحقیقات پیرامون موضوعاتی هستیم که تشکیلات اصول گرا پیش از این باحالتی تحریر آمیز آنها را رد می‌کرند. البته هنوز پسیاری از افراد در مورد پدیده‌های ماوراءالطبیعه برداشتی احتمانه، زود باورانه و متعصبانه دارند.

این امر نه تنها شامل کسانی می‌شود که امکان واقعیت حوادث روانی و مرموز را پذیرفته‌اند، بلکه در مورد افرادی نیز صدق می‌کنند که در گروه مخالف هستند و مضرانه برناهاری خود تأکید داشته، از پذیرفتن هرگونه مدرک و دلیلی اجتناب می‌کنند. اینان نیز همچون گروه اول در اتهام زدن به مخالفان خود و محکوم کردن آنان پافقشاری می‌کنند. البته دو گروه یاد شده کم و بیش یکدیگر را از میدان بدر می‌کنند و می‌توان آنها را به حال خود واگذشت تا در پیروی از تعصبات کورکرانه‌ی خود به چنگ با یکدیگر ادامه دهند. اما در اینجا روی سخن ما با اندیشمندان آزادمنش و روشن فکر در هر سطح جامعه است، و

می آموزید که چه وقت سختگیر و چه وقت انعطاف‌پذیر باشید. در آغاز کار بیشتر به مشاهدات تجربی خود توجه کنید. برای ابداع نظریات بعداً فرصت خواهد داشت.

در مطالعه‌ی هر موضوع جدیدی، نادیده گرفتن نوشت‌های مربوط بدان حماقت محض است. آغاز هر کاری بدون توجه به اطلاعات قبلی به پیشرفتی کند و بطنی منجر خواهد شد. بنابراین بهتر است حتی المقدور آنچه را که در این زمینه به چاپ رسیده است، مطالعه کنید. چه بسا در این گذر به توصیه‌های تازه‌ای پرخورد کنید که توسط محققین متقدم از این شده و نقش راهنمای را داردند. از سوی دیگر شاید در برخی از کتب ثابت شده باشد که فلان روش بی ثمر است و بدین ترتیب با تکرار نکردن آن در وقت خود صرفه‌جویی خواهد کرد. البته هنگامی که کار آزموده‌تر شوید، چه بسا در باید که برخی از شیوه‌های مطرود زیاد هم بی فایده نبوده‌اند، بلکه محققین قبلی دچار اشتباه شده بودند.

چه بسا در جستجوی فلزی بخصوص، هزاران کیلوگرم از سنگ‌های کانی را که حاوی آن نیستند، بد دور افکنیم. ولی مادام کوری و همسرش با بررسی تعدادی از همین کانی‌ها یکی از نادرترین و مهم‌ترین فلزات جهان، یعنی رادیوم را کشف کردند. این ماجرا ضرب المثل قدیمی را تأیید می‌کند که: هر چیز که خوار آید، روزی به کار آید! بنابراین پس از اخذ نتیجه‌ی نهایی، مرور برخی از آزمایش‌های قبلي که علی‌الظاهر بی نتیجه بوده‌اند، خالی از لطف و فایده نخواهد بود. شاید با این کار دیدگاه‌های تازه شکل‌گیرند و حقایقی نوین به دست آیند.

یکی از وسوسه‌های بزرگ در مطالعه‌ی چنین موضوعاتی نادیده گرفتن فصل‌های مقدماتی کتاب‌های است. حتی برخی از افراد از این کار به خود می‌بالند.

می‌بردازیم، میزان کاربرد تحقیقات ما در بررسی‌های علمی، تماماً به خودمان بستگی دارد. هر قدر کار ما به استانداردهای مورد قبول علم نزدیک‌تر باشد، امکان پذیرفته شدن نتایج آن توسط دیگران بیشتر خواهد بود. به عقیده‌ی تغارنده، بهترین کار میانه‌روی است زیرا در این حوزه، کشیده شدن به قلمرو تعصب بسیار امکان‌پذیر است. سوژه‌ی ما در فعالیت‌های تله‌پاتیک، عناصر بی‌جان شیمیابی یا ابزار مکانیکی نیستند. اگرچه شاید بتوان از آنها نیز استفاده کرد. در اینجا ما با انسان‌های زنده، صاحب اندیشه و احساسات سروکار داریم. باید این واقعیت را همواره مدنظر داشته باشیم، زیرا نادیده گرفتن این عوامل و شاخص‌های انسانی همواره موجب بی اعتباری یا فقدان نتیجه‌ی مطلوب بوده است.

## تغییر در حالات و روحیات

اگرچه تله‌پاتی از عهده‌ی هر کسی ساخته است، پرورش آن شکیبایی بی‌حد می‌طلبد و در عصر نازارم کتونی این صفت در بسیاری از افراد وجود ندارد. همان طور که ذکر کردیم، ابزار کار ما انسان زنده و صاحب حواس است که دارای وضعيت‌های ذهنی و عاطفی متفاوتی می‌باشد و بدین ترتیب شرایط تحقیق نیز متغیر خواهد بود. این تغییر حالت هم در فرستنده مشاهده می‌شود و هم در گیرنده. اما به قول یکی از دانشمندان مشهور عصر ویکتوریا، شرایط مطلوب عبارت است از: سر فرود آوردن در برابر خواست طبیعت و در پس آن رهسپار شدن. سخت‌گیری در ابتدای کار از ضروریات است، اما با گذشت زمان

آن مایلند هرچه سریع‌تر به مبحث تمرین‌ها پردازند و کار عملی را آغاز کنند. اما تذکرات مقدماتی دو فایده‌ی مهم دارند: یکی به دست دادن اطلاعاتی کلی درباره‌ی موضوع، و دیگری ربط دادن این اطلاعات با دانسته‌های قبلی. به این دلایل، تذکرات مقدماتی ارزشمند هستند و شرایط ذهنی خواننده را برای کارهای عملی بعدی آماده می‌کنند.



## شرایط بدنی لازم برای موفقیت

بررسی دقیق شرایط کار در هر تحقیقی نوعی امیاز محسوب می‌شود. در مواجهه با موضوعی همچون تله‌پاتی، اهمیت این بررسی مضاعف می‌گردد. اگر چه شاید ما در رابطه با موضوع تحقیق خود اطلاعات چندانی نداشته باشیم و صرف‌آز برخی کلیات مطلع باشیم، اما همیشه باید در نظر داشت که بررسی هیچ موضوعی جدا از سایر علوم امکان‌پذیر نیست. هر پدیده‌ای، دائمًا و به‌گونه‌ای کاملاً پیچیده و غیر مستقیم با سایر حوزه‌های تحقیق ارتباط دارد.

## ملاحظات اخلاقی

پیش از پرداختن به جزئیات تله‌پاتی، بد نیست کمی از دیدگاه انگیزه به قضیه نگاه کنیم. معمولاً برای آغاز هر کار تازه‌های انگیزه‌ای وجود دارد. ولی در

خواهیم کرد و صد البته این به معنی جایزالخطا<sup>۱</sup> بودن نوع بشر است. اما دستورات معینی وجود دارند که برای راحتی کار می توان آنها را به صورت سه جمله‌ی کوتاه خلاصه کرد. اول این که نباید از نیروی تله‌پاتی به منظور بهره‌برداری شخصی استفاده کرد. دوم این که باید این قدرت نویافته را در راه خدمت به خداوند و همنوعان به کار گرفت، و اصولاً باید انجیزه‌ی ماز جستجوی هر دانشی خدمت باشد. سوم این که بهیچ وجه و تحت هیچ شرایطی نباید از قدرت تله‌پاتی برای تسلط بر دیگران، یا برخلاف میل آنان استفاده کرد. ما این سه اصل را اصول تکامل می‌نامیم و از این پس آنها را به این نام می‌خوانیم. انسان براساس قاعده‌ای کلی در راه رسیدن به مطلوب خود بارها دچار لغزش و سقوط می‌گردد؛ ولی در رویارویی با امور ماوراء الطبيعیه بهتر است که همواره اصول تکامل را مدنظر داشته باشیم.

## هاله

در اطراف هرگرسی، میدانی واقعی از انزوازی‌های روانی وجود دارد. غالباً از این حوزه با عنوان هاله یاد می‌شود و البته عقاید خرافی و ابلهانه‌ی زیادی در این باب رایج است. در معرفی هاله کافی است بدانیم که مرز طبیعی هاله در حکم حصار و مانع روانی است و ما نباید با نیروی تله‌پاتی برخلاف تمايل سوژه، حصار

<sup>۱</sup> سور غرہنگ ما این جمله بارها به کار رفته که انسان جایزالخطا است. اما باید توجه داشت که اگر انسان مجاز به خطا کردن بود، ضرورت وجود دستگاه‌های عریض و طویل دادگستری و سایر ملحقات آن مورد شوال می‌بود. بنابراین بهتر است به جای این واژه از لفظ محتمل الخطأ استفاده شود.

بررسی نیروی تله‌پاتی انجیزه‌ی ما چیست؟ مسلماً تمايل به دانستن مطلق را می‌توان یکی از انجیزه‌ها دانست، ولی این برای بررسی یک موضوع کفايت نمی‌کند. با یافته‌های خود چه خواهیم کرد؟ مثل هر قابلیت ذهنی دیگری، تله‌پاتی نیز می‌تواند مورد بهره‌برداری مشبت یا سو استفاده قرار گیرد؛ زیرا در ذات خود خشنی است. در اینجا به قلمرو اخلاقیات وارد می‌شویم و به جنگلی گام می‌نهیم که از تضادها، عادات، رفتار و اعمال بسیار مستقاوت نژادها و قبایل مختلف انسانی شکل گرفته است. عبور از این جنگل اندیشه‌ها و آرزوها که هر یک سومنشا اخلاقی یا غیر اخلاقی دارند و برخی نیز کاری به اخلاقیات ندارند، مستلزم دستورالعمل‌هایی ساده است که همچون رسمنانی ما را از درون این سردرگمی عبور می‌دهند. در غیر این صورت احتمال گم شدن فرد بسیار زیاد خواهد بود.

هرگاه عقیده‌ی تازه‌ای در حوزه‌ی علاقه ماطرخ می‌شود، چنانچه شیوه‌ی معمول تفکر خود را در خطر بینیم با آن عقیده به مخالفت و ضدیت خواهیم پرداخت. این طرز تفکر بیش از آنچه که مردم عادی می‌پندارند، در میان نوع بشر رایج است و در تمام مواردی که علاقه فردی ماطرخ هستند، صدق می‌کند. قدر مسلم اینکه چنین تقابلی با الفکار نوین، واکنشی کاملاً اعاطفی و غیر منطقی است. بدین ترتیب هر نظریه‌ی جدیدی به ناجاپا واکنش غیر منطقی توده‌ی انسان‌ها روپرداخته شد. این مضمون غیر عقلانی که، هر چیز تنها در صورتی درست است که برای من کاربرد داشته باشد، به اشکال مختلف و بالفاظ ظاهرآ خوش آیندی ابراز می‌شود؛ اما در هر حال واکنش اکثرب مردم جز این نیست. در مطالعه و استفاده از نیروی تله‌پاتی اگر ما انجیزه‌ی شخصی خود را به دقت بررسی کنیم، قطعاً در گوشی‌های تاریکی از ذهنمان با این معظل برخورد

اصرار دارند که در تمام آزمایش‌های مربوط به این موضوع، شرایط خشک خود را اعمال کنند و این حقیقت را کاملاً نادیده می‌گیرند که چنین کاری ممکن است مانع هرگونه تجربه در زمینه‌ی امور ماوراء الطبیعه گردد.

تصور کنید که قصد دارید با دوربین عکسی بگیرید ولی یکی از وحشیان قبایل عصر حجر فیلم را از دوربین خارج می‌کند تا در نور شدید آفتاب آن را بررسی کند. واضح است که در چنین وضعیتی همه‌ی تلاش‌های مانعش برآب می‌شوند ازیرا همان نوری که در شرایط مطلوب می‌توانست عکسی مطلوب را ایجاد کند، فیلم را خراب کرده است. چنانچه دوست بدروی ما شادمانه مدعی شود که عکاسی حرفه‌ای دروغین است، همان قدر آزرده می‌شویم که محقق با تجربه‌ی پدیده‌های روانی در برخورد با ذهنیت متوجه مدعیان داشتمند بودن، بنابراین بهتر است که در مراحل نخستین کار از اعمال شرایط خشک بر خود احتراز کنیم.

با گذشت زمان خواهید توانست شرایط ضروری را خود کشف نمایید. این شرایط از فردی به فرد دیگر متفاوت هستند. ولی با به دست آوردن تجربه‌ی کافی گویی کلی راکش می‌کنید که شرایط مطلوب در هر برهه‌ای را به شما نشان خواهد داد.

اگر چه استفاده از واژه‌هایی چون فرستنده و گیرنده در اشاره به دو فرد فعال در تله‌پاتی کار ما را ساده‌تر می‌کند، اما تجربه به ما چنین می‌گوید که با وجود درستی این اصطلاحات از واژه‌ای سطحی، فرآیند درونی کار تا حدودی متفاوت است. از دیدگاه اول فرستنده تصاویر یا افکار را ارسال می‌کند و گیرنده آن را گرفته و ضبط می‌نماید. ولی بسیاری از آزمایش‌ها چنین می‌نماید که گیرنده در اکثر موارد آینه‌ای محض برای انعکاس تصورات فرستنده نیست؛ بلکه

خصوصی او را مورد تجاوز قرار دهیم. چنانچه او داوم‌طلبانه از دفاع دست بردارد، آنگاه ما تنها در صورتی می‌توانیم به برقراری رابطه‌ی تله‌پاتی بپردازیم که قبل از مورد انجیزه‌ی خود اطمینان حاصل کرده باشیم، اما چنین توافقی در زمینه‌ی روش‌هایی مثل تلقین لفظی که محل تردید هستند، اعتبار ندارد. بعلاوه باید از مصرف هرگونه مواد مخدر پرهیز کرد (این مسئله بسیار مهم است) و در عین حال بهره‌برداری از رابطه‌ی بین سوزه و دوستان و عزیزان وی بهمیچ وجه جایز نیست.

به‌خطار داشته باشید که در طبقه‌ی فیزیکی قوانین طبیعت حاکم هستند و در مراتب روانی نیز قوانین مشابهی وجود دارند. اگر چه ظاهرآ در هر دو مرتبه می‌توان قوانین حاکم را زیر پا گذاشت، اما مسلماً در نهایت هر کس آن وزود عاقبت کار که کشت. نوعی اخلاصیات وجود دارد که صرف‌آ حاکم بر سرن قبیله‌ای نیست، بلکه تجلی اصلی علت و معلوی است که در تمام مراتب هستی برقرار کننده نیکی و خیر است. تا جایی که به بحث تله‌پاتی مربوط می‌شود می‌توان گفت در حوزه‌ی مسئولیت‌های اخلاقی، ملاحظاتی مهم و بخصوص وجود دارند که باید مد نظر قرار داد. هر کس که از این ملاحظات تخطی کند، دیر بازود نتایج حمامت خود را خواهد دید.

### شرایط عمومی

اینک می‌توانیم به ذکر شرایط عمومی مطلوب برای تله‌پاتی بپردازیم. اصولاً مسئله‌ی شرایط بحثی آزار دهنده است. بسیاری از به اصطلاح داشتمندان

امواج تلهپاتی داشما به طور ناخودآگاه در اطراف ما جریان دارند؛ بنابراین انتقال آن به ضمیر خودآگاه نیاز به تلاش و تحریک چندانی ندارد. اما از این مرحله به بعد باید این نیرو را پرورش داد، در غیر این صورت به چیزی مبدل می شود که گاه باصطلاح استعداد سرکش از آن یاد می کنند. بدین معنی که به نیرویی غیر قابل اتکا و نامطمئن تبدیل می شود. آموزش تلهپاتی در برخی از تشکیلات باطنی به هنری ظرف بدل گشته و تا جایی که خود شاهد بودهایم در بعضی از این تشکیلات آموزش هایی ارائه می گردد که به حلقه‌ی درونی آنها متعلق دارد و در خارج از حلقه یافت نمی شود. البته در این روش‌ها راز و رمز خاصی وجود ندارد و تنها چیزی که جلب توجه می کنند، تعلیم منظم و برنامه ریزی شده‌ی فرستنده و گیرنده است. ارسال پیامی جمعی از سوی یک گروه به یک فرد امری کاملاً امکان پذیر است و به همین منوال یک نفر نیز قادر است با گروهی رابطه برقرار کند. من شاهد هر دو مورد بوده‌ام و دیده‌ام که تلاش مستمر و منظم در نتایج حاصله چه اثری داشته است.

حال باید شرایط لازم برای انجام آزمایش‌ها را دقیق تر بررسی کنیم. قبل از هر چیز لازم است که تا حدودی به امکان وجود تلهپاتی معتقد باشیم. این باور می تواند صرفاً در قالب تلاشی ذهنی برای یک طرف بودن در رابطه با تلهپاتی متجلی شود. غالباً چنین می بینارند که فرستنده باید مدتی نسبتاً طولانی را صرف تمرکز بر تصور ذهنی خود کند. به علاوه می گویند که وی باید آرزو و اشتیاقی نیرومند برای انتقال پیام به فواصل دور را در خود بوجود آورد. اما چنین نیست. نیازی نیست که زمان فعالیت فرستنده بیش از کسری از دقیقه باشد و در واقع تمرکز شدید به مدت طولانی در عمل از انتقال افکار جلوگیری می کند.

وی در عمل به آگاهی درونی او دست می باید و با برقراری ارتباطی پویا تصویری را دریافت می کند که در ذهن فرستنده شکل می گیرد. بنابراین انتقال تلهپاتیک با فرستنده و گیرنده را دیوبوی قابل قیاس نیست. در اینجا اختلالات تلهپاتیک گوناگونی می توانند تأثیرگذار باشند و بدین وسیله درک مسئله را پیچیده کنند. درست در همین جا است که با واقعیتی عجیب آشنا می شویم، هر گاه فرستنده می بینارد که گیرنده با او فاصله زیادی دارد، نتایج حاصل بر حسب مقدار این فاصله محدود می شوند. اما اگر او گیرنده را نزدیک به خود تصور کند، نتایج به مراتب بهتر خواهد بود. بنابراین مکاتب باطنی درست می گویند که تعیین کشندۀ فاصله در مراتب درون، میزان هم دلی است نه فاصله فیزیکی. در هر صورت اگر فرستنده با اعتقاد به این گفته به انتقال افکار پردازد، کیفیت نتایج افزایش خواهد پافت.

### آموزش تلهپاتی

در این جا به بحث آموزش تلهپاتی می رسیم. بسیاری از کسانی که مایلند در این زمینه فعالیت کنند، تصور می کنند که قابلیت تلهپاتی نیازی به آموزش ندارد. اما افرادی که با این نیرو آشنایی بیشتری دارند کاملاً می فهمند که برای به دست آوردن نتایج ارزنده ابتدا باید آن را در وجود خود بیدار کنند و سپس آن را تثبیت کرده، به دقت پرورش دهند. برای بیدار کردن نیروی تلهپاتی روش‌های معینی وجود دارد، اما به طور کلی می توان گفت که تمایل محض به استفاده از این قابلیت، آن را درون بیدار می کند.

کنی! او بدين وسیله دکتر بیزانت را متوجه کرد که در تلاشی شدید برای تمرکز، عضلات چهره‌اش را منقیض کرده بود.

این واکنش تحت تأثیر رابطه‌ی بسیار نزدیک موجود بین ذهن و بدن شکل می‌گیرد و همه‌ی مبتدیان در این دام گرفتار می‌شوند؛ زیرا بدن انسان معمولاً نسبت به تنشی‌های مختلف ذهنی و عاطفی از خود واکنش نشان می‌دهد. در وجود انسان چیزی به نام زیان بدن موجود است که فی نفسه این واکنش را به تصویر می‌کشد. این اصطلاح در تله‌پاتی به صدایی ناخواسته اتصال می‌شود که درست سر بزنگاه در درون ما ایجاد می‌شود و باید برای خاموش کردن آن چاره‌ای اندیشید. این عمل به وسیله‌ی شل کردن عضلات بدن<sup>۱</sup> میسر می‌شود. برای این کار روش‌های زیادی وجود دارد، اما روشی که در این جا از آن می‌شود بسیار ساده و مؤثر است. علاوه بر این نوعی تمرین تنفسی نیز وجود دارد که می‌تواند مفید واقع گردد.

پس از شل کردن کامل عضلات بدن، فرستنده آماده‌ی ارسال پیام به گیرنده است. قبل از گفتیم که در ارسال افکار هیچ‌گونه تنشی نباید دخیل باشد و تنها به یک تصویر ذهنی نیاز است که حتی الامکان واضح باشد. تصویر فوق را می‌توان به واسطه‌ی عمل تصویر سازی، ایجاد کرد. قدرت تصویر سازی فرد باید به مطرب داؤ طلبانه تربیت شده باشد؛ زیرا عامله‌ی مردم از این کار عاجزند. معمولاً در تمرین تله‌پاتی از تصاویر آماده شده استفاده می‌کنند، ولی با تربیت و پرورش قوای تصویر سازی، تصاویر ذهنی ما شفافیتی مضاعف می‌باشد و این وضوح در انتقال تصویر به ضمیر ناخودآگاه ضرورت دارد. به همین دلیل مؤکداً توصیه می‌کنیم که حتی در صورتی که از قبل دارای قدرت تصویر سازی بوده و قادر

دستگاه ارسال و دریافت امواج تله‌پاتی در ضمیر ناخودآگاه فرستنده و گیرنده قرار دارد و فرستنده تنها می‌باشد از افکار خود تصویری روش و واضح خلق کنند و عواطف مربوط بدان را نیز تولید نماید. فقدان همین بار عاطفی است که غالباً موجب ناکامی افراد می‌گردد. فراروان شناسان امروزی که این مطلب را به خوبی درک می‌کنند، اینک به جای استفاده از ورقه‌ای زنر<sup>۲</sup> و نمودارهای چهارگانه از تصاویر استفاده می‌کنند.

## نیت و تصویر سازی

در این مرحله فرستنده باید تصویر ذهنی شارژ شده‌ی<sup>۳</sup> خود را که با تلاشی آگاهانه به وجود آورده است، به پهرين شکل ممکن به ضمیر ناخودآگاه خود منتقل کند. بدین ترتیب بحث نیت و تصویر سازی مطرح می‌شود. منظور از نیت، عملی ارادی است که دستگاه ذهن ناخودآگاه را روشن و آماده‌ی کار می‌کند. در به کار بردن این اراده باید کاملاً ملایمت به خروج داد و از هر گونه تلاش شدید پرهیز نمود. این امر در مورد تمام پدیده‌های ظرفی روانی مثل آموزش تمرکز، مددی تیشن و تصویر سازی ضروری است. گفته می‌شود در دورانی که دکتر آنی بیزانت<sup>۴</sup> به تازگی تحت تعلیم نابغه‌ی الهی شناسی، مادام اج بی بلاواتسکی قرار گرفته بود، روزی به مراقبه نشسته و سعی می‌کرد دستورات استاد را اجرا کند که بلاواتسکی به او گفت: آنی عزیزم، قرار نیست که با ابروها یت تمرکز

1-Zener Cards

۲-منظور بار عاطفی مورد لزوم است که غایب اشاره شد.

3-Annie Besant

دارند که دال بر ضبط سریع تصاویر بمحض دریافت هستند. ماهیت این فرآیند بیشتر به وضعیت روانی فرد پستگی دارد. ممکن است پیام به صورت صدایی درونی شنیده باشد که تصویری ذهنی مشاهده شود یا بدون هیچ‌گونه تصویری در قالب اطلاعاتی واضح و معین ظاهر گردد. گاهی نیز به صورت نوعی تأخیر ذهنی شدید دریافت می‌شود. برخی از اوقات اصولاً به قلمرو ذهن خود آگاه گیرند وارد نمی‌شود؛ بلکه در قالب قابلیتی که خود نگاری خوانده می‌شود بروز می‌نماید. علاوه بر آنچه که گفته شد، گاهی پیام از چندین مجرای مختلف دریافت می‌شود.

### نوشتن بی اختیار

در گزارش‌های سالیانه مؤسسهٔ تحقیقات روان‌شناسی، موارد مستند زیادی از خودنگاری یا نوشتن بی اختیار ثبت شده است. روزنامه‌نگار و مصلح اجتماعی مشهور، دبلیو.تی. استید<sup>۱</sup> که در حادثه‌ی کشتی تایتانیک جان باخت قادر بود بدین وسیله پیام‌های تله‌پاتیک را از سایرین دریافت کند. خانم ای. کی. بیتس<sup>۲</sup> نیز که یکی از نخستین اعضاء انجمن روان‌شناسی بود و بسیاری دیگر صاحب چنین قابلیتی بودند و هر یک تجربیات خود را در فرآیند تله‌پاتی ثبت کرده‌اند. خود من نیز زمانی دارای این توانایی بودم و شاید ذکر یکی از تجربیاتم در اینجا جالب توجه باشد. در آن زمان محل اقامتم در چند کیلومتری

1-W.T. Stead  
2-E.K. Bates

باشید آن را بطور دائم مورد استفاده قرار دهید، باز هم تربیت این قابلیت بسیار اهمیت دارد.

### بازتاب تصاویر

برخی از افراد قادرند به سطح صافی، مثل صفحه‌ی کاغذ خیره شوند و تصویر ذهنی خود را بر آن منعکس کنند. این تصویر برای آنان در حکم تصویری حقیقی خواهد بود. تحت شرایط بخصوصی سایر افراد نیز می‌توانند همین تصاویر را بر روی همان صفحه مشاهده کنند. در چنین حالتی با تله‌پاتی جمعی سروکار داریم که در مورد آن آزمایش‌های بسیاری انجام شده است.

شاید به نظر رسد که از بحث قبلی منحرف شده‌ایم، اما از آنجاکه در مسائل اینچنینی قابلیت تصویرسازی از اهمیت بسیاری برخوردار است، شاید تکرار برخی از مطالع بخش اول در این جا قابل توجیه گردد.

اینک باز هم به سراغ فرستنده می‌رویم. او در آرامش کامل عضلاتی نشسته و نیت خود را به انتقال پیام یا تصویر معطوف نموده است. حال تصویر موجود در ذهن خود آگاه وی بر مراتب حساس‌ضمیر ناخودآگاه او تأثیر می‌گذارد و به مراتب به سطح مشابه در ذهن گیرنده راه می‌گشاید. با فراهم شدن شرایط مساعد، از این لحظه تصویر فوق به ذهن خود آگاه گیرنده وارد و ضبط می‌شود. گفتیم با فراهم شدن شرایط مساعد؛ زیرا در فرآیند تله‌پاتی معمولاً تأخیر زمانی عجیبی مشاهده می‌شود. البته پیام بمحض ارسال دریافت می‌گردد، ولی بهر دلیلی دچار تأخیر یا توقف کامل می‌شود. شاید مسئله به فعالیت‌های ذهن خود آگاه گیرنده مربوط باشد، ولی معمولاً در تجربیات آزمایشگاهی دلایلی قاطع وجود

لندن و در نزدیکی منزل آموزگارم بود. او در زمینه‌ی علوم مأموره‌الطبعیه به من آموزش می‌داد. روزی بدون کمترین تمرکز و آمادگی قبلی، در پیروی از احساسی درونی مداد و کاغذ برداشتمن و برای خودنگاری آماده شدم. در کمال تعجب دستم چنین نوشت: من در سوئیس هستم و در هتلی بر فراز کوهستان اقامت دارم. الان در ایوان هتل نشتمام و مشغول تماشای طلوع خورشید در قله‌های برگی هستم. عجیب این که من به هیچ وجه از سفر آموزگارم خبر نداشتم. برای اطمینان با منزلش در لندن تماس گرفتم. مستخدم گوشی را برداشت و گفت که او برای گذراندن تعطیلات به سوئیس سفر کرده است. دفعه‌ی بعد که او را ملاقات کردم، پیام را به او نشان دادم. او صحت خبر را کامل‌آتایید کرد ولی افزود که نسبت به ارسال آن آگاهی نداشته است. در مردانه دسته از دوستان دبلیو.تی. استید که به همین شکل از طریق خودنگاری با من رابطه برقرار می‌کردند نیز عمل به صورت ناخودآگاه صورت می‌گرفت. آنان نیز از ارسال پیام‌ها بخوبی بودند ولی صحت آنها را تأیید می‌کردند. از این مطلب چنین برمی‌آید که بخشی از آگاهی درونی مابدگونه‌ای ماقوک طبیعی کامل‌افعال بود؛ بی‌آنکه بخش خودآگاه ذهن ما چیزی در این مورد بداند.



## شرایط مطلوب از دیدگاه روانی و روان‌شناسی

در اینجا باید باز هم به بحث کوتاهی بازگردیم که در فصل هفتم در رابطه با فاصله مطرح شد. گفتیم که چنانچه فرستنده با فرض نزدیکی گیرنده پیامی را ارسال کند، احتمال دریافت پیام بیشتر خواهد بود. حال می‌خواهیم مطلب را کمی بشکافیم، زیرا این مسئله در نتایج کار تأثیرات زیادی خواهد داشت. ما بر حسب عادت بین خود و محتویات محیط زندگیمان، فاصله و فضایی را در نظر می‌گیریم و البته با نادیده گرفتن این عامل یعنی فاصله، زندگی ما در روی زمین کاملاً مختلف می‌شود. مشکل اینجا است که ما مایلیم عنصر فاصله‌ی فیزیکی را به محیط غیر فیزیکی تجربیات تله‌پاتی بسط دهیم. ما عادت داریم خود را موجوداتی در محفظه‌های منفک و واحدهایی از حیات بدانیم که از تمام واحدهای مشابه جدا است؛ اما تجربه‌ی تله‌پاتی و سایر قابلیت‌های روانی در مدتی کوتاه ما را متقاعد می‌کند که وجہی از باطن انسان همواره با تمام

کاملاً ناخودآگاه در مژو و قایع دخل و تصرف می‌کنیم؛ مگر این که تجربه‌ی فوق قبل‌به‌طریقی با ابزار فیزیکی به ثبت رسیده باشد. ماغالاً برخی از نکات بخصوص راموره تأکید قرار داده، برخی دیگر را کاملاً فراموش می‌کنیم. این واقعیت هر روز در دادگاه‌ها و بازجویی‌های پلیس تأیید می‌شود. مسلم‌اگر هدف شما صرفاً تجربه‌ی وقایعی باشد که ظاهراً جنبه‌ی ماوراء‌الطبیعه دارند و علاقه‌ای به ارائه مدارک مستند علمی به جهان ندارید، می‌توانید بسیاری از شرایط و تمیهیات یاد شده را نادیده بگیرید.

با مطالعه‌ی مطالبی که تا اینجا ذکر شد، شاید برخی از شما تصویر کنید تله‌پاتی در عمل بسیار دشوار است و می‌توان بدون وسوسات در اعمال شرایط ذکر شده به سادگی به مراقبه نشست اراده‌ی خود راجه‌ت انتقال افکار به دیگری به کار گرفت. این روش برای برخی از افراد کاملاً امکان‌پذیر است. اما آنچه در اینجا ذکر می‌شود، حاصل سال‌ها تجربه‌ی عملی در این حیطه محسوب می‌گردد.

علاوه‌بر لزوم ابداع برنامه‌ای کارآمد، شرط دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه، گذشته از ثبت تجربیات مربوط به هر جلسه‌ی تمرین، وضع هوا و شرایط جوی نیز باید یادداشت شود. حالات گوناگون ماه (که در فصل ۳ به تفصیل تشریح شد)، شرایط جوی مثل ابر، باران، باد و متغیرهایی چون بار الکتریکی هوا که با رعد و برق ارتباط دارد نیز همه باید ثبت شوند. پدیده‌های روانی که تله‌پاتی نیز یکی از آنهاست به واسطه‌ی واکنش ذهنی تجربه‌گر نسبت به شرایط جوی شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، به تجربه ثابت شده که وضعیت ماه تغییراتی قطعی را در نتیجه‌ی کار به وجود می‌آورد و هریک از جزئیات اینچنینی در قابلیت‌های روانی انسان تغییرات اشکاری را موجب شوند.

واحدهای زنده‌ی حیات رابطه‌ای فعالانه دارند. با پذیرش این اصل، اگر تصویر کنیم که گیرنده به واسطه‌ی عامل فاصله از فرستنده جدا شده است، نتیجه‌ی عمل تحت تأثیر این باور قرار می‌گیرد و اندیشه‌ی ارسال پیام به مسافت دور موجب می‌شود تا نوعی محدودیت را برای خود قائل شده، در درون نسبت به توانایی ارسال پیام به مسافتی این چنین دور تردید نماییم. ضمیر ناخودآگاه نیز که همواره موبه مو از ذهن خودآگاه پیروی می‌کند، به طریق اولی نتایج تجربه را محدود خواهد کرد. از سوی دیگر چنانچه گیرنده را به خود نزدیک تصویر کنیم نیز ضمیر ناخودآگاه اجازه نمی‌دهد که تأثیر فاصله نتیجه‌ی کار را تحت الشعاع قرار دهد.

با توفیق در تله‌پاتی مفاهیم نزدیک و دور به تدریج شکلی تازه به خود می‌گیرند، زیرا طرز تفکر ما تغییر می‌کند و بهطور روزافزون از بند محدودیت‌های معمول فکری خود را خواهیم شد.

### برنامه‌ای کارآمد

تا اینجا به شرایط اصلی لازم جهت توفیق در تجربیات مربوط به تله‌پاتی اشاره شد. البته اقدامات دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند موجب پیشرفت یا سد راه مانندند.

نخستین شرط، طراحی روشی کارآمد برای انجام دادن آزمایش‌ها است. پس از آزمایش یا تجربه باید بلا فاصله نتایج را یادداشت کنیم و دقت نماییم که هیچ نکته‌ای از قلم نیافتد. حافظه‌ی انسان غیر قابل اعتماد است و ما بهطور

امتحان کردم ولی نتیجه‌ای نداشت. شک دارم که ژئو باشد. آنچه که چندین افرادی در گنجینه این است که چه بسا انسان علاوه بر اعضاء حسی بدن، در سایر کالبدی‌های خود نیز اندام‌هایی حسی داشته باشد که ذهن از طریق آنها تأثیرات مراتب غیر فیزیکی را دریافت کرده و بدان واکنش نشان می‌دهد. اندام‌های حسی بدن (از قبیل چشم، گوش، زبان...) طی میلیون‌ها سال متکامل شده‌اند ولی شاید اندام‌های حسی فراجمسمی تا این حد پیشرفت نباشند. اما در گوش و کنار جهان و در روندی رو به گسترش افرادی یافته می‌شوند که در آنها اندام‌های حسی درونی قفال شده و اگرچه در برخی از موارد دریافت‌های این اندام‌ها به بخش خودآگاه ذهن راه نمی‌یابند، اما با تحریکی اندک این امر امکان‌پذیر است.

### شرایط روانی محیطی

بهترین گیرنده‌گان از میان همین افراد یافتن می‌شوند و از آنجاکه بهره‌برداری مستمر از هر قابلیتی حوزه‌ی عمل آن را گسترش می‌دهد، این افراد که به طور طبیعی حساسیت بالایی دارند می‌توانند منشاء قواید بسیاری باشند. همیشه نمی‌توان چنین افرادی را صاحب قدرت تله‌پاتی دانست. این تشخیص به‌واسطه‌ی تکرار آزمایش‌های تجربی میسر خواهد شد. اما تجربه‌ی زیاد در یک مورد جای تردید باقی نگذاشته است و آن اینکه چنین افرادی نسبت به عوامل محیطی نامبرده مثل، وضعیت ماه و خورشید، شرایط جوی و عواطف حساسیت زیادی دارند. این حساسیت به عوامل روانی محیطی موجب می‌شود تا همواره

### عوامل محیطی منحرف کننده

آن دسته از شرایط و عواملی که با تجربه ارتباطی مستقیم دارند باید ثبت شوند؛ منجمله، گرمای اتاق، وجود یا نبود عوامل محیطی برهم زننده‌ی تمرکز مثل اصوات بلند یا یکنواخت (در یکی از تمرین‌ها صدای تیک تیک ساعت جیبی حواس مرا پرت کرد)، شکل و ترکیبات موجود در اتاق، والبته راحتی جسمی تجربه‌ی گر، علی‌الخصوص در مورد گیرنده و فرستنده. و بالاخره آنچه که بیش از همه اهمیت دارد، آرامش عاطفی فرستنده و گیرنده است. پیش از شروع کار باید از بحث و جدل پرهیز کرد. این نکته اهمیت زیادی دارد، زیرا پریشانی‌های عاطفی اینچنینی موجب کندی ظهور قابلیت روانی می‌گردد و اگر هم توفیقی به دست آید به احتمال زیاد فرستنده به جای تصویر یا افکار مورد نظر، کیفیات و حالات عاطفی خود را به گیرنده منتقل خواهد کرد. البته این نیز تله‌پاتی محسوب می‌شود، ولی نمی‌توان آن را تجربه‌ای کنترل شده دانست. نمی‌خواهیم بگوییم که تله‌پاتی عاطفی اینچنینی غلط است؛ چه انواع تله‌پاتی غیرمنتظره نیز دارای بار عاطفی هستند. بلکه منظور ما این است که در تجربیات کنترل شده عواطف فوق نتیجه‌ی کار را مختل نمی‌کنند و آن را تحت الشاعع قرار نمی‌دهند.

یکی از مهم‌ترین عوامل توفیق در تله‌پاتی شکیبایی است؛ اسپیاری از افرادی که در امور ماوراء‌الطبیعه مثل تله‌پاتی و به طور کلی تمام پدیده‌های روانی فعالیت می‌کنند، متوجه این نکته نیستند که طبق قاعده‌های کلی در جلسه‌ی اول یا مثلاً پنجم، نتیجه به دست نمی‌آید و به همین علت معمولاً کار را بیزاری تعطیل می‌کنند. از کسی شنیدم که می‌گفت، تله‌پاتی؟ بله من پنج بار

دومی نیز شناسایی شود. شاید باگذشت زمان تیم دوم هم بسیار موفق باشد و باز دیگر اثبات گردد که شکیبایی چقدر ارزشمند است.

### خستگی در صد شکست را افزایش می‌دهد

به گفته‌ی کسانی که نتایج این قبیل آزمایش‌ها را بررسی کرده‌اند، خسته شدن سوژه موجب افزایش امکان ناکامی در آزمایش می‌گردد. البته خستگی جنبه‌ای نسبی دارد، زیرا واکنش افراد مختلف با یکدیگر متفاوت است. هنگامی که آزمایش بیش از حد طولانی می‌شود باه دلایلی جذابیت خود را از دست می‌دهد، خطاهارو به فروتنی می‌گذاردند تا جایی که دیگر هیچ موقوفیتی به دست نمی‌آید. اما چنانچه آزمایش در هر نوبت زیاد طولانی نباشد و عنصر جذابیت در پیام‌ها در نظر گرفته شود، در صد توفیق افزایش خواهد یافت. البته هنگامی که تفاهم تله‌پاتیک بین دو سوژه برقرار و ثبیت گردد، این اختلال به طور طبیعی افزون می‌گردد و با تمرین بیشتر کم و بیش واپسگی آزمایش به عوامل عاطفی و سایر موائع بازدارنده از بین می‌رود. البته هرگز نمی‌توان به طور کامل بر عوامل بازدارنده غلبه کرد اما با برقراری تفاهم باد شده این مواعن دیگر همچون گذشته دست و پاگیر نخواهند بود. به علاوه بدین ترتیب نحوه‌ی تأثیرگذاری آنها بر نتایج کشف می‌شود و می‌توان در هر آزمایشی آنها را پیش بینی کرد.

نتیجه‌ی آزمایش مورد تردید باشد. اصولاً چنین حالتی می‌تواند از توفیق در هر آزمایشی جلوگیری کند؛ مگر اینکه همه چیز تحت کنترل قرار گیرد. درک این نکته برای شرکت کنندگان در آزمایش تله‌پاتی بسیار ضروری است که فرستنده و گیرنده از هر چیز گذشته انسان هستند و در برای آن دسته از واکنش‌های عاطفی که می‌توانند موقوفیت یا شکست تجربه را تحت تأثیر قرار دهند، آسیب پذیر می‌باشند.

به همین علت توصیه می‌کنیم که حداقل در ذه آزمایش اول فرستنده و گیرنده را در جریان موقوفیت یا شکست در تجربه قرار ندهید. بدین وسیله آنها در مورد در صد زیاد شکست که در مراحل نخستین طبیعی است، نگرانی بی موردی نخواهد داشت. با استفاده از واحد ده آزمایش در هر بار، به دست اوردن در صد توفیق یا شکست اسان می‌گردد. معمولاً در صد مورد دوم رقم بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهد؛ مگر اینکه فرستنده و گیرنده شدیداً حساس بوده و از لحاظ عاطفی با یکدیگر سازگار باشند. این همسنگی عاطفی معمولاً توانهای نوعی هم‌دلی درونی است که آن را اصطلاحاً تفاهم می‌نمایند.

توصیه می‌کنیم که در صورت امکان گروهی مرکب از سه یا چهار جفت فرستنده و گیرنده را انتخاب کنید و اعضاء هر جفت را به تابو با اعضاء مشابه در سایر جفت‌ها جایگزین کنید. بدین ترتیب معلوم می‌شود که میزان تفاهم کدام فرستنده و گیرنده از سایرین بیشتر است. سپس کار را با این دو نفر ادامه دهید. اما به یاد داشته باشید که هر قابلیتی در اثر استمرار در استفاده تقویت می‌شود. بنابراین بقیه افراد گروه را نیز به صورت جفت جفت در آزمایش‌های مجزا به کار گیرید. شاید در صد شکست آنها از جفت اول بیشتر باشد، ولی ضعیف‌ترین فعالیت تله‌پاتیک نیز با تمرین تقویت می‌شود و چه بسا در این رهگذر جفت

هنرمندان هنرهای بصری است، بدین معنی که می‌توان با انگشتان شست و سبابه‌ی دو دست کادری درست کرد و از میان آن به تصویر نگاه کرد. راه دیگر، درست کردن لوله‌ای مقواپی و نگاه کردن از درون آن است. از نظر من این روش بسیار مفید است.

در این فصل شرایط روانی و عوامل روان‌شناسی دخیل در تله‌پاتی را در نگاهی کلی مرور کردیم. البته عوامل مهم دیگری نیز وجود دارد که در درجات پیشرفت‌های تله‌پاتی تأثیر گذارد و ما بعداً به آنها خواهیم پرداخت. اما در اینجا بدنیست اشاره کنیم که بر خلاف عقیده‌ی عمومی، مردان نیز همانند زنان می‌توانند گیرنده باشند و جنسیت با استعداد تله‌پاتی رابطه‌ی چندانی ندارد. البته براساس قاعده‌ای کلی درجه‌ی گیرنده‌گی ذهن زنان از مردان بیشتر است، ولی بسیاری از مردان نیز دارای همین قابلیت هستند و می‌توانند با تربیت و آموزش صحیح به گیرنده‌گانی قابل مبدل شوند.

## آگاهی تصویری

ضمیر ناخودآگاه بیش از هر چیز نوعی آگاهی تصویری است و حساسیت آن نسبت به تصویر اشیاء بسیار بیشتر از مقاهم انتزاعی است. البته منظور ماز تصویر، صرفاً تصاویر بصری نیست؛ بلکه به قالب‌هایی اشاره داریم که توسط سایر حواس مثل لامسه، چشایی، شنوایی و بویایی نیز تشکیل می‌شوند. احتمال ضبط پیامی که حاوی بیش از یک قالب حسی باشد، توسط گیرنده بسیار بیشتر است. تصویر یا قالبی که به منظور پرورش قوای تمرکز به کار می‌رود، هرچه که باشد باید حتی الامکان جذاب و مانند پیام‌های تله‌پاتی، حاوی بخشی از تصاویر سایر حواس نیز باشد.

همین امر در مورد انتقال تله‌پاتیک نیز صادق است. به مثال زیر توجه کنید. اگر از فرستنده بخواهیم که تصویر یک بوته‌ی گل سرخ را ارسال کند، نه تنها شکل گل‌ها بلکه رایحه‌ی مربوطه، کنگره‌ی برگ‌ها، لطافت گلبرگ‌ها و احساس تیزی خارهای ساقه‌ها نیز باید انتقال یابد. تصویر یا قالب بصری که براساس قاعده‌ای کلی شالوده‌ی پیام تله‌پاتی محسوب می‌شود، در صورتی بهتر انتقال می‌یابد که از تصاویر مربوط به محیط نیز بمطور ناخودآگاه به پیام وارد گردد. این بخش که ممکن است بخشی از محیط نیز بمطور ناخودآگاه به پیام وارد گردد. این بخش که جزوی از تصویر مورد نظر نیست ولی توسط گیرنده دریافت می‌شود می‌تواند از دیدگاه گیرنده موجب بی اعتباری پیام شده، تله‌پاتی را با شکست مواجه سازد. البته در حقیقت این نیز می‌تواند توفیقی معین در تله‌پاتی محسوب گردد؛ هر چند تصویر مورد نظر فرستنده نبوده باشد.

یکی از روش‌های تکمیل تصویر مورد نظر از محیط، استفاده از شیوه‌ی

۴

## آموزش تله پاتی

در فصل قبل شرایط عمومی مؤثر در انتقال افکار به روش تله‌پاتی را مرور کردیم. اینکه به تعالیم مربوط به تربیت فرستنده و گیرنده می‌پردازیم و برنامه‌ی آموزشی تله‌پاتی را جزء به جزء تشریح می‌کنیم. شاید برخی از خوانندگان از اینکه استفاده از تله‌پاتی نیاز به آموزش دارد، متعجب شوند. اما این حقیقت دارد و علاوه بر فرستنده و گیرنده هر کسی که به عنوان در آزمایش‌ها شرکت می‌کند باید تحت تعلیم قرار گرفته باشد. زیرا در آزمایش‌ها هر کسی به مطرور مجزا وظیفه‌ای را بر عهده دارد و عمل خاص خود را انجام می‌دهد. بدین ترتیب حتی ثبت‌کنندگان وقایع در هر دو طرف نیز باید با استفاده از روشی خاص تجربیات جلسه را با دقت علمی ثبت نماید.

البته قبلاً نیز گفتیم که می‌توان با نشستن و تمایل محض به ارسال پیام نیز رابطه‌ی تله‌پاتیک را برقرار نمود. به همین ترتیب می‌توان با تمرکز ذهن را خالی

## روش شل کردن عضلات و تمرین تنفسی

بدين ترتیب باید بین دو وجه ذهنی نامبرده معتبر با مجرایی گشود تا پیام بتواند آزادانه از یکی به دیگری منتقل شود. این عمل به واسطهٔ تکنیک‌های شل کردن عضلات و تنفس میسر است که در بسیاری از مکاتب باطنی عمومیت دارد. اساس این تمرین‌ها این واقعیت است که انسان، پخصوص انسان معاصر همیشه دارای تنفس است و این امر به کشمکشی ناخواسته بین ذهن و جسم می‌انجامد. اگر بدن به آرامش برسد، ذهن نیز بدان تأسی خواهد کرد. پیشتر تنفس‌های دارای طبیعتی عاطفی هستند و تمرین‌های فوق بر همین مسئله تمرکز دارند، زیرا بین تنفس و عواطف پیوندی تزدیک برقرار است. اگر مایلید از صحت این گفته مطمئن شوید، تمرین زیر را تجذم دهید.

در گرماگرم یکی از کشمکش‌های عاطفی<sup>۱</sup>، به ارمی شروع به دم و بازدم کشید. (دم پنج شماره- حبس نفس دو شماره- بازدم پنج شماره و تادم بعدی مجدد دو شماره توقف). اگر به مدت یک دقیقه با این روش تنفس کنید، خواهید دید که عواطف حاکم بر شما به طور قابل ملاحظه‌ای فروکش کرده یا حتی نابدید می‌شوند. مکاتیزم عمل چنین است که حفظ احساسات و عواطف شدید در هنگام تنفس عمیق و گند امکان پذیر نیست. یوگی‌های هندو این واقعیت را قرن‌ها پیش کشف کرده‌ند و با استفاده از همین اصل تمرین‌های تنفسی معینی را ابداع کرده‌ند. برخی از این تمرین‌ها برای وضعیت بدنی هندیان مناسب هستند و

<sup>۱</sup> اسباب توجه داشت که متنظر از عواطف، آن گونه که ما می‌پنداشیم مهر و محبت محض نیست و حالاتی جوون طبع، ترس، حسد، خشم و سایر کیفیاتی که به نوعی انسان را از حالت غذایی خارج می‌کنند نیز در زمرةٔ عواطف محسوب می‌شوند. در تمرین فوق پیشتر به این حالات مفهی اشاره شده است.

کرد (که البته کار چندان ساده‌ای نیست) و پیامی را دریافت کرد. وبالآخره اینکه هر کسی می‌تواند بدون آموزش قبلی، از وقایع جلسه‌ی آزمایش گزارش علمی و مستند ثبت کند؛ اما این کار آنقدر که به نظر می‌رسد آسان نیست.

## فرستنده و گیرنده

حال به آموزش فرستنده یا عامل می‌پردازیم. جالب است بدانید که او باید تعالیم مربوط به گیرنده را نیز بیاموزد. این آموزش دوگانه در مورد گیرنده نیز صادق است و او نیز باید تعالیم مربوط به فرستنده را یاد بگیرد. هر دو دستورالعمل باید به گونه‌ای باهم ترکیب شوند که هیچ یک از طرفین در کار خود تعصب به خرج ندهد. موازنۀ اساس کار است. اتفاقاً خطر موجود در این روش دوچانه برای گیرنده بیشتر از فرستنده است، زیرا ممکن است لو در این رهگذر حساسیت بیش از حد یافته و در برابر تأثیرات خارجی آسیب‌بیزیر گردد. اگر چه بین این دو آموزش زمینه‌های مشترک زیادی وجود دارد، ولی هر یک باید به طور جداگانه مورد توجه قرار گیرند. حال باید اساس آموزش‌های فرستنده را به طور خلاصه بررسی کنیم. پیام تله‌پاتی از ذهن خود آگاه فرستنده به ضمیر ناخودآگاه او منتقل می‌گردد. در گیرنده نیز همین فرآیند به صورت معکوس عمل می‌کند؛ البته به استثناء موارد مربوط به خودنگاری. در مورد آخر پیام دریافت شده توسط ضمیر ناخودآگاه، مستقیماً به مرکز فرمان مبنزی می‌پرود. در هر دو صورت عامل اصلی ضمیر ناخودآگاه است. بنابراین در فرستنده باید پیام از ذهن خود آگاه به ضمیر ناخودآگاه منتقل شود و در گیرنده بالعکس.

## بازتاب شرطی

یک کلمه، ذکر یانماد را که برایتان مفهومی خاص دارد انتخاب کنید و آن را با ارامش بدمست آمدۀ خود پیوند دهید. خواهید دید که با هر بار تکرار کلمه یا ذکر (چه لفظی و چه ذهنی) یا تصویر نماد مورد نظر خود، بلاعاقله در خلسمای آرام فرو می‌روید. هر گاه توانستید بالاستفاده از کلمه یا نماد فوق به آرامش جسمی و ذهنی دست بایدید، در کاری مهارت یافته‌اید که آن را بازتاب شرطی می‌خواستند.

البته آغاز تمرین‌های تله‌باتی پیش از کسب مهارت کامل در بازتاب شرطی نیز امکان‌پذیر است. تنها تفاوت در این است که هرچه در تمرین بالا ماهرتر شوید، در تله‌باتی توفيق بیشتری خواهید یافت. بنابراین هرچه زودتر این مهارت را کسب کنید، بهتر خواهد بود.

## نفوذی یک آزمایش

اينک به تشریح یک نمونه از جلسات موقفیت‌آمیز تله‌باتی می‌پردازیم. قبل از هر چیز باید حرارت محل آزمایش را به گونه‌ای تنظیم کرد که نه زیاد گرم و نه زیاد سرد باشد. هر یک از این دو حالت برنتیجه‌ی کار اثر می‌گذارد. صندلی‌های مورد استفاده باید راحت باشند، ولی نه بیش از حد. کافی است که هنگام تصور موضوع تله‌باتی صندلی موجب کشیدگی عضلات نشود و تمرکز شما را بر هم تزیند. می‌توانید تصویر را به صورت خوابیده یا ایستاده بر روی میزی قرار دهید.

با بسیاری از غربیان که نسبت به شرقیان وضع جسمی و روانی متفاوتی دارند، سازگار نیستند. اما برای هر یک از تمرین‌های شرقی یک مشابه غربی نیز وجود دارد و تمرینی که در اینجا ذکر شد دارای کاربرد مطلوبی است.

در هنگام حبس نفس، پرهیز از بستن گلو بسیار اهمیت دارد. سعی کنید برای جلوگیری از انقباض قفسه‌ی سینه، از عضلات سینه استفاده کنید؛ بد گونه‌ای که اگر کسی ناگهان سینه‌ی شما را فشار دهد، هوا بدون برخورد با مانعی در گلو بلاعاقله خارج شود. این گونه تنفس، شبکه‌ی خورشیدی را ماساژ می‌دهد. این شبکه مرکزی عصبی است که با عواطف رابطه‌ای نزدیک دارد و با انجام این تمرین تنفس موجود در آن کاهش می‌یابد و در نتیجه واکنش‌های عاطفی غیرراحتی انسان محدود می‌شوند. تقلیل واکنش‌های عصبی و عاطفی بر تمام بدن تأثیر می‌گذارد و موجب کاهش انقباضات عضلات می‌گردد. با انجام دادن تمرین زیر می‌توان انقباضات فوق را باز هم کاهش داد. روی یک صندلی راحت که چندان نرم نباشد بنشتید و به مدت یک دقیقه تمرین بالا را انجام دهید. سپس توجه خود را به بالای سر خود معطوف کرده، پوسٹ سر خود را منقبض کنید. حالا آن را شل کنید و به سراغ عضلات صورت ببروید و آنها را متعقب کنید (بخصوص عضلات پیشانی را) و سپس شل کنید. به طرف پایین حرکت کنید و تمام عضلات را به ترتیب منقبض و شل کنید تا به پاهای پرسید. در دفعات اول خواهید دید که عضلات بهطور خودکار انقباض را از سرمه‌ی گیرند ولی با تمرین بیشتر این نقص بر طرف می‌شود و خواهید توانست به آرامش جسمی کامل برسید. این آرامترین وضعیت ممکن است و هنگامی که به این مرحله رسیدید و توانستید آن را در خود حفظ کنید، می‌توانید به مرحله بعد پیروز شوید.

در حالت ایستاده می‌توانید از ابزار ماشین نویسان که برای همین کار ساخته شده است، استفاده کنید. اگر موضوع پیام جسمی جامد است، آن را صرف‌آبروی میز قرار دهید. چنانچه گیرنده نیز در همان اتاق حضور دارد، باید جسم یا تصویر مورد نظر را به موسیله‌ی حالاتی از نظر او پنهان کنید. بهترین راه برای این منظور، قرار دادن پرده‌ای بین گیرنده و تصویر است. بهتر است گیرنده از گوشی نیز استفاده کند تا حتی صدای نجوای دیگران را نیز بشنود.

یک نفر باید وظیفه‌ی ثبت کننده را به عهده گیرد. وظیفه‌ی او تهیه تصاویر، نمادها، تابلوها یا اجسامی است که در آزمایش به کار می‌روند و در عین حال باید مدت زمان هر آزمایش، هر چونه اطلاعات مربوط به شرایط جوی، درجه‌ی حرارت اتاق، وضعیت ماه و سایر جزئیات تأثیرگذار در آزمایش، و از همه مهمتر وضعیت ذهنی، عاطفی و جسمی فرستنده (و گیرنده در صورتی که در همان اتاق باشد) را به دقت ثبت کند.

اگر فرستنده و گیرنده در دو اتاق مجزا باشند، باید یک ثبت کننده‌ی دیگر نیز با گیرنده همراه باشد و همان جزئیات مربوط به فرستنده را در آنجا مد نظر قرار دهد. دقت کنید که هیچ گونه گفتگوی غیر ضروری در اتاق برقرار نگردد و تا حد ممکن اصوات خارج از اتاق را کنترل کنید. البته مورد اخیر تا حدودی جنبه‌ی آرمائی دارد و ممکن است در تمام موارد امکان پذیر نباشد. اما اگر بتوانید تا حدودی سکوت را برقرار کنید، بسیار مفید خواهد بود.

## گفتار زیر لب

در بجدا سازی فرستنده از گیرنده مسئله تعیین گننده در اختیار داشتن اتاق دوم است. در دسترس بودن اتاق دوم بسیار مفید است، زیرا احتمال تشخیص اتاق زیر لبی فرستنده از سوی گیرنده منتفی خواهد بود. مسئله از این قرار است که گاهی فرستنده به گونه‌ای کاملاً غیر ارادی در مورد مضمون پیام خود انتباخته باشند. گیرنده که در این حین دارای حساسیت زیادی شده است، ممکن است جمی اصوات بسیار ضعیف را نیز تشخیص دهد.

بسیاری از آزمایش‌های مسمریزم و هیپنوتوژیم ثابت کرده‌اند که سوزه ممکن است اثر و ضعیفیت فراحتی، یعنی حساسیت بسیار بالا قرار گیرد. من خود شاهد هستم که فردی هیپنوتوژیم شده قادر بود از فاصله‌ی بیست متري صدای نجواها را بشنود. این حساسیت فوق العاده ممکن است به آزمایش صدمه زند، تراویح بهتر است که فرستنده و گیرنده در دو اتاق مجزا باشند. لازم است بتوانید گفتگان حاضر در هر طرف برای ثبت زمان دقیق ارسال و دریافت پیام، تاسیکهای خود را بهم تنظیم کنند. قبل از تمهیمات مربوط به فرستنده توضیح کنید که این مورد ممکن است در اینجا نیز همان شرایط کلی مثل سکوت و راحتی جسمی لازم است. بعلاوه چند ورق کاغذ و چند قلم نیز باید در دسترس گیرنده باشد تا هر گونه دریافتی را شخصاً ثبت کند. اگر فرستنده و گیرنده در دو اتاق مجزا هستند، وجود ضبط صوت نیز لازم است. در این مورد هم نور اتاق نباید شدید باشد ولی باید برای نوشتن کفایت کند.

و اماده مورد گیرنده چه اقداماتی ضروری است؟ در اینجا نیز همان شرایط کلی مثل سکوت و راحتی جسمی لازم است. بعلاوه چند ورق کاغذ و چند قلم نیز باید در دسترس گیرنده باشد تا هر گونه دریافتی را شخصاً ثبت کند. اگر فرستنده و گیرنده در دو اتاق مجزا هستند، وجود ضبط صوت نیز لازم است. در این مورد هم نور اتاق نباید شدید باشد ولی باید برای نوشتن کفایت کند.

## مراحل کارگیرنده

مراحل کارگیرنده تا حدودی متفاوت است. البته او نیز باید مانند فرستنده در آرامش کامل باشد. سپس برای مدتی در حدود پنج ثانیه با نیت دریافت پیام ذهنی فرستنده بر او متوجه می‌شود و بعد مدتی آرام و فارغ از هر فعالیتی می‌نشیند و منتظر دریافت هرگونه پیام یا تأثیری می‌ماند. او باید پیام یا تأثیر را با صدای بلند تشریح کند. در این مرحله وجود یک دستگاه ضبط صوت کوچک پسیار اهمیت دارد. ولی در صورت تمایل می‌تواند پیام خود را علاوه بر اعلام، یادداشت و تصاویر دریافتی را نقاشی کند. او موظف است در عین حال هرگونه صوت، رایحه، مزه یا دریافت مربوط به حس لامسه را بدون عنوان زمینه‌ی پیام اصلی ثبت نماید.

مسلمًا تمام این کارها نیازمند فرصت است و می‌توان زمانی معادل ده الی پانزده دقیقه را به این کار اختصاص داد. دریافت‌ها در یک قالب واحد به ضمیر ناخودآگاه‌گیرنده وارد می‌شوند ولی با کمی تأخیر از فیلترهایی عبور کرده و به ذهن خودآگاه‌نفوذ می‌کشند. به همین دلیل فرصت یاد شده ضروری است. البته ممکن است برخی از تأثیرات تا چند ساعت بعد نیز ظاهر نشوند و همین دریافت تأخیری غالباً این قبیل آزمایش‌ها را پیچیده می‌کند.

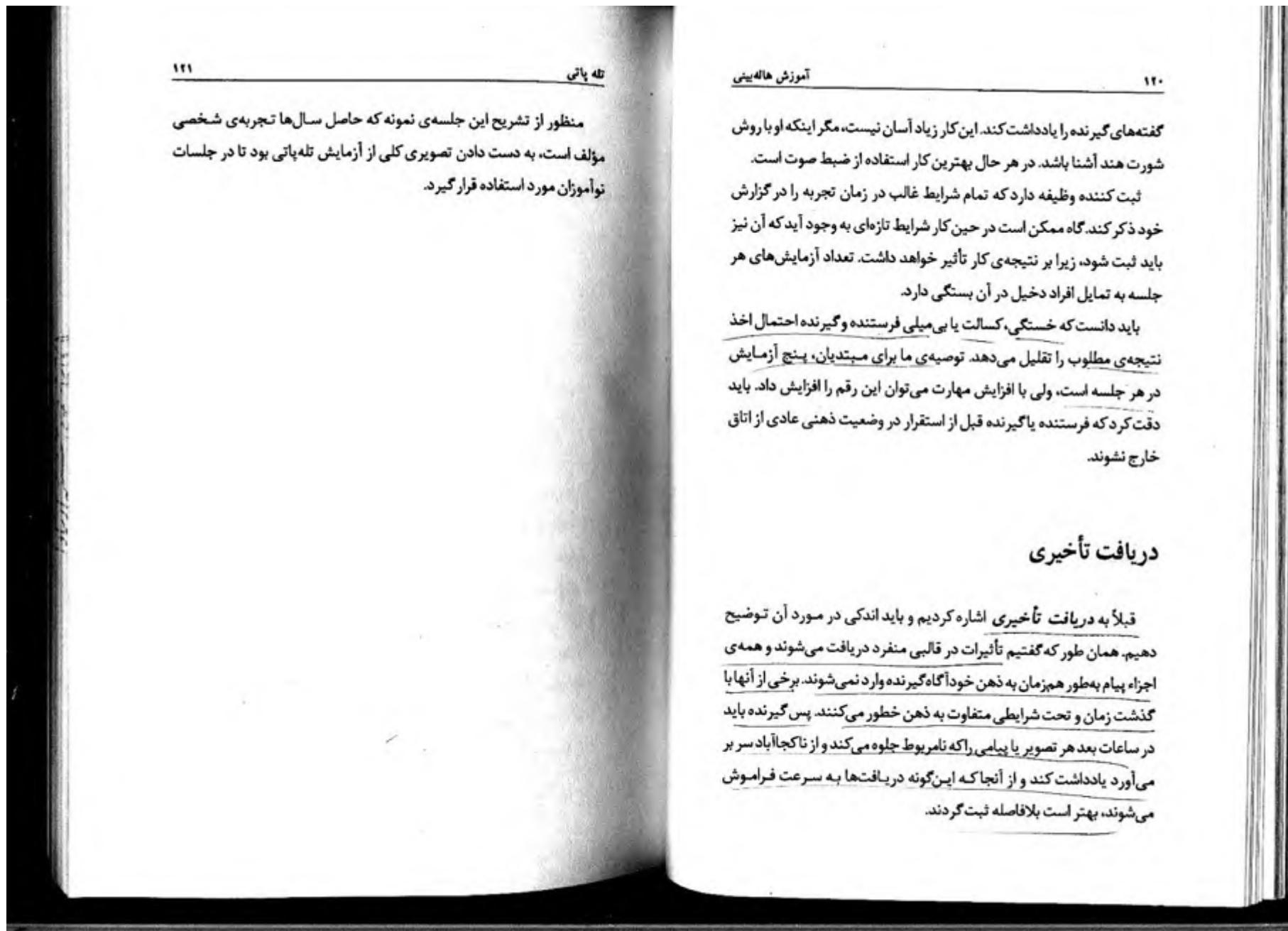
اینک گیرنده باید از وضعیت ذهنی قبلی خارج شده، به حالت عادی باز گردد. او می‌تواند از فرصت استفاده کرده و برای شکستن قالب ذهنی مربوط به آزمایش قبلی کمی در اتاق قدم بزند و بدین ترتیب برای شروع آزمایش بعدی آماده شود. ثابت کننده در آغاز کار ضبط صوت را روشن و در پایان صحبت‌های گیرنده آن را خاموش کرده است. اگر ضبط صوت در دسترس نباشد، وی باید

## ارسال اولین پیام

فرض می‌کنیم که ثبت کننده‌ی جلسه تعدادی تصویر، نشانه، تابلو یا الشیاء کوچک را ز قبل تهیه کرده است. او این وسائل را نزد خود نگاه داشته و به کسی نشان نمی‌دهد و کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که در هر آزمایش تنها یکی از آنها مورد استفاده قرار گیرد. اینک تمهیمات لازم برای ارسال نخستین پیام فراهم شده است. ثبت کننده یکی از وسائل یاد شده را روی میز در مقابل فرستنده قرار می‌دهد. فرستنده که با استفاده از تمرین یاد شده ذهن و جسم خود را کاملاً آرام کرده، سوژه‌ی روی میز را نگاه می‌کند. در همین حال ثبت کننده، شیء یا تصویر فوق را در دفتری که قبل از اطلاعات ضروری را در آن نوشته، وصف می‌کند و دقیقاً در زمانی که قبل این او و ثبت کننده اتاق گیرنده مورد توافق قرار گرفته است، فرمان شروع را صادر می‌نماید.

فرستنده بالا فاصله برو سوژه متوجه شده، آن را بررسی می‌کند و قصد می‌کند ماهیت آن را به گیرنده ارسال کند. او در سکوت و آرامش کامل به تمثای جسم ادامه می‌دهد و هیچ گونه فشاری، چه جسمی و چه ذهنی بر خود وارد نمی‌کند. او باید چنین تصور کند که گیرنده نیز در همان اتاق حضور دارد و به او کاملاً نزدیک است. هر قدر در این فرض قوی تر باشد، آزمایش موققیت امیزتر خواهد بود. پندار نزدیکی گیرنده تأثیر شدیدی دارد؛ زیرا تردیدها و موانع مربوط به اندیشه‌ی ارسال پیام به فاصله‌ای دور بالا فاصله از ضمیر ناخودآگاه فرستنده پاک می‌شوند.

| زمان ارسال پیام نباید بیش از بیست الی سی ثانیه باشد و فرستنده باید پس از این مدت از فعالیت دست بردارد.



۱۱۱

تله پاتی

منظور از تشریح این جلسه‌ی نمونه که حاصل سال‌ها تجربه‌ی شخصی مؤلف است، به دست دادن تصویری کلی از آزمایش تله‌پاتی بود تا در جلسات نوآموzan مورد استفاده قرار گیرد.

آموزش هاله‌بینی

۱۲۰

گفته‌های گیرنده را یادداشت کند. این کار زیاد آسان نیست، مگر اینکه او با روش شورت هند آشنا باشد. در هر حال بهترین کار استفاده از ضبط صوت است. ثبت کننده وظیفه دارد که تمام شرایط غالب در زمان تجربه را در گزارش خود ذکر کند. گاه ممکن است در حین کار شرایط تازه‌ای به وجود آید که آن نیز باید ثبت شود، زیرا بر نتیجه‌ی کار تأثیر خواهد داشت. تعداد آزمایش‌های هر جلسه به تمایل افراد دخیل در آن بستگی دارد. باید دانست که خستگی، کسالت یا بی میلی فرستنده و گیرنده احتمال اخذ نتیجه‌ی مطلوب را تقلیل می‌دهد. توصیه‌ی ما برای مبتدیان، پنج آزمایش در هر جلسه است، ولی با افزایش مهارت می‌توان این رقم را افزایش داد. باید دقیق کرد که فرستنده یا گیرنده قبل از استقرار در وضعیت ذهنی عادی از اتاق خارج نشوند.

### دریافت تأخیری

قبل‌به دریافت تأخیری اشاره کردیم و باید اندکی در مورد آن توضیح دهیم. همان طور که گفته‌یم تأثیرات در قالبی منفرد دریافت می‌شوند و همه‌ی اجزاء پیام به طور همزمان به ذهن خود آگاه گیرنده وارد نمی‌شوند. برخی از آنها با گذشت زمان و تحت شرایطی متفاوت به ذهن خطور می‌کنند. پس گیرنده باید در ساعت بعد هر تصویر یا پیامی را که نامریوط جلوه می‌کند و از ناچگای ابد سر بر می‌آورد یادداشت کند و از آنجاکه این‌گونه دریافت‌ها به سرعت فراموش می‌شوند، بهتر است بلا فاصله ثبت گردد.

۱۰

## تله‌پاتی با مسمیریزم و هیپنوتیزم

در فصل قبل باروش معمول در آموزش تله‌پاتی آشنا شدیم. البته برای فعال کردن این قوا داههای دیگری نیز وجود دارد که یکی از آنها استفاده از مسمیریزم یا هیپنوتیزم است. با این که غالباً این دو را یک پدیده با دو نام می‌شندرند، من آنها را متفاوت می‌دانم و با توجه به تجربیات فراوان خود معتقدم که هیپنوتیزم تنها زیر مجموعه‌ای از پدیده‌ای بسیار وسیع تر است.

نام هیپنوتیزم توسط دکتر جیمز برد<sup>۱</sup> ابداع شد. او شاهد چندین نمایش مسمیریزم بود و با مواردی برخورد کرد که امکان نداشت شبادی باشند. در آن دوران مسمیریزم موضوع داغ محاقن پژوهشگی بود و از سوی دیگر افراد شیاد نیز این پدیده را متری مناسب برای سرکیسه کردن مردم یافته بودند. این پدیده در

۱- Dr. James Braid

حس نمی‌کنند یا اینکه غش کرده بودند اسدیل در پاسخ به این ادعای ابلهانه آن پژوهش را به قطع عضو فردی غش کرده دعوت کرد. نیازی به ذکر نیست که این دعوت بی‌پاسخ ماند.

### مغناطیس حیوانی

اساس تعالیم مسمریزم این بود که نوعی انرژی حیاتی (مغناطیس حیوانی) وجود دارد که می‌تواند از بدن عامل ارسال گردد و چنانچه به سوی فردی هدایت شود که مایل به دریافت آن است، و ضعیت غیر عادی بخصوصی را در او ایجاد می‌کند. به زعم داشت پژوهشکی آن روزگار و متأسفانه تامدتها بعداز آن، امکان انتقال دادن انرژی عصبی از فردی به دیگری غیر ممکن و از نظر علمی کفر محض بود و چون چنین چیزی امکان نداشت، مدعيان آن دروغ‌گو، شارلاتان و خود فریب نامیده می‌شدند.

با این حال مدعيان از پاشنستند و موجب آزردگی سر سپرده‌گان دانش در مخالف پژوهشکی شدند. سپس دکتر برید نظریه‌ی جدیدی را مطرح کرد که اساس آن مشاهدات شخصی او در نمایش‌های عمومی مسمریزم بود. این نمایش‌ها که در سالان‌های موسیقی و سایر تالارها بر روی صحنه می‌رفت تا حدود زیادی مستله را لوث کرد. با وجود این نمایش‌های مسمریزم و هیبت‌وتیزم تا همین اواخر بدون محدودیت ادامه داشتند. نظریه‌ی دکتر برید پژوهشکان را وادار کرد تا برخی از ادعاهای مسمریزم را بذیرند؛ ولی هنوز نظریات اصلی این دانش مورد مخالفت واقع می‌شدند. این مخالفت علی‌الخصوص در مورد ادعای انتقال انرژی

اصل نام خود را از دکتر آنتون مسمر<sup>۱</sup> گرفته بود. او به دلایلی با مجتمع پژوهشکی فرانسه حضور نشر داشت و این مجمع دو کمیسیون ویژه را مأمور کرد تا پدیده‌ی مغناطیس حیوانی را بررسی کنند.

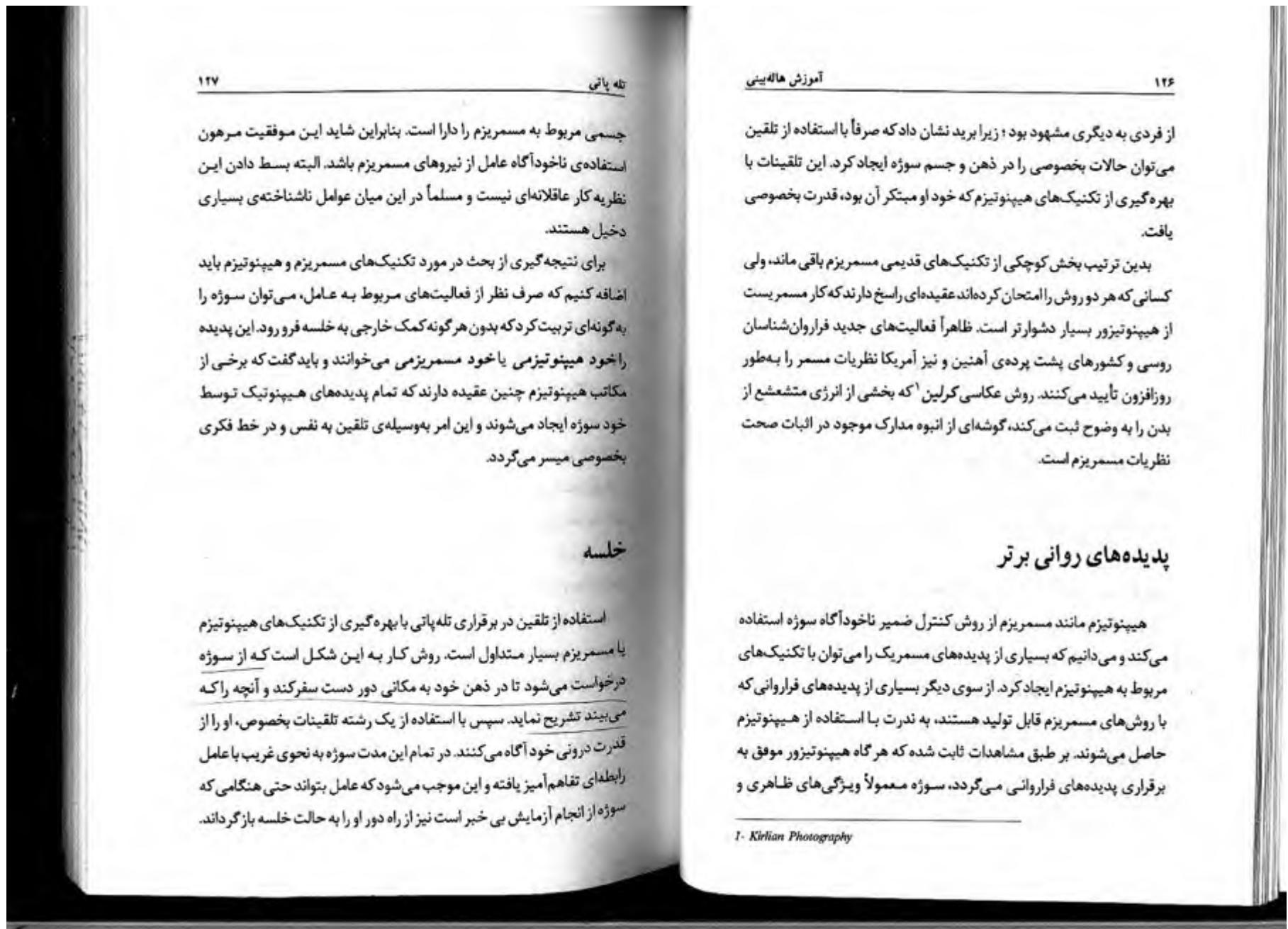
کمیسیون سال ۱۷۸۴ برای مدعيان مسمریزم خاطره‌ی تلحی بود ولی کمیسیون دوم که در سال ۱۸۳۱ تشکیل شد، نوعی پیروزی محسوب می‌شد. امادشمنی و کیفیت‌ورزی جامعه‌ی پژوهشکی بریتانیا و فرانسه به قدری شدت داشت که پژوهشکان حاذقی چون دکتر اسدیل<sup>۲</sup> در هندوستان و دکتر الیوتون<sup>۳</sup> در لندن با سهل دشنام و ناسرازی همکاران خود مواجه شدند.

در رابطه با فعالیت‌های اسدیل در هندوستان چنین ثبت شده که او در زمینه‌ی قطع عضو و عمل تومورهای دستگاه تناسلی بدون استفاده از داروی بیهودی موقعیت‌های بزرگی به دست آورد. هر کس که تاریخچه‌ی جراحی مربوط به قبل از کشف داروهای بیهودی و یعنی حسی موضعی مثل کلروفرم و اتر را مطالعه کرده باشد، خواهد دانست که بیماران در آن روزگار چه درد و حشتناکی را تحمل می‌کردند. بزرگترین حسن خلاصه‌ی مسمریزم این بود که بیمار دردی را احساس نمی‌کرد و ضمناً با این روش درصد مرگ و میر مربوط به شوک بعد از عمل به حداقل رسید. علیرغم این واقعیت، یکی از مقامات بالغه‌ی پژوهشکی آن دوران در برابر همکان چنین ادعای کرد که بیماران اسدیل هنگام قطع عضوی مثل دست یا پادر واقع بیهودش نبودند، بلکه واتمود می‌کردند که دردی

۱- Dr. Anton Mesmer

۲- Dr. Esdaile : وی با کمک دولت هندوستان بیمارستانی را تأسیس کرد که در آن عمل مای قطع پصر را با استفاده از روش مسمریزم انجام می‌دادم.

۳- Dr. Elliotson : او در یکی از بیمارستان‌های لندن به تحقیق در این زمینه مشغول بود و سرانجام با توطئه‌ی همکاران خود از بیمارستان اخراج شد.



جسمی مربوط به مسمیریزم را دارا است. بنابراین شاید این موفقیت مرهون استفاده‌ی ناخودآگاه عامل از نیروهای مسمیریزم باشد. البته بسط دادن این نظریه کار عاقلانه‌ای نیست و مسلماً در این میان عوامل ناشناخته‌ی بسیاری دخیل هستند.

برای نتیجه‌گیری از بحث در مورد تکنیک‌های مسمیریزم و هیپنوتیزم باید اضافه کنیم که صرف نظر از فعالیت‌های مربوط به عامل، می‌توان سوژه را به گونه‌ای تربیت کرد که بدون هرگونه کمک خارجی به خلصه فرود رود. این پدیده را خود هیپنوتیزمی یا خود مسمیریزمی می‌خوانند و باید گفت که برخی از مکاتب هیپنوتیزم چنین عقیده دارند که تمام پدیده‌های هیپنوتیک توسط خود سوژه ایجاد می‌شوند و این امر به وسیله‌ی تلقین به نفس و در خط فکری بخصوصی میسر می‌گردد.

### خلصه

استفاده از تلقین در برقراری تله‌پاتی یا بهره‌گیری از تکنیک‌های هیپنوتیزم یا مسمیریزم بسیار متداول است. روش کار به این شکل است که از سوژه درخواست می‌شود تا در ذهن خود به مکانی دور دست سفر کند و آنچه را که می‌بینند تشریح نماید. سپس با استفاده از یک رشته تلقینات بخصوصی، اورا از قدرت درونی خود آگاه می‌کنند. در تمام این مدت سوژه به نحوی غریب با عامل رابطه‌ای تفاهم آمیز یافته و این موجب می‌شود که عامل بتواند حتی هنگامی که سوژه از انجام آزمایش بی خبر است نیز از راه دور اورا به حالت خلصه بازگردد.

از فردی به دیگری مشهود بود؛ زیرا برید نشان داد که صرفاً با استفاده از تلقین می‌توان حالات بخصوصی را در ذهن و جسم سوژه ایجاد کرد. این تلقینات با بهره‌گیری از تکنیک‌های هیپنوتیزم که خود او مبتکر آن بود، قدرت بخصوصی یافت.

بدین ترتیب بخش کوچکی از تکنیک‌های قدیمی مسمیریزم باقی ماند، ولی کسانی که هر دوروش را متحان کردند عقیده‌ای راسخ دارند که کار مسمیریست از هیپنوتیزور بسیار دشوارتر است. ظاهراً فعالیت‌های جدید فراروان شناسان روسی و کشورهای پشت پرده‌ی آهنین و نیز آمریکا تلقینات مسمیر را به طور روزافزون تأیید می‌کنند. روش عکاسی کرلین<sup>۱</sup> که بخشی از انرژی متشعشع از بدن را به وضوح ثبت می‌کند، گوشاهی از انبوه مدارک موجود در اثبات صحت نظریات مسمیریزم است.

### پدیده‌های روانی برتر

هیپنوتیزم مانند مسمیریزم از روش کنترل ضمیر ناخودآگاه سوژه استفاده می‌کند و می‌دانیم که بسیاری از پدیده‌های مسمیریک را می‌توان با تکنیک‌های مربوط به هیپنوتیزم ایجاد کرد. از سوی دیگر بسیاری از پدیده‌های فراروانی که با روش‌های مسمیریزم قابل تولید هستند، به ندرت با استفاده از هیپنوتیزم حاصل می‌شوند. بر طبق مشاهدات ثابت شده که هرگاه هیپنوتیزور موفق به برقراری پدیده‌های فراروانی می‌گردد، سوژه معمولاً ویژگی‌های ظاهری و

1- Kirlian Photography

## اوہام

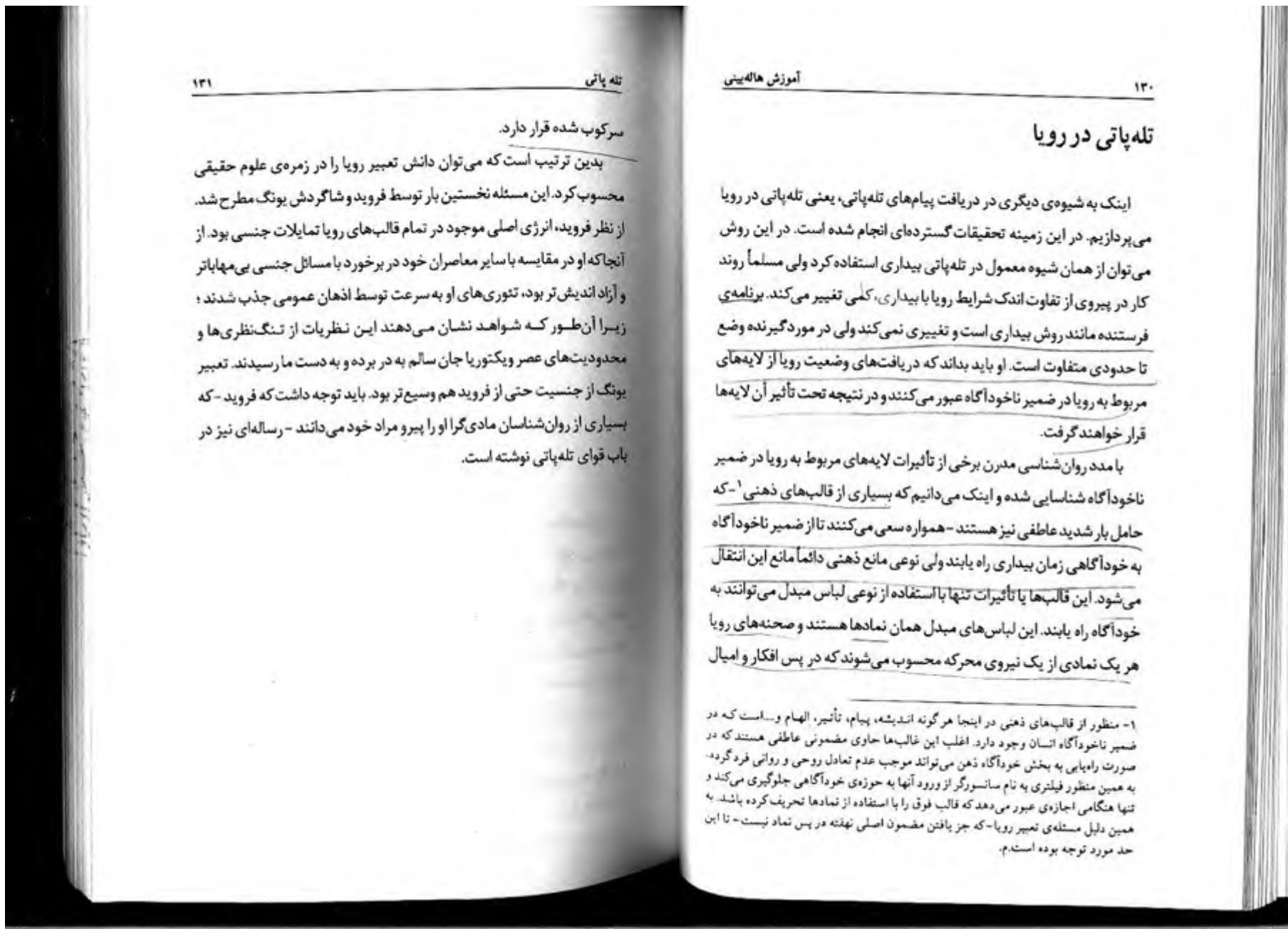
یکی دیگر از شیوه‌های پرورش قوای تله‌پاتی، استفاده از داروهاست. تمام تمدن‌ها در طول اعصار مختلف از برخی از این توهمندان استفاده کرده‌اند. در سال‌های اخیر گرایش به استفاده از این داروها مجددأ بیجاد شده است. مسلماً این داروها در برخی موارد موجب بیداری قوای روانی گشته‌اند ولی به گونه‌ای غیرقابل کنترل، سرکش و همراه با عوارض جسمی نامطلوب. بنابراین توصیه‌ی من به آن دسته از افرادی که وسوسه‌ی بیدار کردن قوای روانی با استفاده از این داروها را در سر دارند، این است که اکیداً از چنین اقدامی صرف نظر نمایند. چه بسیارند افرادی که به این منظور از توهمندان استفاده کرده و سپس به من هرجاچه کردند. آنها از عمل خود به شدت نادم و پیشمانند و مایلند هرچه زودتر از عوارض ناخوشایندی که هنوز دامن‌گیر آنهاست خلاص شوند ضرب المثلی کیهن می‌گوید، سقوط به قعر جهنم بسیار آسان است. و من آن را این چنین کامل می‌کنم که، بازگشت بسیار بسیار دشوار است.

برخی معتقدند که تأثیرات روانی به واسطه‌ی فرآیندی شیمیایی-ارگانیک به سلول‌های مغز می‌رسند که طی آن مواد معینی در مقادیر بسیار اندک توسط غددهای بدن ترشح می‌شوند. اگر این اصل را بپذیریم، بهتر است در استفاده از هر نوع دارویی جهت بیدار کردن قوای تله‌پاتی میران مصرف بسیار اندک باشد و بهتر است این مقدار توسط متخصصین هومیوپاتی تجویز شود؛ یعنی مقداری در حدود یک قطره در یک میلیون واحد آب. مسلماً مصرف این داروها با روش معتادان و به مقدار دلخواه عملی ابلهانه است. با تمام این‌ها بهترین کار اجتناب از هر نوع داروی توهمنداست و مسلماً نتایج عمل ارزش خطرات آن را ندارد.

از نتایج آزمایش‌های روس‌ها چنین بر می‌آید که در این زمینه توفیق فراوانی به دست آورده‌اند. البته در اینجا با این که ظاهرآ ارتباط عامل و سوژه یک طرفه است، ولی با پیوند تله‌پاتیک بخصوصی بین این دو سر و کار داریم. بزرگ‌ترین حسن تفاهم روانی موجود بین سوژه و عامل این است که بدین ترتیب قابلیت تله‌پاتی به سرعت بیدار می‌شود و به راستی که این یکی از مؤثرترین روش‌های برقراری تله‌پاتی محسوب می‌شود.

مشکل این روش در اختلال برقراری واستگی روانی سوژه به عامل نهفته است و این مسئله می‌تواند مصادب فراوانی به بار آورد. به همین دلیل توصیه می‌کنم که هرگز از این روش برای برقراری تله‌پاتی استفاده نکنید؛ مگر اینکه تجربیات فراوانی در زمینه‌ی مسمریزم و هیپنوتیزم داشته باشید.

یکی از نمونه‌های استفاده از دو روش مسمریزم و هیپنوتیزم، تکنیک گسترش دوایر است که در میان پیروان مکاتب روحی جهت پرورش قابلیت‌های روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش چندین نفر با نیت مشترک پرورش و گسترش قدرت‌های روانی، حوضچه‌ای از انرژی روانی را ایجاد می‌کنند. نیت غالب جمعی نتیجه‌ی کار را تعیین می‌کند. در اینجا انرژی روانی شکل گرفته در حوضچه‌ی روانی به سوی افراد گروه هدایت می‌شود و بهوسیله‌ی قدرت تلقین مربوط به نیت جمعی شرطی شده، موجب بروز قابلیت‌های روانی می‌شود. اینکه آیا طبق ادعای احضار‌کنندگان از اوج تله‌پاتی و انرژی مربوط به سایر موجودات نیز در این جمع حضور دارند یا نه، از موضوع بحث این کتاب خارج است.

برگوب شده قرار دارد.

بدین ترتیب است که می‌توان دانش تعبیر رویا را در زمره‌ی علوم حقیقی محسوب کرد. این مسئله نخستین بار توسط فروید و شاگردش یونگ مطرح شد. از نظر فروید، انرژی اصلی موجود در تمام قالب‌های رویا تمایلات جنسی بود. از آنجاکه او در مقایسه با سایر معاصران خود در برخورد با مسائل جنسی بی‌مهاباشر و آزاداندیش‌تر بود، تئوری‌های او به سرعت توسط اذهان عمومی جذب شدند؛ زیرا آن‌طور که شواهد نشان می‌دهند این نظریات از تنگ‌نظری‌ها و محدودیت‌های عصر ویکتوریا جان سالم به در برده و به دست مارسیدند. تعبیر یونگ از جنسیت حتی از فروید هم وسیع‌تر بود. باید توجه داشت که فروید - که بسیاری از روان‌شناسان مادی‌گرا او را پیرو مراد خود می‌دانند - رساله‌ای نیز در باب قوای تله‌پاتی نوشته است.

تله‌پاتی در رویا

اینک به شیوه‌ی دیگری در دریافت پیام‌های تله‌پاتی، یعنی تله‌پاتی در رویا می‌پردازم. در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است. در این روش می‌توان از همان شیوه معمول در تله‌پاتی بیداری استفاده کرد ولی مسلماً روند کار در پیروی از تقاضا اندک شرایط رویا بیداری، کمی تغییر می‌کند. بنامه‌ی فرستنده مانند روش بیداری است و تغییری نمی‌کند ولی در مورد گیرنده وضع تا حدودی متفاوت است. او باید بداند که دریافت‌های وضعیت رویا از لایه‌های مربوط به رویا در ضمیر ناخودآگاه عبور می‌کنند و در نتیجه تحت تأثیر آن لایه‌ها قرار خواهد گرفت.

با مدد روان‌شناسی مدرن برخی از تأثیرات لایه‌های مربوط به رویا در ضمیر ناخودآگاه شناسایی شده و اینک می‌دانیم که بسیاری از قالب‌های ذهنی<sup>۱</sup> - که حامل بار شدید عاطفی نیز هستند - همواره سعی می‌کنند تا ز ضمیر ناخودآگاه به خودآگاهی زمان بیداری راه یابند ولی نوعی مانع ذهنی دائم‌مانع این انتقال می‌شود. این قالب‌ها یا تأثیرات تنها با استفاده از نوعی لباس مبدل می‌توانند به خودآگاه راه یابند. این لباس‌های مبدل همان نمادها هستند و صحنه‌های رویا هر یک نمادی از یک نیروی محركه محسوب می‌شوند که در پس افکار و امیال

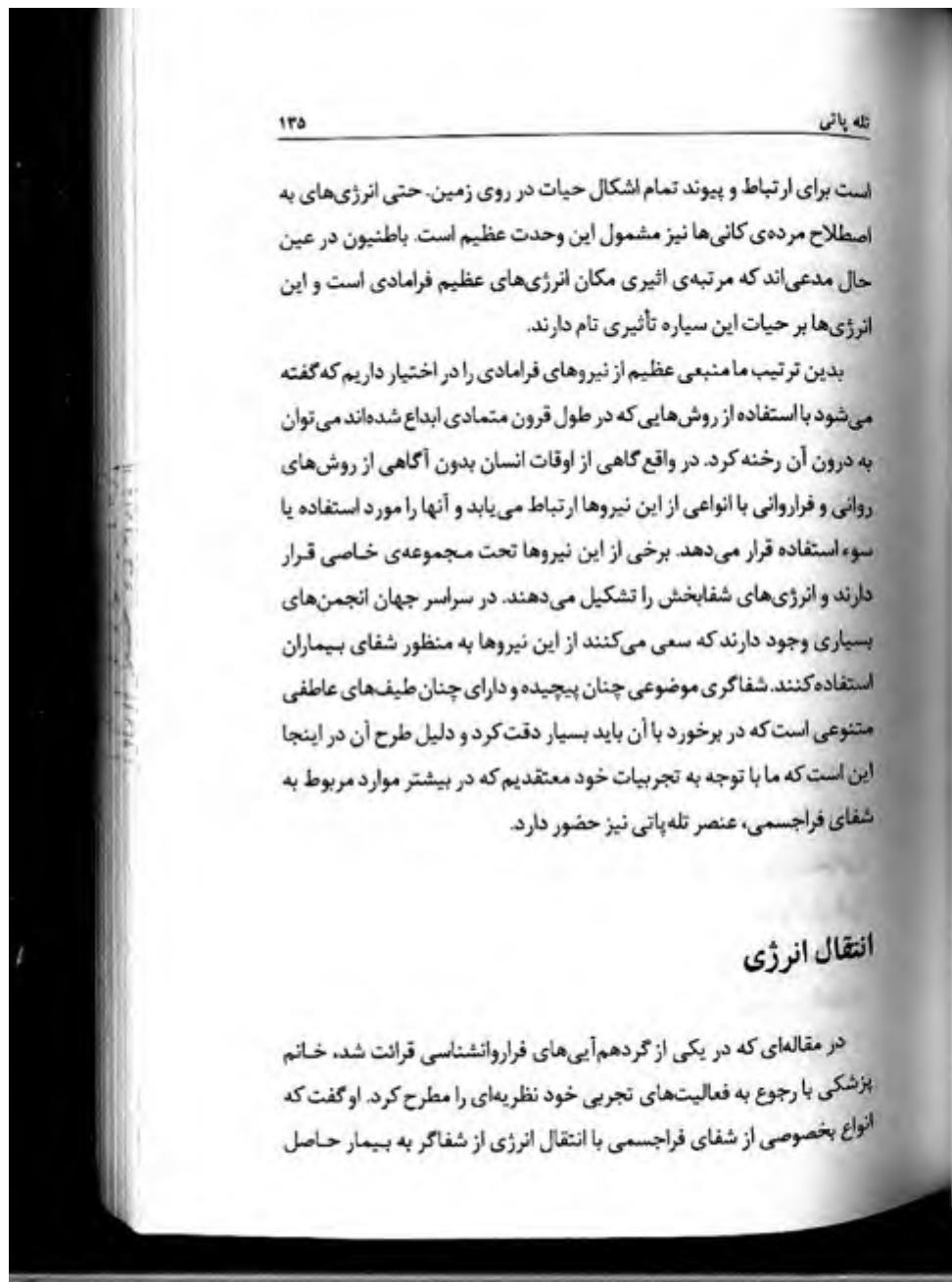
۱- منظور از قالب‌های ذهنی در اینجا هرگونه اندیشه، پیام، تأثیر، الهام و... است که در ضمیر ناخودآگاه انسان وجود دارد. اغلب این خالب‌ها حاوی مضمونی عاطفی هستند که در صورت راه‌یابی به بخش غرددآگاه ذهن می‌توانند موجب عدم تعادل روحی و روانی فرد گردند. به عین منظور فیلتری به نام سانسورگر از ورود آنها به حوزه‌ی خودآگاهی جلوگیری می‌کند و تنها هنگامی اجازه‌ی عبور می‌دهد که قالب فوق را با استفاده از نمادها تحریف کرده باشد. به عین دلیل مسئله‌ی تعبیر رویا - که جز یافتن مضمون اصلی نهفته در پس نماد نیست - نا این حد مورد توجه بوده است. \*

## تله پاتی و شفای فراجسمی

روانشناسان در تحلیل رویاهای ریافتند که به جز سیل تصاویری که از اعماق ذهن می‌جوشد، تصاویر و تأثیراتی نیز وجود دارند که ظاهر آهیج ارتباطی با گروه اول ندارند. اگرچه آنان بسیار تلاش کردند که این دو گروه را به هم مربوط کنند، اما در یافته‌های عجیب یاد شده به هیچ وجه در تصاویر معمولی رویانمی گنجند.

در بسیاری از موارد معلوم شد که این تصاویر بلاتکلیف و سرگردان حاصل افکار کسانی هستند که با رویاگر رابطه‌ای نزدیک یا عاطفی دارند.

بدین ترتیب در یک رشته از آزمایش‌ها بنا شد که فردی تعدادی پیام یا تصویر را به سوی گیرنده‌ای بفرستد که خوابیده بود. شواهد به دست آمده نشان داد که این پیام‌ها و افکار تله‌پاتیک توسط فردی که در خواب است دریافت می‌شوند و در رویاهای وی ظاهر می‌گردند و او پس از بیداری آنها را به‌خاطر می‌آورد. اما اگر پهذیریم که انسان در هنگام خوابیدن تحت تأثیر نفوذ ذهن



است برای ارتباط و پیوند تمام اشکال حیات در روی زمین. حتی انرژی‌های به اصطلاح مرده‌ی کانی‌ها نیز مشمول این وحدت عظیم است. باطنیون در عین حال مدعی‌اند که مرتبه‌ی اثیری مکان انرژی‌های عظیم فرامادی است و این انرژی‌ها بر حیات این سیاره تأثیری نام دارند.

بدین ترتیب مامنبعی عظیم از نیروهای فرامادی را در اختیار داریم که گفته می‌شود باستفاده از روش‌هایی که در طول قرون متعدد ابداع شده‌اند می‌توان به درون آن رخنه کرد. در واقع گاهی از اوقات انسان بدون آگاهی از روش‌های روانی و فراروی از انواعی از این نیروها ارتباط می‌یابد و آنها را مورد استفاده یا سوء استفاده قرار می‌دهد. برخی از این نیروها تحت مجموعه‌ی خاصی قرار دارند و انرژی‌های شفایخش را تشکیل می‌دهند. در سراسر جهان انجمن‌های بسیاری وجود دارند که سعی می‌کنند از این نیروها به منظور شفای بیماران استفاده کنند. شفایگری موضوعی چنان پیچیده و دارای چنان طیف‌های عاطلفی متنوعی است که در برخورد با آن باید بسیار دقیق و دلیل طرح آن در اینجا این است که ما با توجه به تجربیات خود معتقدیم که در بیشتر موارد مربوط به شفای فراجسمی، عنصر تله‌پاتی نیز حضور دارد.

### انتقال انرژی

در مقاله‌ای که در یکی از ترجمه‌های فراوانشناسی منتشر شد، خانم برشکی با رجوع به فعالیت‌های تجربی خود نظریه‌ای را مطرح کرد. او گفت که انواع بخصوصی از شفای فراجسمی با انتقال انرژی از شفایگر به بیمار حاصل

دیگران قرار می‌گیرد، پس شاید در بیداری نیز دائماً در حال دریافت این قبله از ذهن جمعی پیرامون خود باشد. در این جا رابطه‌ی عجیب موجود بین این‌گونه تجربیات و اظهارات ادگار کیس<sup>۱</sup> آشکار می‌شود. ثابت شده که او با افرادی ارتباط می‌یافتد که هرگز آنان را از نزدیک نمی‌شناخته و هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد آنان نداشته است.

### تجربیاتی با گیاهان

آیا گفته‌ی برخی از عرفادرست نیست که ما همواره در بعد ذهنی و روحی با تمام بشریت و در واقع با تمام موجودات زنده در ارتباطیم؟ با توجه به آزمایش‌هایی که اخیراً در مورد گیاهان انجام گرفته، معلوم شد که آنها تحت تأثیر افکار اطرافیان خود قرار دارند. در چند آزمایش، عامل در ذهن خود تصور کرد که قصد دارد برگ گیاهی را بسوزاند و این امر به واکنش خاصی در گیاه منجر شد که توسط دستگاهی حساس به ثبت رسید. این واکنش با توجه به تغییرات فشار شیره‌ی گیاه تأیید شد. نتیجه‌ی آزمایش ادعای عرفادر باب وحدت تمام اجزاء طبیعت را ثابت کرد.

باطنیون و پیروان مکاتب اسرار مدت‌هast که مدعی وجود سور اثیری هستند. به عقیده‌ی آنان نور اثیری قلمرو افکار و عواطفی است که تمام سیاره را احاطه کرده، به فراسوی مرزهای منظومه گسترش می‌یابند. زندگی در تمامیت خود در این فضای محیط بر سیاره حرکت می‌کند. مرتبه‌ی اثیری واسطه‌ای

۱- Edgar Cayce

## موجودات ماوراء الطبيعة

قبل‌آگفتیم که برخی از شفایگران از امداد موجودات ماوراء‌الطبیعی سخن می‌گویند و برخی دیگر مدعیند که ارواح در گذشتگان آنان را باری می‌کنند. بیماران حساسی که توسط شفایگران معالجه شده‌اند، گاهی ادعا کردند که شفایگر در کنار آنها ایستاده است، در حالی که در آن لحظه اطلاع نداشته که وی در حال فرستادن امواج شفای غیر حضوری است. ظاهراً اینان نوعی انرژی تله‌پاتیک را به شکل فرستنده‌ی آن مشاهده کرده‌اند. در گزارش‌های سالیانه انجمن تحقیقات روان‌شناسی موارد بسیاری از رویت شیخ زنده ثبت شده است، ولی باید بدحاطر داشت که در رابطه با پدیده‌ای به نام انعمکاس اثیری شواهد مستدل زیادی در دست است که طی آن آگاهی فرد در قالب کالبدی لطیف‌تر از جسم وی خارج می‌گردد. این قالب را معمولاً کالبد اثیری می‌نامند. بنابراین شاید شفایگران در واقع با کالبد اثیری خود به نزد بیمار می‌بروند.

برخی از بیماران که با روش غیر حضوری مداوا شده‌اند، اشباح فوق را در شکل مادی مشاهده کرده‌اند. از نظر من دلیلی وجود ندارد که یک روش خاص تنها شیوه‌ی معتبر در شفا قلمداد شود، ولی این بحث می‌تواند واکنش‌های عاطفی بسیاری را برانگیزد و به همین جهت از ادامه‌ی آن خودداری می‌کنیم. در اینجا صرفاً می‌خواستم تذکر دهم که تله‌پاتی می‌تواند یکی از ارکان شفای غیر حضوری محسوب گردد.

می‌شوند و این انرژی از امواج تله‌پاتی به عنوان موج حامل استفاده می‌کند. شفای غیر حضوری که روش بسیاری از شفایگران است، احتمالاً به واسطه‌ی قدرت طبیعی شفایگری در بدن بیمار برقرار می‌شود. در واقع بیمار انرژی لازم را از شفایگر دریافت می‌کند و به واسطه‌ی آن قدرت شفایگر درون خود به کار می‌اندازد و به مصرفی مغاید می‌رساند.

اما بسیاری از شفایگران مضرنده که این نیرو توسط موجودات ماوراء‌الطبیعه هدایت و تقویت می‌گردد، برخی نیز خداوند را منشاء آن می‌دانند. هر دو مکتب در مورد نشأت گرفتن تمام نیروها از جانب خداوند، درست می‌گویند ولی هر یک مدعی‌اند که حقیقت تنها نزد آنهاست و دیگری اشتباه می‌کند. البته گروهی نیز معتقدند که در رابطه با روش‌های شفایگری هر دو مکتب در اکثر موارد حق دارند. البته ممکن است که انرژی‌های شفایخش در تمام موارد بر امواج تله‌پاتیک سوار نباشند، بلکه به طریق دیگری تأثیر بگذارند.

همان طور که دیدید، به قدرت شفایگری در بدن انسان اشاره کردیم. این انرژی درونی که همواره در جهت برقراری تندرستی بدن فعالیت می‌کند، می‌تواند شدیداً تحریک گردد و اثراتی معجزه‌آسا بر جای گذارد. احتمالاً فرآیند عمل بدن صورت است که در واقع تحریک فوق به واسطه‌ی امواج تله‌پاتی منتقل شده و موجب شفای می‌گردد. در اینجا نیز می‌توان با اطمینان کامل این فرآیند شفایخش درونی را که به طوری خارق العاده ساماندهی شده است، جلوه‌ای از مشیت الهی دانست که همدمی جلوه‌ها را انرژی می‌بخشد و آنها را هدایت می‌کند. قدرت درونی برانگیخته شده نیز به نوبه‌ی خود بسیاری از انرژی‌های مرتبه‌ی اثیری را به خدمت می‌گیرد.

۱۲

## قالب‌های فکری تله‌پاتیک

بسیاری از افراد بدون تگرانی در مورد فرضیات مربوط به ماهیت تله‌پاتی، به استفاده‌ی محض آن راضی‌اند. از نظر آنان کافی است که این قوابه‌کار افتد. البته گروهی نیز مایلند با ماهیت و طرز کار آن آشنا شوند. چنین افرادی پنهانی وسیعی از تحقیقات را در اختیار دارند. به عنوان مثال، مبحثی تحت عنوان قالب‌های فکری وجود دارد و در مورد قالب‌هایی بحث می‌کند که در مراتب درونی توسط قدرت فکر ساخته می‌شوند. روش تشکیل این قالب‌ها همانند فرآیند تله‌پاتی است، با این تفاوت که قالب‌های فوق می‌توانند همچون اجسام مادی به افراد و اشیاء متصل شوند.

در آنیات این امر به ماجراهی زیر توجه کنید. روزی در جمعی حضور داشتم و خانمی که دارای حساسیت روانی زیادی بود قالب‌های مربوط به حضار را یک به یک وصف می‌کرد. هنگامی که توجه او به یکی از خانم‌ها معطوف شد، چهره‌ای

## پدیده‌ی اشباح

اشیاء مادی به گونه‌ای دیگر نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد که انرژی‌های افراد تحت شرایط خاصی می‌توانند از آنها جدا و منحرف شوند. این حادثه اکثراً در دوران بلوغ رخ می‌دهد. ظاهراً در این پدیده نوعی امواج تله‌پاتیک که تحت تأثیر انرژی‌های درون باردار شده است بهطور ناخودآگاه از وجود فرد جدا شده و می‌تواند موجب بروز جلوه‌های فیزیکی گردد؛ منجمله حرکت اشیاء کوچک، دیدن اشکال و اشباح نورانی، شنیدن اصوات و غیره. این جلوه‌ها را معمولاً با عنوان پدیده‌ی اشباح می‌شناسند که ممکن است برای ساکنین منزل یا منطقه‌ی مورد نظر بسیار آزار دهنده باشد. البته با کمک فردی که مرکز توجه و تمرکز این امواج است، می‌توان با پدیده مقابله کرد.

من موارد بسیاری از این پدیده را بررسی کرده و دریافتام که طبق قاعده‌ای کلی این گونه مزاحمت‌ها بالمدادهای روان‌شناسی برطرف می‌شوند. اما در برخی از موارد به نظر می‌رسید که عوامل دیگری هم دخیل بوده‌اند؛ منجمله فعالیت ناخودآگاه یا آگاهانه‌ی تله‌پاتیک از سوی موجودات ماوراء‌الطبیعت. ظاهر اگر و هی از این موجودات ارواح درگذشتگان بودند ولی برخی دیگر موجوداتی غیر بشری بودند که در هاله‌ی قربانی گرفتار شده بودند. طبق مشاهدات من هر گاه پای ارواح درگذشتگان در میان باشد، با برخوردي آرام و منطقی و همراه با تمایلی صمیمانه برای رها کردن آنها از دام تله‌پاتیکی که در آن اسیر شده‌اند، می‌توان مسئله را حل کرد.

بسیار عجیب و غیر معمولی را مشاهده و توصیف کرد و ازا او پرسید که آیا چنین شخصی را می‌شناسد یا نه، زن پاسخ داد، او، به لهه البته که می‌شناسم. او شخصیت اصلی رمانی است که در حال نگارش آن هستم. من برای آفرینش چهره و شخصیت او مدت زیادی را صرف کرده‌ام. این مثالی بارز بود از تشخیص قالبی فکری که به دقت آفریده شده بود. در اینجا باز هم این واقعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد که قابلیت‌های روانی در اصل وجه تحول یافته‌ی یک حس روانی اصلی هستند؛ درست همان طور که هر یک از حواس پنجگانه‌ی مانیز جنبه‌ی تشخیص یافته‌ی حسی اصلی موسوم به لامسه هستند. در قلمرو قوای روانی این حس اصلی همسنگ روانی لامسه است و این همان حسی است که ما آن را تحت عنوان تله‌پاتی می‌شناسیم.

گفتیم که قالب‌های فکری می‌توانند ملازم و همراه انسان و اشیاء گردند. مبنای تبریک که بخشی از مذاهب پرستگ است نیز با همین اصل رابطه دارد که اشیاء تحت تأثیر و نفوذ قالب‌های فکری متصل به خود قرار می‌گیرند. این قالب‌های دارای انواع انرژی هستند و در هر کسی که شیء متبریک را به گردان آورید یا با آن ارتباطی ایجاد کند، عواطف و انرژی‌های مشابهی را ایجاد می‌کنند. در مورد وقف کردن، اعتقاد بر این است که قالب‌های یاد شده با موجودات خاصی مرتبط می‌شوند و گفته می‌شود که موجودات فوق با استفاده از این ارتباط مجرایی می‌یابند تا تأثیرات خود را بر صاحب شیء اعمال کنند.

## جمع بندی

در این فصل موضوع تله‌پاتی را بدون نظم خاصی بررسی کردیم، زیرا این کاری بس عظیم بوده و شاخه‌های آن به قدری متنوع است که تنها می‌توان عنایوین و سرنخ‌هایی را به دست داد تا محققین علاقمند خود به مطالعه در این زمینه بپردازند. در واقع بهترین کار ارائه خلاصه‌ای از اختلالات موجود است تا بین وسیله خطوط تحقیق مشخص گردد.

همه‌ی ما در برخورد با مسائلی از این قبیل تا حدودی کوتاه توهمی هستیم. هر یک از ما خود را زدیگران منفک و متمایز می‌بینیم؛ اما این جدایی توهمی بیش نیست. پشت نقاب شخصیت هر یک از ما، خویش حقیقیمان نهفته که به عالم سه بعدی محدود نیست. در واقع جهان سه بعدی تنها عالمی است که خویش مادی انسان از آن آگاه است. در دوران حاضر و بواسطه‌ی ظهور انواع قابلیت‌های در نوع بشر، افراد تا حدودی با خویش راستین خود آشنا شده‌اند و اینکه می‌دانند که جدایی از زدیگران توهمی است که در روند تکاملی انسان شکل‌گرفته تا او را برای زندگی در جهان مادی و ابراز وجود پاری کند. اما در پس نقاب شخصیت انسان، خویش حقیقی او نهفته است. این خویش براساس قوانین فراگیر عالم زندگی می‌کند و متكامل می‌شود. این رشد و تکامل در ابعادی از هستی صورت می‌گیرد که انسان در مورد آن چیز زیادی نمی‌داند؛ فقط گاهی بخشی از خویش برتر از بطن آگاهی معمول شخصیتی سر بر می‌آورد و باید گفت که اطلاعات مادر مورد شرایط لازم برای این امر بسیار اندک است.

تفکر معمولی انسان در واقع سایه‌ی تفکری حقیقی است و رابطه‌ی ما را با آن برقرار می‌سازد. انسان در هنگام تله‌پاتی تا حدودی با اقلیم تفکر حقیقی

## جن‌گیری

در مورد موجودات غیر انسانی استفاده از نوعی جن‌گیری ضروری است. در تمام مواردی که موجودات مأموراء الطبیعه برای فرد مزاحمت‌هایی فراهم می‌کنند این ضرب المثل مصدق می‌باشد که احتمال‌ها به جایی می‌شتابند که فرشتگان از آن می‌ترسند. امروزه تعداد زیادی از کشیشان کلیساي انگلستان و پدران روحانی برخی از فرقه‌های پروتستان خود را جن‌گیر می‌نامند و برای اثبات حقانیت اعمالشان ادعاهای واهم فراوانی دارند. اما اینکه ادعاهای فوق تا چه حد قابل اثبات هستند معلوم نیست.

شگفت اینکه طی دوالی سه قرن گذشته کلیساي انگلستان در مدت کوتاهی شاهد گروههای کشیشی از این مدعیان جن‌گیری بود که آشکارا با یکدیگر رقابت می‌کردند، تا جایی که سرانجام اسقفها آنها را متوقف نمودند. در کلیساي رم، جن‌گیری صرفاً با اجرازه‌ی اسقف اعظم مجاز بود. نمی‌توان فوائد جن‌گیری کشیشان را انکار کرد ولی برخی از اقدامات مضحك جن‌گیران مبتدا هنوز هم موجب رسوايی کلیسا است.

احضار کنندگان ارواح نیز برای درمان این قبیل مشکلات روانی راههای خاصی دارند که حداقل به اندازه‌ی شیوه‌های کشیشان موثر و مفید هستند. هر گاه شرایط مناسب برای همکاری این دو گروه فراهم بوده، نتایج حاصل بسیار درخشنan و درخور توجه بوده است. این همکاری‌ها تحت توجهات انجمن‌های کلیساي و در جهت مطالعات روانی و معنوی صورت می‌گیرد. در این انجمن‌ها هر دو گروه از یکدیگر چیزهایی می‌آموزند.

ارتباط می‌باید. در این شرایط محدودیت‌های خویش تحتانی تا حدودی رفع شده و می‌توان خود را آن‌گونه که در اقلیم برتر می‌شناستند، نظاره کرد. در این اقلیم نور در می‌باید که در واقع هرگز از سایرین جدا نبوده‌ایم و همگی در یگانگی بسر می‌بریم. در آنجاتا تمام تلاش‌های افراد بشر برای برقراری برادری در زمین معنی می‌باید. البته فهم زمینی انسان از آن برادری پخشی از ضرورت است، ولی ادراک برادری و یگانگی حقیقی مستلزم برقراری آن در زمین نیست، بلکه صرفاً باید آن را فهمید.

با استفاده از تله‌پاتی تنها می‌توان برای لحظاتی زودگذر این برادری نوع بشر را درک کرد، اما نتایج حاصل از این جرقه‌ی آگاهی راستین می‌تواند از همان لحظه زندگی ما را شکل داده و هدایت کند.

تله‌پاتی در قالب نوعی بازی سرگرم‌کننده آغاز می‌شود، به عنوان موضوعی ارزشمند جهت تحقیق یی‌گیری می‌شود، ولی سرانجام موجب می‌گردد تا نقش خود را در اقلیم برتر - که خود نیز پخشی از آن هستیم - درک کنیم. پدین ترتیب انسان فرصتی می‌باید تا مشیت آن وجود نامتناهی را در عالم برقرار سازد و در این راه همان طور که ارواح بهشتی به دانه گفتند، آرامش ابدی و حقیقی را به دست آورد.

## بخش سوم

### روان‌نگری

۱۳

### معنای یک افسانه

ختماً شنیده‌اید که در مورد اشیاء قدیمی و باستانی می‌گویند، اگر زیان داشت چه سرگذشت‌ها که نمی‌گفت. افرادی که با امور ماوراء الطبیعه آشنایی دارند، می‌دانند که این گفته صحت دارد. اشیاء عتیقه و در اصل همه‌ی اجسام نه تنها قصه‌ای برای گفتن دارند، بلکه مدام آن را زمزمه می‌کنند؛ درست مثل نوارهای مغناطیسی که حاوی کلمات و موسیقی هستند و در شرایط مناسب و در دستگاه مناسب به سخن در می‌آیند.

درست است که برای بازسازی تصاویر و اصوات، عواطف، هیجانات و اندیشه‌های ضبط شده در اشیاء وسیله‌ای اعم از الکتریکی یا غیره وجود ندارد، اما برخی از افراد ظاهراً دارای نوعی حس ششم هستند که به واسطه‌ی آن قادر به تشخیص این ارتعاشات و تأثیرات پنهان هستند و می‌توانند آنها را به ذهن

چیزهایی شنیده بود، شبی به پست رفت و به تکر درباره‌ی آن مشغول شد. ناگهان تصمیم گرفت این نیرو را در عمل بیازماید و صحت آن را امتحان کند. پس از اینکه چراغ را روشن کند پرخاست، به طبقه‌ی پایین رفت و از کشوی میز تحریرش یکی از نامه‌های خود را بهطور اتفاقی برداشت. او قبل از نامه‌ها را به ترتیب تاریخ مرتب کرده بود. سپس نامه را به پیشانی خود چسباند و سعی کرد از نویسنده‌ی آن تصویر با الهامی ببیند. ناگهان سیلی از احساسات مختلف به ذهنش جاری شد. تأثیرات فوق به تدریج جای خود را به مشخصات مردی دادند که پس از نیرومند و بالاراده بود. زن که از صحت این قدرت عجیب هیجان‌زده شده بود، بدون اینکه از درستی الهام خود مطمئن شود، به پست را بازگشت زیرا کاملاً متقاعد شده بود.

صبح که از خواب برخاست به یاد تجربه‌ی شبانه‌ی خود افتاد و مشتاقانه به نامه‌که آن را بر روی میز کنار تختش گذاشته بود، نگاه کرد؛ ولی با کمال تعجب و در اوج سرخوردگی دریافت که نویسنده‌ی نامه به همیج وجه با شخصیت نیرومند دیشب شباhtی نداشت. با اندوه فراوان به طبقه‌ی پایین رفت تا نامه را در ردیف نامه‌ها، سر جایش بگذارد. هنگامی که در ردیف نامه‌ها به دنبال جای آن می‌گشت در کمال خوشحالی متوجه شد که الهامت دیشب او به نویسنده‌ی نامه‌ی بعدی مربوط می‌شد. شخصیت قوی نویسنده‌ی آن نامه نه تنها نامه‌ی خود، که نامه‌ی قبلی را نیز تحت تأثیر قرار داده بود.

خودآگاه خویش منتقل کند. این افراد را روان‌نگر<sup>۱</sup> می‌خوانند. این کلمه از دو واژه‌ی یونانی به معانی روح و اندازه‌گیری اختشده است. پدین ترتیب روان‌نگر<sup>۲</sup> عبارت است از توانایی سنجش و تعبیر روح اشیاء. این نام را پرفسور دنتون<sup>۳</sup> ابداع کرد که قبلاً در بخش یک در مورد او و آزمایش‌هایی که با کمک خواهرش در زمینه‌ی قراتت سایقه‌ی اشیاء انجام داد، صحبت کردیم. به یاد می‌آورید که هر گاه خواهر او قطعه‌ای از اشیاء قدیمی را روی پیشانی خود قرار می‌داد، حتی هنگامی که کاملاً در پارچه‌ای پیچیده شده بود، می‌توانست به واسطه‌ی تصاویر مبهمی که در چشم باطنش ظاهر می‌شد تا حدودی از سوابق آن مطلع گردد.

## طرز کار روان‌نگرها

اینک می‌خواهیم موردی فرضی از قراتت روان‌نگری را بررسی کنیم. در برخی از نمایش‌های به اصطلاح روان‌نگری، روان‌نگر حرفه‌ای اشیاء مختلف متعلق به حضار را قراتت می‌کند. رسم بر این است که برای ممانعت از تاثیرگذاری اجسام بر یکدیگر، آنها را در محفظه‌های مجزا از هم قرار می‌دهند. تا جایی که ما می‌دانیم، این روش همیشه برای جلوگیری از نفوذ اشیاء بر یکدیگر مناسب نیست. در این رابطه ماجراجویی که به نخستین روزهای طرح روان‌نگری مربوط می‌شود، جالب توجه است. خانمی که درباره‌ی این نیروی تازه کشف شده

1- Psychometrist

2- Psychometry

3- Denton

### قرائت فرضی:

اینک مجدداً به بحث قرائت روان‌نگری باز می‌گردیم. روان‌نگر جسم مورد نظر را به دست می‌گیرد یا به پیشانی خود می‌فشارد و هنگامی که رابطه‌ی روانی مورد نیاز برقرار شد به وصف احساس و مشاهدات خود می‌پردازد. در اینجا موردي فرضی را ذکر می‌کنیم که مبنای آن مشاهدات شخصی ماز کار روان‌سنگی حرفه‌ای است:

در برابر خود پنهانی و سیعی از آب می‌بینم که ظاهرآ دریاست. بله فکر می‌کنیم اقیانوس اطلس باشد. من بر عرضه‌ی یک کشتی ایستاده‌ام. به نظرم یک کشتی چوبی جنگی است، زیرا تفک‌های سرپری را می‌بینم که باید مربوط به عهد نلسون یا همان حدود باشد. رنگ دریا آبی تیره و بسیار آرام است و خورشید می‌درخشند. در دور دست خط ساحل به چشم می‌خورد و بر فراز تپه‌های کم ارتفاع مشرف به ساحل، شهری با باروی سفید می‌بینم. مردمی را می‌بینم که قطعاً ناخدای کشتی است. او یونیفرم افسران نیروی دریایی عهد نلسون را به تن دارد. به نظرم برهنسی از درختان روی تپه‌ها، درخت زیتون هستند و به همین دلیل فکر می‌کنم اینجا اسپانیا یا پرتغال است. ظاهرآ این کشتی همراه با کشتی‌های دیگری این شهر بندری را محاصره کرده‌اند.

حالا دارم به یک انگشت نگاه می‌کنم. این حلقه‌ی طلایی دارای تگینی بزرگ از جنس یاقوت سرخ است و همان حلقه‌ای است که الان در دست دارم. آن را پانویی قدرت و منصب بالا در ارتباط می‌بینم، زیرا به همین افسر تعلق دارد. البته از دوران دورتری نیز حکایت می‌کند که به

ایتالیا مربوط می‌شود. حداقل من این طور حس می‌کنم، احساس می‌کنم که صاحب اولیه‌ی انگشت در ایتالیا زندگی می‌کرده و یکی از مقامات برگسته‌ی کلیسا در عهد خود بوده است. به نظرم استقف یا چنین مقامی بوده است. نجوا بین شبیه به زبان لاتین می‌شنوم و فکر می‌کنم انگشت به دوران رنسانس تعلق دارد. احتمالاً این انگشت به عنوان میراث اجدادی به تاختدا و سپس به صاحب کنونی خود رسیده است.

اینک به صاحب فعلی انگشت می‌پردازم. شما در حال حاضر بر سر دو راهی قرار دارید و انتخاب راه کمی برایتان دشوار است. ظاهرآ هر دو راه اغوا کننده‌اند، اما حس می‌کنم در مدتی کوتاه که به یک هفته نمی‌رسد مسئله روشن و راه باز می‌شود. تا وقتی که این نشانه‌ی واضح در مورد راه صحیح آشکار نشده، اقدام عجلانه‌ای نکنید.

شنونده‌ی این پیام تصدیق کرد که حلقه به یکی از اجداد خود او، یعنی ناخدایی از عهد نلسون تعلق داشته و زمانی نیز در تملک یکی از اسقف‌های بزرگ کاتولیک در دوران رنسانس بوده است. ضمناً تایید کرد که در امور مالی خود به مرز بحران رسیده و قادر نیست در مورد راه صحیح تصمیم بگیرد.

این نمونه‌ی خوبی از روان‌نگری صحیح بود. برخی از انواع روان‌نگری بسیار بهتر و برخی نیز بسیار ضعیفتر هستند ولی قرائت فوق در مورد آنچه که از روان‌سنگ خوب انتظار می‌رود توصیفی کلی به دست می‌دهد.

همان‌طور که ملاحظه کردید، در این قرائت بخصوص سه مرحله‌ی اصلی مشاهده می‌شد که عبارتند از: توصیف صاحب اصلی حلقة و محیط پیرامون او، وضعیت ناخدا و شرایط حاکم در آن مقطع و بالاخره اطلاعاتی در مورد صاحب

ایبات کنندگاند و نمی‌توان با برچسب شیادی یا به اختیار خود آنها را بی‌اعتبار شمرد. بنابراین باز هم به پرسش اولیه باز می‌گردیم که این جملات معتبر چگونه به ذهن قراحت‌گر خطور کرده‌اند؟ مسلماً مجرای دریافت این اطلاعات حواس پنج‌گانه نیست. یکی از پاسخ‌های ممکن، این است که روان‌نگر این اطلاعات را از راه تله‌پاتی از ذهن صاحب شیء دریافت کرده است. شاید در برخی از موارد چنین باشد، ولی در این صورت نیز با استناد به قوای تله‌پاتی صرفاً یکی از قالب‌های حس برتر را جایگزین دیگری نموده‌ایم. اما در بسیاری از موارد اطلاعات قراحت شده اصولاً در دسترس هیچ فرد زنده‌ای نیست. بدین ترتیب افراد شکاک به سرعت نوعی حوضچه‌ی اطلاعاتی یا حافظه‌ی تلکی را بداع می‌کنند و آن را منشاء اطلاعات قراحت‌گر معرفی می‌نمایند. این نظریه بسیار جذاب است و با اینکه غالباً آن را برای محکوم کردن متافیزیسم‌ها به کار می‌گیرند، اما با تاییح عمل روان‌نگری مناسبت دارد و آن را تایید می‌کند. حال که بحث بدینجا کشیده شد، شاید مناسب باشد که فرضیه‌ی حوضچه‌ی اطلاعاتی را تحدیدی توضیح دهیم، زیرا در مباحث بخصوصی بدان رجوع خواهیم کرد. کسانی که با فعالیت‌های دکتر کارل گوستاو یونگ<sup>۱</sup> آشنا هستند، به خاطر دارند که وی در نوشتده‌ای خود فرضیه‌ی شعور جمعی را مطرح کرد و گفت که این وضعیت آگاهی فراتر از آگاهی معمول بیداری قرار دارد. هرکسی در اعماق ضمیر ناخودآگاه خود مستقیماً این شعور یا ناخودآگاه جمعی در ارتباط است و به همین دلیل همه می‌توانند تحت شرایط خاصی مقداری از اطلاعات نهفته در این اقلیم پنهان ذهنی را به بخش خود آگاه ذهن منتقل کنند.

1- Dr. C. G. Jung

فعلی انگشت، مورد اول را مرحله‌ی اول، مورد ناخدا را مرحله‌ی دوم و مورد مربوط به وضعیت فعلی و آینده‌ی صاحب فعلی حلقه را مرحله‌ی سوم نام می‌نیم. در تمام قراحت‌های روان‌نگری این سه مرحله را به اشکال مختلف مشاهده می‌کنیم.

### سر منشاء اطلاعات

پرسش در اینجاست که روان‌نگر اطلاعات خود را از کجا به دست می‌آورد. در اکثر موارد می‌توان چنین حکم کرد که روان‌نگر و صاحب شیء با یکدیگر تبانی کرده‌اند. در صورت وجود تبانی می‌توان آن را ردیابی و با آن مقابله کرد. از این مورد که بگذریم، موارد بیشماری باقی می‌مانند که توضیح دیگری می‌طلبد. با مطالعه‌ی دقیق مسئله، معمولاً موارد بسیاری مشاهده می‌شوند که با روش‌های معمول قابل توجیه نیستند. در اینجا با یکی از اصول روان‌شناختی مواجه می‌شویم؛ بدین معنی که قابلیت پذیرش هر کسی (اگر بتوان آن را چنین نامید) بطور قابل ملاحظه‌ای با سایرین تفاوت دارد. کسانی که تقاد و موشکاف نیستند از سایرین خوش باور نرن. بنابراین آنچه که در قراحت‌ها باید متد نظر قرار گیرد، عاملی است موسوم به عنصر انتبار؛ بدین معنی که ممکن است عنصری بسیار ناچیز برای صاحب شیء معنایی خاص داشته باشد. گاهی همین عناصر مؤید گفته‌های روان‌نگر هستند.

صرف نظر از جملات مبهم و کلی که جنبه‌ی ایبات کنندگی ندارند و ما آنها را حشو و زواید لفظی می‌دانیم، جملات معتبر و دقیقی نیز وجود دارند که حقیقتاً

نسبت که در این امر توفيق یابد خواهد توانست با حافظه‌ی فلکی که سوابق شخصی تنها در صدی از آن را تشکیل می‌دهند، پیوتد یابد.

جیمز<sup>۱</sup> و فچنر<sup>۲</sup> وسیاری از فلاسفه در این امر با پیروان مکاتب اسراری هم عقیده‌اند که سیاره‌ی ماصر فاگوئی جامد مشکل از مواد معدنی نیست، بلکه کالبد یا مركب نوعی حیات عظیم و ساده است و بنابراین بهنوبه‌ی خود دارای حافظه‌ای است که تمام واقعی و رویدادهای آن را در خود ثبت می‌کند. براساس این فرضیه، هر جزء ماده واسطه‌ای است که Anima Mundi با روح خلقت می‌تواند بدان متصل گردد.

### اتر بازتابنده

بدین ترتیب باز هم با تعریف ساده‌ی دنتون و همکارانش مواجه می‌شویم که روان‌نگر با حافظه‌ی عظیم روح اجسام ارتباط یافته، آن را قرات می‌کند. ضمناً اسراریون معتقدند که خاطرات سیاره‌ای در حافظه‌ای موسوم به اتر بازتابنده‌ی سیاره ثبت می‌شوند. این اتر نه تنها خاطرات سیاره‌ای را در خود دارد، بلکه منعکس کننده‌ی علم لدنی الهی نیز می‌باشد که همواره در بایگانی آکاشیک حاضر است. بنابراین روان‌نگر می‌تواند با استفاده از اتر بازتابنده نیم نگاهی به آینده داشته باشد یا به عبارتی دیگر سایه‌های از قبل منعکس شده‌ی آینده را تشخیص دهد؛ ولی درجه‌ی صحبت این نوع پیشگویی به درجه‌ی وضوح

<sup>1</sup>- William James - ۱۸۴۲ - ۱۹۱۰ ، فلسفه و روان‌شناس آمریکایی .

<sup>2</sup>- Fechner

### نور اثیری

مفهوم ناخودآگاه جمعی برای کسانی که از تعالیم فرقه‌های اسراری مطلع هستند، مفهومی آشنا است. این فرقه‌ها ناخودآگاه جمعی را نور اثیری می‌نامند و معتقدند که واسطه‌ی عمل آن نوعی عنصر غیرمادی است که تمام مواد فیزیکی را در بر می‌گیرد. بدلاً از آن، معتقدند که این عنصر فراگیر نه تنها حاوی سوابق موجود در حافظه و جوهر خودآگاه و ناخودآگاه تمام هستی در همه‌ی ابعاد مادی است، بلکه مجرایی است که به واسطه‌ی آن آگاهی فراگیر خالق و محافظ عالم، در تمام مراتب هستی که در ید قدرت او قرار دارند، خلقت را بر پامی دارد.

در شرق اعتقاد بر این است که وجود الهی و آگاهی او از طریق آکاش اعمال می‌کند. اصطلاح بایگانی آکاشیک نیز که عنوانی برای حافظه‌ی فلکی است، از همین جاریشه می‌گیرد. البته آنچه گفته شد چکیده‌ای بسیار ناچیز از فلسفه‌ای بسیار پیچیده بود.

علاوه بر این گفته می‌شود که انعکاس بایگانی آکاشیک در مرتبه‌ی اپری از درجات مختلفی تبعیت می‌کند و در مجاورت با جریان‌های عاطفی و ذهنی موجود در ناخودآگاه جمعی - که دامناً از این سیاره عبور می‌کنند - دچار نوعی شکستگی و انحراف می‌گردد. بنابراین در اینجا با مفهوم آگاهی و ذهن فراگیری مواجه هستیم که جدایی چندانی از حیات زمینی و کشمکش‌های آن ندارد، بلکه عملاً در آن ناقد است، ولی در عین حال فراتر از همه‌ی تجلیات خلقت در تمامیت خود پایدار می‌ماند. ضمناً اعتقاد بر این است که انسان به یمن الوهیت ذاتی خویش قادر است به درجات مختلف، با آن آگاهی الهی هم سوگرد و بهر

بازتاب ذهن الهی در حافظه‌ی آکاشیک بستگی دارد.

اینکه برخی از فرضیات مربوط به پدیده‌ی روان‌نگری را مرور کردیم، بد نیست که به زمین برگردیم و در مورد نحوه‌ی پرورش این قابلیت صحبت کنیم. بدیهی است که پس از کسب تجربیات عملی در این زمینه، می‌توان به بحث‌های متافیزیکی مربوطه پرداخت.

اعتقاد به نظریه‌ی خاصی در مورد روان‌نگری ضروری نیست و می‌توان بدون پذیرش هرگونه فرضیه‌ای آن را آموخت و به کار گرفت. مگر نه اینکه بدون داشتن کوچکترین اطلاعاتی در مورد طرز کار چشم نیز می‌توان از قوای بینایی استفاده کرد؟ درست مثل تمام قابلیت‌های فیزیکی و مأموره‌البیعه، پس از پرورش روان‌نگری می‌توان آن را بهر منظوری به کار بست. اما به داد داشته باشید که افزایش هر نوع توانایی در انسان مسئولیت او را در استفاده‌ی صحیح از آن بیشتر می‌کند و مسلم‌آدر اینجا با مسئله‌ای اخلاقی سروکار خواهیم داشت که در فصل بعدی بررسی می‌شود.

۱۲۵

## لازم‌هی استعدادهای فراروانی

برخی از افراد چنین تصور می‌کنند که قابلیت‌های روانی و فراروانی از قبیل روش‌ضمیری، روان‌نگری و غیره موهبت‌های خاص الهی برای گروهی معین هستند و چنینی عمومی ندارند. این باور سه ریشه‌ی مختلف دارد. اول اینکه براساس برخی از عقاید مشرکانه قدیمی، خدایان استعدادهای را بین افراد تقسیم می‌کنند. از آنجاکه قدمًا تصور می‌کردند این قبیل کیفیات روانی نوعی پیوند را بین خدایان و بندگان برقرار می‌کنند، در مورد آنها تلقی خاصی داشتند و در استفاده از این قابلیت‌ها همواره حال و هوای مذهبی حاکم می‌شد.

از دل ادیان بدوي فرضیه‌ی الهام‌کده یا هائف، پیش‌گو و فال‌گیری نصیحت گرفت و از بطن ادیان اصولی و توحیدی هر عصری نیز نوعی فرقه‌ی اسراری یا عرفانی بوجود آمد.

مسیحی، هیچ یک در پی ارتباط با مردمگان با روشن‌های مذیومی نبودند؛ اگرچه تمام اشکال قوای روانی را می‌شناختند. البته این امر دلیلی بر رداخای احضار کنندگان ارواح نیست، ولی از آنجاکه این افراد معتقدند برقراری این نوع ارتباط، آن‌هم صرف‌با ارواح انسانی ضروری بوده و هست. باید اشاره کنیم که اگر چه نمی‌توان احتمال برقراری ارتباط با مردمگان را کاملاً رد کرد، ولی گروه‌های نامبرده در بالا به هیچ وجه این عمل را انگیزه‌ای اولیه‌ی پرورش قوای خود نمی‌دانستند.

پولس رسول در نامه‌ی مشهود خود به قرنطیان، خطاب به گروه‌های کوچک مسیحی که برای نیایش جمع می‌شدند اندرزهایی دارد. باید دانست که پیروان اولیه‌ی مسیحیت که در آن زمان رهروان خوانده می‌شدند، در واقع وعده‌ی استاد خود را خلیج جدی گرفته بودند. عیسی گفته بود که روح القدس را بر آنان نازل خواهد کرد تا آنان را هدایت کند و آنها معتقد بودند که در تمام گردهم‌آیی‌های مذهبی آنان قدرت روح القدس حضور دارد؛ به همین دلیل این گردهم‌آیی‌ها را مجتمع روح الهی می‌خوانند.

در جلسات کوچکی که برای نیایش تشکیل می‌شد، گاهی پدیده‌های مختلف روانی ظاهر می‌گشت. این قبیل حوادث قرن‌ها قبل نیز در گروه‌های مشابهی موسوم به انجمن دوستان رخ می‌داد. در این انجمن‌ها نیز اعتقاد بر این بود که پدیده‌های فوق نه به واسطه‌ی ارواح مردمگان، که توسط قدرت و حضور روح الهی ایجاد می‌شدند.

منتظر پولس رسول در واقع این بود که روح الهی یکی بیشتر نیست و هم اوست که بهر کسی استعداد یا موهبتی را ارزانی می‌دارد. این نقطه‌ی شده از لاقع می‌شده‌اند.

هنگامی که مسیحیت به صورت یک دین فرآیندی شد، از بطن آن گروه‌های متعددی شکل گرفتند که تحت عنوانی عمومی نوستیک<sup>۱</sup> نامیده شدند. آنها مدعی بودند که معنویات را به صورت شهودی و بلاواسطه درگ می‌کنند. بسیاری از گروندگان مسیحیت که قبلاً پیرو فرقه‌های باطنی بودند، اعتقاد داشتند که می‌توانند قسمت اعظم دانش قبلی خود را در دین تازه غسل تعیید دهند و بسیاری از همین افراد به معلمین باقوند کلیسا نوبای مسیحیت مبدل شدند.

### استعدادهای روانی

باید دانست که عرفای صدر مسیحیت در استفاده از قابلیت‌های روانی، برخلاف احضار کنندگان ارواح عصر حاضر مدعی ارتباط با ارواح مردمگان نبودند، بلکه بیشتر تمایل داشتند با وجودهای معنوی تماس حاصل نمایند. در واقع هرگاه بر حسب بد اقبالی پای یکی از ارواح مردمگان به میان می‌آمد، تصور می‌گردند اشکالی وجود دارد و برای جلوگیری از تکرار این اشتباه به اقداماتی دست می‌زنند. تأکید بر این نکته ضروری است که کیرب‌های<sup>۲</sup> مصری، هیرووفنت‌های<sup>۳</sup> الوسینی، تشورجیست‌های<sup>۴</sup> نوافلاطونی و نوسیستک‌های

۱- Gonistic: متناسب به فرقه‌های عرفانی که مدعی دانش اسرار الهی بوده، خود را عارف می‌خوانند.

2- Kheret

3- Hierophant

4- Therapist

توضیح: اسامی باد شده در پا ورقی همه عناوینی هستند که به عرفای ادیان یا فرقه‌های باد

اشتراك معتقدين به ارباب انواع يا مشركين و موحدين دين يهود بود که به يک خدا اعتقاد داشتند؛ زيرا هر دو گروه منشاء مواهب يا استعدادهای بشری را خداوند يا خدايان می دانستند. در يكی از ترجمه‌های نادرست یونانی، مترجم چنین برداشت کرده که پولس به مواهب معنوی اشاره می کند اما منظور او مواهب يا استعدادهای روانی بود؛ در اینجا روح يا روان با روح الهی مغایطه شده بود.<sup>۱</sup> از نظر پولس انسان تثلیثی است از جسم، روح و دم‌الهی يا روح کل.

به خاطر همین اشتباه در ترجمه‌ی متون مسیحی بود که از دوران مشرکین تا عصر مسیحیت و حتی تا امروز نیز قوای روانی را قوای معنوی و موهبتی از جانب خداوند می دانستند. همین تلقی ذهنی به سایر توانایی‌های انسان بسط داده می شود. به همین دلیل ما از اصطلاحاتی چون، استعداد خداداد در خطابه، هنر يا موسیقی سخن می گوییم. در تمام این موارد ما تحت تأثیر قالب‌های ذهنی از پيش تعیین شده قرار داریم و این امر على الخصوص هنگامی قابل توجه است که از توانایی‌های روانی سخن می گوییم.

اما نوع دیگری از جهان‌بینی نیز وجود دارد که اساس فلسفه‌ی زندگی مؤلف را تشکیل می دهد و آن اینکه، قابلیت‌های روانی در تمام اینها پسر يا به قولی در تمام هستی وجود دارند، ولی به ندرت عملکرد آنها از آستانه‌ی هشیاری روزمره عبور می کند. در حقیقت در اکثر موارد این تأثیرات در آن سوی مرز هشیاری باقی می مانند. فاصله‌ی این قابلیت‌ها از آستانه‌ی خودآگاهی تعیین می کند که

۱- در زبان انگلیسی کلمه‌ی *Spirit* به معنی روح کل یا روح القدس است؛ حال آنکه به معنی روح فردی و *Psyche* به معنی روان است. حتی در زبان فارسی نیز روح و روان به يک معنی به کار می روند، در صورتی که معنای آنها متفاوت است. روح واحد آگاه و حیات بخش است که به کالبد جان می دهد، ولی روان در واقع به ذهن و عواطف مربوط می شود که به خودی خود و بدون وجود روح حیاتی ندارد. برای توضیح مطلب باید توجه کنیم که روان‌شناسی به هیچ رویی به معنی روح‌شناسی نیست.

آیا کسب آنها ارزش تلاش لازم را دارد یا نه. ظاهراً در برخی از افراد کمی تلاش کافی است و این قوای بلا فاصله قابل می‌شوند. در برخی دیگر سال‌ها تمرین نیز سودی نخواهد داشت. اما بیشتر مردم در حد فاصل این دو دسته قرار دارند و می‌توانند این قوای را پرورد و شکوفا کنند، ولی زمان موقفيت برای هر کسی متفاوت است.

با وجود این شکوفا کردن هر قابلیتی یک مستله و تثبیت و کنترل آن مستله‌ای کاملاً متفاوت است و همین جاست که بسیاری از مدعیان از میدان پدر می‌شوند. آنان برای تنظیم و کنترل قوای روانی خود کوششی نمی‌کنند و این امر در اکثر اوقات از باور نادرستی ناشی می‌شود که قبل از را تحت عنوان موهبت خدادادی تشریح کرده‌یم. در فعل بعدی به مستله‌ی تثبیت، تنظیم و تربیت قوای بار می‌گردیم و در اینجا همین اشاره‌ی کوچک کفایت می‌کند. اینکه به جنبه‌ی اخلاقی موضوع می‌پردازم، همان طور که قبلاً گفته شد ارتباط این قبیل امور به معنیوت ناشی از ترجمه‌ای نادرست بوده است. بتایراين بهتر است معنی این اصطلاح را درک کنیم و ببینیم در مورد قوای روانی که در همی‌ماوجود دارند، تاچه حد صدق می‌کند. در کلیسای صدر مسیحیت نوعی بدعت یا بیش عجیب (چون بدعت در اصل به معنی عقیده بوده است<sup>۱</sup>) بوجود آمد که معنیوت و ماده را کاملاً از یکدیگر تفکیک نمود.

۱- البته این دو واژه در زبان فارسی به يک معنی نیستند و ترجمه‌ی هر دو ترکیب *Heresy* و *Point of view* در زبان انگلیسی اشاره دارند.

جهان ماوراء الطبیعه و مسائل مربوط بدان آشنا باشد، می‌داند که این پندار نادرست است، اما این باور ریشه‌های عمیقی دارد و بدون تردید تا مدت‌های مديدة نیز به قوت خود باقی خواهد ماند و همان‌طور که دانستیم نمی‌توان آن را ظرف چند دقیقه اصلاح کرد.

در هر حال این واقعیت به قوت خود باقی است که صاحب قوای روانی ضرور تا صاحب استاندارد اخلاقی بالایی نیست. در حقیقت در بیشتر موارد عکس قضیه صحت دارد.

### تلقینات تله‌پاتی

قبل‌آ به مراتب یا لایه‌هایی در ذهن اشاره کردیم که جایگاه فعالیت قوای روانی هستند. اینک به بررسی مواردی می‌پردازم که قوای مذکور در لایه‌های ضمیر ناخودآگاه قرار دارند و هنوز به مراتب خودآگاهی وارد نشده‌اند، اما دائم‌آ در ضمیر ناخودآگاه فعالند و افکار و عواطف اطرافیان را دریافت می‌کنند. تمام این تأثیرات محیطی در قالب تلقین‌های مشتب و منفی به ذهن راه می‌پابند و مدام آگاهی انسان را تغییر می‌دهند. تمام انسان‌ها بین طریق یا یکدیگر پیوند دارند و گذشته از ناخودآگاه جمعی نزد بشر، دریابی از افکار و عواطف ما را احاطه کرده که انرژی آن دائم‌آ در تلاطم است و ما آگاهانه یاناً آگاهانه در پرایر آن عکس العمل نشان می‌دهیم.

بدعنوان مثال زنی که پا را از دایره‌ی عفاف بیرون می‌گذارد، به انتخاب آگاهانه‌ی خود این راه را در پیش نگرفته، بلکه افکار و عواطفی که سایرین نسبت

### معنویت و ماده

این بدعت برای اولین بار در تعالیم یکی از مانویان نو مسیحی ظاهر شد. این افراد، آموزگارانی مسیحی بودند که برخی از عقاید دین را رشت پیامبر فارسی را با اصول مسیحیت تلفیق کرده بودند. آنان معنویت و ماده را در تقاب و تضادی ازلی و ابدی می‌دانستند و ماده را پلیدی محسن می‌پنداشتند. اگر چه شورای اعظم کلیسا این بدعت را محکوم کرد اما هرگز نتوانست آن را بهطور کامل از مسیحیت بزداید و عقیده‌ی فوق بارها و بارها در قالب‌های مختلف رخ نمود. ضمناً همین عقیده بود که موجب انشعاب فرقه‌ای به نام پیوریتن‌ها از مسیحیت شد. ردپای این فرقه در تمام ادوار مسیحیت مشاهده می‌شود. بنیان‌گذاران این شاخه از مسیحیت بر منع استفاده‌ی نادرست و نامتعادل از قوای جنسی تأکید داشتند و بهنوبه‌ی خود در روند رشد معنوی بشر تأثیر عمیقی بدجای نهادند. اگر چه آن دسته از مکاتب فکری که مُبلغ استفاده از قوای روانی هستند، ادعا می‌کنند که از قید عقاید اصولی رها شده‌اند، اما هنوز تحت تأثیر ترجمه‌ی نادرست انجیل در مورد موهبات روانی بوده و بسیاری از پیروان آنها معتقدند که این قابلیت‌ها موهابی معنوی هستند.

از آنجاکه ماده چیزی جز تجلی روح نیست و بنابراین همه‌ی نیروها و قوای انسان به معنی راستین کلمه معنوی هستند، اگر کسی این قوای معنوی پندارد، باید قوای جسمی انسان را نیز به همان میزان معنوی بداند که در غیر این صورت در دام بدعت مانوی گرفتار شده است.

ولی متأسفانه خطای یاد شده موجب می‌شود که بسیاری از افراد، صاحبان قدرت‌های روانی را از لحاظ اخلاقی نیز معنوی پندارند. هر کسی که اندکی با

به او داشته‌اند حواس روانی نیمه هوشیار او را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در واقع حساسیت روانی خود اوست که به او خیانت کرده. اگر او در امور جنسی از قواعد اخلاقی مناسبی پیروی می‌کرد می‌توانست در برابر فشار غراییز طبیعی خود و تلقینات موزیانه‌ی محیط مقاومت کند. می‌توان گفت در زندگی او لحظه‌ای بخصوص فرازرسیده که بی‌دفاع بوده و در آن هنگام اشتیاق غریزی او و تلقینات تلمپاتیک اطرافیان دست به دست هم داده و تعادل عاطفی و اخلاقی او را برهم زده‌اند و او دامن به گناه آلوه است. اما می‌توان با اطمینان تقصیر اصلی را متوجهی فرد یا افراد به ظاهر پرهیزکار و محترمی دانست که در مورد او پیش‌داوری کرده و با سنتگینی افکار خود (که در اکثر موارد محصول سرکوب تمایلات جنسی است) او را به راه سقوط کشانده‌اند. این مستله دستور صریح انجیل را به ذهن متبار می‌کند که، محکوم نکن تا محکوم نشوی.

### قواعد اخلاقی زندگی

باتوجه به تداخل روانی حاکم بین ما و محیط، اگر در کمال صداقت مایلیم که خویش حقیقی خود را به ظهور رسانیم باید برای زندگی و امور روزمره‌ی خود آگاهانه و داوطلبانه قواعدی را وضع کنیم؛ نوعی استاندارد اخلاقی که مانع شود بازیچه‌ی تأثیرات نامرئی ولی قدرتمند محیط خود گردیم. با وجود وسوسه‌های ملموس و آشکار موجود در زندگی روزمره، اعمال این قواعد و قوانین فکری و عینی کاملاً توجیه پذیر است، اما استفاده از آنها در برابر وسوسه‌های ناخودآگاه، پنهان ضرورت پیشتری دارد.

هنجامی که خود را ملزم به رعایت این قواعد کردیم، می‌توانیم با امنیت کامل تأثیرات دریافت شده توسط حواس روانی را به سطح هوشیاری منتقل کنیم. وقتی که تأثیرات و عناصر فوق را تحت کنترل آگاهانه‌ی خود قرار دهیم، دیگر نخواهند توانست به طور پنهانی ما را به اعمال غیر مستولانه وادراند و امواج متلاطم حاصل از اجتماع تأثیرات ذهنی اطرافیان، ما را تحت نفوذ نخواهند گرفت. در این صورت می‌توان گفت هر یک از ما از قانونی پیروی می‌کنیم که در اعصار باستان در معبد اسرار حک شده بود و می‌گفت، خود را بشناس! با انتقال تأثیرات روانی به سطح خود آگاهی می‌توان در مورد ارزش هر یک قضایت کرد و براساس قانون فرزانگان با آنها پرخورده کرد.

بدین ترتیب می‌توانیم در جهت تکامل شخصی خود از آنها استفاده کنیم و به واسطه‌ی هشیار بودن در برابر این تأثیرات، از زیر نفوذ آنها خارج شویم. می‌توانیم به میل خود قوای روانی رافعال کنیم و شرایط مطلوب برای این کار را نیز تشخیص داده، ارزش آنها را در زندگی خود تعیین کنیم.

با توجه به موضع دانش روز در برابر این قوای پرورش آنها را بیشتر به حیطه‌ی هنر مربوط می‌دانند تا علم؛ اما هنجامی که با قوانین حاکم بر این اقلیم آشنا شوید، خواهید دید که در یچه‌ی دانشی بسیار رفیع بر رویتان گشوده می‌شود. اگر چه این دانش در دنیای غرب ناشناخته باقی مانده – که به دلیل نوع تمدن و فرهنگ حاکم بر آن بوده است - اما هیچ‌گاه به طور مطلق از دسترس بشر دور نبوده است. در انواع یوگاهای شرقی که اینک بخش‌هایی از آنها در غرب متابع پیشه‌وران استادنما را تشکیل می‌دهد، می‌توان این دانش را علنی تر تشخیص داد. بسیاری از تعالیم این تجارت پیشگان، هجو آموزش‌های حقیقی هستند. اما هم در شرق و هم در غرب، افرادی یافت می‌شوند که وارثین راستین این حکمت

پلستانی بوده، آماده‌اند که در این برهه از تاریخ بشریت به محققین این قلمرو کمک کنند.

نیروی روان‌نگری یکی از جالب‌ترین و آموزنده‌ترین شاخه‌های قوای روانی است و می‌تواند در صورت استفاده‌ی صحیح بسیار ارزشمند باشد.

کسب قدرت روان‌نگری بدون آموزش خاصی بسیار ساده است، ولی از هر رژویه‌ای که به قضیه نگاه کنیم بهتر است مبتدیان یکی از سیستم‌های آموزشی موجود را در پیش گیرند. قوایی که بدین شکل کسب شود، از هر جهت مفیدتر خواهد بود.

تعالیم مربوط به پرورش نیروی روان‌نگری را می‌توان به تکنیک‌های مختلفی تقسیم کرد که در فصل بعدی به طور مفصل آنها را بررسی خواهیم کرد. اما قبل از ادامه‌ی مطلب بد نیست توضیح دهیم که چرا تا این حد از واژه‌ی قابلیت استفاده می‌کنیم. بیشتر افرادی که با این امور سر و کار دارند مایلند از اصطلاح نیروهای روانی استفاده کنند ولی کلمه‌ی قابلیت نشان می‌دهد که قوای فوق نیاز به پرورش دارند و از پیش تجلی یافته نیستند.

## ۱۵

### تutorials مقدماتی

قبل‌آشاره کردیم که پرورش قابلیت روان‌نگری بدون هیچ‌گونه آموزش قبلی املاً امکان‌پذیر است. مسلماً نخستین مکتشفین این قوای در عصر حاضر نیز بدون آموزش قبلی آن را آموخته‌اند. در حقیقت این امر در مورد تمام کشفیات یا بازیافت‌های اصدق است زیرا تنها با آزمایش‌های مکرر و طبقه‌بندی نتایج است که قوانین حاکم بر هر فرآیندی به فرمول در می‌آیند تا بتوان برای آموزش، روشی منظوم را تدوین کرد. اما حتی پس از تدوین چنین سیستمی نیز باید همیشه در نظر داشت که هر چند مبنای این قوای روانی علمی است، اما از آنجاکه رابطه‌ی نزدیکی نیز با هنر دارد، باید عناصر شخصی را نیز در آن در نظر گرفت و مجاز دانست. در هنرهای بصری نیز وضعیتی مشابه مشاهده می‌شود. مثلاً ممکن است نقاشان برای کار خود تکنیکی بسیار دقیق داشته باشند، ولی ارزش واقعی

بر ما آشکار خواهد کرد. علت این گریز به گذشته این بود که نشان دهیم در هر عهدی فرضیات جدید می‌توانند بنیان جهان‌بینی قبلی را برهم زنند و آن را بی‌اعتبار کنند. همه‌ی این‌ها تئوری‌ها و فرضیاتی هستند که برای تشریح و توضیح گوشاهای از واقعیت ابداع شده‌اند و در پس تمام آنها قانون بلا تغییر خلقت قرار دارد و درستی یا نادرستی هر فرضیه‌ای در رابطه با قوانین خلقت به درجه‌ی نزدیکی آن به حقیقت بستگی دارد. تاریخ علم مملاً است از تئوری‌هایی که برای توضیح پدیده‌های طبیعت ابداع شده‌اند و هر یک تحدودی درست هستند اما نه کاملاً.

ادراک‌مازاز واقعیات، تعصبات فردی ناخودآگاه یا آگاهانه‌ی ما و سمعت میدان تجربیات ما در باره‌ی هر پدیده‌ای، تمام فرضیات و احکام مربوط به قوانین طبیعت را تحت تأثیر قرار داده. آنها را شرطی می‌کند. دانشمندان عهد ویکتوریا همیشه این مطلب را درک نمی‌کرده‌اند و حتی محققین معاصر نیز گاهی از آن خلقت می‌کنند. مدتی پیش یکی از روان‌شناسان برجسته گفت که هیچ مدرکی هر قدر هم محکم باشد نمی‌تواند او را مقنعت کند که چیزی به نام حس برتر وجود دارد، زیرا پذیرش چنین احتمالی بنیان تعالیم و علوم نوین را متلاشی خواهد کرد.

مانع مشابهی نیز در ذهن بسیاری از متفکرین مذهبی وجود دارد که موجب می‌شود بین امور مقدس و دنیوی اختلافی شدید قائل باشند. همین شیوه‌ی نگرش همواره موجب شده که قوای روانی، قوای معنوی انگاشته شوند. ما به این باور وقعی نمی‌نهیم، زیرا مثل اکثر افرادی که دستی در این امور دارند معتقد‌یم که تنها نیروی مافوق‌الطبیعه حقیقی آن وجود یگانه‌ای است که مافوق طبیعت و خلقت قرار دارد و خود علت و مبدأ خویش است. علاوه بر این معتقد‌یم

هر ازri در عناصر شخصی خاصی است که نقاش در آن به ودیعه گذارد. در مورد قابلیت روان‌نگری نیز وضع به همین منوال است.

### اصل قانون طبیعت

اشارة به مبنای علمی در امور روانی شاید موجب شگفتی بسیاری از خوانندگان شود. زیرا افراد معمولاً چنین اموری را در قلمرو مأموره‌ی طبیعت می‌دانند و قوانین علمی را باری ارتباط می‌پندارند. اما کسانی که در این قبیل امور مطالعه‌ای عمیق داشته‌اند، کاملاً در مورد شمول قوانین طبیعت در این حیطه مقنعت شده‌اند. باید دانست که در گفتگو از قوانین طبیعت، منظور ترتیب وقایع قابل پیش‌بینی است نه قانون تغییرناپذیر فلکی که اساس خلقت محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر قانون حقیقی طبیعت مورد نظر است. برای روشن شدن مطلب می‌توان به فرضیه‌ی جاذبه‌ی عمومی و نور نیوتون اشاره کرد. این نظریه در محدوده‌ی خاصی به خوبی عمل می‌کند و بیشتر تجربیات را تشریح می‌کند؛ ولی واقعیاتی نیز هستند که در این چارچوب نمی‌گنجند. اما فرضیه‌ی عمومی نسبیت که توسط اینشتین اعلام شده است سایر قلمروها را نیز شامل می‌شود.

به طریق اولی، دانشمندان عهد ویکتوریا نیز بر اساس فرضیه‌های محض خود معتقد بودند که جلوه‌های روانی در قلمرو منطقی دانش جایی ندارند. یکی از همین دانشمندان گفت: که در عالم مسیح چایی برای ارواح وجود ندارد. و دیگری گفت: سرانجام این ماده است که ماهیت خلقت را

<p style="text-align: center;">روان‌نگری</p> <p>۱۷۱</p> <p>روان نگرشی را در دست می‌گیرد و می‌گوید، آب زیادی می‌بینم - مردی اینجاست - فکر می‌کنم دریا باشد - او نیفر می‌عجیب پوشیده - درختان زیادی با برگ‌های سبز تیره می‌بینم - حال و هوای کلیسا را حس می‌کنم - دود بخور - شهری در بالای تپه - درختان در دامنه‌ی تپه روئیده‌اند - آیا تو بر سر دوراهی قرار گرفته‌ای؟ - این شیء با ایتالیا رابطه دارد - مرد به چیزی خبره شده - آیا هرگز قصد سفر به ایتالیا داشته‌اید؟ - تنفس‌ها شلیک می‌شوند - آیا تو در جنگی شرکت داشته‌ای؟ - مرد یک شمشیر دارد - گویا فرمانده باشد - نگران نباش، ظرف چند روز آینده تردیدت بر طرف می‌شود.</p> <p style="text-align: center;"><b>فرا آیند گزینش</b></p> <p>همان طور که متوجه شدید، این قرائت مثل مورد اول حاوی واقعیاتی تأیید شده است. ولی گفته‌های این روان‌نگر فاقد انسجام کافی و بسیار پراکنده بود. دلیل این پراکنگی چیست؟ در اینجا می‌توان از دو عامل اصلی و یک عامل ثانویه نام بردا. اولاً یکی از عجایب قوای روانی این است که اطلاعات دریافت شده توسط این حواس به صورت یک واحد منفرد اطلاعاتی به ذهن می‌رسند و در ضمیر ناخودآگاه ذخیره می‌شوند و سپس به ترتیب معینی به ذهن خودآگاه نفوذ می‌کنند. حتی در مورد حس باصره معمولی نیز همین طور است. چشمان ما کل تصویر دریافتی را به عنوان واحدی منسجم به مرکز بینایی در مغز منتقل می‌کنند و سپس اجزاء اطلاعاتی به واسطهٔ ضمیر ناخودآگاه به ذهن خودآگاه</p>	<p style="text-align: center;">آموزش هایهایی</p> <p>۱۷۰</p> <p>که قانون حقیقی خلقت چیزی نیست جز مشیت و هدف آن وجود یکتا. بدین ترتیب تمام جلوه‌های مرتبه‌ای از هستی تحت قوانین طبیعت قرار دارند و نباید مافقه طبیعه قلمداد شوند. بنابراین تلقی مافقه طبیعه از قوای روانی بسیار شایع و معمول است. اما طبیعتاً می‌توان آنها را در اقلیم مشاهدات و روش‌های علمی بررسی کرد. ولی اکثر آزمایش‌ها و تحقیقات مربوط به این امور موصوف به‌هر صفتی هستند جز علمی. بنابراین در هر دو سوی قضیه باکله شقی و بی میلی یکسانی روپرور هستیم و ظاهرآ هیچ یک از دو گروه تمایلی به پیروی از پند دانشمند بزرگ عهد و یکتوريا، یعنی هاکسلی<sup>۱</sup> ندارند. به‌گفته‌ی او دانشمند حقیقی باید برای زانو زدن در برابر طبیعت همچون کودکان و پیروی از آن آمده باشد. در مطالعی که در رابطه با پرورش قابلیت روان‌نگری در این کتاب آمده، تلاش کردیم از هر دو قطب کله شقی استدلالی و حماقت احساساتی پرهیز کنیم.</p>
---	--

### نمونه‌ی قرائتی نامطلوب

قبل‌ایکی از جلسات روان‌نگری را به‌طور مختصر مرور کردیم و گفتیم که قرائت روان‌نگری یاد شده یکی از بهترین نمونه‌های روان‌نگری بود. در اینجا یکی از نمونه‌های ناقص قرائت روان‌نگری را مرور می‌کنیم. همان‌طور که خواهید دید، اظهارات روان‌نگر صحیح بوده و صاحب شیء آن را تأیید می‌کند. ضعف این قرائت در اطلاعات آن نیست بلکه نحوهٔ قرائت غلط است.

۱- Huxley

می‌رسند. معمولاً در ضمیر ناخودآگاه نوعی گزینش صورت می‌گیرد و واحد بصری دریافت شده به وسیله‌ی همین فرآیند گزینشی ضمیر ناخودآگاه شکسته می‌شود و اجزاء آن با روشی خاص به ذهن خودآگاه منتقل می‌شوند. فرآیند گزینشی ضمیر ناخودآگاه به واسطه‌ی عوامل مختلفی فعال می‌گردد. مثلاً اگر درباره‌ی طفیان رودخانه‌ای و خسارات ناشی از آن مطلبی خوانده باشیم و مدتی بعد به منطقه‌ای بیلاقی رویم که علاوه بر سایر مناظر طبیعی رودخانه‌ای هم در آن وجود داشته باشد، تقریباً بدون استثناء اولین چیزی که توجه ما را به خود جلب می‌کند رودخانه است؛ زیرا ضمیر ناخودآگاه ما به وسیله‌ی سابقه‌ی قبلی متوجه آن می‌گردد.

## هنر مشاهده

روان‌نگر باید تأثیرات روانی دریافتی را به سرعت ضبط کند و سپس با همان سرعت آنها را بازگو کند. این روش شبیه کار گزارشگران رویدادهای ورزشی است که موظفند تصاویر بازی را دریافت کرده، آن را بلاغاً صله در قالب گزارش یا تفسیر بازگو کنند. در اینجا ذهن باید به وسیله‌ی فرآیند گزینش و قایع بازی را به سرعت و در جای صحیح خود انتخاب کند. برای موفقیت در این کار اولین قدم مهارت یافتن در مشاهده است. مهارت در مشاهده، آنقدرها که برخی تصور می‌کند ساده و عمومی نیست. بیشتر ما به دلیل وجود نقاط کور روانی برخی چیزها را مشاهده می‌کنیم و برخی را نادیده می‌گیریم. در غیر این صورت در مورد ترتیب و قایع دچار سردرگمی خواهیم شد. پژوهش قدرت مشاهده برای هر کسی که از حواس روانی خود استفاده می‌کند، امری ضروری و حیاتی است و آنچه که تحت

## تعصب روان شناختی

در اینجا به دو میان عامل مؤثر در امر دریافت می‌رسیم. معمولاً در ضمیر ناخودآگاه نوعی تعصب روان شناختی وجود دارد و تمام دریافت‌های هر یک از حواس در گذر خود به ذهن خودآگاه تحت تأثیر این تعصب قرار می‌گیرند. چنانچه از تعصب خود - در هر جهتی که باشد - آگاه باشیم، قادریم آگاهانه آن را جبران کنیم، ولی اگر حتی از وجود این گرهی ذهنی نیز بی خبر باشیم قضاوت ما در مورد تمام تأثیرات حسی تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. این امر بخصوص هنگامی صادق است که مجبور به ثبت مشاهدات و شنیده‌های خود باشیم. پلیس‌ها و قضات کاملاً با این مسئله آشنا هستند. دو شاهد همزمان یک رویداد که در زمان وقوع آن در نزدیکی هم ایستاده‌اند، ممکن است با دو گزارش متفاوت

می‌دهد، واکنش نشان می‌دهند. توجه متمرکز و جهت‌دار به معنی پرورش توانایی ثابت نگاه داشتن توجه بر هر بخشی از وقایع یا امور فوق به صورت ارادی است. قطعاً منظور از تمرکز نیز جز این نیست. در پرورش قوای روان‌نگری، توجه و تمرکز هر دو ایاز آموزش ارزشمندی محسوب می‌شوند. در حقیقت توجه در توفیق در امور مالی نیز نقشی کلیدی دارد و باید توجه داشت که هرگاه صاحب قابلیت روانی -چه روش‌بین و چه روان‌نگر- به خوبی تربیت شده باشد، به هیچ وجه آن‌گونه که همه می‌پندازند فردی خیالاتی و منفعل نخواهد بود. مسلمان برخی از واسطه‌های روانی چنین هستند ولی محدودی مدیوم قلابی ملاک قضاؤت ما در مورد گروه کثیر مدیوم‌های واقعی نخواهد بود. دلیل ناکامی بسیاری از مدیوم‌های قلابی در کمک رسانی به مردم معمولی یا تأثیرگذاری بر آنها نیز همین عدم تربیت صحیح ذهنی است.

### سوء تفاهم در معنویت

علاوه بر آنچه که گفته شد، عامل بسیار نیرومند دیگری نیز در تشویق چنین افرادی مؤثر است. این عامل عبارتست از برخورد عاطفی و ساده انگارانه‌ی بسیاری از مردم با امور روانی که از هر گونه موشکافی عاری است. ریشه‌ی این طرز برخورد خرافه‌ی عجیبی است که مافق‌الطبعه بودن این‌گونه قابلیت‌ها را تلقین می‌کند و براساس آن مردم می‌پندازند که دارندگان چنین قوایی مجازند که عجیب و غریب باشند. علاوه بر این اعتقاد قدیمی و مستمری نیز وجود دارد که این قابلیت‌ها معنوی هستند و بسیاری از عوام معنوی بودن را باهم در

عنوان عامل ثانویه ذکر کردیم در واقع فقدان همین مهارت است. امواج ظرفی روانی که توسط روان‌نگر دریافت می‌شوند باید درک و ضبط شده و در قالب گفتار یا نوشتار ترجمه‌گردد. اگر این عمل تقریباً بالاصله انجام نشود، امواج و تأثیرات فوق به سایر مراتب و لایه‌های ذهنی رسوخ کرده، با تصاویر یا قالب‌های فکری موجود در آن مناطق، مخلوط می‌شوند و در نتیجه دچار اغتشاش و اختلال می‌گردد.

بدین ترتیب یکی از قسمت‌های اصلی تعلیمات، پرورش قدرت مشاهده است؛ زیرا اگرچه تمام تأثیرات در ذهن ضبط می‌شوند، ولی در اکثر موارد هرگز به مرتبه‌ی خودآگاهی وارد نمی‌شوند و بالاتر از این استانه و در ضمیر ناخودآگاه مدفون می‌گردد. پس باید ذهن را چنان تربیت کرد که هر بار مقدار بیشتری از این تأثیرات را در مرتبه‌ی خودآگاهی ضبط کند. برای نیل به این مقصود تمرین‌های زیادی طراحی شده‌اند که بسیاری از آنها بیش از حد پیچیده هستند. در حیطه‌ی قوای روانی هرچه تمرین ساده‌تر باشد، شناسن موقفيت افزایش می‌یابد.

### توجه و تمرکز

باید قدری به ماهیت واقعی مشاهده بپردازیم. مشاهده عبارت است از توانایی عطف توجه به صورت جهت‌دار، آگاهانه و متمرکز به تأثیراتی که به واسطه‌ی فعالیت حواس در ذهن برانگیخته می‌شوند؛ زیرا همان طور که می‌دانیم حواس انسان نسبت به تمام وقایع و امور مختلفی که در زندگی مارخ

احساس و رفتار عمومی افراد یکی می‌دانند و به آنان حق می‌دهند که به اصطلاح در عالم دیگری سیر کشند. پیروان این افراد (زیرا معمولاً پیروانی نیز دارند) با احالت بخشیدن به این هاله‌ی به اصطلاح معنوی، داشتن قوای روانی را به معنویت نسبت می‌دهند. این امر به قهرمان پرسنل منجر می‌شود که طی آن مذیوم نگون بخت خواه ناخواه بر روی سکو قرار می‌گیرد و پیروانش او را از خطای متراهم می‌دانند. سرانجام روزی فرامی‌رسد که در عمل اثبات می‌شود که او اگر چه صاحب قوای روانی است، ولی از نظر معنوی چندان برتر نیست. در این هنگام بیشتر پیروان او بلا فاصله سگوار واژگون می‌کنند و به جستجوی قهرمان دیگری می‌روند. عده‌ی قليلی نیز بقیه‌ی عمر خود را صرف این می‌کنند تا با توصل به قضاوت عاطفی و کورکورانه‌ی خود، او را توجیه نمایند.

به همین دلیل واسطه‌ی مذیوم صادق باید آموزش بینند و در قلمرو ذهنی خویش استاد گردد تا به دیگران وابسته نباشد. این توفيق به واسطه‌ی تربیت در مشاهده، تمرکز و توجه کسب می‌شود. بدین ترتیب ذهن قادر می‌گردد تا تأثیرات روانی محیط را - که از تأثیرات مربوط به حواس فیزیکی چندان قابل تفکیک و تشخیص نیستند - ثبت و دسته بندی کند. شگفت اینکه با پرورش و تربیت قوای روان‌نگری، تأثیرات روانی از نظروضوح و روشنی با دریافت‌های حواس پنجگانه یکسان خواهد بود یا حتی از آن بیشی خواهد گرفت.

پیروان برخی از فرقه‌های باطنی معتقدند که افراد معمولی تمام عمر خود را در نوعی رویای بیداری سپری می‌کنند و به طور خودکار نسبت به شرایط محیطی خود واکنش نشان می‌دهند. این اعتقاد، گفته‌ی روان‌شناسان مکتب رفتارگرایی را تایید می‌کند که نوع پسر صرفاً ماشین دقیقی است که به واسطه‌ی آنچه اصطلاحاً واکنش شرطی خوانده می‌شود، فعالیت می‌کند. آزمایش مشهور

سگ پاولف مدرکی مستدل در مورد این دیدگاه مکانیکی محض قلمداد می‌شود و فرقه‌های باطنی فوق اگر چه به طور کلی با دیدگاه‌های مادی‌گرایان مخالفند، ولی معتقدند که قسمت اعظم افکار و اعمال افراد عادی نتیجه‌ی همین واکنش شرطی است. اما اگر وظیفه اخیر قوای اعتقاد دارند که بشر می‌تواند از این خواب‌گران برخیزد و به مثابه‌ی موجودی آگاه عمل کند، بحث بیشتر در این زمینه‌ها را از موضوع اصلی دور می‌کند. اما این مطلب را بدين علت ذکر کردیم که وجود خواب‌آلودگی ذهنی در زندگی و فعالیت‌های روزمره‌ی انسان واقعیتی غیر قابل تردید است.

### ضعف قدرت تشخیص انسان در زندگی مدنی

شرایط زندگی مدرن در محیط‌های شهری موجب واکنش بی اختیار مانع نسبت به شرایط محیطی می‌شود. اما چنانچه انسان هنوز در طبیعت وحشی می‌زیست، یعنی جایی که بی توجهی به جزئیات محیط به معنی مرگ او می‌بود، هر چیزی را با آگاهی و هشیاری مشاهده می‌کرد؛ باکیفیتی که هرگز در شرایط مدنی به ذهن او نیز خطور نمی‌کند. در چنان شرایط انسان کوچک‌ترین تأثیرات حسی را آگاهانه ارزیابی می‌کرد و در نتیجه قدرت حواس پنجگانه‌ی او به شدت افزایش می‌یافتد.

حتی در جامعه‌ی مدرن شهری نیز اگر ما به جای راه رفتن یاراندگی مطلقاً خودکار و اعتماد محض به دقت حواس دیگران یا سرعت عکس العمل خود، توجه به محیط را می‌آموختیم از آمار مرگ و میر تصادفات رانندگی به میزان

روی کاغذی یادداشت می‌کند. بهتر است که یکی از آشنایان وظیفه‌ی جمع‌آوری اشیاء را بر عهده گیرد؛ ولی این کار چندان ضرورتی ندارد. وقتی که تمام نامه‌هایی را که بدیاد می‌آورید نوشتید، پارچه را ز روی سینی بردارید و تعداد حدس‌های خود را با تعداد اشیاء مقایسه کنید. طبق قاعده‌ای کلی اگر از هر بیست شیء روی سینی، هشت یا نه تای آن را بدیاد آورده باشید، امتیاز خوبی کسب کرده‌اید. اکثراً در حدود پنج یا شش حدس بیشترین رقم مورد انتظار است. با تمرین بیشتر قدرت یادآوری شما افزایش می‌یابد؛ به نحوی که بد رقم هفده یا هجده در بیست می‌رسید.

هنگامی که امتیاز قابل قبولی به دست آورید، می‌توانید جزئیات مربوط به مر شی<sup>۱</sup> را یادداشت کنید؛ جزئیاتی از قبیل شکل هندسی، شکل کنده کاری یا نقش اشیاء، رنگ یا هر نوع مشخصه‌ای که توجهتان را جلب کرده است. اگر فکر می‌کنید عنصر رقابت مفید است، می‌توانید این تمرین را با چند نفر از دوستان خود و در قالب یک بازی انجام دهید. اما در اغلب موارد ما چنان از ناکامی اولیه‌ی خود شرمگین می‌شویم که ترجیح می‌دهیم بازی را به تنها‌ی انجام دهیم!

### تمرین بند کفش

تمرین دیگری نیز وجود دارد که ساده و در عین حال بسیار مؤثر است. به گفته‌ی اولین استاد من، این تمرین بند کفش نام دارد. شیوه‌ی این تمرین بدین صورت است که فرد باید توجه خود را بر کاری که در همان لحظه انجام می‌دهد

قابل توجهی کاسته می‌شد. منظور این نیست که باید همیشه مثل پیش‌گامان غرب وحشی و باهمان شدت مراقب اطراف خود باشیم؛ بلکه بخشی از این دقیقت باید در زندگی روزمره به کار گرفته شود. این امر فی نفسه ضرری ندارد.

### بازی کیم<sup>۲</sup>

در برخی از نوشهای قبلی خود در مبحث تربیت قدرت توجه از بازی خاصی نام برده‌ام که معمولاً بازی کیم خوانده می‌شود و از کتاب کیم، نوشته‌ی رودیارد کیپلینگ<sup>۳</sup> اخذ شده است. طبق گفته‌ی خوانندگان این تمرین برای بسیاری از افراد بیش از حد دشوار بوده است. به نظر می‌رسد که قسمت اعظم این دشواری از بعد روان‌شناسخی بوده است، چون وقتی کسی برای اولین بار این تمرین را انجام می‌دهد، از نتیجه‌ی کار دل سرد می‌گردد. علت این است که بازی کیم به طرزی کاملاً موثر نشان می‌دهد که قدرت ذهنی توجه در ما تا چه حد ضعیف است. اما با مدتی کوشش این تمرین می‌تواند در پرورش قدرت یادشده فوق العاده تأثیرگذار باشد. خطاب به کسانی که از این بازی چیزی نمی‌دانند باید گفت که لوازم بازی عبارتند از تعدادی اشیاء کوچک مثل دگمه‌های رنگی یا کنده کاری شده، مهره‌های کوچک، پیچ و مهره و سایر ابزار اینچنینی که بر روی یک سینی قرار می‌دهیم. فرد به مدت دو یا سه دقیقه این اشیاء رانگاه می‌کند و سپس روی سینی را با پارچه می‌پوشاند. سپس نام اشیائی را که بدیاد دارد بر

۱- Kim's Game

۲- Rudyard Kipling

آمادگی قبلی آن را انجام دهید و حداقل تأثیر آن افزایش قدرت تمرکز است که به تنهایی قادر است زندگی روزمره‌ی شما را کاملاً متحول کند.

### قابلیت یادآوری

پیشرفت بیشتر هنگامی حاصل می‌شود که همین توجه آگاهانه را در مورد تمام وقایع عادی زندگی از قبیل سوار شدن به اتوبوس یا قطار یا در راه کارخانه یا اداره به کار گیریم. چند نفر از شما در همین حال که این کتاب را مطالعه می‌کنند، قادر بودند جزئیات مربوط به ساختمان سرکوچه خود را به خاطر آورید؟ آیا می‌توانید شکل، تعداد پتجره‌ها، رنگ پرده‌ها و باگچه‌ی جلوی آن را مجسم کنید؟ یا مسافرین اتوبوس و قطار، ظاهر و رفتارهای آنها؟ چه تعداد از شما توجهی به این جزئیات ندارید؟ این هم یکی از تمرین‌های فوق العاده ذهنی است که می‌توانید در هر زمان انجام دهید. البته منظور از توجه به دیگران خیره شدن به آنها نیست، زیرا این کار نوعی توهین است و ممکن است موجب اعتراض آنان شود و در درس بیافریند. برای دریافت تصویری کامل از فرد یا شيء لازم نیست هر بار به مدت چند دقیقه بدان خیره شویم. این نکته را هیچ‌گاه از یاد نبرید، در واقع نگاهی سریع اما توانم با توجه کفایت می‌کند. به گزارشی که یکی از دوستان هیپنوتیزور من در مورد تجربه‌ای بصری ارائه داد توجه کنید تا صحت مطلب فوق را دریابید. او یکی از صفحات یکی از کتاب‌های روان‌شناسی را به کسی نشان داد که می‌دانست از روان‌شناسی چیزی نمی‌داند. سپس سوژه را هیپنوتیزم کرد و بالغین به او قولاند که پشت یک تریبون ایستاده و می‌خواهد

معطوف نماید. فرض کنید در حال بستن بندکفستان هستید؛ باید توجه خود را کاملاً به این عمل متوجه کنید. نباید بندکفشن را به طور خودکار بینندید و در عین حال به اخبار رادیو یا صدای همسرتان که فهرست مایحتاج منزل را می‌گویدگوش دهید، یا به کار خود در اداره یا کارخانه یا مشکلات آن فکر کنید. فقط بر عمل بستن بندکفشن تمرکز کنید. شاید انتظار نتیجه‌ای درخشنان از این تمرین مضحك به نظر آید و ممکن است شما نیز مانند شخصیت یکی از داستان‌های کتاب مقدس فکر کنید. ماجرا از این قرار بود که یکی از انبیاء به مردی جزامی توصیه کرد که برای رهایی از بیماری جزام خود را در رود اردن بشوید؛ ولی بیمار با کدورت خاطر گفت که انتظار دیگری داشته و ترجیح می‌داد پیامبر کاری محیر العقول انجام دهد و مثلاً با گذاشتن دستش بر روی شانه‌ی او وی را شفا دهد. در آن سرزمین رودهای درجه یکی مثل آبانا<sup>۱</sup> و فریار<sup>۲</sup> وجود داشت که هیچ‌یک به روداردن گل آسود و متلاطم امروزی شباhtی نداشتند ولی در ادامه‌ی داستان می‌بینیم که بیمار شفای خود را از همان رودی می‌گیرد که تجویز شده بود.

انسان همیشه نسبت به شگفتی‌ها و عجایب اشتیاقی غریب داشته و حتی امروز نیز چنین است. به همین دلیل بسیاری از مردم توسط مذیوم‌های شیاد برخی از سازمان‌ها و نهادهای مأمور اطیبه شکار می‌شوند. تمرین بندکفشن فقط در ظاهر ساده می‌نماید، اما با تکرار آن حقدهای ذهن خود را بهتر خواهد شناخت.

یکی از محسنین این تمرین این است که می‌توانید در هر شرایطی و بدون

1. آبانا  
2. فریار

قرائت یاد شده را در کتاب خواهید کرد. اگر مایلید به حیطه‌ی روان‌نگری وارد شوید، توفیق در این تکنیک بسیار حیاتی است. کارگاهان و نیروی پلیس نیز از روشی مشابه استفاده می‌کنند.

ایا هیچ‌گاه دقت کرده‌اید که دوستان یا آشنايان خود را به چه نحو شناسایی می‌کنید؟ احتمالاً خیر، چون بیشتر ما عمل شناسایی را به طور ناخودآگاه انجام می‌دهیم و به ندرت می‌توانیم آن را توضیح دهیم. بهتر است این مسئله را به دقت مورد بررسی قرار دهیم. مسلماً در برخی از افراد نکات کاملاً باز و آشکاری وجود دارند که به عمل شناسایی سریع کمک می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان مارشال دوگل را از روی بزرگی بینی او و ریچارد سوم را (با استناد به گفته‌ی شکسپیر) از روی خمیدگی پشت او به سرعت شناسایی کرد. اما این شناسه‌های آشکار را شاید بتوان در بسیاری از افراد دیگر نیز یافتن. بنابراین عوامل شناسایی منحصر به فرد هر شخص معتبرتر از نکات فوق است.

### نکات ظریف در شناسایی هویت

یکی دیگر از نکات بسیار مفید، شیوه‌ی راه رفتن یا ایستادن افراد است. هر کسی برای ایستادن یا راه رفتن روش خاصی دارد که ذهن اطرافیان با تصویر کلی او قرین است. در واقع ظرایفی وجود دارند که هویت افراد را به طور دقیق تعیین می‌کنند. حرکت دستان، انگشتان و پاهای، حرکات عادتی لب و دهان، گردش ناگهانی سروانقباضات گوناگون ماهیچه‌های صورت، بخصوص در اطراف چشم‌ها، به انضمام بسیاری ظرایف دیگر در خدمت تعیین هویت ما هستند و

در مورد مباحث مطرحه در همان صفحه سخنرانی کنند. سوزه‌که خانمی بود، بلا فاصله تحت تأثیر تلقین قرار گرفت و در مورد آنچه که نگاهی اجمالی بدان انداخته بود نطقی بسیار خوب ارائه داد. وی در مورد مطالبی که به آن صفحه مربوط نمی‌شد کلی گویی کرد، ولی هرگاه به مبحث فوق وارد می‌شد، مطلب را می‌شکافت و کلمه به کلمه از کتاب نقل قول می‌کرد. این کار فقط با نگاهی اجمالی به یک صفحه‌ی کتاب میسر شده بود. اتفاقاً با توجه به همین قابلیت نیرومند فراخوانی که در ضمیر ناخودآگاه وجود دارد می‌توان آنچه را که معمولاً به عنوان حسن برتر می‌شناسند بی‌اعتبار کرد. بنابراین مسئله بر سر مدت مشاهده‌ی اشیاء یا افراد نیست، بلکه شدت توجه تعیین کننده است.

### ارائه‌ی مدرک

در اینجا به نکته‌ای بسیار مهم می‌رسیم. همان طور که به یاد دارید در اشاره به قرائت روان‌نگری، دو نوع متفاوت از آن را ذکر کردیم که یکی بهتر و دیگری ضعیف‌تر بود و گفتیم که تفاوت بین این دو قرائت بیش از هر چیز به نحوه ارائه‌ی شواهد مربوط می‌شود. این اختلاف با توجه به بحث تمرکز قابل بررسی می‌گردد.

روشی وجود دارد که به تکنیک وصف موسوم است و طبق قاعده‌ای کلی نمی‌توان آن را به سرعت آموخت. این کار مستلزم استفاده‌ی منظم از توجه است؛ ولی هنگامی که در این کار توفیق یابید وجه تمایز بین دو مورد

## ترتیب بی اختیار در توجه

در ابتدای امر توجه به جزئیات ذکر شده بسیار دشوار می‌نماید ولی از آنجاکه ما در برخورد با افراد این ویژگی‌ها به طور خودکار ثبت می‌کنیم (اگر چه بیشتر این اطلاعات بالاتر از آستانه خودآگاهی جای می‌گیرند)، چیزی به جز ثبت جزئیات از مبتدیان انتظار می‌رود. آنان باید به تدریج بر سیستمی مسلط شوند که در آن توجه به طور خودکار از ترتیب خاصی پیروی می‌کند و هر یک از جزئیات را در کشوی مربوطه در ضمیر ناخودآگاه قرار می‌دهد و سپس آنها را از همان جا بازخوانی می‌کند.

این روش، جزئیات مربوط به بدن را نیز در بر می‌گیرد؛ منجمله دست‌ها و پاها لباس و ملحقات آن. مسلماً ویژگی‌های عمومی معینی وجود دارد که باید در ابتدای قرائت وصف شوند. قد، شکل کلی بدن (چاقی یا لاغری)، و هر چیز بازی مثل پای مصنوعی وغیره در این طبقه‌بندی جای می‌گیرند.

در مرحله‌ی بعد به ذکر آن دسته از صفات ظرفی‌تر می‌رسیم که قبل از فهرست‌وار گفته‌یم و در همین جاست که غالباً مستقاعد کننده‌ترین شواهد ارائه می‌شوند. به طور خلاصه ترتیب کلی زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

- ۱- تخمین قد و وزن سوژه و ذکر هرگونه خصوصیات پرجسته‌ای مثل پای مصنوعی یا سایر نقص عضوها.
- ۲- لباس، مدل و رنگ آن.

۳- وصف سریع جزئیات؛ هر گونه نکته‌ی غیر معمول را باید ابتدا ذکر کرد.

۴- سایر ظرافت‌های مثل حالات وغیره.

تا اینجا هرچه گفته شد به وصف افراد مربوط می‌شد، اما در وصف مناظر و

ارائه این ظرافت توسط روان‌نگر در اغلب اوقات مستقاعد کننده‌ترین مدرک محسوب می‌شود.

بدین ترتیب وصف چهره، قد و قواره، لباس و سایر نکات مربوطه به ترتیب بر یکدیگر اولویت دارند. در این امر نیز روش کار بسیار دقیق است و طبق قاعده‌ای کلی باید در وصف نکات یاد شده انسجام کلام را رعایت کرد. به عنوان مثال توصیف چهره در قرائت روان‌نگری نباید به صورت زیر باشد: مردی را می‌بیشم که چشمان آبی و زیگلی در گردن دارد. باید قبل از هر چیز ویژگی‌های پرجسته‌ی صورت را وصف کرد؛ مثل بزرگی بینی که قبل اشاره شد، بزیدگی قطعه‌ای از گوش یا یک چشم بودن، سمس نوبت به خود چهره می‌رسد و رنگ و فرم مو اولویت دارد. در مرحله‌ی بعد باید به پهنهای با بلندی، کوتاهی یا باریکی پیشانی اشاره کرد و سپس کلفتی یا نازکی ابروan، زبری و نرمی آنها، رنگ چشم‌ها و محل قرار گرفتن آنها در صورت، نزدیکی یا دور بودن آنها نسبت به یکدیگر، کشیدگی یا شلی عضلات دور چشم‌ها، عمق یا برآمدگی آنها، شکل بینی، عقابی، صاف، نوک تیز یا پهن یا باریک در اطراف منخرین، بزرگی یا کوچکی گوش‌ها، جای آنها در سر، پرجستگی و گرد بودن گونه‌ها یا فرو رفتگی آنها، روشنی یا تیرگی پوست، ترکیب کلی صورت، سبیل، ریش دهان و لب‌ها، قلوه‌ای یا نازک، آرواره و چانه، محکم و مریع یا طوری دیگر، شکل کلی صورت، گرد، مریع، بلند یا کوتاه.

## کنترل واکنش‌های عاطفی

اینک به عاملی بسیار مهم، یعنی جایگاه عاطف در روان‌نگری می‌پردازیم. اغلب اوقات در هنگام روان‌نگری یک شیء، خود عاطفی بر ذهنمان سایه می‌افکند و به تبع پیشینه‌ی شیء احساس اندوه، رنج یا خشم می‌کند. این هم‌دلی و هم‌سویی عاطفی جوهره‌ی اصلی روان‌نگری است، ولی اگر اجازه دهیم این وضعیت بر آگاهی ما مسلط گردد کنترل واکنش‌های عاطفی خود را از دست می‌دهیم و در نتیجه تأثیرات ظرف روانتی را ز دهن خود پاک خواهیم کرد. در این مورد پدیده‌ی رادیویی پارازیت مثالی گویا است. دستگاه رادیو تحت شرایط ویژه‌ای نه تنها سیگنال‌ها را بر روی طول موجی خاص دریافت می‌کند، بلکه ممکن است آنها را در غالب اختلالاتی چون سوت یا همه‌مه که همه با آن آشنا هستیم، منعکس کند.

به همین ترتیب امکان دارد که سوابق عاطفی شیء را حس کنید و چنان تحت تأثیر آن قرار گیرید که تماس خود را با تأثیرات روانی کاملاً از دست داده و در دریابی از عواطف گرفتار شوید. در این حال امواج روان‌نگری قطع نمی‌شوند، ولی آنچه که شاید سابقه‌ی عاطفی ضعیفی در شیء بوده است، اینک توسعه واکنش خود شما به شدت مورد اغراق واقع شده است. بنابراین خود را به گونه‌ای عادت دهید که تحت تسلط عواطف قرار نگیرید. در این مورد تمرینی بسیار مؤثر و قدیمی وجود دارد. این تمرین بسیار آسان است: به استقاد شدید یکی از آشنايان در مورد یکی از علاقه‌تان گوش کنید. خود را وادر به شنیدن حمله‌ی لفظی و وحشیانه‌ای کنید که هدف آن نظریات سیاسی، مذهبی، هنری یا اجتماعی شماست.

محیط اطراف سوئه نیز باید همین روند را رعایت کرد. اینک که اصول کار را آموختید، می‌توانید آن را با روش خود به کار گیرید. در واقع در تمام امور روانی قلمرویی برای استعدادهای فردی وجود دارد؛ درست مثل نقاشی و مجسمه‌سازی. همان طور که قبل اگفتیم، قابلیت‌های روانی بیشتر به هنر شباهت دارند تا علم. در اینجاست که استعداد و خلاقیت فردی به کار گرفته می‌شود و کشفیات تازه صورت می‌پذیرد. بنابراین از انجام دادن آزمایش‌های تجربی در این زمینه نهراستید. فهرست یاد شده جنبه‌های کلی دارد و تا هنگامی که اصل توصیف ترتیبی را رعایت می‌کنید، می‌توانید موارد کاربرد عملی آن را به میل و سلیقه‌ی خود انتخاب کنید.

به یاد داشته باشید که حتی با رعایت قاعده‌ی توصیف ترتیبی نیز ممکن است در مجرایی انعطاف‌ناپذیر اسیر شوید و از پیشرفت باز مانید. بنابراین انتطاف ذهنی خود را از دست ندهید و تا هنگامی که کاملاً باشیوه‌ی کار آشنا نشده‌اید از تکنیک‌های روان‌شناسی و روانی ارائه شده در این کتاب استفاده کنید. سپس با افزایش اطلاعات و اندوختن تجربه‌ی کافی می‌توانید روش‌های فردی خود را نیز به این تکنیک‌ها بیفرزایید. همیشه به یاد داشته باشید که ضمیر ناخودآگاه شما نقطه نظرهای خاص خود را دارد و این نقطه نظرها هیچ‌گاه با دیدگاه‌های ذهن خود آگاه هم‌سو نیستند. اگر به این وجه پنهان خود فرصتی برای ظهور ندهید، چه بسا بر علیه زحمات شما طفیان گند. بعد این موضوع را بیشتر خواهیم شکافت.

<p style="text-align: center;">روان‌نگری</p> <p style="text-align: center;">۱۸۹</p> <p>می‌باید که از روان‌نگری برای ایجاد ارتباط با درگذشتگان استفاده می‌شود. موقعیت‌آمیز بودن این تجربه - که پس از سال‌ها تجربه برای اثبات آن دلایلی در دست داریم - بدین معنی نیست که ارتباط با مردگان همواره برقرار می‌شود و استفاده از این قوا در این راه موجب تأسف است. به اعتقاد ما برای برقراری چنین ارتباطی راههای بهتر و مؤثرتری نیز وجود دارد و توصیه‌ی اکید ما این است که استفاده از این قابلیت شکفت‌انگیز در فرقه‌های باطنی قدغن گردد و با آن واقع بینانه‌تر برخورد شود. به طریق اولی و حتی با تأکید بیشتر باید تدبیری اندیشید که فال‌گیران حرفه‌ای با استفاده از روان‌نگری، جنبش قابلیت‌های روانی را به زحمت نیاندازند.</p>	<p style="text-align: center;">آموزش هاله‌بینی</p> <p style="text-align: center;">۱۸۸</p> <p>مهم این است که نباید در وضعیت خشم فرو خورده قرار گیرید. ضمناً نباید در ذهن خود مقاومتی منفعانه به وجود آورید. باید با خونسردی و دقت به جملات گوش دهید و با آنها از لحاظ ذهنی موافقت یا مخالفت کنید، نه از جنبه‌ی عاطفی. فراموش نکنید که جملات بسیار زننده و نفرت‌انگیز از نظر شما، موجب خیزش شعف در گوینده هستند و به همان نسبت نظریات مسلم و صحیح از نظر شما، برای او نفرت‌انگیز خواهند بود. با کمی تمرین در این زمینه بزودی به نقش عواطف در آنچه که مایلید آن را تفکر منطقی بنامید، پی خواهید برد. حتی در حیطه‌ی ریاضیات نیز که زمانی تنها قلمرو عاری از عواطف محسوب می‌شد، می‌توان همین تعصب عاطفی را تشخیص داد. به عنوان نمونه به مجادلات زورنالیستی و داد و قال‌های گردهم‌آیی‌های تحصیل کرده‌گان توجه کنید.</p>
---	---

## آیا تعلیم ضروری است؟

بسیاری از افراد بدون کوچک‌ترین آموزشی قابلیت روان‌نگری را یاد می‌گیرند. شاید ضرورت این تعلیم از نظر برخی از افراد سوال برانگیز باشد. در یک کلام باید گفت که این کار ضرورت تمام ندارد ولی می‌تواند مفید باشد. افراد زیادی به جز اطلاعاتی کلی چیزی در مورد روان‌نگری نمی‌دانند ولی به خوبی از عهده‌ی این کار برمی‌آینند. اما این قوا در اغلب موارد به بیراهه می‌رود و در جهت اهدافی به کار می‌رود که از نظر بسیاری از صاحب نظران خارج از قلمرو مشروع روان‌نگری قرار دارند. این مسئله علی‌الخصوص در مواقعي مصدقی

۱۶

## نخستین گام‌ها

با توجه به ماهیت ذاتی بشر، طبیعی است که بسیاری از خوانندگان بدون قبول رحمت مطالعه‌ی مطالب صفحات قبل، به خواندن این قسمت بپردازند. این عمل هر چند موجب تأسف است، ولی غیر معمول نیست. اما از این فرصت استفاده کرده، یادآوری می‌کنیم که هر چند کسب آمادگی قبلی، پیش از اقدام عملی بهتر است؛ ولی قسمت اعظم این آمادگی را می‌توان هم‌زمان با اکار عملی به دست آورد. در عین حال این کار موجب اعمال فشاری مضاعف بر دوش مبتدی خواهد بود و باز هم توصیه می‌کنیم که به عنایین چهارگانه‌ی فصل قبلی مراجعه کرده، کار را از آنجا شروع کنید و با روندی منظم حس کردن عملی را بیاموزید.

این نوع برخورد با مسئله، آن را به بخش‌های ملموس‌تری تقسیم‌بندی می‌کند، زیرا هر قدر ذهن منظم‌تر شود حس روان‌نگری قابل اعتمادتر می‌شود.

همان طور که می‌بینید از حسن گردن سخن می‌گوییم و این بهترین روش برای وصف اتفاقی است که در روان‌نگری اشیاء روی می‌دهد. این حسن تأثیری عمومی است که دریافت می‌شود و اگر تجربه‌گر قوای بصری هاله‌ی خود را به خوبی نپرورد پاشد، دریافت او در حد یک تأثیر محض باقی خواهد ماند. با پیشرفت در قوای بصری یا سمعی این تأثیرات به تدریج خود را نشان می‌دهند. به یاد داشته باشید که همه‌ی دریافت‌ها، فیزیکی یا امواراء‌الطبيعي، در واقع وجه توسعه یافته‌ی یک رشته تأثیرات اصلی هستند. در مرتبه‌ی فیزیکی حسن لامسه حسن اصلی است و هر یک از سایر حواس پنج‌گانه وجه تخصیص یافته‌ای از همان حسن لامسه هستند. اشده‌های نور گیرنده‌های حسی چشمان مارا لمس می‌کنند و موجب تغییرات شیمیایی و الکتریکی در این گیرنده‌ها و اعصاب بینایی می‌شوند. این تغییرات به مرکز بینایی در مغز منتقل می‌شوند و در آنجا به دریافت‌های بصری ترجمه می‌گردند. امواج صوت با پرده‌ی گوش برخورد می‌کنند و در استخوان‌های پیچیده‌ی چکشی و رکابی گوش حرکتی ایجاد می‌کنند و این حرکت مابع مجرای گوش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بافت‌های عصبی این مجرأ را تحریک می‌کند. تغییرات شیمیایی و الکتریکی از این بافت‌ها به مرکز شنوایی مغز می‌روند و در آنجا به تأثیرات شنیداری تفسیر می‌شوند. حواس بویایی و چشایی نیز درست با همین مکانیزم عمل می‌کنند. بدین ترتیب اساس هر پنج حسن، حسن لامسه‌ای است که در نخستین دوران تکامل حواس بوجود آمد.

تأثیرات روانی نیز دقیقاً به همین شیوه عمل می‌کنند. حواس روانی عملاً یک حسن منفرد بلاوسطه هستند که اطلاعات را مستقیماً به خویش باطن هدایت می‌کند، اما در فرآیند تکاملی ذهن که طی آن حواس فیزیکی هر یک در

قلمرویی خاص متخصص شدند، تأثیرات روانی نیز طبق قاعده‌ای کلی به قالب‌های آشنای حواس فیزیکی ترجمه شدند.

در نخستین مراحل پرورش قوای فراروانی، آنچه در یافتن می‌شود همین تأثیرات کلی است و اگر برای مدتی مدید این تأثیرات را بدون هرگونه تجلی سمعی یا بصری دریافت کردید، جای نومیدی نیست. در مراحل عدیده‌ی بعدی، چنانچه تا آن هنگام پایداری کرده باشید، زمانی می‌رسد که قالب‌های سمعی و بصری نیز جای خود را به تأثیرات پیشکلی می‌دهند که حاوی اطلاعاتی بسیار غنی‌تر از قالب‌های یاد شده خواهند بود. در این میان شما قدرت استفاده از تصویر یا تأثیرات را به دست آورده‌اید.

اما طبق قاعده‌ای کلی تا مدت قابل توجهی به این توانایی دست نخواهد یافت. در واقع شاید هیچ‌گاه به این مرحله ترسید، مگر اینکه خود مشتاق آن باشد. برخی از مبتدیان که به این تعالیم اهمیتی نمی‌دهند ممکن است بعدها هرگز راه پازگشت نداشته باشند. بنابراین توصیه می‌کنیم که در پرورش قوای روان‌نگری این قالب آموزشی را پیذیرید و به آن گردن نهید.

اگر چه قبل‌گفته‌یم که تأثیرات کلی جای خود را به دریافت‌های بصری و سمعی می‌دهند، ولی در تمام موقع نوعی تأثیر عاطفی با دریافت‌ها - بهره شکلی که باشند - همراه است و همین تأثیر عاطفی است که شما را قادر می‌سازد دریافت‌های خود را تفسیر کنید. بعداً به بحث جنّ عاطفی بازمی‌گردم.

## انتخاب اشیاء

اینک آماده‌ی نخستین قرائت روان‌نگری هستید. در این جا به بحث انتخاب اشیاء می‌رسیم، زیرا اجسام از لحاظ سوابق تفاوت‌های بسیاری دارند و در جلسات اول بهتر است اشیایی را انتخاب کنید که قوی‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین تأثیرات را در خود ثبت کرده‌اند.

قبل از بررسی اشیاء بد نیست ببینیم که آنها را از کجا باید پیدا کرد. اگر بتوانید از چند نفر از دوستان خود در جمع‌آوری اشیاء و بررسی صحت قرائت خود کمک بگیرید از امتیاز بزرگی برخودار خواهید بود؛ زیرا بدين ترتیب مجبور نیستید قابلیت خود را در معرض کسانی قرار دهید که نسبت به مسئله تردید دارند یا حتی با آن مخالفند. ضمناً بهتر است که در مورد زندگی خصوصی صاحبان اشیاء اطلاعات زیادی نداشته باشید، زیرا در غیر این صورت به سهولت گیج می‌شوید و از ارزش کار کاسته خواهد شد.

در هر شیء دو گروه از خاطرات ثبت می‌شوند؛ اول خاطره‌ی موروژی یا وجودی خود شیء و دوم خاطرات جمع‌آوری شده. گروه دوم به تمام تأثیراتی مربوط می‌شود که در آثر همراهی با انسان در جسم جمع شده‌اند و قرائت این خاطرات پیچیده مستلزم مهارت زیادی است. البته معمولاً یکی از قشرهای این خاطرات پیچیده پقداری قوی است که سایر لایه‌ها را تحت الشاعع قرار می‌دهد و از نفوذ شما به اعماق بیشتر جلوگیری می‌کند. بنابراین در جلسات اول اشیایی را انتخاب کنید که یا دلای خاطره - هاله‌ی موروژی نیرومندی باشند یا زیاد دست به دست نشده باشند. البته پهترین حالت این است که جسم فقط یک صاحب داشته باشد زیرا بدين ترتیب لازم نیست اوراق خاطرات مربوط به

## آمادگی برای قرائت

اینک در عمل آماده‌ی روان‌نگری هستید. در مشاهدات خود باید در پی کدام نکات پاشید؟ اولین گام در این راه قرار گرفتن در راحتی مطلق است. دقت کنید که لباس و کفشهای تنگ نباشد و صندلی راحتی را انتخاب کنید. البته باید از راحتی بیش از حد نیز بپرهیزید.

بهتر است از نظر جسمی حتی الامکان راحت و در آرامش باشید. یکی از طرق مؤثر در این راه استفاده از تمرین تنفسی توأم باشل کردن عضلات است. راحت بنشینید ولی پاها بیتان را روی هم نیاندازید. کف پاها را کاملاً بر روی زمین قرار دهید و مراقب باشید که پشت ژانویتان بر لبه‌ی صندلی قرار نگیرد که ممکن است جریان خون را مختل کند. دست‌ها را بر روی ران‌هایتان بگذارید. حالا یک نفس عمیق بکشید و به آرامی هوا را از ریه‌ها خارج کنید. در همین حال توجه خود را به آرامی به بالای سر خود معطوف کنید و در دم بعدی این توجه را به تدریج در مسیر نزولی به تمام بدن خود منتقل کنید؛ طوری که در پایان بازدم به پاها بیتان رسیده باشید. حالا نفسی عمیق تر بکشید و همان عمل را تکرار کنید. حرکت توجه در بدن به سوی پایین جوهره‌ی این تمرین است. به هر بخشی از بدن که توجه می‌کنید، عضلات آن را شل کنید. توفیق در این تمرین هنگامی به دست می‌آید که عضلات سراسر بدن‌تان شل شده باشند.

پس از انتخاب نامه اراده و نیت خود را به آرامی به آن معطوف کنید. فقط اندکی اراده کافی است. همین اراده‌ای اندک تذکری کافی به ضمیر ناخودآگاه است و بدین معنی است که در پی کوچک‌ترین تأثیرات ناخودآگاه بر ذهن خودآگاه هستید. این در حکم چکانیدن مانع است و بعداً در این مورد بحث خواهیم کرد. اینک در سکوت بنشینید و منتظر ورود تأثیرات تازه و متفاوت به ذهن خودآگاه خود باشید. شاید این دریافت‌ها به شکل متأثرات کلی و مطلق باقی بمانند یا با تصاویر و اصوات درونی همراه گرددند. گاهی تصاویر بدون هیچ‌گونه تأثیر جانبی برانگیخته می‌شوند؛ ولی هرچه که دریافت می‌کنید باید برای دوستی که شنونده‌ی شماست بیان کنید. اگر مجبور شدید بدون حضور کسی کار کنید، سعی کنید یک ضبط صوت در دسترس داشته باشید.

اغلب اوقات بی اختیار در برابر تأثیرات دریافتی واکنشی شدید نشان می‌دهید. ولی اگر عاقل باشید اجازه خواهید داد تا این واکنش به حوزه‌ی آگاهی شما بورش برد و وضعیتی مشابه خود در شما ایجاد کند.

ضم‌نامه امکان دارد که در بدن خود نیز تغییرات و احساساتی را دریافت کنید. این امر در روان‌نگری بی سابقه نیست. این نشانه‌ها که می‌توانند بسیار نیرومند باشند عبارتند از اثرات مربوط به صواتح یا بیماری‌های مختلف. تحت هیچ شرایطی اجازه ندهید این تأثیرات نامطلوب بر شما واقع شوند.

به‌خاطر داشته باشید که در هنگام قرائت خود را بروی خاطرات شیء مورد نظر گشوده‌اید و این بدین معنی است که غالباً حالت را حس می‌کنید که خوشابند نیستند. البته به طریق اولی گاهی نیز حالاتی مطلوب و خوشابند را تجربه خواهید کرد. اما نباید در این مرحله از آموزش، به کار گزینش بپردازید؛ بلکه بهتر است بگذارید تا تمام تأثیرات به سطح آگاهی شما منتقل گرددند.

صاحبان متعدد شیء را ورق بزنید. هر قدر نخستین تجربیات شما ساده‌تر باشند بهتر است. بعدها وقتی که از قدرت خود مطمئن شدید می‌توانید به روان‌نگری اشیاء پیچیده‌تر نیز بپردازید.

معمول‌آگرden بند برای قرائت مناسب است ولی کار با قرائت حلقه و اشیاء کوچک‌تر دشوارتر است. کلید اصل‌آخوب نیست و همین طور دستمال یا سایر چیزهای شستنی؛ زیرا عمل شست و شوی مکرر و دست به دست شدن جسم، تشخیص خاطره - هاله را دشوار می‌کند. در قرائت دستکش بهتر است آن را بشت و رو کنید، زیرا سطح خارجی آن تأثیرات بیگانه را به خود جذب کرده است. نامه‌ها متابع خوبی هستند ولی در مورد آنها بی‌یاد داشته باشید که پاکت نامه دست به دست گشته است و فایده‌ی چندانی ندارد. بنا براین باید قبل از قرائت نامه را از پاکت خارج کنید. شاید بهتر باشد نخستین جلسه‌ی روان‌نگری شمارا با مثال قرائت یک نامه تشریح کنیم.

### تکنیک لمس کردن

می‌توانید نامه را روی میز پنهن کنید و دست خود را روی آن بگذارید، یا صرفاً نوک انگشتان خود را بروی امضاء قرار دهید یا نامه را به پیشانی خود بچسبانید. باید مناسب‌ترین روش را خود بیابید. هرگزی در این مورد ویژگی بخصوصی دارد. بهتر است که نویسنده‌ی نامه را شخصاً نشناسید. اگر چه پس از قرائت باید تا حدودی با او آشنا شده باشید، زیرا در غیر این صورت تشخیص درستی یا نادرستی کار برایتان دشوار خواهد بود.

عینی اثیری بسیار دشوار است و در اغلب اوقات روش‌بیتان را با مشکل مواجه می‌کند.

با ادامه‌ی تمرین روان‌نگری این قدرت تشخیص افزایش می‌باید و همان‌طور که خواهید دید، با کسب حسن اشرافی شگفت‌انگیز خواهید توانست تفاوت‌های ظرفی موجود بین تأثیرات مربوط به افکار و آثار فعالیت‌های عینی فیزیکی را کاملاً از یکدیگر تشخیص دهید. این تشخیص ظرفی بسیار ارزشمند است، زیرا می‌توانید آن را به سایر فعالیت‌های فراروانی نیز تعمیم دهید.  
در تشریح تأثیرات دریافتی، همواره باید حتی الامکان تعادل را رعایت کنید. اگر قرار است خطابی صورت گیرد بهتر است در اختصار زیاده روی کنید تا زیاده‌گویی.

اگرچه تأثیرات روانی به صورت واحدی منسجم و یکپارچه به ضمیر ناخودآگاه وارد می‌شوند، اما اجزاء آن هر یک پاسرعت متفاوتی به ذهن خودآگاه انتقال می‌یابند. گاهی ممکن است ظهور یک دریافت در خودآگاه مدت زیادی طول بکشد و این سرعت کم برای مدت‌های مديدة باقی بماند. در مورد برخی از اشیاء نیز این انتقال بسیار سریع صورت می‌گیرد. بنابراین از انتقال ذره به ذره دریافته‌ها به ذهن خودآگاه نگران نباشید. از سوی دیگر چنانچه سرعت دریافت شما به قدری زیاد است که مجالی برای یادداشت کردن آنها نمی‌باید نیز جای نگرانی نیست.

در این مورد نیز قدرت شخصیتی صاحب شیء در اغلب موارد نافذترین قشر را می‌سازد و نخستین دریافته‌های شما را تشکیل می‌دهد.

در مراحل بعدی و با تبحر بیشتر می‌توانید به گزینش پردازید و یک مسیر خان از قالب‌های روانی را دنبال کنید؛ ولی در ابتدای امر این کار امکان پذیر نیست. در عین حال نباید به هیچ‌یک از تأثیرات نامطلوب اجازه دهید که بر شما اثری شدید به جای گذارد. هرگاه چنین چیزی در شرف وقوع باشد، بهترین کار این است که شیء را کنار بگذارید و ارتباط روانی خود را با آن قطع کنید. گاهی روان‌نگرها برای این منظور قبل از پرقراری ارتباط مجدد با شیء دیگری دست‌هایشان را می‌شویند ولی اراده‌ای ضعیف یا قصدی معین برای شکستن ارتباط نیز کفایت می‌کند.

### ضرورت تبعیض

غالباً دریافته‌های شما، بخصوص در مورد نامه‌ها، تحت تأثیر شخصیت صاحب نامه یا نویسنده‌ی آن است و این می‌تواند هم قانع کننده و هم مفید باشد. اما پهیاد داشته باشید که چنانچه نویسنده‌ی نامه یا صاحب آن اخیراً گرفتار شوکی بزرگ شده یا تحت فشار ذهنی و عاطلفی شدیدی بوده باشد، شما نیز قبل از هر چیز به این عوارض دچار خواهید شد. بدین ترتیب حتی در ساده‌ترین قرائت‌های نیز استفاده از قدرت تبعیض و تشخیص و عدم پذیرش تمام تأثیرات بسیار ضروری است. افکار کاملاً واقعی بوده، از ذهن و عاطلفی که آنها را به عینیت در آورده‌اند جدا هستند. تأثیر این افکار غالباً در شیء نهفته است و چه بسا شما آن را بدعنوان تأثیر و قابع عینی تعبیر نکنید. به طریق اولی تشخیص این قالب‌های فکری که شدیداً دارای بار عاطلفی هستند، از موجودات یا شرایط

روان‌نگری است. همان‌طور که قبلاً گفتیم روان‌نگری در قلمرو دانش و هنر قرار دارد. عادت کنید که به واکنش‌های خود در برابر تأثیرات روان‌نگری دقت کنید. بدین ترتیب متوجه می‌شوید که برخی مطلوب و برخی نامطلوب‌بند و در حکم مانع عمل می‌کنند. سعی کنید دلیل این حالات را بفهمید. فرمول شخصی خود را کشف کنید و گذشته از هر چیز دیگر هرگز برای تأثیرگذاری بر دیگران یا بهانه آوردن دریافت‌های خود را تغییر ندهید.

### نحوه‌ی ارائه‌ی قرائت روان‌نگری

اینکه به روش مطلوب در قرائت می‌پردازم، گاهی در هنگام روان‌نگری به شدت با ارتعاشات مربوط به بیماری یا مرگ مواجه می‌شوید. در این شرایط باید کاملاً مراقب پاشید و این‌گونه دریافت‌ها را به‌گونه‌ای اعلام نکنید که مخاطب تحت تأثیر قرار گیرد؛ چه او ممکن است به‌طور غیر ارادی به خود تلقین کند که از مرگ یا بیماری گزیز ندارد. در این مورد جملات قابل سرزنش بسیاری را از برخی روان‌نگران شنیده‌ایم، و شدیداً توصیه می‌کنیم که این‌گونه دریافت‌ها را در قالب هشداری نسبت به مشکلات آتی مطرح کنید و همراه با این هشدار دریافت‌های مربوط به راه حل مشکلات رانیز با مخاطب خود در میان گذارید. از یاد نبرید که حتی با داشتن مهارتی قابل توجه در روان‌نگری نیز هنوز تا قرار گرفتن در مقام هاتف یا پیش‌گو راه زیادی پیش روی دارد. یقیناً در نخستین مراحل کار به هیچ وجه از خطای میزتاً نخواهد بود.

دلیل تأکید ما بر این نکته این است که مضرات چنین پیش‌گویی‌هایی را به

### افزایش صحبت

در اغلب موارد، وضعیت جسمی و میزان تندرستی صاحب جسم اثری آچنان نیرومند بر شما اعمال می‌کند که دردهای مربوطه را در همان نقاط بدن خود احساس می‌کنید. اگر در این شرایط رابطه‌ی خود و جسم را عمداً قطع نکنید، ممکن است دچار مشکل شوید. در صفحات بعد، برای قطع هرگونه ارتباط با جسم یا برقراری مجدد آن با هر یک از اجزاء مورد نظر در واحد منسجم دریافتی، روشی را معرفی خواهیم کرد. این روش زمانی بهترین نتیجه را به پار می‌آورد که از تجربیات روان‌نگری خود نتایجی عینی به دست آورده باشید. در ابتدای امر، از هر ده جمله‌ای که درباره‌ی جسم بزرگان می‌آورید، دو تای آن کم و بیش درست است، یکی تا حدودی با وضعیت جسم رابطه دارد، و بقیه در مقیاس‌های متفاوتی اشتباه خواهند بود. این نسبت در اثر تمرین تغییر می‌کند و با افزایش اطمینان در وجود شما، نسبت جملات درست به نادرست به شانزده یا هفده در نسبت خواهد رسید. هنگامی که به این حد رسیدید، می‌توانید خود را روان‌نگری کاملاً متبحر بدانید.

تجربیات خود را ثبت کنید و نه تنها موقعیت‌ها، بلکه ناکامی‌ها را نیز یادداشت نمایید. هرگز از پذیرفتن شکست‌ها نهراسید، بلکه آنها را به دیده‌ی ایزاری پنگرید که برای یادگیری قوانین کار ضرورت دارند. نوسانات یا جریان‌های روانی خاصی وجود دارند که برآمده یا علیه شما وارد عمل می‌شوند. حتی در درون شما ارتعاشات روانی معینی وجود دارند که در جهت یا خلاف جهت نوسانات خارجی فعالیت می‌کنند. علاوه بر این‌ها عامل نامحسوس و ظرفی دیگری نیز دست‌اندر کار است و آن تأثیر شخصیت خود شما بر فعالیت

می‌شد، به صورت منفعل دریافت می‌گردید. اینک باید روشی را باموزید که طی آن دریافت‌های روانی خود را به مر جهتی که مایلید هدایت کنید. باید اطلاعات مورد نظر خود را به طور فعالانه برگزینید و از دریافت منفعلانه‌ی هرآنچه پیش‌آید خودداری کنید. با کسب این قدرت گزینشی، در راه پرورش قوای روانی گامی اساسی برداشته‌اید و می‌توانید هرچه بیشتر بر قابلیت خود تسلط یافته، آن را تحت فرمان خود در آورید.

ابن کار از دو طریق طورت می‌گیرد. یک راه مطرح کردن پرسشی دقیق و معین در قالبی ساده و مصور است که با نیتی کلی همراه است. هرچه قالب پرسش به قالب تصاویرنژدیک‌تر باشد، در مقایسه با حالتی که پاسخ از قابلیت روانی خود فرد نشناخت می‌گیرد، نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود. این مورد می‌توان با مثالی روشن ساخت. چنانچه مایل باشید در مورد خاصی که مربوط به جسم است، یعنی مسیر موضوعی معین اطلاع کسب کنید، جسم را در دست می‌گیرید و رابطه‌ی منفعل معمول را با آن برقرار می‌کنید. در این وضعیت طبق قاعده‌ای کلی ابری چرخان از مه خاکستری در ذهن تشکیل می‌شود که نقاط ستاره مانند روش و کوچکی در بطن آن می‌درخشنند. هر یک از نقاط فوق نقطه‌ی شروع سرنخی است که به اطلاعات موردي جسم می‌انجامد.<sup>۱</sup> اینک سوال مورد نظر را در ذهن خود مطرح کنید. خواهید دید که بلفارسله یکی از نقاط نورانی از سایرین متمایز می‌شود و در حالی که بدان نگاه می‌کنید، نه‌ری از اطلاعات در رابطه با پرسش فوق به ذهنتان سرازیر می‌شود.

۱- به طور مثال، یکی در مورد پیشنهای ساخت جسم و دیگری در مورد کاربرد آن و همین طور الی آخر... م.

چشم دیده‌ایم و به همین دلیل باز هم توصیه می‌کنیم که در این قبیل امور کاملاً جانب احتیاط را مراعات نماییم.

### اهمیت احتیاط

اینک به موضوع بعدی می‌پردازیم. همان‌طور که متوجه شدید در مبحث قبلی از واژه‌ی احتیاط استفاده شد. عادت بسیار زشتی در میان عده‌ای از مدیوم‌ها به وجود آمده که اطلاعات مربوط به مشتریان خود را بادیگران در میان می‌گذارند. این عمل از هر نظر محکوم و ناخوشونی است. روان‌نگر مانند پزشکان و کلام‌محرم اسرار است و باید اطلاعات خود را به کسی اظهار کند. عدم رعایت این قانون مشکلات بسیاری را ایجاد کرده است. بنابراین با تمام وجود از شمامی خواهیم آن را رعایت کنید. این روش کینه‌توزانه و گاه ناآگاهانه در شایعه پراکنی بر علیه دیگران، یکی از دلایل روی‌گردانی افراد با فرهنگ و هوشمند از امور روانی است. در صورتی که اینها دقیقاً همان کسانی هستند که ما مایلیم به موضوع علاقمند شوند.

### روش گزینش

هنگامی که تا حدودی در روان‌نگری مهارت یافته‌ید، باید از روش گزینشی استفاده کنید. تا قبل از این مرحله، تأثیرات و قالب‌هایی را که به ذهنتان وارد

## سمبولیسم رنگ‌ها

از سویی رنگ‌ها نیز هر یک نماینده‌ی سمبولی خاص هستند. در قرائت روان‌نگری، آن‌گونه که خود خواهید دانست، تأثیرات گوناگونی از رنگ‌های مختلف به سراغتان خواهد آمد و در برخی از موارد حتی به طور مبهم آنها را تشخیص خواهید داد. گذهای خاصی برای رنگ‌ها وجود دارد که می‌توانید آنها را در کتاب انسان مرثی و نامرثی اثر آنی بیزانس<sup>۱</sup> و سی دبلیو لیدبیتر<sup>۲</sup> بیابید. در عین حال خواهید دید که خویش درونی شما نسبت به رنگ‌های مختلف پرداشت‌ها و تأثیرات خاص خود را دارد و این پرداشت‌ها در مقایسه با انکاء به یافته‌های دیگران برای شما مفیدتر هستند. بدین ترتیب باید سمبول‌های خاص خود را در تفسیر مفهوم رنگ‌های مختلف کشف کنید. این عمل در روند پیشرفت شما نقشی بسیار مهم دارد. برخی از روان‌نگرها رنگ‌های دارای فرکانس‌های بالا را در زمرة‌ی رنگ‌های تحتانی و زمینی می‌دانند و رنگ‌های ملایم رامعنوی می‌پنداشند. از این دام بپرهیزید. رنگ‌های گروه اول نیز درست به اندازه‌ی گروه دوم سرمدی هستند. در چنین اموری به قدرت تشخیص خود انکاء کرده، طوطی وار از دیگران پیروی نکنید.

## درخت حیات

آنچه که گفته شد، یکی از طرق به ظهور رساندن این کیفیت مثبت است. روش دوم برای برقراری اتصال گزینشی، استفاده از یک نماد کلیدی است. این نماد با نقطه نظر ذهنی و عاطفی بخصوصی مرتبط است. بدین ترتیب یکی از نمادهای کلیدی می‌تواند دایره‌ای پرقالای رنگ باشد که سمبول سیاره‌ای مشتری در مرکز آن واقع است. این سمبول بخصوص یکی از ده نمادی است که با هم درخت حیات را تشکیل میدهند. در فلسفه‌ی باطنی بخصوصی موسوم به کابالا، درخت حیات گروه نمادین بسیار مهمی قلمداد می‌گردد. سمبول مشتری با تمام امور ذهنی منجمله کتاب، سخنرانی، انتقال اطلاعات با هر وسیله‌ای، نامه، تلفن، تلگرام یا گفتگوی رو در رو ارتباط دارد. (مشتری یا به قول یونانیان هرمس یکی از پیامبران خدایان بود). بدین ترتیب اگر مایل باشید به واسطه‌ی روان‌نگری در مرور ژرفیت هوش نویسنده‌ی نمادهای اطلاعاتی کسب کنید، نماد کلیدی مشتری عاملی فوق العاده خواهد بود. این نماد تأثیرات روانی دریافتی را در همین مسیر نگاه می‌دارد و از تداخل موضوعات بی‌ربط جلوگیری می‌کند. البته باید قبل از سمبول کلیدی اندیشه‌ده باشید و آن را در ذهن خود با ویژگی‌های مورد نظرتان مربوط کرده باشید. بدین ترتیب بهتر است که نمادهای کلیدی خاص خود را ابداع کنید. البته در عین حال می‌توانید از سمبول‌های درخت حیات برای این منظور استفاده کنید.

1- Annie Besant

2- C. W. Leadbeater

محتمل است و در این صورت قدرت روان‌نگری فرد به نحو قابل ملاحظه‌ای محدود می‌شود زیرا استفاده از روش‌های کلیدی و محرك درست به اندازه‌ی روش گل مؤثر و حاوی اطلاعات بسیاری است. نکته‌ی اصلی این است که هرگز نباید به توقف در یک مرحله راضی باشید. باید همواره برای کسب مهارت پیشرفت للاش کنید و هرگز از آزمایش‌های تجربی نهراسید. روش‌های ابداعی شما معمولاً از روش‌های پیشنهادی دیگران مفید‌ترند، زیرا نتیجه‌ی اندیشه‌ی فعال درونی شما هستند. در عین حال باید پذیرای پیشنهادات تازه برای آزمایش‌های جدید باشید.

مثال زیر منظور ما را روش‌تر می‌کند. چندین سال قبل شاهد یکی از نمایش‌های روانی بودیم که مجری آن فردی به نام کاپیتان بلند<sup>1</sup> بود. او در این نمایش آزمایش جالبی را به مورد اجرآگذاشت و به جای در دست گرفتن شیء، از صاحب آن خواست که جسم را بر روی میزی در فاصله‌ی یک متری قرار دهد. سپس چند لحظه‌ای توجه خود را بدان معطوف نمود و سوابق آن را به گونه‌ای کاملاً مجاب کننده قرائت کرد. در اینجا نکته‌ای جالب آشکار شد. به عقیده‌ی برخی از افراد، روان‌نگر سوابق ثبت شده در هاله‌ی جسم را قرائت می‌کند؛ درست مثل سگی که رایحه‌ی بدن افراد را دنبال می‌کند. اما برخی دیگر اعتقاد دارند که هر جسمی به صرف وجود خود با سوابق موجود در آگاهی فلکی ارتباط دارد و خود به عنوان پلی عمل می‌کند که آگاهی فلکی و ذهن روان‌نگر را به یکدیگر پیوند می‌دهد. هر دو مورد تا حدودی صحت دارد. اگر چه چنانچه اصطلاح بایگانی آکاشیک را با آگاهی فلکی جایگزین کنیم، به نظریه‌ی شرقیون نزدیک‌تر خواهیم شد. نظریه‌ی اول احتمالاً با سهولت پیشتری مورد پذیرش

1. Captain Bland

## روان‌نگری گل

یکی از اشکال جالب توجه روان‌نگری که اغلب اوقات در معرض تماشای عموم به نمایش در می‌آید روان‌نگری گل نام دارد. در این روش گلی را طبق سیاق معمول روان‌نگری می‌کنند. معمولاً صاحب گل پیش از نمایش آن را با دست خود می‌چیند (که بهترین روش است) یا از گل فروشی می‌خرد (که روش چندان خوبی نیست) و سپس در ذهن خود مشکل خاصی را مرور می‌کند که مایل به حل آن است.

در اکثر موارد، روان‌نگر این مشکل را تشخیص می‌دهد و از نقطه نظر ذهنی خود راه حلی را ارائه می‌دهد. گاهی نیز این راه حل خود از بطن دریافت‌های روانی پیشنهاد می‌شود. در هر دو صورت واسطه‌ی بین صاحب گل و روان‌نگر خود گل بوده است.

به عنوان توضیح باید گفت که در اطراف هر جسمی فضایی روانی موسوم به هاله وجود دارد. این هاله که وقایع را در خود ثبت می‌کند در اشیاء دارای پیچیدگی فراوانی است، زیرا در دوران وجودی خود بارها از سوی افراد مختلف تحت تأثیر قرار گرفته است و به همین دلیل تشخیص واقعه‌ای خاص در گذشته‌ی شیء برای روان‌نگر بسیار دشوار است. اما هاله‌ی یک گل که آن نیز موجودی زنده است، بیشتر به کاغذ یا لوحه‌ای سفید شباهت دارد و افکار و عواطف نیرومند صاحب گل که بر آن ثبت شده است، به سهولت قابل تشخیص خواهد بود. مدیوم‌های تازه کار می‌توانند روش گل را امتحان کنند، ولی باید به کار با اشیاء گوناگون نیز ادامه داده، روش‌های پیچیده‌ی روان‌نگری را تجربه کنند و صرفاً به این شیوه‌ی ساده قناعت نکنند. گرفتار شدن در این دام بسیار

عامه قرار می‌گیرد تا ایده‌ی متافیزیکی شرقیان، هر دو نقطه نظر درست هستند، ولی هر یک برای دیگری در حکم مکمل و صیقل دهنده می‌باشند. اینک به یکی از جنبه‌های پنهان‌تر مطلب می‌پردازیم، در تشریح قرائت فرضی قبل از حلقه‌ای سخن گفته‌یم که به کشیشی تعلق داشت و برای این کار دلیل خاصی داشتیم، قبل‌آ به سه نوع دریافت مختلف اشاره کردیم، اما فقط دو نوع آن را شرح دادیم؛ یکی سابق‌می مریوط به خود شیء، منجمله جنس و کارخانه‌ی سازنده‌ی آن و دیگری سوابق مریوط به مجانبیت آن با انسان.

### اشیاء شارژ شده

و اما مورد سوم به تأثیراتی مریوط می‌شود که به واسطه‌ی اراده‌ی انسان یا سایر موجودات مادون یا ماوراء‌الطبیعه و از روی عمد بر روی جسم اعمال می‌شوند. بسیاری از اوقات این تأثیرات کیفیات مریوط به هر سه درجه‌ی یاد شده را در خود دارند. البته آنچه در اینجا مطرح شد، از نظر بسیاری از مردم خیال و وهمی بیش نیست. آنان فرشتگان و پریان را مریوط به خیال پروری‌های کودکانه می‌دانند و انسان شناسان نیز برای توضیح تجربیات ماوراء‌الطبیعی مردم در چهارگوشی دنیا نظریات جالبی را به هم می‌بافتند. اما تجربیات شخصی ما دلایل خوبی برای باور موجودات هوشمند غیر انسانی به دست می‌دهد.

بالادمه‌ی این مطلب وارد قلمرو سحر و جادو خواهیم شد. اما اینک نظریات و آزمایش‌های خاصی را مطرح می‌کنیم که برای افرادی که مایلند از روان‌نگری

محض فراتر روند، مفید و جذاب خواهد بود. شاید زمان آن رسیده باشد که به جزئیات یکی از مراحل مهم در روند پیشرفت فراوانی شما پردازیم. اگر کسی به علم شیمی و فعالیت در این زمینه علاقمند باشد، با یادگیری حقایق کوچک می‌تواند از دردرس‌های فراوانی اجتناب کند. فرض کنید یک شیمیدان می‌خواهد محتويات بطری یا ظرف بخصوصی را شناسایی کند که بر چسب آن کنده شده است. مسلماً روش طبیعی این کار باز کردن درب بطری و بوئین محتويات آن است. اما این خطر نیز وجود دارد که ماده‌ی فوق بشدت سمی و در عین حال فزار باشد که در این صورت پیش از آن که بتوان آن را از ریه خارج کرد، کار از کار گذشته است. قلچ کار در اینجاست که او باید ابتدا نفسی عمیق بکشد و پس از حبس کردن هوا در قفسه‌ی سینه، محتويات بطری را استنشاق کند. در این حالت ریهها، که از هوا پر شده‌اند، از ورود مولکول‌های گاز سمی جلوگیری می‌کنند اما مقدار کافی از آن به اعصاب بویایی می‌رسد. اگر ماده‌ی فوق به شدت مضر یا خطرناک باشد با خارج کردن هوا ریهها می‌توان تمام ذرات عنصر هرگ‌افرین را از بینی خارج کرد. این ترفند کوچک در گذشته بارها به داد ما رسیده است.

دلیل ذکر مورد بالا باین بود که در برخورد با اشیاء باردار یا شارژ شده نیز باید از چنین تمهداتی استفاده کرد تا نیروی موجود در آنها نتواند به ما آسیبی برساند. این امر در مورد حلقاتی که در قرائت فرضی روان‌نگری ذکر کردیم نیز صدق می‌کند. کار کردن با این قبیل اشیاء محتاج برخورد ذهنی صحیح است. این برخورد عبارت است از نیتی سازنده و مشتی برای قرائت سوابق شیء. در پی این عمل که در حکم کشیدن مانش است، باید ذهن را در وضعیت پذیرش و کماکان مشتی نگاه داشت. یکی از نویسنده‌گان کاتولیک معاصر به نام آر. آچ.

نیز به کار می‌پرند.

یکی از مثال‌های اشیاء باردار انواع طلسم‌ها هستند که در سیاری از کتب مربوط به امور روانی و فرقه‌ای مورد تمجید و ستایش قرار گرفته‌اند. نمونه‌ی این طلسم‌ها مثال‌هایی است که بر روی آن عبارت هرچهقهه یک نفر متولد می‌شود نوشته شده. این عبارت مشهور متعلق به پی. تی. بارنوم، نمایشگر معروف است.<sup>۱</sup> برخی از طلسم‌های نیز توسط افرادی ساخته می‌شوند که نسبت به اصول سحر و جادو اطلاعات کاملی دارند. اشیاء باردار درجه‌ی یک بدوسطه‌ی تلقین بی اختیار صاحب خود فعال می‌شوند. ولی نوع دوم عملاً دارای قدرت است و با همین نوع اشیاء باید با احتیاط برخورد کرد. اگر از قدرت معنوی کسی اطمینان داشته باشد، ارائه‌ی چنین اجسامی برای قرائت اشکالی ندارد، ولی در هر حال رعایت احتیاط شرط عقل است.

اینک به اشیاء باردار درجه‌ی دوم می‌پردازم که توسط مقامات روحانی مسیحی یا غیر مسیحی متبرک یا وقف شده‌اند. حلقه‌ای که روان‌نگر فرضی ما قرائت کرد نیز از این گروه بود. در این‌گونه موارد، تأثیرات متشعشع از جسم با مراتب رفیع اخلاقی و معنوی هماهنگ شده است (اگر تبرک یا وقف به درستی انجام شده و مثل تبرک برخی از روحانیون ظاهری نباشد) و اثر آن حتماً مفید و کمک‌کننده خواهد بود.

اما حتی در این موارد نیز رعایت احتیاط عاقلانه است.

<sup>۱</sup>- Phineas Taylor Barnum : (۹۱- ۱۸۱۰) صاحب یکی از متبرک‌های سیار آمریکایی که معمولاً انسان‌ها یا حیوانات عجیب‌الخلقه را در معرض نمایش عموم قرار می‌داد. یکی از این افراد مرد قبل نمایش که از آن فیلمی نیز ساخته شده است. -

بنسون<sup>۱</sup> در تشریح این نحوه‌ی رویکرد آن را به پرواز یک موغ دریابی تشبیه کرده که عملاً در برابر باشدیدنی حرکت در هوامحل است. واضح است که پرنده علی‌رغم سکون ظاهری خود برای ثابت ماندن تلاش پسیار شدیدی می‌کند. بدین ترتیب حالت پذیرش که از آن سخن گفته‌یم باید در عین حال نقطه‌ی پذیرش یک نیت شدید ذهنی نیز باشد.<sup>۲</sup> این وضعیت ذهنی رانمی‌توان با یک بار تجربه کسب کرد و به همین علت بود که ما بحث در مورد نحوه‌ی برخورد با اشیاء شارژ شده را به بعد موقول کردیم؛ زیرا ابتدا بایست تمرین‌های آسان و نتیجه بخش پیشتری را راهه می‌نمودیم.

اگر خوانندگان با مطالعه‌ی مثال آر. آج. بنسون چنین تصور کرده‌اند که قصد او مخالفت با تعالیم فراروانی بوده باید متذکر شویم که او در رمانی عرفانی از این مثال استفاده کرده که رابطه‌ی چندانی با پدیده‌های روانی ندارد. البته اینکه اغلب اوقات در زندگی عرفانی پدیده‌های روانی خاصی رخ می‌دهند، حقیقت دارد. ولی از دیدگاه یک عارف این تجربیات مانع رشد محسوب می‌شوند نه تسهیل‌کننده‌ی آن. این امر در کیش بودایی و برخی مذاهب شرقی دیگر نیز صادق است. پیروان این آیین‌ها به شدت با پرورش قابلیت‌های روانی مخالفند و آنها را ملعنه‌ای می‌دانند که انسان را از سلوک معنوی باز می‌دارند یا در بهترین حالت تلف‌کننده‌ی زمان هستند. در عصر حاضر واژه‌ی عرفان مورد سؤو تعییر و سؤاستفاده‌های فراوانی قرار گرفته و آن را در اشاره به پدیده‌های روانی و درونی

#### ۱- R. H. Benson

۲- آمادگی برای پذیرش هر آنچه رخ می‌دهد در نگاه اول با مفهوم نیت یا قصد منشاء می‌نماید. اما با توجه به مثال پرنده، مظلوو تویستنده و ووشن تر خواهد شد. در واقع هدف یافتن نقطه‌ی با مرزی است که بین پذیرش و اراده وجود دارد. در این نقطه‌ی با مرز بخصوص مذهوم توسل و تلاش با هم یکی می‌شوند. این وضعیت در ماهیت خود دارای خصوصیات هر دو سوی نقطه است و در عین حال هیچیک از آن دو نیست. -

اینک او اشیاء را به شمامی دهد یا خودتان آنها را به ترتیب برمی‌دارید و آنها را باز می‌کنید و به قراتت می‌پردازید. سعی کنید اثر عاطفی کلی هر یک راهراه با هرگونه تصویر احتمالی وصف کنید. پس از اتمام کار با اولین تخته، دومین پارچه را باز کنید و به قراتت پردازید. این روند را تا تخته‌ی پنجم ادامه دهید. بعد از هر قراتت دستانتان را به شدت به هم بمالید درست مثل وقتی که می‌خواهید خاکی را بکانید. برخی از روان‌نگرها پس از هر قراتت دستان خود را می‌شویند ولی اینکار چندان ضروری نیست و عملاً در هنگام نمایش‌های عمومی اصولاً مقدور نیست. اینک شارژ‌کننده‌ی اشیاء باید گفته‌های شما را با یادداشت‌های اولیه‌ی خود مقایسه کند و نکات درست و غلط را تعیین کند. این تمرين بسیار مقييد است؛ زیرا با احساس کردن عواطف مختلف بدین طریق خود را به گونه‌ای پرورش می‌دهيد که در هر زمان و از میان انبوه اطلاعات مختلف مربوط به هر شیء می‌توانید سررشه‌ی اطلاعات مورد نظر خود را برگزیده و دنبال کنید.

هر گاه در این نوع گزینش توفيق یافتید، می‌توانید با استفاده از همین قابلیت، در هنگام ورود به هر منزل یا اتاقی اتمسفر یا وضعیت خاص آن را تشخیص دهید. این استعداد بعدها کاملاً مفید خواهد بود.

### روان‌نگری انسان

در نهايّت با هدایت توجه خود به جانب افراد مختلف و گزینش سررشه‌های اطلاعاتی مورد نظر، خواهید توانست افراد را روان‌نگری کرده، آنچه را که به

### تمرينی با اشیاء شارژ شده

توصیه‌ی ما این است که خود با اشیاء شارژ شده آزمایش‌هایی را تجام دهید. این کار مستلزم همکاری یک دوست صمیمی است. اگر این فرد در حد مطلوبی صاحب قدرت تصویرسازی باشد بسی بهتر خواهد بود. روش انجام تمرين به این شکل است: ابتدا پنج تکه چوب تهیه کنید که ابعاد آنها عبارتند از ۷/۵ سانتيمتر طول، ۲/۵ سانتيمتر عرض و ضخامت ناجيز. تخته‌ها را با شماره یا حروف مختلف علامت‌گذاري کنید تا از یکدیگر قابل تشخیص باشند. آن‌گاه کسی که قصد دارد اشیاء را شارژ کند باید عواطف مورد نظر خود را در دفترچه‌های ثبت کند. از آنجاکه التزام القاء عواطف با قالب‌های تصویری نتیجه‌ی بهتری به بار می‌آورد، باید تصاویر مربوط بهر یک از تخته‌ها را نیز در همان دفترچه ثبت نمود. فرض کنید که تخته‌ی الف با احساس خشم شارژ شده است. در این جا فرد باید از قالبی استفاده کند که بهترین احساس را در مورد این وضعیت عاطفی القاء می‌کند. او باید همزمان با ساختن این تصویر، جسم مورد نظر را بین دو دست بگیرد و در عین حال احساس مربوطه را نیز هر چه قوی‌تر در خود ایجاد کند. سپس باید جسم را در تکه‌ای پارچه‌ی ابریشمی بپیچد و توجه خود را به شیء بعدی معطوف کند. ضمناً پیشنهاد می‌کنیم که برای زدودن حالت ذهنی مربوط به شیء قبلی، در حدود پانزده دقیقه مکث کنید؛ در غیر این صورت تأثیرات شیء قبلی با القاتات مربوط به جسم بعدی مخلوط می‌شود.

این عمل باید تاشارژ شدن هر پنج تخته ادامه یابد. قدر مسلم اینکه در حين کار شارژ‌کننده، شما باید در اتاق باشید و حتی در فاصله‌ای نباشید که صدای‌بی ر بشنوید. بهتر است اصلاً از ساختمان بپرون روید.

## روان‌نگری در تشخیص بیماری‌ها

یکی دیگر از کاربردهای جالب روان‌نگری، تشخیص بیماری‌ها است. براساس آموزه‌های فرقه‌های باطنی، بیماری‌های جسمی در قرینه‌ی اسری ظرفی ریشه دارند که زهدان جسم است و همواره الگوی پریابی و اضمحلال بدن فیزیکی پوده، موجب می‌گردد که بدن امروز ما بدن پنج سال پیش نباشد. (به گفته‌ی برخی از صاحب‌نظران علم پژوهشکی مواد سازنده‌ی بدن در طی مدت دو سال کاملاً تعویض می‌شوند) بدین ترتیب، براساس باور فوق بدن اتری در حقیقت همان کالبد تغییر ناپذیری است که در تمام عمر حفظ می‌کنیم و نخستین علائم هر بیماری نیز در همین کالبد ظاهر می‌شود. این امر مدت‌ها قبل از ظهرور هرگونه علائم بالینی یا بروز شواهدی برای تشخیص بیماری توسط پژوهشکان، رخ می‌دهد. در خلال همین مرحله‌ی مقدم بر جسم است که متخصصین امر با استفاده از روش‌های ظریف هومیوپاتی یا به اصطلاح شفای معنوی، بیماران را معالجه می‌کنند. اگر چه بدون شک حتی پس از بروز بیماری در جسم نیز استفاده از روش‌های نامبرده کاملاً موفقیت‌آمیز خواهد بود.

۱- در بحث بیماری‌ها از دیدگاه شفایگری باید توجه داشت که از زاویه‌ی طب کلی گرا یا *holistic* همچ معمولی بدون علت نیست و بروز بیماری سرمنشائی ذهنی با عاطفی داشته که آن نیز به‌طورهای خود معمول کیفیت حیات معنوی فرد بوده است. از سوی دیگر هدف بیماری آبیب رساندن به بدن نیست، بلکه این نوعی علامت از جانب روح است تا فرد روش حیات معنوی خود را اصلاح کند. با توجه به این مستله‌ی بسیار مهم، شفای بیماری شامل تشخیص علت با نقص معنوی فرد نیز می‌گردد. بنابراین معالجه‌ی صرف بیماری بدون درک علت اصلی بیماری از سوی شخص بیمار ارزش چندانی ندارد و مسلمًا مشکل فوق به نوعی در جای دیگری از بدن رخ خواهد نمود. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه مطالعه‌ی کتاب هاله درمانی با دست‌های شفایخش اثر باریارا آن بزن توصیه می‌شود. ۳

آگاهی‌تان وارد می‌شود تشخیص دهد. جالب این که با پرداختن به روان‌نگری انسان متوجه می‌شود که در هاله‌ی بیشتر افراد تعداد زیادی قالب‌های فکری مختلف وجود دارد که در برخی از موارد دارای انرژی عاطفی قابل ملاحظه‌ای نیز هستند. بعضی از این قالب‌های نتیجه‌ی تصویرسازی شدید و متراکمی هستند. به عنوان مثال شاید فرد اخیراً در حال مطالعه‌ی رمانی جذاب و مهیج بوده و شخصیت‌های داستان را با چنان واضحی تصور کرده که هر یک به صورت قالب‌های دقیقی در هاله‌ی او شکل گرفته‌اند و روان‌نگر به سهولت آنها را تشخیص می‌دهد.

در عمل روان‌نگری انسان، تجربه‌ی پدیده‌ی جالب دیگری نیز امکان‌پذیر است. ممکن است روان‌نگر جدا از شخصیت‌های ساختگی و تصوری رمان فوق الذکر، به قالب‌های دیگری نیز برخورد کند اما هنگام وصف آن دریابد که سوژه‌ی مورد نظر آنها را نمی‌شناسد. ولی چنانچه قالب به قدر کافی نیرومند و برجسته باشد ممکن است سوژه بگوید، این هیچ ارتباطی با من ندارد، ولی مردی که در هفت‌ی گذشته به منزل ما آمد و موجب آشوب و بلوا شد دقیقاً دارای همین شخصیت بود! کلید حل این معما در واژه‌های آشوب و بلوا نهفته است. واکنش‌های عاطفی نیرومندی که در طی این برخورد بوجود آمده بود موجب تأثیر شدیدی بر هاله‌ی سوژه شده و این اثر ثابت شده در هاله به سهولت توسط روان‌نگر قالب تشخیص بوده است. امیدواریم در بخش آخر کتاب که به هاله‌بینی مربوط می‌شود، بیشتر در این مورد بحث کنیم و سایر چنین‌های روان‌نگری انسان را مورد بررسی قرار دهیم.

این جنبه از روان‌نگری مستلزم رعایت احتیاطی شدید است، زیرا چنین تشخیصی می‌تواند موجب صدمات جدی بر افراد گردد. علت این صدمه وضعیت تلقین به نفسی است که در سوژه بوجود می‌آید و این می‌تواند همچون موارد مستند بی‌شماری در گذشته به مصائب بزرگی بیانجامد. در صورتی که مایلید این رشته را دنبال کنید، بهتر است همچون یکی از دوستان من ابتداد سال در آناتومی و فیزیولوژی تحصیل نمائید.

نخستین گام در آموزش این جنبه از روان‌نگری، حرکت دادن دست با فاصله‌ی حداقل هفت سانتی‌متر بر روی بدن سوژه است. لمس کردن بدن افراد در این روش به هیچ وجه ضرورت ندارد و اگر از این قانون تخطی کنید، در زمرة‌ی کسانی قرار می‌گیرید که امور روانی را در جهت مطابع جنسی به کار می‌برند و برای خود در درس‌های غیر قابل تصویری به وجود می‌آورند. به علتی که ذکر شد در هنگام معاینه همیشه بگذارید شخص ثالثی نیز حضور داشته باشد. اشاره‌ی ما به این شکل از روان‌نگری به دلیل جذابیت فوق العاده‌ی آن بود. ولی شخص‌آبه شما توصیه می‌کنم که از انجام دادن این کار در مقیاس وسیع جداً اجتناب کنید. یکی دیگر از کاربردهای جالب روان‌نگری عبارتست از تشخیص جواهرات اصل از بدل، یعنی شناسایی عتیقه‌جات مصری که در اصل ساخت زاپن هستند، و تشخیص اشیاء و مبلمان و آثار هنری اصل از تقلیبی، علاقمندان می‌توانند در این زمینه آزمایش‌های بسیار متنوعی را انجام دهند.

## ۱۷

## یک توصیه‌ی دوستانه

این کتاب را با عشق نوشتیم و از گرداؤری دانشی که آن را در طی ۵۳ سال تجربه کسب کردیم، کاملاً احساس رضایت می‌کنیم. در باره‌ی روان‌نگری کتب زیادی نوشته نشده و آنچه که موجود است بیشتر از دیدگاه مذهبی و فرقه‌ای با مسئله پرخورد کرده است. در این کتاب سعی کردیم تا این نحوه‌ی پرخورد پرهیز کنیم، زیرا همان طور که قبل‌اً ذکر شد، بر این امر اعتقادی راسخ داریم که قابلیت‌های فراروانی در زمرة‌ی حواس معمول پنچ‌گانه قرار دارند و به هیچ وجه با دستاوردهای اخلاقی و معنوی ما ارتباطی ندارند. اما مسلمان برای خوانندگانی که تا اینجا با ما همراه بوده‌اند مسجل گشته که استانداردهای خاصی وجود دارد که روان‌نگران آینده باید آن را رعایت کنند.

منتظر این نیست که فرد حتماً باید به گروه و مذهب خاصی تعلق داشته باشد اما برای اخذ بهترین نتیجه پذیرش نوعی انطباط ضروری است. در انجیل

محض پرهیز کنیم، اما در این جا ناچار به قلمرو دین وارد شویم، زیرا به کارگیری قدرت‌های اینچنینی مثل سایر قدرت‌های بشری در جوهرهای خود به آمور معنوی مربوط می‌شود. بین معنویات و مادیات هیچ‌گونه تضاد و تمایزی وجود ندارد، زیرا عالم هستی در نهایت خود معنوی است.

بدین ترتیب باید در پی قواعد اجرائی موجود در ادیان باشیم و از آن پیروی کنیم، البته عصر حاضر عصر بتکنی و براندازی عقاید منسخ و نادرست است؛ عصر فروپاشی تمام تصورات جافتاده‌ی قدیمی و البته بر تخت نشاندن اندیشه‌های نوین، زیرا انسان تاگزیر از داشتن نوعی جهان‌بینی و قانون است. پس قوانین کهن از دور خارج شده‌اند، ولی به نظر ما هنوز هم می‌توانند بر سر بر قدرت تکیه زند. نظریه‌ی تعصب زدایی که ظاهراً اصل اساسی دوران حاضر است، در نخستین روزهای انقلاب روسیه به قلمرو امور جنسی گسترش یافته و عشق بین قید و بند که امروزه بسیاری از مردم مشتاقانه از آن دم می‌زنند، فرضی برای فraigیر شدن یافته. اما مصیبت‌ها و مفاسد اجتماعی حاصل از اجرای این اصل، حکام روسیه را واداشت تا چنین تساهلی را منع کنند و به ملاحظات گذشته رجعت نمایند.

بنابراین پیروی از قانون موسوم به ده فرمان برای هر کسی که از قدرت‌های درون پرده می‌گیرد، مفید خواهد بود.<sup>۱</sup> خلاصه‌ی این قانون - آن‌گونه که توسط عیسی (ع) تبیین شد - تأثید مشتی از همان ده فرمان عهد عتیق است اما در شرایط آشوب‌زدهی فعلی که مفاهیم واژه‌ها محل تردید هستند، شاید جملات قطعی و روشن حضرت موسی (ع) بیشتر به کار آیند. سایر ادیان نیز هر یک

۱- توجه داشته باشید که نویسنده‌ی کتاب پیرو دین می‌بینیست از و به همین دلیل بر پیروی از ده فرمان تأکید دارد. اما برای پیروان سایر ادیان قواعد موجود در آنها کار کردن مؤثرتری خواهد داشت. م.

چشین آمده‌که، فاتح نفس، برتر از فاتح سرزمین‌هاست. تسلط بر نفس یکی از مهم‌ترین ملزمات روان‌نگری است و چنانچه حقیقتاً مایلید تأثیر این خصلت را تجربه کنید، باید آن را در درون خویش بسط دهید و در زندگی روزمره‌ی خود از آن بعنوان عاملی قدرتمند استفاده کنید. با تسلط بیشتر بر نفس خواهید دید که از دیگران قدرتمندتر هستید و بزودی متوجه نقش آفرینی ملاحظات اخلاقی در زندگی خود خواهید شد.

## قواعد عملی

اینک از آنجا که شما خود را مستعد اعمال قدرت بر دیگران می‌باشد، با مسئله‌ی دیگری روبرو می‌شوید. پرسش در اینجاست که مایلید چه تأثیری بر دیگران بگذارید و یا چه مجوزی از این نفوذ استفاده خواهید کرد؟ مشهور است که قدرت فساد بدنبال دارد و مسلم‌ا در این حوزه از فعالیت‌های روانی وسوسه‌ی قدرت برانگیخته می‌شود و هر چه روان‌نگر در کار خود متبحرتر شود، وسوسه‌ی سوءاستفاده از قدرت نیز در او شدت می‌گیرد.

تا این مرحله انبساط اعمال شده بر نفس در قلمرو کنترل عاطفی و ذهنی فرار داشته و در واقع منشأ قدرت روان‌نگر همین تسلط بر نفس و انبساط بوده است. اما قدرت چگونه به کار گرفته می‌شود، فرد از چه قوانینی پیروی می‌کند و در عرصه‌ی عمل چه قواعدی را بر خود فرض خواهد کرد؟ تمام این‌ها پرسش‌هایی هستند که قبل از ادامه‌ی کار باید مطرح شوند.

قبل‌آسی کرده‌یم تا از هرگونه پرخورد فرقه‌ای و مذهبی با این قابلیت طبیعی

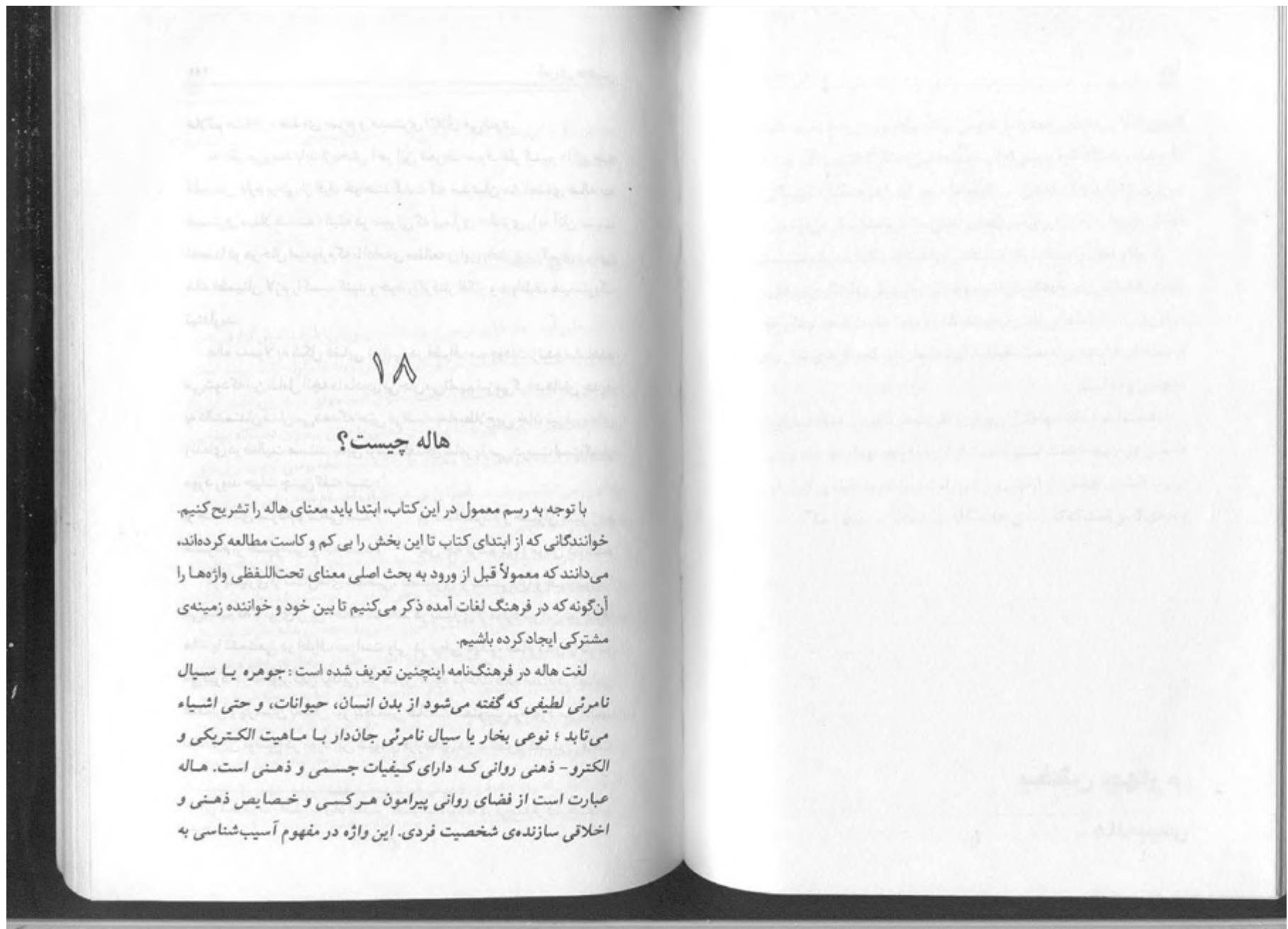
قوانین اخلاقی مختص خود را دارند و می‌توانند برای پیروان خود مفید باشند. ما توصیه‌ی استاد خود عیسیٰ(ع) را مدت‌ها قبل به کار گرفتیم و اگر چه در بسیاری از موارد از آن تخطی کردی‌ایم، اما هنوز آن را در مشکلات زندگی و مسائل مربوط به کارگیری قدرت‌های ذهنی، مفید و هدایت‌گر می‌دانیم. کلام آخر اینکه، یک استاندارد را انتخاب کنید، یک سیستم خوبش انطباطی را بر خود اعمال کنید، و سپس به پژوهش روان‌نگری پردازید. در این صورت از شادمانی باطن برخوردار شده و برای خدمت به همنوعان خود فرصت‌های فرازینده‌ای به دست خواهد آورد؛ همان‌طور که سال‌های سال برای ما چنین بوده است.

و دست آخر اینکه تنها دلیل پژوهش و تقویت هر قابلیتی، همانا اشتیاق به دانستن در جهت خدمت است. خدمت از آن خدا و همنوعان توست، و بدین ترتیب گوشه‌ی چشمی از آرامش و آزادی راستین را تجربه خواهی کرد. این وعده‌ی کسی است که گفت، من خدمتگذاری هستم در میان شما<sup>۱</sup>.

## بخش چهارم

هاله بینی

۱- اشاره به حضرت عیسیٰ(ع).



معنوی افراد این است که خود نقاش قادر بود این پدیده‌ی عجیب، یعنی هاله را مشاهده کند.

### هاله‌های غلط انداز

در طی قرون متمادی در مورد رویت فضای نورانی اطراف انسان گزارش‌های زیادی به دست آمده است. در دورانی که آدمی زیاد علم‌گرا و تقدیم‌بوده است تصور می‌کرددند که هاله نشانگر رفعت معنوی است، ولی در قرون اخیر آن را بیشتر محصول خیال‌افی یا عدم تعادل ذهنی یا حتی بیماری دستگاه بینایی دانسته‌اند. البته شواهدی نیز وجود دارد که نوع بخصوصی از بیماری‌های چشمی می‌تواند موجب مشاهده‌ی نور در اطراف اجسام شود و این یکی از علل معمول در سوچ تعبیر هاله است.

غالباً در سخنرانی‌ها در اثر توجه شدید به فرد سخنران می‌توان هاله‌ی او را مشاهده کرد. البته شاید این ادعا در برخی از موارد درست باشد، ولی در اکثر موارد علت امر صرفاً فیزیکی است و هیچ ربطی به پدیده‌ی هاله ندارد. توضیح علت این خطأ بسیار آسان است. اگر برای مدتی طولانی به فردی خیره شوید، ماهیجه‌های کنترل کننده‌ی مکانیزم تنظیم فاصله‌ی چشم خسته می‌شوند و ناگهان فوکوس چشم مختلف می‌شود. در این حال تصویر تازه که توسط شبکیه دریافت می‌شود، با فاصله‌ای اندک از تصویر قبلی بر روی شبکیه تشکیل می‌شود و تصویر قبلی تصویر جدید را بر می‌گیرد و وجود فضایی را در اطراف آن القاء می‌کند. رنگ این فضا مکمل رنگ غالب در فرد سخنران خواهد بود که معمولاً

علامت هشدار دهنده‌ی صرع و هیستری اتلاع می‌شود. به نظر می‌رسد باید از بخش آخر این تعریف صرف‌نظر کنیم؛ اگر چه اطمینان دارم برخی از افراد خواهند گفت که مدعیان مشاهده‌ی هاله به هیستری مبتلا هستند؛ البته در صورتی که بیماری حادتری را به آنان نسبت ندهند از هر حال امیدوارم که با ادامه‌ی مطالعه‌ی این بخش و بی‌گیری برسی هاله اطمینان لازم را کسب کنید و خود را گرفتار افکار و عواطف هیستریک نپندرید.

هاله معمولاً به شکل فضایی نورانی در اطراف موجودات زنده مشاهده می‌شود که این شامل آنچه ماماده‌ی بی جان می‌نامیم نیز می‌گردد. دانش جدید به دانشمندان نشان می‌دهد که حتی در اشیاء به اصطلاح بی جان نیز نیروهای زنده‌ای در فعالیت هستند. بدین ترتیب گفته‌ی شاعر پارسی درست است که در مورد روند حیات چنین گفته است:<sup>۱</sup>

از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم ز حیوان سر زدم  
مردم از حسیوانی و آدم شدم پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم  
در بسیاری از تمثیلهای مذهبی، تصاویری از عیسی(ع) و حواریون را  
می‌بینیم که با نوری زرین احاطه شده‌اند. در بسیاری از موارد نیز این نور صرفاً  
هاله یا تشعشعی در اطراف سر است ولی در برخی دیگر، تمام بدن را در بر  
می‌گیرد. در تصاویر کهن بودایی نیز همین شیوه مراعات شده است. در تصاویر  
هندوان و پارسیان باستان نیز با همین علامت معنویت برخورده می‌کنیم.  
ساده‌ترین توضیح در مورد این شیوه‌ی قراردادی در به تصویر کشیدن رفت

۱- این شعر در متن اصلی به زبان انگلیسی تفسیر شده بود که در ترجمه از شعر استفاده شد.

وجود چنین میدانی را با وسعتی در حدود ۲۵ سانتیمتر پیرامون برخی از حشرات تشخیص داده‌اند. این میدان به هیچ وجه با الکتریستیه‌ی ساکن مربوط به لباس‌های نایلونی پارخواب ساخته شده از الیاف مصنوعی رابطه‌ای ندارد. الکتریستیه‌ی ساکن که غالباً به وسیله‌ی اصطکاک با چنین موادی بوجود می‌آید می‌تواند موجب بروز شوک الکتریکی شود. در تاریکی و هنگامی که هوا خشک باشد می‌توان با درآوردن پیراهن نایلونی از تن شکلی ضعیف از این پدیده را مشاهده کرد. در این حالت بار الکتریکی به صورت جرقه‌های کوچک صدادار تخلیه می‌شود. اما این پدیده کاملاً با الکتریستیه‌ی بیولوژیکی بدن مامتفاوت است. بدین ترتیب در درون و اطراف بدن مانوعی میدان نیروی الکتریکی وجود دارد که می‌توان آن را نخستین و متراکم‌ترین میدان از سایر میدان‌های مشابهی دانست که همگی با یکدیگر سیال یا اتمسفری تابان به نام هاله را تشکیل می‌دهند. اگر چه فیزیکدانان با این اصطلاح مخالفند، ولی خود به تناب از اصطلاح هاله‌ی الکتریکی استفاده می‌کنند. البته هاله‌ی متراکم‌تر دیگری نیز وجود دارد که از ذرات ریز جامدی تشکیل شده که دائماً از جسم فیزیکی انسان به بیرون پرتاپ می‌شوند. انسان با لمس هر چیزی این ذرات را از خود بجای می‌گذارد و همین ذرات رایجه‌ای را ایجاد می‌کنند که توسط آن سگ‌ها و سایر حیوانات قادر به ردیابی ما می‌شوند. هدف از ذکر این مطلب تشریح جنبه‌ی جسمی و فیزیکی هاله بود. البته این ذرات نیز در خود عنصر لطیفتری را حمل می‌کنند که دائماً از کالبدی لطیفتر متساعد می‌شود.

به رنگ سفید یا زرد مشاهده می‌شود. این صرفاً پدیده‌ای فیزیولوژیکی است که در بسیاری از موارد با پدیده‌ی هاله اشتباه می‌شود. هر کسی که مایل است حواس فراحسی خود را تربیت کند، باید در صداقت خود و سواس زیادی به خرج دهد. گرفتاری در دام تساهل و بی صداقتی و در نتیجه‌ی ارائه توضیحاتی مبهم و کلی بسیار امکان‌پذیر است. اگر چه این وضعیت در اغلب موارد ناخودآگاه است، اما به گونه‌ای ترتیب داده می‌شود که سادگی مخاطب مورد سؤاستفاده قرار می‌گیرد. این برای افراد بی‌ملاحظه دامی بسیار محتمل است و بهترین چاره برای اجتناب از این دام پیروی از صداقت درونی خواهد بود.

این صداقت بسیار مفید بوده، در فرد اعتمادی را به وجود می‌آورد که از ارزش بالایی بخوردار است.

## حوزه‌ی انرژی

اگر تعریف ارائه شده در واژه‌نامه را پذیریم، باید معنی عبارت سیال زنده با ماهیت الکتریکی و الکتروزدهنی روانی را روشن کنیم. امروزه همه‌ی دانشمندان پذیرفتند که فعالیت‌های جسمی انسان به جریان‌های الکتریکی بخصوصی مربوط می‌شود که در اندام‌ها جاری هستند و این جریان در عمل نوعی میدان الکتریکی را در اطراف بدن می‌ایجاد می‌کند. روس‌ها اخیراً دستگاهی ساخته‌اند که به ادعای آنان می‌تواند این میدان ضعیف را که در اطراف تمام موجودات زنده وجود دارد، تشخیص داده و ثبت کند. آنان مدعیند که

حالات مختلف بدن ما نتیجه‌ی درجات و مقادیر مختلفی از این قابلیت‌های متابولیک است. براساس یکی از اصول اساسی فرقه‌های باطنی فرآیندهای متابولیک از کالبد متقدم یا اتری نشات می‌گیرد و توسط آن کنترل می‌شوند. برای این کالبد لطیف نامهای مختلفی ابداع کردند. مصریان باستان آنرا کا<sup>۱</sup> می‌نامیدند و در اروپای قرون وسطی بدان دوبل<sup>۲</sup> می‌گفتند. شرقیان آن را لینگا شربر<sup>۳</sup> می‌گویند و مکاتب احضار ارواح فرانسه این کالبد را پرسپری<sup>۴</sup> می‌خوانند. اما در اکثر نوشته‌های باستانی از آن تحت عنوان کالبد اثیری یاد و بدل یاد می‌کنند. در یکی از شاخه‌های فرقه‌ی گلریزان آن را بدن زنده می‌نامند و در اینجاست که اهمیت خاص این کالبد در بررسی هاله روش می‌شود.

### هاله‌ی اتری

باطنیون مدعیند که کالبد اتری علاوه بر کنترل ورود و خروج مواد به جسم مادی، انرژی حیات یا پرانا را نیز از خورشید و سایر گونه‌های انرژی موجود در سیاره‌ی زمین به خود جذب می‌کند و آن را در داد و ستد حیات بین سلول‌های بدن به کار می‌گیرد. این انرژی‌ها در کالبد اتری و همتای مادی و متراکم‌تر آن به گردش در می‌آیند و پس از تأمین نیاز اندام‌ها به صورت مهی بخصوص که تا چند سانتی‌متری بدن امتداد می‌یابد از بدن اتری باز می‌تابد. این مه که معمولاً در

1- *Ka*

2- *Doppelganger*

3- *Linga Sharirah*

4- *Prisperit*

### بدن واقعی

کسانی که به مطالعه‌ی این‌گونه امور پرداخته‌اند، در بسیاری از موارد به واسطه‌ی تجربیات شخصی خود مقاعده شده‌اند که انسان صاحب بدنی لطیف‌تر است که - اگرچه آن هم متکل از عنصری مادی محاسب می‌شود - از عنصری اتری و لطیف ساخته شده است. این عنصر لطیف مادی در بسیاری از مکاتب ماده‌ی متقدم خوانده می‌شود و در کتب کهن فرقه‌های باطنی آن را عنصر اثیری می‌نامند. در مکاتب باطنی متاخر نام دیگری برای عنصر نهاده‌اند و این تغییر نام غالباً در مطالعه‌ی کتب قدیمی برای کسانی که می‌خواهند مطالب قدیمی را با یافته‌های نوین درک کنند تولید اشکال می‌کند.

بدن اتری یاد شده در واقع بدن فیزیکی راستین ماست - یعنی از تولد تا مرگ بلاتغیر و ثابت باقی می‌ماند - در حالی که ماده‌ی متراکم‌تروز مختتری که معمولاً آن را بدن مادی خود می‌پنداشیم دائمآ در حال تغییر است. گفته می‌شود که در طی مدت سه سال تمام مولوکول‌های بدن ما تعویض می‌شوند؛ به گونه‌ای که جریانی دائمی از ذرات مادی از بدن به بیرون جریان دارد و آنچه متابولیسم خوانده می‌شود در واقع تعویض دائمی همین ذرات است. متابولیسم یاسوخت و ساز بدن مابه دوشکل متصاد عمل می‌کند. یکی فرآیندی موسوم به نیروی کاتابولیک است که طی آن ترکیبات شیمیائی بسیار پیچیده به ترکیبات ساده‌تری تجزیه و از بدن دفع می‌گردد. از سوی دیگر نیروی آنابولیک ترکیبات ساده‌ی حاصل از تغذیه را به ترکیبات فوق العاده پیچیده‌تری تبدیل می‌کند که جایگزین ترکیبات تجزیه و نابود شده‌ی قبلی می‌شوند. بدین ترتیب چرخه‌ای دائمی از تجزیه و ترکیب در بدن ماجریان دارد.

هنگام مشاهده‌ی هاله نخستین جزء آن محسوب می‌شود، هاله‌ی اتری نامیده می‌شود. از آنجا که کالبد اتری با فرآیندهای حیاتی بدن پیوندی شدید دارد، هاله‌ی اتری معمولاً اشخاص مناسبی برای تشخیص میزان سلامتی جسم است و شناسایی بیماری‌ها با استفاده از هاله در حلقه‌های باطنی پشت رواج دارد. قبل از سایر کالبدها یاد کردیم و تا اینجا صرف‌اکالبد اتری را بررسی کردی‌ایم. اکنون به تشریح سایر کالبدها می‌پردازیم، در اینجا واژه‌ی بدن یا کالبد اندکی گمراه کننده می‌شود. معمولاً واژه‌ی بدن ما را به یاد جسمی می‌اندازد که با آن آشنائیم؛ یعنی بدن مادی و مترادکم خود، ولی کالبدهای لطیف‌تر را می‌توان با عنوانی چون مركب یا غلاف به بهترین وجه توصیف کرد. در حقیقت واژه‌ی اخیر در شرق مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آنچه غلاف را کوشان<sup>۱</sup> می‌گویند. در برخی از تعالیم باطنی به کالبد عاطفی و کالبد ذهنی اشاره شده و اگر چه این امر از دیدگاه بخصوصی صحت دارد، می‌توان بالاطمینان کامل گفت که ما به ندرت بدون مخلوطی از عاطف می‌اندیشیم یا بدون اندیشیدن به واکنش عاطفی می‌پردازیم.

دو جنبه‌ی آگاهی، یعنی عاطفه و ذهن با یکدیگر پیوندی عمیق دارند و هر یک برای عبور انرژی جهان‌های درون به سطح آگاهی در نقش واسطه عمل می‌کنند. این انرژی در عین حال از بدن فیزیکی نیز متساعد می‌شود ولی این امر در مقایسه با انرژی مربوط به قرینه‌ی اتری به مراتب محدودتر است. اگر چه شاع این میدان انرژی جاندار را می‌توان با مقیاس سانتیمتر اندازه گرفت، ولی در افراد معمولی شاع تلفیق شده‌ی انوار عاطفی - ذهنی به چندین متر می‌رسد و در افراد پیشرفته از این حد نیز فراتر می‌رود.

## هاله‌ی معنوی یا روحانی

و سرانجام به کالبد یا غلافی می‌رسیم که می‌توان آن را کالبد معنوی نامید. شاع این کالبد در افراد معمولی در حدود یک الی دو متر و در افراد پیشرفته به چندین متر یا حتی کیلومتر می‌رسد. شرقيان معتقدند که هاله‌ی معنوی گواتما بودا در حدود سیصد کیلومتر وسعت داشته و علاوه بر این براساس باور آنان هاله‌ی افراد بسیار معنوی به قدری بزرگ است که می‌تواند سیاره‌ی زمین را در خود جای دهد. مسیحیان نیز چنین اعتقادی دارند، اما غالباً آین وضعیت را به حضور مطلق الهی تعبیر می‌کنند. پولس رسول می‌گوید: ما در او زندگی می‌کنیم و در او وجود داریم.

از آنچه گفته شد چنین نتیجه می‌گیریم که هاله کلیتی یک پارچه و یکتا نیست، بلکه از چندین لایه‌ی مختلف تشکیل شده که هر یک ویژگی خاص خود را دارند. تمام این لایه‌ها در مقام هاله به صورت اتمسفری در اطراف ما عمل می‌کنند و هر یک بخشی هستند از جریان‌های انرژی درونی که در بطن همه‌ی اجزاء وجودی ماجاری است. در عین حال در می‌باییم که هر مرتبه یا لایه از هاله را صرفاً می‌توان با نیل به وضعیت تشخیص یا باصره‌ی معینی مشاهده کرد. خوانندگانی که هضم مسئله‌ی کالبدهای عاطفی و ذهنی را دشوار می‌بینند، در اهداف عملی خود می‌توانند آن را نادیده بگیرند؛ زیرا همان طور که گفته شد این دو بخش از آگاهی در افراد معمولی تقریباً همیشه به طور همزمان عمل می‌کنند. با وجود این به شهادت بسیاری از روشن‌بینان، کالبدها یا مركب‌های آگاهی بادشده واقعاً وجود دارند. ولی می‌توانید آنها را نادیده گرفته، توجه خود را صرف‌آبر تابش‌های کالبد فیزیکی معطوف کنید. ماهمواره آگاهانه و تاخود آگاه در

حال ثبت این تابش‌ها و تأثیرات - که حاصل فعالیت حواس فیزیکی و غیر فیزیکی می‌باشد - هستیم. حتی در وضعیت‌هایی که آنها را ناخودآگاه می‌خوانیم، منجمله جذبه، خواب، بیماری، تصادف، مصرف مواد مخدر و غیره، هاله‌کماکان فعالاته در حال پاسخ‌گویی به تأثیرات ارسالی ذهن ناخودآگاه است و در عین حال آن بخش از هاله که کالبد اتری خوانده می‌شود ثابت‌کننده‌ی نوسانات انرژی حیات بخش بدن است.

علاوه بر این هاله‌های معماره در حال ثبت و ضبط کیفیات عاطفی و ذهنی آگاهی ما است (که باید بدین نکته توجه زیادی داشت) و این کیفیات عمومی نسبتاً ثابت بوده، تابع یک رشته عادات دراز مدت و مستمر عاطفی و ذهنی در ضمیر آگاه هستند. درنتیجه رنگ ثابت خاصی در هاله بوجود می‌آید که نسبتاً به کندی تغییر می‌کند. روش‌بینان با توجه به همین رنگ اصلی در مورد وضعیت ذهنی و عاطفی سوژه اطلاعاتی اساسی کسب می‌کنند. در بحث مربوط به تعبیر حالات مختلف هاله که واکنش‌های ذهنی و عاطفی را در حوزه‌ی انرژی مورد بررسی قرار می‌دهیم، این مسئله را بیشتر مورد نظر قرار خواهیم داد. در فصل بعدی به بررسی ساختار هاله می‌پردازیم و بدین وسیله تحدودی با وضعیت‌های مختلف هاله آشنا می‌شویم و نقش مهم این پدیده را در زندگی روزمره مورد بحث قرار می‌دهیم.

## ۱۹

## ساختمان هاله

به خاطر داشته باشید که هاله دارای دو ویژگی متفاوت است. ویژگی اول قالب یا شکل هاله است که عبارت است از ظاهر متضلع رنگی و تخم مرغ شکلی که بدن را احاطه کرده و در آن نیز نافذ است و جریان‌های انرژی مربوطه که موجب حفظ این شکل می‌شوند. این جریان‌ها را گاهی میدان یا نیروی مغناطیسی یا روانی نیز می‌خوانند و عناصر لطیف متعلق به مراتب درونی مرتب‌آ در این میدان جاری هستند.

در فصل قبلی به گروهی از تشعشعات اتری، عاطفی و ذهنی اشاره کردیم که مجموعاً کلیت هاله را می‌سازند و می‌توان آنها را به دو جزء کاملاً منفک هاله تقسیم‌بندی کرد. پیوند کالبد اتری با جسم ادمی به قدری نزدیک است که برای راحتی کار می‌توان آن را جسمی حقیقی دانست که الگوی اصلی بدن مادی ما است. از آنجاکه غلاف اتری بدن ما را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار می‌دهد،

روسی خلق می شود، کالبد اتری برای افرادی که مستعد صحیح هستند موضوعی جذاب و مفید برای نوع بشر خواهد بود. پدیده‌ی پس زدن، یعنی مکانیزمی که طی آن بدن انسان اعضاء بیگانه را دفع می‌کند، از آنجه در حال حاضر می‌نماید بسیار پیچیده‌تر و محصول عواملی غیر از عوامل بیوشیمیایی است.

به راستی با شناخت قرینه‌ی اتری و ایجاد تمھیداتی برای مشاهده‌ی نحوه عمل آن، تحقیقات علم پژوهشکی کاملاً متحول خواهند شد. شاید در چنین شرایطی بتوان از مطالعات غالباً گمراه کننده‌ای که مبنای آن علم تشریح است، صرف نظر کرد؛ چه در گذشته بارها شاهد مصایبی بوده‌ایم که داروها مسبب آن بوده‌اند. علاوه بر این عدم وابستگی به آزمایش‌های مشکوک و پژوهشگر موبهتی اخلاقی خواهد بود؛ بخصوص برای آن دسته از متخصصین علوم پژوهشکی که این‌گونه تحقیقات را به نفع بیمار، ولی روش کار را غیر اخلاقی می‌دانند.

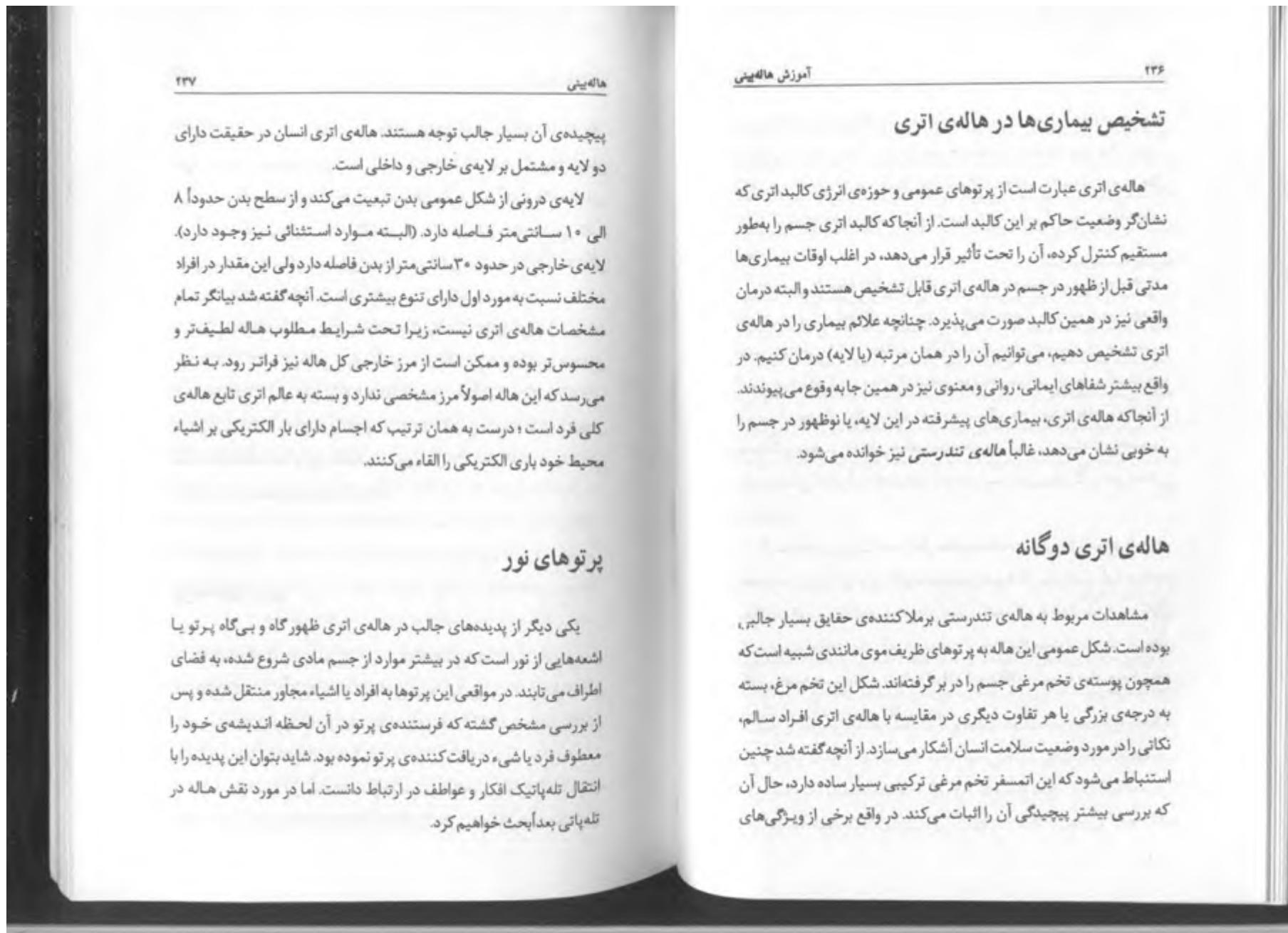
البته تردیدی نیست که در حال حاضر استفاده‌ی اپزاری از باصره‌ی اتری در تحقیقات بیولوژیکی برای اکثر متخصصین غیر قابل باور است. اما چنانچه مطالعات اتری رضایتمند و نتایج آن عملی باشد، آنان به ناچار با سایر همکاران خود همسو خواهند شد. قدر مسلم این آرزویی دراز مدت است، ولی در عصر کنونی همه چیز چنان شتاب گرفته که عاقلانه نیست برای ممکن‌ها، ناممکن‌های آینده مرزی قائل شویم.

می‌توانیم آن را جسم باطنی و بدن معمولی خود را جسم ظاهری بنامیم. این دو کالبد به وسیله‌ی بندی به یکدیگر متصلنده‌ی معمولاً ریسمان نقره‌ای خوانده می‌شود. در انجلیل نیز این ریسمان یاد شده است. یکی از اشعار زیبا که فرآیند پیری و مرگ را وصف می‌کند چنین آغاز می‌شود: هرگاه ریسمان نقره‌ای گسته شود.... .

صاحبان قابلیت روش‌بینی مدعیند که می‌توانند این ریسمان را در هنگام اختصار افراد مشاهده کنند. آنان در لحظه‌ی اختصار فرد قرینه‌ای نقره‌ای رنگ را می‌بینند که از جسم جدا می‌شود و تنها رشتهدای نقره‌ای ارتباط دو کالبد را حفظ می‌کند. تا هنگامی که این ریسمان پاره نشده باشد. هنوز احتمال به هوش آمدن فرد وجود دارد؛ اما همینکه این پیوند گستته شود، جدایی کامل می‌شود و چنین بازگشتی غیر ممکن می‌گردد. در این هنگام می‌گویند که فرد مرده است.

## قرینه‌ی اتری

در این حال، آن بخش از کالبد اتری که از لطافت کمتری برخودار است، هنوز با جسم مرده پیوند دارد. زیرا هر یک از سلول‌های جسم نیز به نوبه‌ی خود دارای حیات اتری مستقلی هستند و تالحظه‌ای که بنا به شرایط قادر به ادامه‌ی حیات نباشند، به گونه‌ای نباتی به زندگی خود ادامه خواهند داد. در رابطه با قرینه‌ی اتری مطالب زیادی وجود دارد و در این روزگار که کشت اعضاء بدن انسان و مناظر هولناکی چون استفاده از بدن مجانین برای این عمل توسط دانشمندان



پیچیده‌ی آن بسیار جالب توجه هستند. هاله‌ی اتری انسان در حقیقت دارای دو لایه و مشتمل بر لایه‌ی خارجی و داخلی است.

لایه‌ی درونی از شکل عمومی بدن تبعیت می‌کند و از سطح بدن حدوداً ۸ الی ۱۰ سانتی‌متر فاصله دارد. (البته موارد استثنائی نیز وجود دارد). لایه‌ی خارجی در حدود ۳ سانتی‌متر از بدن فاصله دارد و لی این مقدار در افراد مختلف نسبت به مورد اول دارای تنوع بیشتری است. آنچه گفته شد بیانگر تمام مشخصات هاله‌ی اتری نیست، زیرا تحت شرایط مطلوب هاله لطیفتر و محسوس‌تر بوده و ممکن است از مرز خارجی کل هاله نیز فراتر رود. به نظر می‌رسد که این هاله اصولاً مرز مشخصی ندارد و بسته به عالم اتری تابع هاله‌ی کلی فرد است؛ درست به همان ترتیب که اجسام دارای بار الکتریکی بر اشیاء محیط خود باری الکتریکی را القاء می‌کنند.

### پرتوهای نور

یکی دیگر از پدیده‌های جالب در هاله‌ی اتری ظهور گاه و بی‌گاه پرتو یا اشعه‌ای از نور است که در پیشتر موارد از جسم مادی شروع شده، به فضای اطراف می‌تابند. در مواقعی این پرتوها به افراد یا اشیاء مجاور منتقل شده و پس از بررسی مشخص گشته که فرستنده‌ی پرتو در آن لحظه اندیشه‌ی خود را معطوف فرد یا شیء دریافت کننده‌ی پرتو نموده بود. شاید بتوان این پدیده را با انتقال تله‌پاتیک افکار و عواطف در ارتباط دانست. اما در مورد نقش هاله در تله‌پاتی بعد آبحث خواهیم کرد.

### تشخیص بیماری‌ها در هاله‌ی اتری

هاله‌ی اتری عبارت است از پرتوهای عمومی و حوزه‌ی انرژی کالبد اتری که نشان‌گر وضعیت حاکم بر این کالبد است. از آنجاکه کالبد اتری جسم را بهطور مستقیم کنترل کرده، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در اغلب اوقات بیماری‌ها مدتی قبل از ظهور در جسم در هاله‌ی اتری قابل تشخیص هستند و البته درمان واقعی نیز در همین کالبد صورت می‌پذیرد. چنانچه علامت بیماری را در هاله‌ی اتری تشخیص دهیم، می‌توانیم آن را در همان مرتبه (یا لایه) درمان کنیم. در واقع بیشتر شفاهای ایمانی، روانی و معنوی نیز در همین جا به وقوع می‌باشند. از آنجاکه هاله‌ی اتری، بیماری‌های پیشرفتی در این لایه، یا نوظهور در جسم را به خوبی نشان می‌دهد، غالباً هاله‌ی تندرنستی نیز خوانده می‌شود.

### هاله‌ی اتری دوگانه

مشاهدات مربوط به هاله‌ی تندرنستی بر ملاک‌مندی حقایق بسیار جالب، بوده است. شکل عمومی این هاله به پرتوهای طریف موی مانندی شبیه است که همچون پوسته‌ی تخم مرغی جسم را در بر گرفته‌اند. شکل این تخم مرغ، بسته به درجه‌ی بزرگی یا هر تفاوت دیگری در مقایسه با هاله‌ی اتری افراد سالم، نکاتی را در مورد وضعیت سلامت انسان آشکار می‌سازد. از آنچه گفته شد چنین استنباط می‌شود که این اتصافات خم مرغی ترکیبی بسیار ساده دارد، حال آن که بررسی بیشتر پیچیدگی آن را اثبات می‌کند. در واقع برخی از ویژگی‌های

قطع کردن متواالی یکدیگر نوعی پوشش حفاظتی را در سراسر هاله ایجاد می‌کنند.

### نشت اتری

در افراد سالم پوست اتری دارای سطحی یکپارچه است ولی به دلایل عدیده این وضعیت معمولاً در حد ایده‌آل باقی مانده کمتر مشاهده می‌شود. پدیده‌ی خاصی در هاله‌ی بیشتر افراد پسر وجود دارد که با واژه‌ی زخم یا پارگی می‌توان آن را بهترین نحو وصف کرد. وجود زخم یا پارگی در پوست اتری موجب نشت اتری می‌شود. افرادی که در گذشته در پاره‌ی این گونه امور مطالعه می‌کرده‌اند، با پدیده‌ی فوق کاملاً آشنا بوده و آن را زخم کروی می‌نامیدند. گاهی فعالیت‌های پخصوصی در مدیومها موجب بروز این زخم می‌شود و به همین دلیل باطنیون قدیم به هیچ وجه تمایلی به پرورش بی‌مهابای قدرت مدیومی نداشته‌اند. در حال حاضر بسیاری از دست‌اندرکاران امور فراوانی که عاقل‌تر از اسلاف خود هستند نیز به همین نتیجه رسیده‌اند.

در هر حال باطنیون قدیم زخم کروی را خطرناک می‌دانستند و به عقیده‌ی من حق داشته‌اند. یکی از خطرناک ترین عاقب نشت هاله، از دست دادن سریع انرژی است. در این حالت فرد نگون‌بخت در طول زندگی با ضعف انرژی مفرط دست به گریبان بوده و برای انجام دادن هر کاری دچار کمبود انرژی خواهد شد و در برابر بیماری‌ها مقاومت لازم را نخواهد داشت. اگر مقدار انرژی اتری به حد پایینی برسد، متاپولیزم بدن دچار اختلال شده، تولید آنتی‌بادی که در برابر

اینک به یکی دیگر از پدیده‌های هاله می‌پردازم که معمولاً فضای تاریک خوانده می‌شود. ضخامت این لایه از یک شانزدهم تا یک چهارم اینچ در نوسان است و دقیقاً به موازات خط خارجی جسم قرار دارد. ظاهرآ تمام هاله‌ها از این مرز تاریک آغاز می‌شوند؛ اما به نظر من این لایه در واقع سطح خارجی کالبد اتری است. البته ممکن است این محدوده بخشی دیگر از هاله باشد، ولی تحقیقات انجام شده تاکنون نقش دقیق آن را مشخص نکرده‌اند.

در نهایت هاله‌ی دیگری نیز وجود دارد که با اعمال بیولوژیکی بدن و پوست مرتبط است. تمام این‌ها در اطراف جسم میدان الکترو-مغناطیسی ضعیفی تولید می‌کنند که می‌توان آن را با استفاده از ابزار حساس اندازه‌گیری کرد. با تابش نور شدید بر سطح بدن، انرژی این میدان افزایش می‌یابد. انواع پرتوهای مختلف منجمله اشعه‌ی ماوراء‌بنفش، مادون قرمز و رنگ‌های اصلی هر یک تأثیر خاصی بر این میدان پرجای می‌گذارند.

### پوسته‌ی اتری

تا اینجا هاله را آن گونه که روش‌بینان مشاهده می‌کنند یا به وسیله‌ی پرده‌های دستگاه کیلنر رویت می‌شود، به قدر کافی مورد بررسی قرار دادیم. هاله‌های داخلی و خارجی هر یک دارای پوسته‌ای خارجی هستند که در تندرستی انسان نقشی مهم ایفا می‌کنند.

با بررسی دقیق این پوسته‌ها متوجه می‌شویم که هر یک از تعداد کثیری خطوط نیروی اتری تشکیل شده‌اند که تقریباً مثل رشته‌های مو هستند و با

این نوع انرژی نه معمول و نه مطلوب است، نتیجه‌ی امر تجدید انرژی بدن با نیروهای آلوده و ناخواسته خواهد بود و همین انرژی آلوده می‌تواند شرایط ابتلاء به بیماری‌ها فراهم سازد.

## انگل‌های اتری

درست همان‌طور که اقامت در مکان‌ها یا شرایط نامطلوب موجب جذب انواع جانوران مودی منجمله ساس، کک و شبش می‌شود. اشکال ناهنجار عالم روانی که در شرایطی چون محیط‌های آلوده یا در اثر سهل‌انگاری و بی‌توجهی تجلی می‌یابند نیز به سوی انسان جذب شده، به انگل‌های اتری مبدل می‌شوند. هر کسی که دارای کمترین توانایی در روشن‌بینی باشد نیز این انگل‌ها را رویت می‌کند.

انگل‌های فوق در واقع قالب‌های ساده‌ای از جانداران ماوراء الطبیعه هستند که در جایگاه و شرایط معمول خود در اقلیم اتری نقش معینی دارند. در اقلیم یاد شده مراتب کثیری از حیات هوشمند وجود دارد و نیز مقدار متایه‌ی زباله‌های روانی در آنجا یافت می‌شود که به واسطه‌ی فرآیندهای پالاینده‌ی فعال در آن مراتب دانماً تصفیه شده و مجدداً به چرخه‌ی حیات اتری باز می‌گردد. در آن

در گیری‌های اجتماعی که در طول روز با آن دست به گیریان بوده‌اند، به شدت عصبی هستند و با اعضاء خانواده‌ی خود مشاجره و بدلخیز می‌کنند. علت عصبی بودن آنان تخلیه‌ی انرژی در محیط کار یا اجتماع است و در واقع با تحریک خشم یا اعمال قدرت بر افراد ضعیف‌تر از خود در بین جهان کمپود انرژی بر می‌آیند و این انرژی را از همسر یا فرزندان خود دریافت می‌کنند. نتیجه‌ی این کار جز افسردگی همسر و فرزندان به خاطر از دست دادن انرژی نخواهد بود. م.

بیماری‌های نقشی تدافعی دارد به طرز اسفناکی کاهش می‌یابد. بدین ترتیب فرد در برابر بیماری‌هایی از پا در می‌آید که برای همنوعان قوی و سالم او خطر چندانی در بر ندارند.

## خون آشام روانی

خروج انرژی تنها مشکل دارندگان زخم کروی محسوب نمی‌شود. نشت انرژی ممکن است به واسطه‌ی عمل خون آشام اطرافیان تشدید گردد. چنین افرادی تنها با جذب دانمی انرژی از اطرافیان قادرند مقدار انرژی خود را در حد مطلوب حفظ کنند. این عمل در اکثر موارد کاملاً ناخودآگاه است و مسلمان خون آشام روانی از شنیدن چنین خبری بسیار وحشت‌زده می‌شود. بیشتر ما هر از چندگاهی با کسانی پرخورد کرده‌ایم که صرفاً باحضور خود انرژی دیگران را تخلیه می‌کنند. این افراد غالباً جویندگان صمیمی و سرسپرده‌ی حقایق معنوی هستند، اما این واقعیت به قوت خود باقی است که هر کسی که به مدت نیم ساعت یا کمی بیشتر با آنان هم‌شیخ باشد خود را از انرژی تهی می‌بیند. از سوی دیگر کسی که انرژی را به خود جذب کرده مدعی خواهد بود که از مصاحبت با فرد دهنده لذت برده و پس از ملاقات احساس سرخوشی می‌کندا

صرف نظر از تخلیه‌ی انرژی، فرد دهنده نیز به نوبه‌ی خود به مکش انرژی خواهد پرداخت. اما به دلیل وجود زخم در هاله به جای جذب انرژی از مجرای صحیح و معمول، از هر چه دم دستش باشد انرژی خواهد گرفت! از آنجاکه منبع

۱- بارها شاهد بوده‌ایم که افراد در بازگشت به منزل، به دلیل مشکلات شفی و سایر

کسانی که به قصد افزایش هشیاری روانی چنین داروهایی را مصرف می‌کنند این است که، این کار را نکنید! مسلم‌آ در مورد داروهای توهمند باشد به این پند گوش سپرده، برای گسترش آگاهی راههای بهتری نیز وجود دارد، اما دیرتر به نتیجه می‌رسد، در عصر حاضر که دوران قهقهه‌ای فوری، طبخ فوری و بسیاری چیزهای فوری دیگر است، ظاهراً انسان به آگاهی روانی فوری نیز نیازمند است. در موارد نادری که آرایش روانی فرد از نوع خاصی باشد می‌توان این رویارا به واقعیت بدل کرد و در مدتی کوتاه به مقصود رسید، ولی این قاعده عمومیست ندارد و حتی در مواقعی که مصدق می‌باید نیز قابلیت نویافته برای بیشترین بهره‌دهی محتاج ترتیب دقیق خواهد بود.

بدن اتری انرژی خود را داشتاً از دو منبع مختلف دریافت می‌کند. ولی اگر بهر دلیلی فشار انرژی کاهش یابد یا زخم یاد شده در هاله وجود داشته باشد و موجب نشت انرژی شود، فرد نسبت به جذب انرژی دیگران عطش خواهد داشت.

### انرژی حیات بخش

گروهی از افراد انرژی مورد نیاز خود را از منابع طبیعی موجود دریافت می‌کنند و میزان این جذب انرژی چنان زیاد است که پس از تأمین انرژی مورد نیاز اندام‌های خود مقداری انرژی مازاد نیز برای شارژ هاله باقی می‌ماند و به صورت جریانی دائمی و ثابت از بدن آنان به اطراف می‌تابد. چنین افرادی را می‌توان در میان پرستاران یافت که به صرف حضور خود در محیط بیمارستان

اقليم جریان‌های عظیمی از انرژی وجود دارد که در سراسر عالم اتری رفت و آمد می‌کنند و به طرقی نامحسوس در عالم فیزیکی اثر می‌گذارند. این جریان‌ها که در شرق تاتوا<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند، با فعالیت‌های خورشیدی رابطه‌ای نزدیک دارند و به نحوی در خواص اصلی مواد یعنی قالب‌های جامد، مایع، گاز و تشتعش متجلی می‌شوند (این خواص با نظریه‌ی کیمی‌اگران در مورد چهار عنصر خاک، باد، آتش و آب تطبیق دارند).

کلید اسرار طبابت، روان‌شناسی و امور روانی در همین اقلیم اتری نهفته و هر کسی که برای پرورش و سازمان دهی آگاهی اتری خود به تعالیم دشوار مربوطه تن دهد، با حوزه‌ی تحقیق غنی و وسیعی مواجه می‌گردد که تاکنون در مقیاسی بسیار کوچک مورد اکتشاف قرار گرفته است.

### داروهای توهمند

برخی از اقدامات نابخردانه در پرورش قوای روانی و مدبومی نیز موجب ایجاد زخم کروی می‌گرددند. مصرف مقادیر زیادی از الکل نیز چنین نتیجه‌ای دارد و در بسیاری از موارد این کار موجب تخریب ذهنی و عاطفی فرد مصرف کننده می‌گردد. این امر بخصوص در مورد کسانی صادق است که از روزی عادت نسبت به مصرف برخی از داروهای توهمند مثل ال‌اس‌دی شرطی شده‌اند. غالباً اینکه در برخورد با چنین اموری تعصبات عاطفی دخیل هستند ولی منصفانه نیست که همه‌ی داروها را موجب تخریب ذهن بدانیم. اما بهترین نصیحت برای

مسئله‌ی پوسته‌ی هاله برای افرادی جالب توجه است که مایلند در مورد ارتباطات مرموز بین آگاهی و جسم و مکانیزم مغزی انسان اطلاعات بیشتری کسب کنند. بدین ترتیب کاربرد روش‌های عملی در تحقیقات روانی مشخص می‌شود؛ در حالی که به کارگیری همین روش‌ها در سطوح عاطفی و ذهنی دشواری‌های بسیاری را در پی خواهد داشت.

اما باید دانست که کالبد اتری و هاله‌ای که از آن می‌تابد به شدت تحت تأثیر افکار شخصی و افکار سایرین قرار دارند و از آنجاکه کالبد اتری کنترل کننده‌ی جسم است، می‌توان در روش‌های شفابخشی متافیزیکی نیز موقوفیت‌هایی به دست آورد.

انبوه آزمایش‌های دقیق در هیپنوتیزم، وجود پدیده‌های همزمان مثل زخم‌های مقدس (ظاهر زخم‌های مسیح در بدن برخی از قدیسین مانند فرانسیس قدیس)، موارد تأیید شده‌ی بسیاری که طی آن افراد بروی آتش راه می‌روند یا اعمال حیرت‌آور برخی از مرتأستان شرقی، و نیز پدیده‌های فیزیکی در احضار ارواح (مثل حرکت اجسام، م.). همگی نشان‌گر این نکته هستند که بدن اتری و هاله‌ی آن در تجلی فیزیکی نیروهای ماوراء‌الطبیعه نقشی اساسی دارند. البته ما اصطلاح غیر معمول را ترجیح می‌دهیم.

صرف‌نظر از مسئله‌ی بفرنج بقای روح، حداقل می‌توان گفت که در مژ بین چهان مادی و مراتب لطیفتر عالم عاطفی - ذهنی، قلمرویی امیدبخش برای تحقیقات دانش‌جویان علوم روانشناسی وجود دارد که در گذشته تا حدودی مورد غفلت واقع شده است.

موجب برانگیختن نیروی حیات در بیماران می‌گردد. افراد معمولی این پدیده را به طور مبهم درک می‌کنند و معتقدند که حضور پرستاران به بیمار قدرت می‌دهد. کسانی که خود را در همین حد وقف شفاکرده‌اند در این زمرة نیستند، زیرا آنان صرفاً انرژی مورد نیاز برای تأمین احتیاجات خود را جذب می‌کنند.

در اشاره به خون آشامان روانی گفتیم که این افراد در اغلب موارد از نتایج عمل خود بی‌خبرند. اما می‌دانیم که هم خون آشام و هم قربانی هر دو دچار کمبود انرژی هستند. در نوع خون آشام، هاله‌ای اتری به خارج کشیده می‌شود و انرژی مورد نیاز خود را ز دیگران تأمین می‌کند. در قربانیان فقدان انرژی موجب بروز نوعی خلاه می‌شود که در نتیجه هرگونه انرژی موجود در محیط را به سوی خود می‌کشد. چنین متابعی به وفور در اطراف ما وجود دارند که برخی خوب و برخی بد هستند و متأسفانه طبق قاعده‌های کلی کسی که دارای زخم کروی یا مبتلا به نشت هاله است، انرژی مازادی را نیز از جانداران پست مثل برخی از حیوانات یا از افراد منفی تو از خود مثل بچه‌های خیلی کوچک جذب می‌کند. برای تأمین انرژی مازاد منابع مناسب‌تری نیز وجود دارد، منجمله هاله‌ای اتری گیاهان زنده و بخصوص انواع خاصی از درختان.

من شخصاً در مورد این موضوع تحقیقات وسیعی به عمل آورده‌ام و برای تأمین انرژی در موقع تخلیه دستورالعمل‌های خاصی را توصیه می‌کنم. واضح است که مبتلایان به زخم هاله باید ابتدا محل نشت انرژی را تعیین کنند. متأسفانه کمتر کسی به فکر این چاره‌ی آسان می‌افتد چه رسیده‌انجام آن؛ شاید به این دلیل که کاملاً واضح و آشکار است. انرژی حیاتی منتقل شده به چنین افرادی تقریباً بلافاصله از دست می‌رود و مجدد نیاز به تجدید قوا ایجاد می‌شود.

۷۰

## مدار نیرو

در فصل قبل، برای پرهیز از احتساب کلام جزئیات مربوط به ساختار هاله را به این فصل موقول کردیم. از آنجاکه مطالب این فصل با جواب اثری در هاله ای اثری ارتباطی نزدیک دارد، عنوان مدار نیرو را برای آن برگزیدیم. قبل‌آیدیکی از اختلافات و ناهنجاری‌های هاله، یعنی زخم یا نشت اثری اشاره کردیم. در اینجا روش درمان زخم یا به عبارتی نحوه‌ی پیش‌گیری از آن را مطرح می‌کنیم. قبل از هر چیز بد نیست کمی به ماهیت اثری هاله و سرمنشاء آن پردازیم. اینک در برابر باورهای جاافتاده‌ای قرار می‌گیریم که بسیاری از جویندگان علوم باطنی، بخصوص پیروان مکتب الهی‌شناسی<sup>۱</sup> در گذشته آن را مسلم فرض کرده‌اند. تعالیم فوق نسبت به مکاتب غربی در جزئیات نسبتاً مهمی متفاوت هستند. این تفاوت‌ها از نقطه نظر خاصی مفیدند؛ زیرا وجود اختلاف نظر در

1- Theosophical school

این نظریه‌ی غربی -که به نظر من پدیده‌ی جذب انرژی در انسان را بهتر توضیح می‌دهد - معتقد به وجود نقاط خاصی در بدن انسان است که همگی در امتداد ستون فقرات قرار دارند و جریان دوگانه‌ی انرژی (خورشید-زمین) از این طریق به جسم راه می‌یابد. البته گروه اول نیز به چنین چیزی معتقد است، ولی ماهیت و تعداد این کانون‌های انرژی یا چاکراها (که شرقیان آن را چنین می‌خوانند)، در دو مکتب فوق به طرق متفاوتی تشریح می‌شود. در مقدمات آموزش الهی‌شناسی<sup>۱</sup> گفته می‌شود که تعداد هفت عدد از این چاکراها وجود دارند که عبارتند از؛ وسط فرق سر که آن را نیلوفر هزار برگ می‌خوانند، وسط دو چشم، گلو، قلب، شبکه‌ی خورشیدی، ناف و استخوان حاجی در انتهای ستون فقرات. این مراکز در مکتب غربی عبارتند از؛ بالای سر، گلو، قلب، چاکرای جنسی<sup>۲</sup> و چاکرای میان دو پا. (در هر دو مکتب، هاله از مرکز بالای سر به بیرون امتداد می‌یابد و در سیستم غربی مرکز موجود در بین پاها نیز محل امتداد هاله به سمت زمین است). همان طور که مشهود است الهی‌شناسی از هفت چاکرا سخن می‌گوید، حال آن که در مکتب غربی تنها پنج چاکرا شناسایی شده است. مکتب تاثیری شرقی طبقه‌بندی الهی‌شناسان را تأیید می‌کند با این تفاوت که چاکرای ناف را به چاکرای جنسی تبدیل کرده است.

هنگامی که در هندوستان بودم، در قالب عضو شاخه‌ی کوچکی از یکی از فرقه‌های عرفانی پیش‌رفته در رایطه با امور باطنی فعالیت می‌کردم. از نظر من پاسخ اختلاف فوق در آموزش‌های این فرقه وجود دارد. بر اساس آنچه من

<sup>۱</sup>- مکتب غرفانی که شیوه آن انجمن الهی‌شناسی است، این انجمن در سال ۱۸۷۵ در نیویورک توسط هلنا بلاروسکی و هنری الکات تأسیس شد. پیروان آن به وحدائیت و تکامل معنوی معتقدند و به واسطه‌ی تجربیات غرفانی که اساس آن مفاهیم رمزاکوه کنند می‌شوند.

میان صاحب‌نظران موجب می‌شود تا ذهن جویندگان برای یافتن روش‌ها و دیدگاه‌های نوین باز باشد. در رایطه با دانش نجوم نیز به طریق اولی در مورد پیدایش جهان بین طرف‌داران نظریه‌ی انفجار بزرگ<sup>۱</sup> و مخالفین آن که به تئوری تداوم هستی معتقدند، اختلافی آشکار وجود دارد و تلاش هر یک برای اثبات نظریه‌ی خود موجب شده که دانش پیش‌ری در مورد عالم هستی از جنبه‌هایی غیر از مسئله‌ی منشاء جهان پیش‌رفت کند.

بنابراین وجود اختلاف نظر در مکاتب فضای مناسبی را جهت تحقیقات مستقل ایجاد می‌کند و به همین دلیل اگرچه مانیز از زاویه‌ی عقاید خود باشما سخن می‌گوییم، یافته‌های دیگران را نیز مطرح خواهیم کرد تا خود به مقایسه و نتیجه‌گیری بپردازید. سپس تعدادی از مشاهدات خود را ذکر خواهیم نمود. خوانندگانی که خود به قدرت هاله‌پیشی دست یابند می‌توانند بدون نگرانی از انتظامی نتایج کار با یافته‌های روش‌بینان الهی‌شناس، یوگی‌های شرقی، احضار گنندگان، مدیوم‌ها یا حتی مشاهدات ذکر شده در این کتاب یا سایر کتب، خود به تحقیق و آزمایش در این زمینه بپردازند.

## چاکرا یا کانون انرژی

باطنیون معتقدند که کالبد اتری انرژی خود را از خورشید دریافت می‌کند و آن را به پخش‌های مختلف بدن می‌فرستد. در مکاتب غربی عقیده بر این است که بدن اتری انرژی خود را نه تنها از خورشید، بلکه از زمین نیز دریافت می‌کند.

بی انصافی متهمن گرده بود. مشکل کار در این بود که در آن کتاب بر لفظ دون پایه تأکید نکرده بود و منتقد من می‌پنداشت که من اصولاً مکتب تانترا را مورد حمله قرار داده‌ام که البته بهبیج وجه اینطور نبود. تانtra یکی از سیستم‌های فلسفی مترقی در شرق است و نمی‌توان آن را به خاطر افراط‌گری برخی از پیروان جادوی تانtra سرزنش کرد. همان‌طور که نمی‌توان کلیسای مسیحیت را به خاطر هجوگاه و بی‌گاه مراسم عشای ریانی در مراسmi موسوم به عشای ریانی سیاه<sup>۱</sup> سرزنش کرد.

### طبقه‌بندی غربی چاکراها

طبقه‌بندی غربی کاملاً مشابه الهی شناسان است با این تفاوت که مرکز بالای سر را که کانون جذب اثری قلمداد می‌شود بر مرکز بین دو ابرو مقدم می‌دانند. بدین ترتیب مرکز قلب و شبکه‌ی خورشیدی یک چاکرا و مرکز تولیدمثل و مرکز انتهای مهره‌ها را نیز یک چاکرا در نظر می‌گیرند. بنابراین تنها اختلاف بر سر مرکز ناف است که شاید وظایف دیگری داشته باشد. گاهی دیده شده که بدن اتری در ترک موقعی بدن از این چاکرا خارج می‌شود. در اینجا بحث را به پنج مرکز نامبرده در مکتب غربی محدود کردیم. اگر برخی از خوانندگان از این که عدد هفت مورد بی‌مهری قرار گرفته آزرده خاطر شده‌اند، متأسفم. اما به عقیده‌ی من مزیت عرفانی خاصی در عدد هفت وجود

<sup>۱</sup>: Block Mass - شکل گرگون شده مراسم عشای ریانی که برخی از فرقه‌های شیطان پرست آن را انجام می‌دهند. - م.

آموختم و شاهد آن بودم، در بدن اتری چنین کانون‌هایی به وفور وجود دارند و هر گروهی بعضی از آنها را پذیرفته، بقیه را نادیده می‌گیرد. اما همه‌ی این کانون‌های بخشی از یک سیستم پیچیده‌ای از مجراهای اتری هستند که اثری حیات منجمله نیروی موسوم به پرانارا دائمآ در بدن به گردش در می‌آورند. این که چرا برخی از یک چاکرا استفاده می‌کنند، در حالی که سایرین آشکارا بدان بی‌توجهند مطلبی بسیار پیچیده است و به قول استاد من بهترین کار این است که هر کسی رابطه‌ی طبیعی بین چاکراهای خود را کشف کند و سایرین را به حال خود واگذارد. طبق تحقیقاتی که من شخصاً به عمل آوردم و بنا به تأیید گزارش‌های بسیاری از مديوم‌ها این نظریه صحبت دارد و توصیه‌ی من به شما این است که نگران این اختلافات نباشید و تعالیمی را دنبال کنید که برای شخص شما مفید است.

### مکتب تانtra

گفته می‌شود که تغییر مرکز جنسی به مرکز ناف در الهی‌شناسی بیشتر به خاطر تعصب ناخودآگاه خاصی بود که دخالت امور جنسی را در این قلمرو جایز نمی‌داند. لازم به ذکر است که در برخی از شاخه‌های دون پایه‌ی تانtra و برخی از مکاتب جادوگری، عنصر جنسی به شدت مورد تأکید قرار گرفته است.

همان‌طور که می‌بینید ترکیب دون پایه را با حروف متایز چاپ کردیم. علت امر این است که در رابطه با یکی از کتاب‌های قبلی نامهای دریافت کرده بودم که نویسنده از من گلایه کرده و مرا به خاطر بی‌ارزش و پست خواندن مکتب تانtra به

می‌کشد. این انرژی‌ها از انرژی مربوط به شبکه‌ی خورشیدی کاملاً متمایز هستند. در این جا به مسئله‌ای می‌رسیم که ظاهرآ بسیاری از محققین این رشته آن را تشخیص نداده‌اند. چاکراها نه تنها به واسطه‌ی انرژی خورشیدی و سایر منابع، بلکه به وسیله‌ی تحریکات ذهنی و عاطفی نیز فعال می‌شوند. برخی از این حرکتها عبارتند از: مراسم عبادی، فیلم‌ها و نمایش‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و هر کتابی که با ایجاد تصاویری روشن در ذهن خواننده عواطف اورا تحریک کند. به نظر می‌رسد این یکی از خصایص مهم در مکانیزم هاله است و مصادیق آن در زندگی روزمره می‌توانند از آنچه در حال حاضر می‌دانیم بسیار نیرومندتر و تأثیرگذارتر باشند.

### جراحت هاله

قبل توضیح دادیم که فرآیند دریافت انرژی توسط چاکراها چگونه است، اما هنگامی که جهت‌گردش مخروط‌لها عوض شود و انرژی از سیستم خارج شود چه رخ می‌دهد؟ قبل از هر چیز باید دانست که تور محافظ روی مخروط‌ها مقدار انرژی خروجی را به طور خودکار کنترل می‌کند تا انرژی فرد به میزان خطرناکی کاهش نیابد. عمل کنترل تا زمانی به درستی صورت می‌گیرد که تور محافظ صدمه ندیده باشد؛ ولی گاهی این شبکه آسیب می‌بیند و این همان چیزی است که تحت عنوان زخم یا جراحت هاله ذکر کردیم. در پیش گرفتن برخی از تمریبات غیر عاقلانه در مدد تیشن می‌تواند موجب بروز چنین اختلالی گردد. ولی یکی از علل قطعی این جراحت مصرف دائمی مواد مخدوّت است. برخلاف

ندارد - حداقل تا جایی که به بحث ماء مربوط می‌شود - هر چند که شاید این عدد در اقلیم عددشناسی و نمادگرایی مفهوم خاصی داشته باشد. البته شاید من در این مورد اشتباہ می‌کنم که در این صورت از خوانندگان پوزش می‌طلبم. مراکز یاد شده به وضوح در امتداد ستون فقرات هستند و به واسطه‌ی مخروط‌های شیپور مانند از جنس انرژی به سطح هاله وصل می‌شوند. در این محل پوششی محافظت به شکل توری ظریف و نازک بر روی انتهای پهن مخروط قرار می‌گیرد. این مخروط‌ها دائماً در حال چرخش هستند و جهت چرخش آنها ورود یا خروج انرژی را تعیین می‌کند.

در مکتبی که من در حال حاضر با آن آشنا هستم، مرکز بالای سر دریافت کننده‌ی انرژی خورشیدی است و این انرژی چاکرای شبکه‌ی خورشیدی را به شدت فعال می‌کند. در اینجا با یکی از دشواری‌های مشاهدات خود مواجه می‌شویم. سوال اینجا است که آیا انرژی خورشیدی دریافت شده توسط شبکه‌ی خورشیدی تنها انرژی دریافتی انسان است یا صرفاً نقشی تحریک کننده دارد که موجب می‌شود مقادیر بیشتری انرژی از جریان انرژی کیهانی از طریق چاکراهای بین پاها وارد سیستم شود؟

### محرك‌های ذهنی و عاطفی

در هر حال هنگامی که شبکه‌ی خورشیدی فعال می‌شود، انرژی خود را به سایر چاکراها منتقل می‌کند. به همین منوال چاکراهای سر، گلو و مرکز تولید مثل نیز با انواع خاصی از انرژی تحریک می‌شوند که آن را از مراتب اتری چذب

این حقیقت بسته است که اعتیاد به الکل به خودی خود نوعی بیماری است و عواقب و خیمی در پی دارد، اما مکتب مورد نظر من در این‌گونه موارد دستور العمل خاصی ندارد و صرفاً اعلام می‌کند که اگر خواهان اخذ بهترین نتیجه هستید، باید بهترین شرایط رانیز فراهم کنیدا شبکه‌ی محافظتی اتری نه تنها مقدار انرژی خروجی چاکراها را کنترل می‌کند، بلکه در برابر تأثیرات خارجی که در پی نفوذ به بدن اتری هستند نیز مانع محسوب می‌شود. تا وقتی که این تور محافظ سالم باشد، احتمال آنچه که من عفونت روانی می‌نامم بسیار کم است.

### شارژ دوباره‌ی باطری‌های اتری

انرژی چاکراها می‌توانند از هاله باز تابند و چنین بازتابی معمولاً مثل پرتوهایی مه یا بر مانند یا مشهدۀ‌هایی از نور مشاهده می‌شود. آنچه کیفیت بازتاب را تعیین می‌کند، شدت اراده یا تمایلی است که در پی این عمل نهفته است. وقتی که شدت اراده زیاد باشد، قدرتی متمرکز در مدتی کوتاه آزاد می‌شود و در نتیجه فرد از انرژی تخلیه می‌شود. او در این شرایط چنان تهی شده که با برقراری نوعی خلاه و نیروی مکش درونی، از اطرافیان یا هر متبع سهل الوصولی انرژی دریافت می‌کند. در این جا با روشنی آشنا می‌شویم که چنین افرادی می‌توانند با استفاده از آن باطری اتری خود را به سرعت شارژ کنند. انرژی بهیچ وجه مختص انسان و حیوانات نیست و بسیاری از افراد نمی‌دانند که گیاهان نیز نه تنها انرژی اتری را به خود جذب می‌کنند، بلکه توسط

گفتۀ‌ی برخی از روان‌شناسان متبحر، استمرار در مصرف مواد مخدر به طور حتم به هاله صدمه می‌زند و آن را در برابر انواع تأثیرات مخرب خارجی آسیب‌پذیر می‌کند.

شاید مصرف گاه و بی‌گاه مواد مخدر تحت نظر پزشک چنین اثری نداشته باشد، اما من کاملاً با نظر دکتر آی. اف. ریگارد متفق‌می‌شوم.<sup>۱</sup> اور این زمینه مطالعه زیادی نوشته و با توجه به تجربیات شخصی او در این زمینه می‌توان وی را صاحب‌نظر دانست. او می‌گوید، اگر کسی دارای علامت روان پریش باشد تحت هیچ شرایطی نباید برای او مصرف مواد مخدر را تجویز کرد. حال که صحبت از مشکلات روانی شد باید گفت، بسیاری از کسانی که در این امور مطالعاتی دارند متفق‌القولند که کمتر کسی از نظر ذهنی از این‌گونه مشکلات روانی مصون است. با مشاهده‌ی هاله اتری افراد مختلف این امر تایید می‌شود. زیرا در این صورت لکه‌های کمرنگی مشاهده می‌شوند که هر یک از درد سر و مشکلی ذهنی و جسمی حکایت می‌کنند که در آینده‌ی نزدیک گریبان‌گیر فرد خواهد شد؛ زیرا تمام اختلالات ذهنی، عاطفی و جسمی پیش از تبلور در قالب بیماری‌های جسمی یا روانی مشهود هستند.

گشودن هاله بر انواع نیروهادرست مثل کنند پوست بدن است و خطرات هر یک مشابه دیگری است. مسلم‌آمیخت آدم عاقلی به دست خود پوست بدنش را نمی‌کند، ولی از آنجاکه کنند پوست اتری در دنک نیست بسیاری از افراد با انواع اقدامات خود همین عمل را در بعد روانی انجام می‌دهند. برخی از محققین الهی‌شناسی تباکو والکل رانیز در همین زمرة قرار می‌دهند و باید اذعان کرد که عادی شدن مصرف نوشابه‌های الکلی در جامعه‌ی بشری چشم انسان را بر روی

I- Dr. I. F. Regardie

نتیجه‌گیری می‌کنند که جریان انرژی نیز دارای ماهیتی الکتریکی است. اما این دو جریان کاملاً با هم فرق دارند و عایق لاستیکی معمولی بهمیچ وجه جریان انرژی را قطع، یا آن را مختل نمی‌کند مگر اینکه فرد خود چنین باوری داشته باشد.

پس از نشستن در وضعیتی راحت و تکیه دادن به تنہی درخت، ذهن یا به عبارتی پهتر احساسات خود را در وضعیت بخصوصی قرار دهد. در این جا احساس نقش بسیار مهمی دارد. نباید خود را در هاله‌ی درخت بیاند یشید، بلکه باید خود را در این حالت احساس کنید. این دو با یکدیگر تفاوت بسیاری دارند و این کار برای بیشتر مردم کار ساده‌ای نیست. این حالت عبارت است از احساسی از محبت همراه با تصوری ساده در مورد روح درخت. این نوعی احساس است، نه تصویر واضح ذهنی. یکی از راههای برقراری این احساس تصور هرگونه نمادی است که جوهره‌ی اصلی درخت را بهتر به شما القاء می‌کند. چنانچه صاحب قابلیت باصره‌ی اتری هستید، می‌توانید عنصر زنده و هوشمندی را تشخیص دهید که درخت در واقع تجلی و تبلور ظاهری آن محسوب می‌شود.

اینک بدون گوچکترین انقباضی و با راحتی کامل بین خود و جوهره‌ی درخت رابطه‌ای محبت‌آمیز برقرار کنید و آرام گرفته، اجازه دهید انرژی آن به شما انتقال یابد. این حالت در مدت پانزده دقیقه انرژی شمارا تجدید می‌کند. من بارها از این روش استفاده کرده‌ام و بنا به تجربه‌ی شخصی از مؤثر بودن آن مطمئنم. بسیاری از افراد که به همین شیوه متول شده‌اند نیز با من هم عقیده‌اند. اما جایگزین کردن احساس به جای اندیشه کلید اصلی موفقیت در این کار است. حتی کسانی که بهمیچ وجه به این روش اعتقاد ندارند نیز می‌توانند

هاله‌ای از انرژی مازاد بر احتیاج خود نیز احاطه شده‌اند. این هاله‌ها از لحاظ کیفیت بسیار متنوع هستند ولی برحی از آنها با انرژی اتری مختص انسان قرایت زیادی دارند و هر کسی که از انرژی حیاتی تخلیه شده باشد، می‌تواند با استفاده از این هاله به سرعت انرژی خود را جایگزین نماید.

برای این منظور درختان کاج و صنوبر از سایر درختان بهترند. در درجه‌ی دوم بلوط، راش و سیب هم می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. من این کتاب را در عمارتی بیلاقی نوشتم که در باخ آن درخت بلوط بزرگ و چند صد ساله‌ای قرار دارد. به راستی هاله‌ی چنین درختی بسیار مفید است.

در مبحث دریافت انرژی از گیاهان، باید جدا از درخت نارون پرهیز کرد، زیرا صرف‌نظر از عادت رشت این درخت در انداختن شاخه‌های خشکیده بدون خبر قبلی، هاله‌ی آن برای پسر مضر است.

حال با این فرض که درخت کاجی را برای این منظور یافته‌اید، به تمرين می‌پردازیم. بر روی زمین بشیبیشید و پشت خود را کاملاً بر تنہی درخت تکید دهید. اگر زمین مرتضوب است می‌توانید از یک زیرانداز ضد آب از جنس لاستیک یا پلاستیک استفاده کنید. در این مورد مطالب بی‌ربط زیادی نوشته شده است. برحی از افراد به این خرافه اعتقاد دارند که هر چه از جنس پلاستیک یا لاستیک پاشد، در برابر انرژی اتری بمعنوان عایق عمل می‌کند. اصلاً چنین نیست و نادرستی این مسئله بارها به اثبات رسیده است. آب بیانی که به عایق بودن لاستیک یا پلاستیک اعتقاد دارند، در عمل نیز همین امر را به اثبات می‌رسانند؛ ولی افرادی که از این باور مبترا هستند، حتی با پوشیدن کفش‌های لاستیکی نیز قادرند آب پیدا کنند. به نظر من عایق بودن این مواد در برابر جریان الکتریسیته منشاء چنین خرافاتی است و بعضی از افراد چنین

<p style="text-align: center;">۲۵۹</p> <p>هاله‌بینی</p> <p>خود را تغییر می‌دهد. هر کسی که به نوعی با مکاتب باطنی یا فلسفه‌ای ارتباط دارد، باید در هر لحظه با جهت این جریان هماهنگ باشد. این مسئله در شرق مورد بررسی و تحقیق مفصلی قرار گرفته، ولی غربیان دانش زیادی در مورد جزئیات آن ندارند؛ البته به جز برشی از گروه‌های عرفانی که به صورت مخفی فعالیت می‌کنند، روان‌شناسی مدرن و بخصوص شاخه‌ای که به روان‌شناسی عمیق موسوم است درباره این جریان انرژی و کاهش آن از یک سو و تشدید و افزایش آن از سوی دیگر گفتنی‌های بسیاری دارد.</p> <p>خاصیت و نحوه ظهور انرژی کیهانی در بدن به جهت جریان اولیه بستگی دارد. اگر این جهت از زمین به سوی بالا باشد، موجب تقویت نیروی بدن و تمام فعالیت‌های معمولی آن می‌شود. اگر از بالا به پایین باشد، جنبه‌های ذهنی غالب می‌شوند. ولی در همه حال ترکیبی از نیروی مغناطیس هر دو وضعیت را دارد. است. عامل تعیین کننده در نحوه تجلی این نیروها فقط آگاهی انسان است. اگر چه نیروهای درونی جنبه‌هایی از شخصیت ما را تحریک می‌کنند که در لحظه‌ی وقوع آن را آزار دهنده یا نامطلوب می‌دانیم، اما مسئولیت نحوه ظهور این نیروها در زندگی روزمره، بخش خودآگاه ذهن ما است.</p> <p>در واقع رشد واقعی مانیز در بطن همین آگاهی فاقد بُعد است که همواره در زمان حال قرار دارد. زیرا گذشته‌ها گذشته و آینده هنوز رخ نداده است. بنابراین تنها لبه‌ی تیز تبع اکنون در اختیار ما قرار دارد. وقتی که می‌اندیشیم، سخن می‌گوییم یا عمل می‌کنیم، حال به گذشته و آینده به حال مبدل می‌شود. شاید کلام انجیل در این مورد به یکی از بزرگ‌ترین حقایق روان‌شناسی اشاره داشته باشد: گاه پذیرش و رستگاری اکنون است.</p>	<p>آموزش هاله‌بینی</p> <p>از آن پهنه‌مند شوند؛ حتی اگر مکاتیزم این عمل را با عنصر تلقین به نفس تفسیر کنند. اگر این طور فکری می‌کنند اهمیتی ندارد، ولی به شما اطمینان می‌دهم که مسئله از تلقین محض بسیار فراتر است.</p> <h3>پرتوهای کانی‌ها</h3> <p>علاوه بر این می‌توانید با پرتوهای کانی‌ها نیز هماهنگ شوید. منظور سنگ‌ها و زمینی است که ما بر روی آن زندگی و حرکت می‌کنیم. البته جنگل مصنوعی شهرهای بزرگ معمولاً ما را از دریافت حد مطلوبی از این پرتوها محروم می‌کند. اما انسان به وسیله‌ی چاکرای اول (بین پاها) با منبع عظیم انرژی زمین و اتمسفر اتری این سیاره ارتباط برقرار می‌کند؛ درست مثل چاکرای بالای سر که به وسیله‌ی آن نیروهای مشیت کیهانی را دریافت می‌نماییم.</p> <h3>جریان حیات بخش انرژی</h3> <p>می‌توانیم دو چاکرای فوق را به دو پایانه شبیه کنیم که ما را به کیهان دو قطبی نیرو و تجلی مربوط می‌کند. بنابراین بین دو پایانه‌ی فوق جریانی متناوب برقرار است و درست مثل مدارهای الکتریکی چنانچه یکی از پایانه‌ها کاملاً به منبع تغذیه وصل نباشد، جریان مختل می‌شود.</p> <p>همان طور که گفتیم این جریان انرژی متناوب است و مدام جهت حرکت</p>
--	--

این افراد به طریق اولی در برابر تأثیرات مخربی که از آنان انرژی می‌گیرند نیز آسیب‌پذیرند. البته بنابه اصلی کلی آنان به خاطر داشتن جراحت و نشت هاله از این طریق انرژی زیادی را از دست نمی‌دهند، زیرا هرگز انرژی زیادی در اختیار ندارند.

اما با پرورش هاله به طریق درست، می‌توان آن را در برابر این واکنش‌های غیرعادی مصنون نمود و بدین ترتیب می‌توان چاکرهای اتری را به عنوان اندام‌هایی حساس در کنترل درآورد.

در این زمینه مطالب زیادی برای تحقیق روشن‌بینان وجود دارد و به نظر من این تحقیق می‌تواند نه تنها در امور روانی، بلکه در قلمرو پزشکی و فیزیک الکترونیک نیز مفید واقع شود. در گذشته با استفاده از قدرت روشن‌بینی یکی از اعضاء یک گروه تحقیقاتی، چند آزمایش جالب در مورد ماهیت جریان الکتریسیته صورت گرفته است، ولی فعالیت‌های این گروه به لطف مخالفت‌ها و واکنش‌های ذهنی اصول گرایان این رشتہ، حداقل در حال حاضر به حالت تعلیق در آمده است. اما شاید در آینده اندیشه‌مندان متحول شوند و این قبیل تحقیقات از سر گرفته شوند.

هاله‌ی اتری صرفاً محیط یا اتمسفری نیست که بینان و قالب جسم باشد. این هاله نه تنها تأثیرات خارجی را دریافت می‌کند، بلکه خود نیز می‌تواند بر محیط تأثیرگذار باشد. امواجی که از هاله‌ی اتری خارج می‌شوند، دارای تنوع زیادی هستند و از نظر قدرت و کیفیت تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. به طور معمول فردی که از لحاظ جسمی و ذهنی سالم باشد، دائمًا در وضعیت بیداری جریان ثابتی از پرتوها را از خود منعکس می‌کند و این امواج که حاوی خصایص فرد هستند، دارای پار شخصیتی مخصوص او می‌باشند. علاوه بر این

### مدار ثانویه

فعالیت مدار نیروی اصلی، مداری ثانویه را در هاله‌ی اتری به کار می‌اندازد که باید فازهای مختلفی را از خود عبور دهد. این مدار در برابر بسیاری از تأثیرات تهدید کننده‌ی خارجی حساس است؛ بخصوص قبل از رشد کامل یا پس از بوجود آمدن جراحت اتری، بدین ترتیب حساسیت یاد شده کاملاً از کنترل انسان خارج است و واکنش انسان در برابر تأثیرات خارجی به همین دلیل می‌تواند بسیار شدید و غیر منطقی باشد.

### واسطه‌های بی دفاع

در روند عمومی رشد آگاهی، شبکه یا پوسته‌ی اتری سازمان یافته‌تر شده، به تدریج هاله را در برابر اثراتی که زمانی به شدت بر آن تأثیر می‌گذاشتند حفاظت می‌کند. اما هنگامی که این روند مختل شود، انسان در برابر انواع تأثیرات خارجی بی دفاع و گشوده می‌شود. این خطر معمولاً واسطه‌های بی دفاع را تهدید می‌کند. برخی از باطنیون با کمال بی انصافی این اصطلاح را برای کسانی به کار می‌برند که از روش‌هایی غیر از روش‌های آنان استفاده می‌کنند. اما من آن را برای واسطه‌های بی دفاع به کار می‌برم. این افراد در هرگزوهی که باشند، به منزله‌ی نفرینی بر آن گروه هستند، زیرا با ناتوانی خود در ممانعت از تأثیرات ناخواسته‌ی محیطی، مثل سازی می‌مانند که هر نسیم گذرایی صدایی ناهنجار از آن بیرون می‌آورد.

گفت. آن زن مسیح را در میان انبیوه جمعیت لمس کرد و هنگامی که مسیح پرسید چه کسی مرا لمس کرد، مریدان پاسخ دادند که، انبیوه جمعیت را می‌بینی و می‌پرسی چه کسی مرا لمس کرد؟ در شرق صحنه‌ی مشابهی را دیدم که قدیسی به دهکده‌ای کوچک رفته بود و جمعیت ساکن در ده به دور او حلقه‌ی زده بودند و هر کسی سعی می‌کرد او را لمس کند.

انجیل در ادامه‌ی داستان چنین روایت می‌کند که مسیح احسان کرد خاصیتی ازاو جداشد. واژه‌ی خاصیت توسط مترجمین دربار شاه چیز به کار رفته که نسخه‌ی تأیید شده‌ای انجیل را از زبان یونانی ترجمه کردند. این کلمه معادل واژه‌ای یونانی بود که کلماتی چون دینامیک، دینامیک و دینامیت از آن مشتق شده‌اند. مفهوم اصلی این واژه نوعی انرژی فعال و نیرومند است، نه معنای معمولی کلمه‌ی خاصیت. مفهوم معمول این واژه در اصل خلوص اخلاقی و بخصوص پاکدامنی و عفت است.<sup>۱</sup>

### قدرت پاکدامنی

در این عنوان به مفهومی فراتر از معنای اصلی کلمه اشاره داریم، زیرا در اعصار باستان عقیده‌ی عموم بر این بود که پاکی در زندگی، بخصوص پاکدامنی جنسی موجب قدرتمندی فرد می‌شود. حتی معتقد بودند که حیوانات وحشی بد دختران باکره حمله نمی‌کنند همین اصل در مکاتب جادوگری قرون وسطی موجب شد که آیینه‌بین‌ها از دختران و پسران نابالغ استفاده کنند. البته از

<sup>۱</sup>- منتظر کلمه‌ی *Virtue* است که به معنی پاکدامنی، پرهیزکاری و خاصیت است. م.

فرد سالم جریانی دائمی از انرژی حیات‌بخش را از خود متساعد می‌کند، زیرا انرژی دریافتی او از محیط بیش از مقدار کافی بوده، مازاد آن را یعنی از مصرف در جریانی مستمر به بیرون می‌فرستد.

### شفای اتری

بسیاری از شفاگران این انرژی را به کار می‌گیرند و افرادی را که به هر دلیلی تخلیه شده‌اند، شارژ می‌کنند. مسلماً این انرژی درجهات مختلفی دارد و به همین دلیل شفاگران گوناگون هر یک از روش خاصی پیروی می‌کنند. در استفاده از انرژی مازاد در شفاگری نکته‌ی مهمی را باید به خاطر سپرده. هنگامی که مروج این نوع شفاگری، یعنی دکتر مسمر فرانسوی در قرن هجدهم مدعی شد که قادر است انرژی فوق را به سوی بیمارانش هدایت کند، آن را به عنوان سیال کیهانی معرفی کرد که عالم از آن انباشته است. او ادعای کرد که برای شفای جسم می‌توان این انرژی را به خود جذب کرد. در خلال جلسات شفاگری معلوم شد که اگر منیه‌تیزور یا شفاگر به نظریه‌ی سیال کیهانی معتقد باشد، و این باور را در ذهن پیورد، حتی با شفای تعداد زیادی از بیماران نیز تخلیه نمی‌شود. به عبارت دیگر چنانچه او این قدرت را از آن خود بیندارد، پس از شفای تعداد اندکی از بیماران به سرعت انرژی خود را از دست خواهد داد. حتی در صورتی که فرد کاملاً به وجود سیال کیهانی معتقد باشد نیز، با طولانی شدن بیش از حد جلسه‌ی شفاگری از انرژی تخلیه می‌شود و به ناچار باید مدتی استراحت کند. در اینجا به باد کلماتی می‌افتخیم که مسیح هنگام شفای بیماری خونریزی

نمی دانستند و صرفاً مجرایی برای عبور آن بودند. بنابراین علت تخلیه‌ی آنها چه بود؟ مسئله این جا است که اگرچه منبع انرژی شفابخش کیهانی بی‌بایان و نامحدود است، ولی چنانچه مجرای عبور این انرژی به بدن شفاگر کاملاً پاک و به قدر کفايت‌گشوده نباشد، به تدریج انرژی شخصی وی تخلیه‌ی می‌شود و در این صورت تنها راه حل - حداقل در کوتاه مدت - توقف کار تا تجدید قوای کامل خواهد بود.

شفای مغناطیسی معمولاً بدواسطه‌ی عملی انجام می‌شود که به پاس کردن موسوم است و در این حال دستان در بالای بدن بیمار قرار می‌گیرند. راه دوم دست کشیدن بر بدن بیمار است که همراه با روغن‌های شفابخش به کار می‌رود. در اینجا به بحث جالبی در باره‌ی انرژی اتری می‌پردازیم. هاله‌ی اتری نه تنها دریافت‌کننده‌ی انرژی، که هادی آن نیز هست و بدوسیله‌ی آن می‌توان انرژی موجود در محیط را به بدن دیگران یا سایر اشیاء منتقل کرد. انتقال انرژی به حیوانات و نباتات نیز برای آنها خالی از فایده نیست. قبل‌آب عمل دریافت انرژی از درخت کاج اشاره کردم؛ اما باید اضافه کنم که این عملی یک چانبه نیست. درست به همان ترتیب که ما می‌توانیم از گیاهان و درختان انرژی اتری جذب کنیم، آنها نیز در هنگام نیاز قادر به این کار هستند.

در باره‌ی تأثیرات مثبت و منفی برخی از افراد بر روی گیاهان آرمایش‌های بسیاری انجام شده است و می‌توان گفت افرادی که می‌توانند به گیاهان بیمار انرژی دهند، همان کسانی هستند که از قدیم در مورد آنان می‌گفتهند تُقَشْ شفاست. خبر نداشتن این افراد از استعداد خود کوچکترین تأثیری در کارکرد آن ندارد و حتی شاید این بی‌خبری در اغلب اوقات مفید نیز باشد، زیرا در آن مقطع ذهن خود آگاه آنان مانع نمی‌شود و ضمیر ناخودآگاه فرصتی می‌یابد تا

دیدگاه مغناطیسی یا آنچه که پاکی اتری خوانده می‌شود، در گفته‌ی اخیر حقیقتی نهفته است. علاوه بر این قدمًا معتقد بودند که مردان و زنان بالغی که دارای صفات برجسته‌ی اخلاقی و معنوی هستند نیز به سلامت از میان ارواح پلید و حیوانات وحشی عبور می‌کنند، در حالی که این موجودات آنها را کاملاً زیر نظر دارند.

یکی از بنیان‌گذاران انجمان الهی‌شناسی<sup>۱</sup> به نام هنری استیل الکات<sup>۲</sup>، در مدت اقامت خود در هندوستان بارها به شفای مغناطیسی پرداخت و انرژی خود را چنان تخلیه کرد که بنا به تجویز یکی از متخصصین شفاگری دست از کار کشید و برای مدتی به تجدید انرژی پرداخت. وی بنا به توصیه‌ی همان دوست خود برای این منظور به تکنیک درخت کاج متول شد.

## فنون شفاگری

والنتین گریترکز<sup>۳</sup> در قرن هجدهم در ایرلند در شفای مغناطیسی از روش دست کشیدن استفاده کرد و به خاطر توفیق در این کار کمک مالی اندکی نیز از دولت انگلستان دریافت نمود، یکی از کشیشان کلیسای ارتدکس شهر کرونشتات به نام پدر ژان به اندازه‌ی گریترکز خوش اقبال نبود. او در نتیجه‌ی شفاگری چنان خود را تخلیه کرد که سر انجام جان سپرد. در اینجا باید به نکته‌ای دقت کرد و آن این که هیچ یک از این دو شفاگر انرژی شفا را از آن خود

1- Theosophical Society

2- Henry Steele Alcott

3- Valentine Greatrakes

آنان از قدرت روش‌بینی من مطلع بودند، از من خواستند تا هر آنچه را که می‌بینم گزارش کنم، آنچه دیدم ابری آبی رنگ از انرژی بود که بیمار را احاطه کرده بود ولی ذره‌ای از آن به بدن او نفوذ نمی‌کرد، بلکه صرف‌آهمچون حوضچه‌ای از نور آبی او را در بر گرفته بود. خود بیمار نیز هیچ تفاوتی را در وضع خود حس نمی‌کرد.

یکی از حضار مقداری روغن شفابخش را ز جیب خود در آورد، درب توب را باز کردو با مالیدن آن به انگشت شست خود صلیبی بر روی پیشانی بیمار کشید. با این عمل، گویی قیفی بر پیشانی بیمار قرار داده باشند، نور آبی همچون محتویات وان آبی که دریچه‌ی آن را برداشته باشند شروع به سرازیر شدن در داخل قیف نمود و در مدتی کوتاه تمامی آن توسط بدن بیمار جذب شد. سپس نه تنها بیمار خود اذغان کرد که حالش بهتر شده، بلکه درخشش و هوشیاری او در عمل قابل رویت بود.

در توضیح گفته شد که روغن شارژ شده به عنوان پلی بین انرژی لطیف کیهانی و بدن و هاله‌ی اتری بیمار عمل کرده است. بدین ترتیب بود که انرژی توانست وارد هاله‌ی اتری شده و به فعالیت پردازد.

برخی از شفاگران با مغناطیسیه کردن دستمالی کتانی و فرستادن آن برای بیماران خود همین عمل را انجام می‌دهند. افراد معمولاً گمان می‌کنند که سایه‌ی یکی از حواریون بر روی چنین دستمالی افتاده است. شاید اگر کلمه‌ی سایه را با هاله عوض کنیم، تا حدودی به حقیقت نزدیک شده باشیم.

حوزه‌ی نیرویی که آن را هاله‌ی اتری می‌خوانیم، میدانی است که انرژی‌های ناشناخته‌ی بسیاری در آن فعالیت دارند. کسی که به قول معروف بازبان خود مار را از سوراخ بیرون می‌کشد، این قابلیت را مدیون کیفیت پخصوصی در هاله‌ی

مکاتیزم اتری را به کار اندازد.

اما انرژی اتری را نه تنها می‌توان به انسان، حیوانات و نباتات منتقل کرد، بلکه در مورد شارژ اشیاء بی‌جانی چون سنگ‌ها، جواهرات، روغن‌ها و غیره نیز به کار می‌آید. در این صورت اجسام و مواد فوق به عنوان نوعی باطری مغناطیسی عمل می‌کنند و در هنگام نیاز انرژی ذخیره شده خود را به جریان می‌اندازند. هنگامی که این عمل به وسیله‌ی فردی کارآمد انجام گیرد، جسمی که بدین ترتیب شارژ شده نه تنها به یک باطری تبدیل می‌شود، بلکه به قدری انرژی می‌دهد که تخلیه می‌گردد، ولی در عین حال به دلیل اتصال با انرژی کیهانی در شفاگری یا هر منظوری که به کار گرفته می‌شود، شارژ شده باقی می‌ماند. اسقف اعظم کلیسا‌ی رم در آخرین پنجه‌شنبه‌ی هر سال روغن مخصوصی را مبارک می‌کند تا در طی سال آینده مورد استفاده قرار گیرد. اما هر کسی که از اصول مغناطیسیه کردن مطلع باشد نیز می‌تواند روغن‌های شفابخش را تهیه کند.

## درمان با روغن

من شخصاً یک بار شاهد این شیوه‌ی شفاگری بوده‌ام. در ژانویه‌ی سال ۱۹۱۹، هنگامی که در اثر جراحت جنگی در بیمارستان ارتش در گلاسکو بستری بودم، در دوران تفاہت خود به جلسه‌ای دعوت شدم که قرار بود توسط عده‌ای از متافیزیسین‌ها برگزار شود. آنها ابتدا بیمار را با افکار شفابخش احاطه می‌کردند و بدین وسیله نیروی شفابخش کیهانی را فرا می‌خواندند. از آنجاکه

خود است و هوش و قابلیت او در کلام هیچ ارتباطی با این مقوله ندارد. برخی نیز همچون کاتالیزوری مخبر عمل می‌کنند و در میان اعضاء هر گروهی اختلاف و جدایی می‌اندازند؛ تفاوتی ندارد که این افراد به گفته‌های او اهمیت دهند یا نه. به همین متوال بعضی از افراد به گونه‌ای باور نکردنی در میان افراد هماهنگی و توازن ایجاد می‌کنند. و بالاخره افرادی یافته می‌شوند که استعدادی عجیب در فعال گردن توانایی‌های سایرین دارند. این امر در حرفه‌ی معلمی امتیازی محسوب می‌شود. چنان معلمی می‌تواند صرف نظر از موضوع کارش با ذهن دانش‌آموزان خود را بسطهای چنان تنگاتنگ برقرار کند که قدرت درونی آنان برانگیخته شده و پهنه‌وری کار آنها از شاگردان معلمان معمولی بسیار فراتر رود. یکی از مصادیق این قدرت در افرادی یافته می‌شود که به صرف حضور خود قابلیت‌های روانی اطرافیان را فعال می‌کنند؛ اگر چه خود معمولاً چنین قدرت‌هایی را بروز نمی‌دهند. اینان در جامعه‌ی خود افراد مفیدی هستند که حلقه‌ی تربیتی خوانده می‌شوند. ظاهراً بخشی از هاله‌ی اتری این افراد می‌تواند ارتعاشات خود را به سرعت به سایرین منتقل کند. شاید بپرسید که آیا دست کشیدن یا سایر شیوه‌های انتقال انرژی با این خاصیت هاله ارتباط تدارند؟ البته افرادی که اعتقاد دارند همه‌ی افراد با هم یکسان هستند و هیچ کس از توانایی و قدرت دیگران بی پره نیست، این مسئله را شدیداً انکار می‌کنند. در پاسخ باید گفت که جامعه‌ی آرمانی جامعه‌ای است که هر عضوی از آن دارای استعداد پخصوص و منحصر به فردی بوده و آن راجهٔ متف适用ع عام به کار گیرد.

## ۲۱

## هاله‌ی عاطفی-ذهنی

بسیاری از نویسندها و محققین علوم اسراری بر اساس سنتی پذیرفته شده بین چنین های عاطفی و ذهنی انسان مرزی مشخص قائل می‌شوند و در اشاره به ساختار درونی وی، کالبد عاطفی یا اثیری و کالبد ذهنی را به عنوان دو بخش کاملاً مجزا در نظر می‌گیرند. البته در هنگام تشریح ماشین بدن به عنوان جسمی مرده، یعنی در بررسی جسم از دیدگاه کالبد شکافی این دیدگاه قابل توجیه است. از نظر تشریح کننده دستگاه اندام‌های مختلف، اعصاب، سیستم ایمنی و گردش خون کاملاً از هم متمایزند، اگر چه اونیز در اعماق ذهن خود می‌داند که هم‌دی این‌ها در مجموع انسان زنده را می‌سازند و به گونه‌ای شگفت‌انگیز با هماهنگی کار می‌کنند و فعالیت‌های مجرد هر یک در خدمت زیستن انسان به هم می‌پیوندند.

به طریق اولی می‌توان وجوه عاطفی و ذهنی انسان و نیز کالبدها یا ابزار مورد

قالب‌هاست، ولی این ظاهر در اصل نتیجه‌ی تداخل و تقاطع خطوط نیرو است. اینرسی و پیزگی اصلی این مرتبه محسوب می‌شود. این جا اقلیم ثبات است و مواد فیزیکی به اختیار خود تغییر نمی‌کنند، مگر اینکه نیروی خارجی بر آنها وارد شود. لایه‌ی اتری طبقه‌ی فیزیکی وجه نیروی این طبقه، و ماده به شکلی که ما می‌شناسیم، وجه ظاهری آن است.

این موقعیت‌ها در طبقه‌ی عاطفی یا اثیری معکوس می‌شوند. پیزگی عنصر تشکیل دهنده‌ی این طبقه حرکت است. این عنصر سیال است و هنگامی که تحت تأثیر نیروهای مختلف قرار گیرد به هزاران شکل موقتی گوناگون تبدیل می‌شود. می‌توانیم این مرتبه را به اقلیم نور زنده تشبیه کنیم؛ نوری که می‌تواند در هر لحظه قالب یا شکلی موقتی به خود گیرد.

### نمادها

در مراتب اثیری دو علت بر پادارنده یا شکل دهنده وجود دارد. یکی از این علل همواره در حال ذوب کردن عنصر لطیف اثیری و تبدیل آن به فرم اولیه‌اش است. این عمل براساس قوانین اثیری صورت می‌گیرد و نتیجه‌ی این عمل تشکیل عنصر اولیه‌ی اثیری یا ماده‌ی بومی این مرتبه خواهد بود. روش‌بین معمولی قادر به تشخیص چنین عنصری نیست، زیرا ماهیت آن چنان از تجربیات بشری فاصله دارد که وی در ذهن خود معیاری برای مقایسه و درک آن نخواهد داشت. تنها راه انتقال ماهیت این فرم بومی به ذهن خودآگاه بشر، استفاده‌ی آگاهانه از نمادها است. به همین دلیل بسیاری از پیش‌گویان در

استفاده‌ی هر یک از این وجهه رانیز از هم متمایز دانست، ولی در بررسی انسان زنده می‌بینیم که در عمل نمی‌توان این دو شیوه‌ی ابراز وجود انسان در مرتبه‌ی فیزیکی را از یکدیگر تفکیک کرد.

### اصل کاما ماناوس

مکاتب عرفانی شرقی و غربی، هر دو بر این اصل توافق دارند. در شرق فعالیتهای عاطفی و ذهنی را زیرمجموعه‌ی کلیتی به نام کاما ماناوس می‌دانند. کاما به معنی خواسته است و ماناوس باذهن ارتباط دارد. در این مکتب فراتر از دو جنبه‌ی فوق به وجود طبقه یا مرتبه‌ی ذهن خالص قالیل هستند و آن را طبقه‌ی ماناوس می‌نامند.

در مکتب غربی همین باور در مفهوم کابالایی روآخ یا روح استدلال‌گر متجلی می‌شود. پیروان این مکتب نیز به وجود قلمرویی بالاتر معتقدند که در اصطلاح کالابایی - نیشاما یا روح برتر انسان در آن ساکن است. با این که من پیرو مکتب غربی هستم، اما قصد دارم در اینجا دو عنصر سازنده‌ی روآخ یا کاما ماناوس، یعنی عاطفه و ذهن را اندکی از یکدیگر تفکیک کنم، به عقیده‌ی من عنصر نیرو در وجه عاطفی یا اثیری بروجه ذهن تفوق دارد. در سراسر طبیعت دوگانگی بخصوصی وجود دارد که طی آن دو قلمروی نیرو و تجلی از یکدیگر جدا می‌شوند. تمام مراتب هستی از همین دو عنصر تشکیل شده‌اند، ولی نسبت این دو به یکدیگر در هر یک از مراتب با دیگری متفاوت است. بدین ترتیب می‌توان گفت که مرتبه‌ی زمینی، قلمرو شکل‌ها و

این منازل یا اقامتگاه‌های موقتی ارواح در عالم اثيری توسط افکار تولید شده‌اند و نتیجه‌ی اندیشه‌ی آگاهانه یا ناخودآگاه زندگان و درگذشتگان و نیز فعالیت‌های ذهنی موجودات غیر بشری ساکن در این جهان هستند. این موجودات بانسان هم‌زیستی دارند و اگرچه شاید مامتنوچه نباشیم، تأثیر زیادی بر ما باقی می‌گذارند.

در فرصت محدود این کتاب نمی‌توان بیش از این به جزئیات مراتب اثيری پرداخت، ولی اجالات‌دانستیم که قدرت ذهن سازنده‌ی انواع قالب‌ها است. به همان ترتیب که افکار ما در منطقه‌ی اثيری - ذهنی به قالب‌هایی شکل می‌دهند، اندیشه‌ی جمعی یا به قول امروزیان ناخودآگاه همگانی بشر نیز قالب‌هایی را در عالم اثيری می‌سازد.

بنابراین از دیدگاه روش‌بینان هاله عبارت است از فضایی رنگی و شفاف که افراد را احاطه کرده است. شعاع این هاله‌ی ثانویه و رنگ آن بر حسب رشد عاطفی و ذهنی فرد متغیر است. این رنگ آمیزی از سایه‌های تیره و کدر قهوه‌ای و خاکستری تا قرمز کم رنگ یا آبی چرک و از طیف‌های رقیق تر همین رنگ‌ها تا زرد درخشان، آبی یا بنفش متغیر است. گاهی نیز پرتوهای نور زرین خالص در آن مشاهده می‌شود که البته بسیار کمیاب است.

در این فضای شفاف اشکال گوناگونی نیز مشاهده می‌شود و احتمال اشتباه در وصف هاله از همین جانشیت می‌گیرد. غالباً تصویر موجودات انسانی نیز در هاله دیده می‌شود که لزوماً با زندگی فیزیکی فرد ارتباط ندارد و می‌تواند در نتیجه‌ی تعاس‌های بی هدف با افرادی تولید شود که بهر دلیلی در ذهن سوزه شدیداً تأثیرگذار بوده‌اند.

گفتگو از جزئی تربین بخش دریافت‌های اثيری خود نیز چاره‌ای جز استفاده از نمادها نمی‌بینند. ولی استفاده از این نمادها درک آنها مستلزم تمرین فراوانی است. بدین ترتیب طبق قاعده‌ای کلی کسانی که در این زمینه تمرین زیادی ندارند، قادر به تشخیص قالب‌های اثيری نخواهند بود، مگر در مورد نمادهای جاافتاده‌ی خاصی که در طی چندین نسل مورد توافق بشر قرار گرفته باشند. تنها در این صورت است که چنین عناصری تحت مقاومت زمینی قرار گرفته و قابل فهم می‌گردند.

### فرم حاصل از فعالیت ذهنی

دومین فرآیند شکل دهنده در مرتبه‌ی اثيری به افکار ارادی یا غیر ارادی مربوط می‌شود. بر خلاف طبقه‌ی اثيری که اقلیم نیرو است، طبقات ذهنی با قالب‌ها سروکار دارند و همین قالب‌های تولید شده در اثر فعالیت‌های ذهنی پس از انتقال به مراتب اثيری بالا‌فصله با نیروی این منطقه شارژ می‌شود. بدین ترتیب در مرتبه‌ی اثيری با تجلیات کثیری مواجه هستیم که هر یک به واسطه‌ی فعالیت‌های ذهنی و از عنصر سیال و پلاستیکی آن طبقه ساخته شده‌اند.

برخی از این فرم‌ها و تجلیات مانند امواج کوچکی که در اثر عبور نسیم از سطح دریاچه به وجود می‌آیند، موقعی هستند و برخی دیگر دوام بسیار بیشتری داشته، منظر نیمه دائمی جهان اثيری را می‌سازند. بهشت‌ها، دوزخ‌ها و برزخ‌هایی که این قدر در آثار معنوی از آنها یاد شده، همه دارای چنین ماهیتی هستند و از نظر ساکنین آنها کم و بیش دارای شرایطی مشابه زمین می‌باشند.

تشخیص با تمرین زیاد صحت بیشتری می‌باید ولی حتی در آن صورت نیز از خطای مبترا نیست.

بخش دوم هاله‌ی عاطفی - ذهنی ظاهری شفاف دارد و فاصله‌ی سطح خارجی آن با بدن در بعضی از افراد در حدود نیم متر، ولی در برخی دیگر به مراتب زیادتر است. اینک به رنگ‌های این بخش هاله می‌پردازیم.

### عدم تقابل روح و ماده

در اینجا باید بادآوری کنم که رنگ‌های رقیق و ملامیم معمولاً به اشتباه می‌بین ماهیت معنوی و رنگ‌های واضح و پر رنگ‌تر نشانگر وجوده مادی انگاشته می‌شوند. این برداشتی نادرست است. این پندار از یک نقطه نظر صحت دارد ولی تعمیم آن به شخصیت افراد کاملاً اشتباه است. چنین دیدگاهی قبل از هر چیز ماده و روح را مثل شرق و غرب در اشعار کیپلینگ منفک می‌داند. این خطای مقامات کلیسای صدر مسیحیت یا برخی از آنان بوده و در طول قرون متداول همچنان به اشکال مختلف باقی مانده است. به عقیده‌ی سیاری از روش‌بینان، روح و ماده هر یک جلوه‌ای از خالق متعال و به منزله دو قطب یک باطری کهنه‌ای هستند و شبکه‌ی هستی بین این دو قطب گسترده شده است. انرژی حیات و نفس آگاهی در این شبکه فعالیت می‌کند. در برخی از فرقه‌های این قطب‌ها را به منزله دو ستون معبد سلیمان در نظر می‌گیرند که بین آنها کاشی‌های مریع سیاه و سفید به صورت شطرنجی چیده شده‌اند. براساس این دیدگاه سلوک انسان بدین معنی است که او هرگز به طور مطلق در یکی از این دو

### خاطرات ناخودآگاه

اشکال رقیق تر و لطیفتری در هاله یافت می‌شوند که غالباً نشانه‌ی خاطرات مکتوم در اعماق ناخودآگاه هستند. گاهی نیز روش‌بین یا غیب‌گو مشخصات فردی را ذکر می‌کند و سوژه بلاقصله او را می‌شناسد. افراد در چنین شرایطی معمولاً می‌گویند، نباید پای تله پاتی در میان باشد، چون من اصلاً به او فکر نمی‌کرم. اما شاید حقیقت جز این نباشد، زیرا ممکن است قالب‌های ناخودآگاه بیدار شده‌اند. البته این توضیح شامل تمام قالب‌های مشابه نمی‌شود ولی قطعاً برای تشریح تعداد کثیری از این شواهد به اصطلاح موقت کفايت می‌کند.

گاهی اشکال یا قالب‌های فوق صرفاً تصاویری هستند که به واسطه‌ی مطالعه‌ی کتابی و آشنایی با چنین شخصیتی در آن شکل گرفته‌اند. یکی از روش‌بینان به خانمی چنین گفته بود: تصویری عجیب می‌بینم. آیا شما به ترتیبی با دریا ارتباط دارید؟ مردی را می‌بینم که دریا نورد است و احتمالاً در جنگی دریایی شرکت داشته چون فقط یک پا دارد. در اطراف او گیاهان مناطق حاره مشاهده می‌شوند و حسی تیرورند از خشونت و خون‌ریزی را دریافت می‌کنم. خانم لبخندی زد و گفت، بله او را می‌شناسم. چون اخیراً کتاب جزیره‌ی گنج اثر رابرت لوئیس استیونسون را خوانده‌ام!

حتی روش‌بینان با تجربه نیز همیشه نمی‌توانند تفاوت بین این قبیل قالب‌های فکری و اشکال مربوط به سایر منابع را از یکدیگر تشخیص دهند. این

<p style="text-align: right;">۱۷۷</p> <p><b>هالهیتی</b></p> <p>می توانیم صفات منفی معنوی را بد و نسبت دهیم. میلتون در جایی گفته که، از نظر من هیچ دلیلی برای ستایش صفات نیکویی وجود ندارد که هرگز در بوته‌ی آزمون و سوسمه‌ها قرار نگرفته‌اند. هاله‌ی چنین فردی نیز در اغلب اوقات علیرغم کمال معنوی او نشان دهنده‌ی تقاضایی بوده و حتی شاید سرکوب شخصیتی را نیز در معرض تشخیص قرار دهد.</p> <p>به همین علت، ارزیابی صحیح رتبه‌ی شخصیتی واقعی افراد صرفاً با رویت هاله امکان پذیر نیست؛ مگر این که هاله‌یین در اثر ممارست فراوان توانایی مشاهده‌ی ساختار اصلی هاله را داشته باشد و بدین ترتیب ذات حقیقی فرد را تشخیص دهد. تحت چنین شرایطی است که ویژگی‌های بنیانی شخصیتی از سایر خصوصیات قابل تفکیک می‌گردد. داستان زیر را در یکی از کتاب‌های پیشین خود نقل کرده‌ام، ولی تکرار آن در این جا ضرورت دارد. این ماجرا به اشتباهی اشاره دارد که بسیاری از مرتکب‌می‌شویم و می‌پنداریم که سرکوب کردن علام ظاهری پحران‌های عاطفی نشانگر توانایی ما در کنترل کردن آن است.</p> <p>در یکی از کالج‌های آموزش علوم اسراری، مدیر کالج روشی مخصوص داشت. قضیه‌ی از این قرار بود که هر یک دانش‌جویان با چهار کوچکی داشتند و مستقیماً مسئول آن بودند. با چهارها از پنچره‌ی سالن غذاخوری قابل رویت بودند و گاهی که دانش‌جویی از پنجره به بیرون نگاه می‌کرد چه بسا حیوانات محوطه رامی دید که در حال تخریب با چهاری او هستند. در این شرایط او بایست این ویرانگری را بروز کمترین عواطفی تماشا کند؛ حتی اگر ساعات متعددی برای با چهاره زحمت کشیده بود. (در واقع شخص مدیر برنامه را طوری ترتیب داده بود که حیوانات به با چهاری او هجوم برند).</p>	<p style="text-align: right;">۱۷۶</p> <p><b>آموزش هاله‌یتی</b></p> <p>رنگ گام نمی‌نهد.</p> <p>این امر در کیهان شخصی ما نیز منعکس شده و خود را در هاله مستجلی می‌کند. تفکیک بشریت به خوبی‌ها و بدی‌ها که در فیلم‌های غرب وحشی دیده‌ایم، ساده‌انگاری مفترضی بیش نیست. انسان معجونی از هر دو است و در هر یک از ما خیر و شر هر دو وجود دارند. مطلع تصنیفی عامیانه چنین است، در بهترین ما بدی‌ها و در بدترین ما خوبی‌های زیادی وجود دارد. و این عین حقیقت است. ما از بعضی چنبه‌ها بر ترا و از برخی جهات پست تر هستیم و بخش اعظم آرایش عاطفی - ذهنی ما مخلوطی از هر دو است. براساس میانگین فعالیت این وجود، ساختار دائمی هاله‌ی ما شکل می‌گیرد و همین آرایش کلی است که معمولاً ما را آن طور که واقعاً هستیم نشان می‌دهد. این وضعیت نسبتاً پایدار است و در طول زندگی با سرعت کمی تغییر می‌کند.</p> <p>اما گاهی نیز وجود عنصری انسان به طور ناگهانی فعال می‌شوند که این فعالیت به وسیله‌ی رنگ‌های داغ و غلیظ در هاله رخ می‌نماید. گاهی نیز وجود اخلاقی یا رهبانی ما فعال شده، با رنگ‌های ملایم‌تری ظاهر می‌شوند. ولی هر دوی این‌ها احتمالاً یا حتی قطعاً مقاطعی زودگذرند و وجود هیچ یک حجتی بر شخصیت واقعی مانیست.</p> <p style="text-align: center;"><b>ویژگی رنگ‌های ملایم و مات</b></p> <p>غالباً وجود رنگ‌های ملایم در هاله، نشانه‌ای قطعی از فقدان اراده و انگیزه‌ی عاطفی است و اگر چنین کسی را به دیده‌ی معنوی بررسی کنیم، تنها</p>
---	---

انتقال موقتی آمیز این قالب‌ها به بیرون از هاله دو شرط اساسی دارد که عبارتند از: وضوح قالب و کفايت اثری. ساختن قالب‌های واضح ذهنی معمولاً در کوتاه مدت میسر نیست و مستلزم آموزش مستمر و طولانی است؛ مگر این که فرد در چنین مهارتی دارای قابلیت ذاتی باشد که البته گاهی چنین است و در این صورت یکی از شرایط لازم فراهم شده است. حال باید قالب فوق را به گونه‌ای از اثری پرکنیم که به مسافت بعید منتقل شود.

این امر با عمل تحت نظر گرفتن افکار میسر می‌شود. منظور تمرکز مستمر عاطفی بر آن افکار است. دلیل شکست بسیاری از تجربیات مربوط به انتقال افکار نیز فقدان همین شرط است. ممکن است قالب مورد نظر با وضوح تصویر و ساخته شده باشد، ولی از آنجا که فاقد هر گونه نیروی عاطفی است، نیروی محركه‌ی لازم را برای انتقال و انعکاس به خارج از هاله در اختیار ندارد. البته همیشه این چنین نیست، زیرا برخی از شواهد نشان می‌دهند که گاهی ذهن فرد گیرنده خود به سوی ذهن فرستنده امتداد می‌باید و تصویر یا قالب مورد نظر فرستنده را قرات می‌کند.

### عقده‌های منفصل

آن دسته از قالب‌های فکری که به دلیل سرکوب و جلوگیری در هاله انباشته شده‌اند، بر شخصیت انسان عمیقاً تأثیرگذارند. تأثیرگذارتر از این دسته، قالب‌هایی هستند که دارای بار شدید عاطفی بوده و روان‌شناسان آنها را عقده‌های منفصل می‌خوانند. این عقده‌ها از چرخه‌های معمولی ذهن تراویش

خانمی که این ماجرا را تعریف می‌کرد، خود عضو این کالج بود و می‌گفت که اکنون می‌تواند با خونسردی کامل برباد وقتی زحمات خود را تماشاکند، زیرا به قول خودش موهبت حفظ ظاهر را به دست آورده است! اما مسلم‌آدر زیر نقاب خونسردی و بی‌تفاقی از شدت خشم به جوش آمده و در فکر تنبیه‌های بخصوصی است که خاطری را مستحق آن می‌داند.

آزاد کردن این احساسات از سرکوب وحشیانه‌ی آنها در اعماق ذهن بسیار بهتر است و البته شرایط مطلوب‌تر این است که به جای کنترل ظاهر، روش کنترل واکنش‌های درونی را بآموزیم. این عمل سرکوب‌گرانه به آشفتگی ذهنی می‌انجامد و در هاله خود را نشان می‌دهد.

### انتقال قالب‌های فکری

گاهی در هاله‌ی عاطفی - ذهنی اشکال و قالب‌های فراوانی یافته می‌شوند که در ذهن شکل گرفته‌اند، ولی بیشتر آنها مبهم و نامتمایز هستند. هاله‌ی عاطفی - ذهنی، مانند هاله‌ی اتری دارای غشای خارجی است که به پوسته‌ای محافظ می‌ماند؛ اگر چه تشبعات هاله‌ای از فواصل بعید نیز در آن نفوذ می‌کنند. عمل تله‌پاتی نیز به واسطه‌ی همین تشبعات صورت می‌گیرد، ولی بیشتر قالب‌های فکری تشکیل شده در هاله برای انتقال به فضای خارجی از اثری کافی برخوردار نیستند. این جرقه‌های فکری درست مثل جرقه‌های حاصل از برخورد چکش آهنگری به فلز گداخته به اطراف می‌جهند ولی بلاfacسله به مبدأ خود باز می‌گردند و هرگز از محدوده‌ای کوچک فراتر نمی‌روند.

استفاده از چند کلمه‌ی مرتبط چند حلقه‌ی آزاد به کار می‌افتد و غالباً می‌بینیم که این حلقه‌ها به سوی نقطه‌ای گاتونی جهت می‌گیرند. در نقطه‌ای از این روند ارتباط لازم با عقده‌ی فکری نیمه مستقل برقرار می‌شود و اگر این تماس بهدرستی برقرار شود، افکار و خاطرات سرکوب شده به سطح آگاهی می‌آیند و بهمراه خود بار نیرومند انرژی محبوس در خود رانیز تخلیه می‌کنند. بدین ترتیب پس از مدتی ذهن بیمار فعالیت عادی خود را از سرمی گیرد و تعادل لازم مجددأ برقرار می‌شود.

اما چنانچه با استفاده از قدرت روش بینی عقده‌ی منفصل در هاله‌ی عاطفی - ذهنی بیمار مشاهده شود، می‌توان آن را با ملایمت برای بیمار فاش کرد و بدین ترتیب از بروز احساسات پریشان کننده‌ای چلوگیری کرد که در اکثر موارد در هنگام تماس با عقده رخ می‌دهد. در این صورت یافتن علت عقده در شخصیت و از بین بردن آن نسبت به وضعیت قبلی (آزمون کلمات) با سرعت بیشتری امکان پذیر می‌شود. علاوه بر این در مواردی که ضمیر ناخودآگاه بیمار قابلیت خود را در جمل خاطرات و وقایع خیالی گذشته نشان داده است، می‌توان با این روش از حصارهای دفاعی عبور کرد و مستقیماً به منطقی خلاق ذهن دست یافت. بدین ترتیب خیالات ذهن بیمار نمی‌توانند روش‌بین را اغفال کنند.

چند سال پیش با واسطه‌ای آشنا شدم که مدعی بود می‌تواند قالبهای فکری موجود در هاله‌ی بیمارانی را تشخیص دهد که تحت روان‌کاوی قرار دارند و آن طور که خود می‌گفت، قادر بود بدون توصل به برنامه‌ی طولانی و آزار دهنده‌ی آزمون کلمات تعادل ذهنی بیماران را مجددأ برقرار کند. از آنجاکه او در آن زمان در یکی از کلینیک‌های اصول‌گرای (از دیدگاه پژوهشکی) لندن کار

می‌کنند و به تدریج نیمه مستقل می‌شوند. آنها به دلیل بار نیرومند عاطفی خود با فرآیندهای معمولی ذهنی در تقابل قرار می‌گیرند و نبرد حاصل از این برخورد موجب می‌گردد که قسمت پیشتری از انرژی در گردش فرد محبوس و غیر قابل استفاده گردد. بدین ترتیب مشکلات عدیدهای به وجود می‌آیند که عالم بالینی این نبرد پنهان هستند. برقراری ارتباط و تماس با این عقده‌های نیمه مستقل که مسدود کننده‌ی جریان ورودی انرژی هستند، از هر جهتی که در نظر گیریم حیاتی و ضروری است. روان‌شناسان امروزی برای این منظور از روشی مفید استفاده می‌کنند که اصطلاحاً آزمون کلمات مرتبط خوانده می‌شود. در این روش کلمات خاصی را به بیمار می‌گویند و از او می‌خواهند که به محض شنیدن آن اولین کلمه‌ای را که به ذهنش خطور می‌کند، بگوید. زمان استخراج این کلمه از اعماق ذهن در موارد مختلف بسیار متفاوت است. بیمار با شنیدن پرخی از کلمات تقریباً بلافصله و ازهای انعکاسی مورد نظر را می‌باید ولی در مورد بعضی از کلمات این زمان بسیار طولانی می‌شود. زمان واکنش را معمولاً به وسیله‌ی کرنومتر می‌سنجند.

اگر چه کارایی این روش به اثبات رسیده، ولی گاهی نیز مشاهده شده که نوعی سیستم حفاظتی در ناخودآگاه به کار افتاده و کلمه‌ای جانشین را به ذهن ارسال کرده است تا از هرگونه تفحص و کاوش بیشتر ممانعت کند. گاه ممکن است کلمات جانشین یا مشابه به اندازه‌ی کلمه‌ی اصلی روشگر و تعیین کننده باشند ولی گاهی ممکن است بسیار گمراه کننده باشند.

کلمه‌ی انعکاسی به عنوان سرآغاز زنگیرهای عمل می‌کند که آن را حلقه‌ی آزاد می‌نماید، زیرا بیمار باید ذهن خود را آزاد گذاشته، اجزاء دهد تا کلمه‌ی انعکاسی هر یک از زنگیرهای فکری را به اختیار خود قعال کند. گاهی با

ناخالص شده باشند. باورها و افکاری که محصول تجربه‌ی زیستن در زمین هستند، همه تا حدودی به همین ترتیب ناخالص شده‌اند؛ اگرچه شاید درجات این ناخالصی در افراد متفاوت باشد. به همین منوال باورها و افکار منسوب به مراتب برتر ذهنی و معنوی معمولاً تحت نفوذ پرتویی شفاف و پرستاره هستند که با هیچ چیزی در مراتب مادی قابل قیاس نیست. بدین ترتیب ناخالصی رنگ‌ها بوسیله‌ی طیف‌های زمینی یا درخشان شدن آنها به‌وسیله‌ی پرتو ستاره‌ای مراتب ذهنی و طبقه‌ی روح حقیقی، روشن‌بین را قادر می‌سازد تا حدودی با شخصیت واقعی فرد آشنا شود. اما شخصیت واقعی هر کس فقط هنگامی قابل شناسایی است که او در معرض آزمون‌ها و سوشه‌ها قرار گرفته باشد و در این حال روشن‌بین به مشاهدی هاله‌ی او پردازد.

هاله‌ی معنوی حقیقی، پرتوی ناقد است که بر هاله‌های اتری و عاطفی - ذهنی اثر می‌گذارد و به فراسوی آنها می‌تابد. این هاله یکی از زیباترین مناظری است که روشن‌بینان در عمر خود مشاهده کرده‌اند. در عین حال باید دانست که طبق قاعده‌ای کلی هر روشن‌بین چیزی را می‌بیند که خود نسبت بدان حساسیت دارد. در نتیجه جوان پرتو آنچه که اخیراً آن را خلعت رنگارنگ نامیده‌اند از دسترس روشن‌بینان معمولی بسیار دور است.

در باره‌ی هاله‌ی اثیری - ذهنی و قالب‌ها و نیروهای موجود در آن دانستنی‌های جذاب زیادی وجود دارد که من در محدوده‌ی کتاب فرضتی جهت اشاره به آنها را نداده‌ام ولی امیدوارم که مطالب گفته شده برای علاقمندان مفید بوده و برای افرادی که اکنون یاد را گذاشته‌اند در این زمینه به بررسی و تحقیق می‌پردازند انگیزه‌ی کافی را ایجاد کرده باشد.

می‌کرد و یکی از نخستین روان‌کاوان انگلستان بود، گفته‌ی او می‌تواند ارزشمند باشد.

## مفهوم رنگ‌ها

قبل‌اگفت که در مورد رنگ‌های نیز سخن خواهم گفت. معانی قراردادی رنگ‌ها در بسیاری از کتب ذکر شده‌اند، ولی من به تجربه دریافت‌هایم که هر کسی برداشت خاص خود را از رنگ‌ها دارد. شاید واسطه یا روشن‌بین دیگری نیز تعابیر متفاوتی از رنگ‌ها داشته باشد که در این صورت او نیز درست می‌گوید. مشکل اصلی هنگامی رخ می‌نماید که کسی تعابیر خاص خود را به دیگران تحمیل کند. البته می‌توان از الگویی یکسان پیروی کرد که در برخی از مکاتب اسراری نیز همین طور است، ولی این امر مستلزم تلاشی شدید است و تا وقتی که روشن‌بین تعابیر خود را صادق بداند می‌تواند از سیستمی جداگانه استفاده کند.

## خلوص رنگ‌ها

یکی از نکاتی که مورد توافق همه‌ی روشن‌بینان است، شفاقت و خلوص در رنگ‌ها است. منظور من رنگ‌های مات و رقیقی نیست که معمولاً نشان‌گر سرکوب یا تخلیه‌ی انرژی است. ممکن است رنگ‌های هاله تند و درخشان نیز باشند؛ آنچه اهمیت دارد این است که رنگ‌ها نباید با مخلوطی از سایر رنگ‌ها

کنید و از او بخواهید روی یک صندلی که تکیه گاه آن عمودی است بنشیند یا روی یک کاتابه دراز بکشد. سپس دست خود را از فاصله‌ی ۵ الی ۷/۵ سانتی‌متری بدن او به سوی پایین حرکت دهید. این خیلی مهم است که هرگز بدن سوژه را لمس نکنید. این کار ضرورتی ندارد و در واقع مانع هرگونه دریافتی از هاله‌ی او می‌شود. از آن جهت این جمله را با حروف ایتالیک تایپ کردم که قبل‌آبه گرات مشاهده شده که افرادی با لکیزهای غیر از تحقیق در امر هاله برخلاف آن عمل کردند.

هنگامی که دست خود را به آرامی پایین می‌برید، توجه خود را به انگشتان دست معطوف کنید و سعی کنید تغییرات حسی خود را در آن ناحیه تشخیص دهید. در این حال فاصله‌ی دستان خود را بدن سوژه از ۲۰ تا ۵ سانتی‌متر کم و زیاد کنید. شاید در ابتدای چیزی حس نکنید. علت این است که قبل‌آب هرگز بدن نحو بر سر انگشتان خود متتمرکز نشده‌اید. در حالات معمولی سایر اثرات محیطی، تأثیرات ظریف وارد شده بر سر انگشتان را تحت الشاعع قرار می‌دهند. اما زمانی فرامی‌رسد که چیزی بخصوصی را در فاصله‌ای معین از بدن سوژه حس خواهید کرد. این حس می‌تواند نوعی گرما، سرما یا رتعاش (مثل خارش) باشد. سپس سعی کنید تا فاصله‌ی دقیق دست خود با بدن سوژه را در این حالت به خاطر سپارید. حال می‌توانید برای تعیین شکل ظاهری حوزه‌ی انرژی سوژه به تجربه بپردازید. بد نیست که قبل از شروع کار تعدادی تصاویر کلی از بدن انسان از زوایایی جلو، عقب و پهلو تهیه کنید و آنها به تعداد کافی فتوکپی آماده کنید تا در هر جلسه مورد استفاده قرار دهید. این تصاویر می‌توانند برای تشخیص تفاوت شکل هاله با بدن انسان مورد پهنه‌برداری واقع شوند. مسلماً نخستین هاله‌ای که آن را تشخیص خواهید داد، هاله‌ی اتری است. بعدها هاله‌ی اثیری -

## تریبت قوای هاله بینی

برای پرورش این قابلیت راههای بسیاری وجود دارد. یکی از این راه‌ها استفاده از پرده‌ی کیلتر است که در فصول قبلی بدان اشاره شد. نام این دستگاه از مخترع آن یعنی دکتر کیلتر اخذ شده است. این وسیله مشتمل بر شبشهای دو لایه است که محلول رنگ‌های بخصوصی را در آن می‌ریزند. این محلول معمولاً دی‌سیاتین<sup>۱</sup> یا پیناکول<sup>۲</sup> است که هر یک از مشتقات قیر زغال‌سنگ هستند. چنانچه از پشت مایع رنگی فوق برای مدتی به منبع نور نگاه کنید، مکانیزم چشم‌ها اندکی تغییر می‌کند و به پرتوهای اتری حساس می‌شود. جزئیات مربوط به طرز کار این وسیله توسط سازندگان عینک هاله بینی ارائه شده است.

## قرائت هاله به وسیله‌ی حس لامسه

البته ممکن است تهیه‌ی عینک‌های فوق برای هر کسی ميسر نباشد که در این صورت به ناچار باید از روش دیگری استفاده کرد. شاید تعجب کنید ولی یکی از روش‌های هاله بینی لمس کردن است! این عمل دشوار مستلزم دقت کافی است؛ بخصوص در مراحل ابتدایی، زیرا باید سعی کنید دقیقاً از ماهیت آنچه لمس می‌کنید مطلع گردید. روش مذکور به ترتیب زیر است:

ابتدا یکی از دستان خود را که با شما هماهنگی دارد برای کمک انتخاب

1- Dycyanine

2- Pinacol

هستند و گروه دوم توسط سایرین آفریده شده‌اند. پیدایش نوع دوم قالب‌ها در هاله دلایل زیادی دارد. گاهی فرد یا افرادی باوضوح و شدت در مورد مامنی اندیشند و در این کار عواطف شدیدی را نیز اعمال می‌کنند. بدین ترتیب قالب‌های فکری فوق دارای بار عاطفی شده و برای انتقال به هاله‌ی مانزی لازم را به دست می‌آورند و علیرغم محدودیت هاله‌ی فرد سازنده، از آن عبور کرده در هاله‌ی مامستقر می‌شوند. این عمل می‌تواند کاملاً غیر عمدى و ناآگاهانه باشد و حتی به ذهن کسی خطرور نکند که در حال ارسال چنین محموله‌ای است.<sup>۱</sup> اما برخی از افراد در این زمینه اطلاعات تجربی فراوانی دارند و به خوبی به عمل خود واقنعت. افراد عاقل مرتکب این تجاوز روانی نمی‌شوند؛ زیرا نفوذ به هاله‌ی دیگران مثل شکستن حریم منزل همسایه مذموم و مستوجب کیفر است. اما هاله‌ای که ضعیفی یا دارای متأذف باشد به سهولت هر قالب فکری را که با آن برخورده کند جذب می‌نماید و چنین افرادی از نگاه روش‌بین کاملاً مستعد غفوت هاله هستند.

قالب‌های فوق همیشه مطلوب نیستند و افراد آسیب‌پذیر علاوه بر این تقدیمه نشت اثری نیز دارند.

هنگامی که این چیزها را تشخیص دهید، به تدریج خواهید داشت که اقدامات ضروری برای ترمیم جسم و هاله‌ی عاطفی - ذهنی کدامند. اگر فکر می‌کنید که با استفاده از قابلیت هاله بینی می‌توانید به دیگران کمک کنید، در این کار موفق خواهید بود. می‌گویند انسان، حیوانی اجتماعی است؛ یعنی هم‌زیستی گروهی برای مامنی طبیعی است و در چنین شرایطی امداد دیگران

۱- یکی از آثار سخرن غبیت همین است و غبیت کننده معمولاً نیت خوبی در مورد سوژه‌ی صحبت ندارد. بدین ترتیب اثری محرك یاد شده از جنس نفرت خواهد بود که پس از استثمار در هاله‌ی سوژه می‌تواند کاملاً مغترب باشد. م.

ذهنی را نیز تشخیص خواهید داد که نسبت به هاله‌ی اتری فاصله‌ی بیشتری با بدن سوژه دارد. در آن وضعیت باید دست خود را در فاصله‌ی ۳۰ سانتی‌متری بدن او قرار دهید.

اگر چه همیشه این طور نیست، ولی شاید در ابتدا تصاویری ذهنی را نیز دریافت کنید. این تصاویر نسخه‌ای نقره‌ای رنگ بدن سوژه هستند و همان پستی و بلندی‌هایی را نشان می‌دهند که شما با دست لمس می‌کنید. دیدن هاله در ذهن کاملاً عادی است. البته بسیاری از افراد چیزی نمی‌بینند ولی احساسی دقیق از هاله، ارتعاشات و سایر خصوصیات آن دریافت می‌کنند. پس اگر تصاویر بصری را ندیدید، تا امید نشوید. وقتی که به این حس اشرافی بدون تصویر اعتقاد کنید شاید صحت بیشتری داشته باشد. این حالت را در تشبيه با دیدن گریه‌ای سیاه در نیمه شب در قعر معدن زغال سنگ مقایسه کرده‌اند و اگر چه شاید به نظر مضحک باشد، ولی من براساس تجربه‌ی شخصی خود به شما اطمینان می‌دهم که نه تنها واقعاً گریه را می‌بینید، بلکه نسبت به حالت مشاهده‌ی بصری، در این وضعیت اطلاعات بیشتری نیز در باره‌ی آن کسب می‌کنید.

### تشخیص اشرافی قالب‌های فکری

گروهی دیگر از تصاویر که به صورت ذهنی مشاهده می‌شوند یا به شکل اشراف دریافت می‌گردند عبارتند از قالب‌های فکری موجود در هاله که بر دو نوعند. گروه اول قالب‌های مربوط به فعالیت‌های ذهنی و عاطفی خود سوژه

خانمی در این وضعیت اصرار می‌ورزد، احتمالاً به دنبال درد سر است؛ مگر این که خانم همسر او باشد. با توجه به آنچه تاکنون در این مورد گفته‌ام شاید مرا فردی خشکه مقدس پنهن‌دارید، ولی بیش از پنجاه سال تجربه در این مورد به من آموخته که نباید تعریضی را که خود به خود دشوار است، بیهوده دشوارتر کرد<sup>۱</sup> اینک سوژه در برابر زمینه‌ی تاریک ایستاده است، بر روی یک صندلی پنشیشید و بدون کوچک‌ترین انقباض و فشاری به او نگاه کنید. در آن واحد سمعی کنید تصویر او را از فوکوس خارج کنید و به فضای ۱۵ الی ۲۰ سانتی‌متری پشت او نگاه کنید. بدین ترتیب شکل بدن او تار می‌شود، ولی خطوط دور آن به قدر کافی واضح هستند. حقه‌ی عوض کردن فوکوس مهارتی است که آموختن آن مدتی طول می‌کشد، ولی با تمرین مستمر قابل حصول است. تکرار می‌کنم که با ملایمت و بدون فشار این کار را نجام دهید، زیرا نباید انقباض و تلاش جسمی غیر ضروری وجود داشته باشد. قابلیت هاله‌بینی هم اکنون در ضمیر ناخودآگاه شما وجود دارد و به همین دلیل بهتر است به جای واژه‌ی پرورش از کلمه‌ی شکوفایی استفاده کنیم. بیاد داشته باشید که کوچک‌ترین تلاش عمدی و آگاهانه مانع شکوفایی قابلیت خواهد شد.

پیش از آغاز تمرین بد نیست که مدتی در سکوت نشسته و به شل گردن عضلات خود پردازید. سپس با ملایمت به ضمیر ناخودآگاه خود بگویید: می‌خواهم اجازه دهم تا قابلیت بینایی باطنی‌ام شکوفا شود. البته می‌توانید از هر قالب یا واژه‌ای که خود مایلید استفاده کنید؛ مهم این است که ایده‌ی اصلی منتقل شود و جمله‌ی شما در معنا مثبت و سازنده باشد. به عنوان مثال به کار بردن فعل سمعی خواهیم کرد اشتباه است و بار مثبت چندانی ندارد.

۱- منظور نویسنده این است که تذکرات غرق بیهوده نیستند. م.

می‌تواند موجب لذت بردن از زندگی شود. ولی گاهی در افرادی که هیچ انتظار نمی‌روند، این خصیصه بروز می‌کند. رضایت خاطر حاصل از امداد دیگران احساسی از وسعت روح به انسان می‌دهد. شاید گاهی از آرمان خدمت بی‌قید و شرط منحرف شویم، ولی با تکامل بیشتر خواهیم توانست به دیگران و خود خدمت کنیم.

### رویت مستقیم هاله

یکی دیگر از راههای پرورش هاله‌بینی، دیدن است! در این جا دامی وجود دارد که باید از آن اجتناب کرد. اگر با نگاه ثابت و خیره به سوژه‌ای نگاه کنید، ماهیجه‌های چشم خسته شده و فوکوس خود را تغییر می‌دهند. در نتیجه جای تصویر منعکس شده بر روی شبکیه تغییر می‌کند. مه رنگینی که معمولاً زرد یا طلایی است در این حالت اطراف سوژه را می‌پوشاند و معمولاً افراد آن را با هاله اشتباه می‌گیرند؛ اما این تصویر صرفاً نتیجه‌ی خستگی چشم است.

بنابراین در تلاش برای مشاهده‌ی هاله نباید با تگله‌ی بی حرکت و خیره به سوژه نگاه کرد. بهترین نتیجه هنگامی به دست می‌آید که سوژه در برابر زمینه‌ای تاریک قرار داشته و ترجیحاً منبع نور در بالای سر او باشد. در ابتدای هاله‌ی اتری به صورت پرتوهایی ظرف مشاهده می‌شود که حداقل ۵ سانتی‌متر با بدن سوژه فاصله دارند. برای کسب نتیجه‌ی بهتر از سوژه بخواهید که لباس تنگ و چسبان بپوشید. بسیاری از افراد معتقدند که برای این کار بلوز کشیاف و شلوار یا مایوی شنا یهترین لباس است. البته اگر مردی متاهل برای مشاهده‌ی

## تمرین انگشتان دست

به منظور استراحت سوژه می‌توانید با انگشتان خود تمرینی را انجام دهید. دستتان را در برابر خود گرفته و انگشتان دو دست را به یکدیگر نزدیک کنید. این کار را در مقابل همان زمینه‌ی تاریک انجام دهید. اینک انجشتان را به آرامی از هم دور کنید. اگر قوایتان در مرحله‌ی شکوفایی باشد، نوارهایی از نور خاکستری را می‌بینید که از سر انگشت یک دست به سر انگشت دست دیگر امتداد می‌پابند. البته این هم ممکن است یکی از توهم‌های پاصره باشد که می‌توانید با پابین آوردن یک دست تا فاصله‌ی ۱۵ الی ۲۰ سانتی‌متری دیگری آن را متحahn کنید. خواهید دید که در این وضعیت نیز هنوز نوارها وجود دارند و لی اینک اربیب هستند. بعدها خواهید توانست نور خاکستری را از هر یک از انگشتان بتابانید و ببینید چه رخ می‌دهد. علاوه بر این می‌توانید امتحان کنید که آیا این نور از انگشتان شما به سوی انگشتان دوستان نیز امتداد می‌پابد یا نه. ابتدا دو دست راست و سپس دو دست چپ خود را آزمایش کنید. بعد به تناب دستان چپ و راستان را با دیگری امتحان کنید و تفاوت‌ها را یادداشت کنید. شاید در این میان متوجهی تأثیرات قطبی جالبی شوید. این امر می‌تواند الهام‌بخش آزمایش‌های دیگران، می‌توانید با رعایت نور پردازی و پس از آموختن تشخیص هاله‌ی دیگران، می‌توانید تأثیرات قطبی جالبی را مطلع را بفرمود. این هم می‌تواند درختان را نیز رویت نمود. هنگامی که در این کار تبحر کافی یافته‌ید می‌توانید حتی بر توهای انواع کانی‌ها را نیز مشاهده نمایید. تمام این آزمایش‌ها بسیار جالب هستند و اگر مشاهدات خود را یادداشت کنید -

شما قرار است به این قابلیت فرصت شکوفایی بدهدید. نمی‌توان مقدار این شکوفایی در هر جلسه را سنجید ولی نگران نباشید، زیرا هر گاه بدین طریق توجه خود را به ایجاد فرصت یاد شده معطوف می‌کنید، حتماً درجه‌ای از شکوفایی تحقق می‌پابد.

هر گاه در تغییر فوکوس چشم و به موازات آن در نیت مثبت یاد شده مهارت یافته‌ید، در اطراف سوژه در جستجوی دیدن باشید. معمولاً مه خاکستری شفافی که در اطراف بدن قرار دارد دیده می‌شود. در این مرحله باز هم مطمئن شوید که از نگاه خیره پرهیز می‌کنید. اگر چنین بود و شما واقعاً مه شفاف یاد شده را می‌بینید، می‌توانید به خصوصیات بازز در هاله توجه کنید. مثلًا شاید هاله‌ی فرد در قسمتی از بدن او برآمده تراز حد معمول باشد یا در نزدیکی پوست به سیاهی گرانیده باشد. پس از اتمام مشاهده با رجوع به تصاویر بدن انسان این نکات را ثبت کنید. تلاش برای نوشتن در حین مشاهده موجب قطع تصویر می‌شود. البته می‌توانید صدای خود را روی نوار ضبط کنید و با شماره‌گذاری قبلی تصویر بدن انسان از عباراتی چون برآمدگی درناحیه‌ی هفت استفاده کنید.

معمولًا هیجان حاصل از مشاهده‌ی هاله در جلسات اول، وضعیت ذهنی مطلوب را بر هم می‌زند و تصویر محظوظ شود. با تمرین بیشتر می‌آموزید که به عواطف ناخواسته اجازه ندهید تا آینه‌ی ذهن را تارکشند، زیرا این آینه تصاویر ضمیر ناخودآگاه را منعکس می‌کند.

سوژه پابدگاهی وضعیت خود را عوض کرده و به پهلو پاییستد یا دست‌های خود را بر ران‌ها بگذارد تا شما هاله‌ی متراکم‌تر فضای بین بازویان و تنہ‌ای او را مشاهده کنید.

پخصوص هنگامی که قوایتان به خوبی ثبت شد - شاید نکاتی رادر باره‌ی هاله کشف کنید که قبل از نشده‌اند. زیرا این رشته، قلمرو وسیعی برای تحقیق در اختیار قرار می‌دهد و هالمیتان معمولاً فقط در یک بخش فعالیت می‌کنند. ماهیت این فعالیت به عضویت آنها در گروه‌های مذهبی، تحقیقی یا جادویی بستگی دارد. گاهی نیز این افراد صرفاً علاقمند هستند و به تنها یابن فعالیت می‌کنند.

اگرچه در فصول قبلی به روش‌بینی و روان‌نگری پرداختیم، بد نیست اشاره کنم که تمام این‌ها تجلیات گوناگون قابلیت روانی منفردی هستند. روش‌بینی و روان‌نگری صرف‌آتبولرهای تخصیص یافته‌ی همین یک حسن روانی هستند و در عمل خواهید دید که یکی به قلمرو دیگری وارد می‌شود. البته این مسئله اهمیت چندانی ندارد؛ مگر این که شما منحصراً در یک زمینه به فعالیت پرداخته باشید.

### ضرورت شکیباتی

و بالآخره مایل به عامل زمان اشاره کنم. هیچ کس نمی‌تواند زمان شکوفایی شما را پیشگویی کند، زیرا به عوامل زیادی بستگی دارد. یکی از دوستان من پس از هفت سال تلاش به نتیجه رسید. این یکی از موارد طولانی بود ولی شما باید خود را برای شکیباتی زیاد آماده کنید؛ مگر این که قوایتان به سطح خود آگاهی نزدیک باشد. اما همیشه باید داشته باشید که پیشرفت حقیقی باید به تعادل شخصیتی بیانجامد. چه بسا داشتن حواس پنج‌گانه همراه با سلامت

عقل بسیار بهتر باشد از حس ششمی که موجب عدم تعادل در زندگی فردی و غیرقابل اعتماد بودن در زندگی اجتماعی گردد. به همین دلایل اگر برای پرورش این قابلیت یا هر قوای دیگری مصمم هستید، بهتر است ابتدا شخصیت فعلی خود را دقیقاً بررسی کنید و آمادگی خود را ارزیابی نمایید. از آنجاکه معمولاً هر کسی بدترین قاضی خویش است، بهتر است عقیده‌ی نزدیکان خود را نیز جویا شوید. منظور این نیست که باید صرفاً کسانی را به عنوان قاضی برگزینید که با آنان رابطه‌ای دوستانه دارید. افرادی که از شما دل خوشی ندارند نیز می‌توانند چیزهای زیادی به شما پیامورزند؛ مشروط به این که از ابراز حقیقت رو در روی شما هراسی نداشته باشند. شاید قضاؤت چنین افرادی همیشه درست نباشد، چه آنان در شرایطی نیستند که با جزئیات زندگی شما آشنا باشند. امادر مجموع خواهید دید که انتقاد برای شما ارزشمندتر است تا ارزیابی ملاحظت‌آمیز دوستان ادر هر حال توانایی شما در رویارویی با انتقاد مخالفین بدون این که واکنش عاطفی تأثیرگذاری نشان دهد، همیشه تمرين ذهنی و اخلاقی مناسبی محسوب می‌شود.

به یاد داشته باشید که آنچه در پی نقد آن هستید، معبد نیمه‌کاره‌ی شخصیت شماست. هر نقصی که اکنون در ساختن آن داشته باشید می‌تواند در آینده و تحت فشارهای بیشتر معبد شما را به خطر اندازد. بنابراین خردمند واقعی کسی است که به تذکرات مستقیدین در مورد تقاضی و کمبودهای شخصیتی خود توجه کند و سپس با نگاهی بی‌طرفانه آینده‌ی این اشکالات رادر خود مجسم کند. شاید از دیدگاه خاصی این تأکیدها خردگیری بیش از حد باشند، ولی از راویدای دیگر می‌توان آنها را نکاتی دانست که در شخصیت وجود دارند و باید پیش از برپایی قسمتی دیگر از معبد وجود به آنها رسیدگی کرد.

بعضی از افراد می‌گویند که روش‌بین خوب هرگز به دوران افول نمی‌رسد و کسانی را که به چنین انحرافاتی تن می‌دهند، به دیده‌ی حقارت می‌نگرند.

اما من پس از سال‌ها تجربه به این نتیجه رسیده‌ام که استثنایی در کار نیست. شاید روش‌بین خوب کمتر مستعد چنین چیزی باشد، ولی تردید ندارم که گاهی حتی برای او نیز دروازه‌های پهشت پسته می‌شوند و قوانین بی‌ثمر می‌گرددند.

اگر از وسوسه‌ی نمایش قوای روانی برای دریافت پول رهابشید، از مشکلات فراوانی که در غیر این صورت به سراغتان خواهد آمد نیز رهاخواهید بود. علاوه بر این در چنین وضعیتی می‌توانید آزادانه عقاید خود را در باره‌ی امور روانی و فراوانی اعلام کنید بدون اینکه از رنجیده خاطر شدن کسانی واهمه داشته باشید که امور مالی شما به خیرخواهی آنها بستگی دارد.

بدین ترتیب پرورش قوای روانی معمولاً تحت لوای تشکیلاتی مذهبی بوده و دارندگان این قوا همیشه مجبور بوده‌اند از قوای خود برای اثبات حقانیت تشکیلات فوق استفاده کنند. این کار همیشه درست نیست چون دین یکی از جنبه‌های زندگی است که احساسات در آن دخالت دارد و این طور نیست که هر چه به واسطه‌ی حواس روانی تشخیص داده شد با احکام مذهبی سازگار باشد. این که آیا واسطه در مشاهدات خود اشتباه می‌کند یا نه - که همیشه احتمال می‌رود - یا احکام شرع محتاج شرح و سبط یا تفسیر تازه است یا آیا اختلاف از هر دو طرف نشئات می‌گیرد یا خیر تفاوتی ندارد، زیرا در هر حال نتیجه‌ی امر گرفتاری واسطه‌ای است که یافته‌های او با اعتقادات تعالیم دینی مورد نظر سازگار نیست. به همین دلیل به عقیده‌ی من باید این گونه مسائل را با بی‌طرفی بررسی کرد و نباید آنها را در راه توجیه هیچ مرام و فرقه‌ای به کار برد.

## حفظ فروتنی

ممکن است در این قبيل امور به گونه‌ای دیگر نیز گمراه شوید. پس از شکوفایی قوای فراوانی ممکن است با تساهل در اهمیت خود اغراق کرده، تصور کنید باید از این به بعد به شما لقب هاتف بزرگ بدهند. این وسوسه‌ای فraigir است و احتمالاً دوستان بی‌خردی که شما را بر سکو قرار می‌دهند تااز آنجا پیام خدایان را اعلام کنید به این وسوسه دامن می‌زنند. در قصول قبلی نیز به این مسئله اشاره کردیم؛ زیرا این یکی از معمول ترین مشکلات در زمینه‌ی پرورش قوای فراوانی است و می‌تواند در در سرهای ناگفته‌ی فراوانی به بار آورد.

به دلیل نوسانات طبیعی حواس روانی، زمانی فرا می‌رسد که دیگر قادر به جواب‌گوئی مشتاقان نخواهید بود و اگر با صداقت پیذیرید که قابل‌ قادر به پاسخ‌گوئی درخواست‌های دیگران نیستید، حتماً تعجب خواهید کرد که آنان با چه سرعت بی‌شرمانه‌ای شما را از کرسی به زیر می‌کشند و برای یافتن جانشین شما به جستجو می‌پردازند!

پس در تمام احوال همیشه بهترین کار این است که در ادعای خود فروتن باشید. آن دسته از اطرافیان شما که واقعاً منصف و صمیمی هستند، ناتوانی گاه و بی‌گاه شما را پیراهن عثمان نمی‌کنند و به شما خرد نخواهند گرفت، زیرا شما در مورد خود و استعداداتان گرافه‌گویی نکردید.

به همین علت و برخی علل دیگر مدارس علوم اسراری معمولاً مریدان خود را از استفاده‌ی قوای روانی در راه مادیات بوحذر می‌دارند. استفاده‌ی مالی از قوای روانی پسیار وسوسه آفرین است و مهم‌ترین این وسوسه‌ها عبارت است از تمایل به کلاهبرداری و شیادی که در دوران افول قواگریبان گیر فرد می‌شود.

